

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نہرویندلم در اردو

مؤلف: رسول خان امین

سال: ۱۴۰۰ خورشیدی

سرشناسنامه:	امین، رسول خان (۱۴۰۰)
مشخصات نشر:	کابل، انتشارات زرگام
خصوصیات ظاهری:	۳۳ صفحه
BBN:	(۳) بخش و (۹) فصل
موضوع:	هنرگویندگی در رادیو.



مشخصات کتاب
هنرگویندگی در رادیو

○ مؤلفان:	رسول خان امین
○ ویراستار:	استاد مژگان ژاله
○ ناشر:	انتشارات زرگام
○ صفحه‌آرا:	اکرام الدین سعیدی
○ طراحی جلد:	اکرام الدین سعیدی
○ چاپ اول:	ثور ۱۴۰۰ خورشیدی
○ تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
○ قیمت:	(۳۰۰) افغانی

انتشارات زرگام این اثر را با قرارداد رسمی دایمی از جانب مؤلفان؛ به طور دایمی چاپ، نشر و فروش می‌نماید. کلیه حق چاپ و ترجمه برای مؤسسه انتشارات زرگام، محفوظ است!

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا کاپی یا تکثیر یا تجدید نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

(الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ
خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ)

(سوره رحمن آیات ۱-۴)

«خداوند مهربان، قرآن را یاد داد،

انسان را آفرید و به او سخن گفتن

آموخت.»

سوره الرحمن آیات اول الی چهارم

و به نستعین

به نام خداوندی که ستایش جز او را نیست و اندیشه بشری هرگز به ژرفای عظمتش راه نخواهد یافت. خداوندی که مبداء علم است و معرفت و به انسان آنچه را که نمی‌دانست آموخت.

به نام خدایی که جان آفرید

سخن گفتن اندر زبان آفرید

سخن ناشر

خداوند بزرگ (ج) را بنهایت سپاس‌گزاریم که انتشارات زرگام را توفیق داد کتاب «هنر گویندگی در رادیو» اثر استاد حاجی رسول خان امین را چاپ کند. انتشارات زرگام از آغاز تأسیس تا حال کتاب‌های متعدد در رشته‌های مختلف را به خواستاران علم و فرهنگ کشور پیشکش کرده است و اینک با تصحیح و ویرایش دقیق، کتاب حاضر را به نشر می‌رساند. هدف انتشارات زرگام این است که با استمداد از عنایت خداوند (ج) و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و پژوهش‌های لازم بپردازد؛ و در هرکدام از رشته‌های علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

انتشارات زرگام در نظر می‌گیرد؛

اثر، مفید و مؤثر باشد؛

اثر، ارزشمندی در ابعاد فرهنگی و علمی داشته باشد؛

اثر، علمی نگارش شده باشد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این مؤسسه نشراتی را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی افغانستان یاری دهند و آرزو داریم که همچنان توفیق خدمت دوامدار و شایسته را در عرصه‌ی چاپ و نشر داشته باشیم. انتشارات زرگام در خدمت فرهنگیان کشور قرار دارد.

با احترام
شیرولی نوری
مدیر مسؤول انتشارات زرگام

اهدا

- به پدر و مادر مهربانم که اگر نبودند شاید این کتاب هم نبود و با صبوری و حمایت‌های مادی و معنوی‌شان، برایم پشتوانه محکمی شدند تا بتوانم با دقت کامل این کتاب را بنویسم؛ و خانواده‌ی عزیزم (خانواده‌ی امین) که آیین درست زیستن را به من آموختند تا رشد کنم و برای زندگی خودم و دیگران مفید و مؤثر واقع شوم.
- به هیئت رهبری و اعضای محترم قوم مرحوم سید محمدمین ده‌یخی، به‌ویژه رییس محترم قوم امین، جناب سید فریدالله سادات که همواره مشوق بنده بوده‌اند.
- به تمام ژورنالیست‌های عزیز افغانستان.
- به تمام دانشجویان دانش‌کرده‌های خبرنگاری در سرتاسر افغانستان عزیز و علی‌الخصوص دانشجویانم در کانون خبرنگاری خورشید که می‌خواهند تا در عرصه تحصیل ممتاز و موفق باشند.

سپاس‌گزاری

دوستان عزیز، همیشه عادت دارم، در کتاب‌هایم از عزیزانی که در نگارش، تصحیح و جمع‌آوری مواد برای اثرهایم به من کمک کرده‌اند، تشکر و سپاس‌گزاری کنم تا خوانندگان از اهمیت نقش آن‌ها آگاه شوند؛ بنابراین، جا دارد تقدیر کنم از: از خانواده‌ی عزیزم، به‌ویژه دو فرشته‌ی مهربان و بزرگ‌ترین معلمان زندگی‌ام پدر و مادرم که مانند همکارانی مهربان تا جایی که توانستند مشغله‌های کاری و فکری من را کم کردند تا بتوانیم با خیالی

آسوده‌تر این کتاب را بنویسیم و اگر لطف آن‌ها نبود شاید نوشتن این کتاب مدت‌ها به طول می‌انجامید.

در ادامه نام برخی از این بزرگواران جهت تقدیر و ارج نهادن به زحمات‌های‌شان ذکر می‌گردد:

(جناب آقای رحمت‌الله بیگانه رییس رادیو-تلویزیون معارف) که با دل‌سوزی‌های فراوان، مهم‌ترین و بیش‌ترین نقش را در شکل‌گیری و نگارش این کتاب بر عهده داشته است و از صمیم قلب از جناب‌شان ممنونم.
(پوهنوال دوکتور عبدالعظیم نوربخش) استاد بزرگوارم که همیشه راهنما و مشوق خوبی در راستای تحقیق و کسب دانش همراه بوده‌اند.

(داکتر صاحب میلاد امیری) برادر عزیز و همکار خستگی‌ناپذیرم که در تمام مراحل این کتاب همراه بود و البته غلط‌های نوشتاری من را تصحیح کرد.
(پوهنمل دکتور فرید احمد منیب) استاد گرامی‌ام که در نگارش علمی ما را کمک نموده و برای کتاب تقریظ هم نوشتند.

(استاد مزگان ژاله رییس دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه تابش) که در قسمت ویرایش کتاب با ما همکاری شایان‌ ذکر نموده‌اند. با وجود این‌که درگیری‌ها و مصروفیت‌شان خیلی زیاد بود؛ ولی لطف نموده خیلی با بنده همکاری نمودند.

(سید جعفر راستین) رییس نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان که در قسمت فهرست رادیوهای تمدیدشده با بنده همکاری نمودند.

(جناب سید نظیم سعیدی) نویسنده‌ی کتاب مدیریت رسانه‌های تصویری و سخنگوی وزارت اقوام، قبایل و سرحدات. مشوق همیشگی بنده و تشویق جناب سعیدی صاحب باعث نوشتن این کتاب شد.

(عبدالله جان سعید؛ مسوول فروش انتشارات سعید، بزرگ‌ترین مرکز نشر و پخش کتاب در افغانستان) همکار عزیز، دوست و برادر گرامی‌ام که در قسمت تهیه منابع کتاب با من واقعاً زیاد همکاری نمودند.

(دانشجویان عزیزمان خواهران و برادرانی که در حروف‌چینی، تایپ و ویرایش کتاب با ما همکاری نمودند. هر یک؛)

• حسین علی نعمان، دانشجوی سال سوم دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه کابل.

• رعنا مرادی، دانشجوی سال سوم دانشکده‌ی روان‌شناسی دانشگاه کابل.

• مریم حلیمی، دانشجوی سال سوم دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه کابل.

• مصطفی یزدان‌پرست، دانشجوی سال سوم دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه کابل.

(استادان محترم کانون خبرنگاری خورشید هر یک استاد بختیار بشار، استاد شاپور فرهنگد و استاد نظیر یوسف) که در قسمت ویرایش کتاب با بنده همکاری نموده و همچنین استادان محترم مشاوران خوبی در قسمت تدوین کتابم بودند.

(گویندگان جوان و تازه‌نفس رادیو معارف) هر یک فتح‌العظیم فرهاد و مسعوده حمیدی و همکاران همیشگی‌مان در رادیو که با شریک ساختن دیدگاه‌های خوبشان بنده را یاری نمودند.

(استادان دانشکده ژورنالیزم دانشگاه کابل هر یک پوهنوال محمد وحید غروال و پوهنیار عبدالقهارخان جواد) بارها با پیشنهادهای و نظریات نیکشان در انگیزه و نوشتن این کتاب با بنده همگام بودند.

(اکرام الدین سعیدی) برادر گرامی‌مان که در صفحه‌آرایی و دیزاین پشتی کتاب با بنده همکار بود.

(مدیر مسؤول انتشارات زنگام شیرولی نوری) که در سریع‌ترین زمان ممکن کتاب را چاپ کردند و پیکیری‌های لازم را برای انتشار کتاب انجام دادند و به آراستگی و زیبایی هرچه‌تمام‌تر، این کتاب را به طبع رساندند.

پیش‌گفتار

به‌نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

به‌نام خدایی که سزاوار توصیف است و درود بر روان پاک ناچسب و مریی بشریت فصیح و بلیغ‌ترین پیامبران، حضرت محمد مصطفی (ص). از آن‌جایی که خداوند (ج) انسان را اشرف مخلوقات آفریده و عقل را به انسان نعمت گردانیده مسئولیت‌های خطیر و بزرگی را برای انسان تعیین کرد. به خاطر راه یاب شدن و دانش مسئولیت‌ها و انجام کار نیکو و آموختن علم را تأکید کرد تا این‌که به‌وسیله علم بتوانند تاریکی را از روشنی، ظلمت را از عدالت به‌طور درست تفکیک و تشخیص نمایند و سپاس ایزد منان را که به‌من توفیق و عنایت فرمود تا تحقیق خویش را تحت عنوان «هنر گویندگی در رادیو» به‌رهنمایی استادان ورجاوند و دوستان مهربانم که در سپاس‌نامه از بزرگواران نامبرده‌ام و همکاری بی‌شایسته‌شان به‌پایان ببرم.

یکی از قالب‌های ژورنالیستی که چگونگی وضعیت اجتماع را به شیوه‌های گویندگی پیشکش می‌کند، انانسر (گوینده) است که با انگشت‌گذاری بالای موضوعات مهم و به‌دردبخور جامعه می‌پردازد؛ و هم‌چنان‌او بازتاب‌دهنده‌ی واقعیت‌های اجتماعی است؛ و ما را در طرز کاربرد آن در موارد مختلف کمک می‌کند تا نکته‌های ارزش‌مند آن را بشناسیم. آنچه که در این امر مهم است و آن را عطف توجه ما قرار داده است. همکاری و رهنمایی استادان محترم است. راه جست‌وجو و تکاپو را برای ما دانش‌پژوهان نشان داند تا بتوانیم از آن بهره‌مند شویم و قطره‌ای از آن را در اندوخته‌های علمی

و دانشی خود افزود کنیم، می‌خواهم بگویم چیزی که در هنگام آموختن دانش مهم و ضروری است، سر زدن به موضوعات مختلف است که سطح آگاهی دانش‌پژوه را بالا می‌برد و از لغزش‌های زبانی او جلوگیری می‌کند. با آن‌هم دانستن چیزی به‌نام هنر گویندگی برای یک ژورنالیست موضوع مهم و ارزشمند است.

من در این کتاب کوچک نهایت تلاشم را کرده‌ام که آموخته‌ها و تجربه‌های خودم را که از چند سال بدین سو در کانون خبرنگاری عملی خورشید، دانشگاه کابل و سایر مؤسسه‌های تحصیلی و تعلیمی تدریس نمودم و هم‌چنان افتخار همکاری در رادیوهای آموزگار و معارف و تلویزیون‌ها و چندین رسانه‌ی صوتی و تصویری در افغانستان در بخش‌های مختلف (از گویندگی تا گرداندگی و تهیه برنامه‌ها) داشته‌ام؛ به‌صورت خیلی واضح و کاربردی بیان کنم تا شما دانشجویان عزیز بتوانید بعد از مطالعه‌ی کتاب به «هنر گویندگی در رادیو» دست‌یابید. فراموش نکنید که با تمرین، پشت‌کار و صبر، تبدیل به چیزی خواهید شد که می‌خواهید.

دوستان عزیز، از آن‌جایی که هیچ نوشته‌ای به‌جز کلام الهی بی‌نقص نیست و ساخته دست بشری قطعاً بدون مشکل و نقص نخواهد بود؛
زاین‌رو از شما خواننده‌ی محترم خواهش‌م‌کنم که اگر مشکل و نقصی در این کتاب دیدید ما را به بزرگواری‌تان ببخشید. به امید افغانستان مترقی و سرافراز!

با احترام برپایان

رسول خان امین

دانشگاه کابل، ۹ حوت ۱۳۹۹ هـ ش

فهرست مباحث

تقریظها ۷

فصل اول

کلیات پژوهش

چکیده ۵۱

عنوان تحقیق ۵۳

هدف تحقیق ۵۳

اهمیت تحقیق ۵۴

ضرورت تحقیق ۵۵

پیشینهی تحقیق ۵۵

کلیدواژه‌ها و پرسش‌های اصلی ۵۶

محدودیت‌های تحقیق ۵۸

روش‌ها و ابزار تحقیق ۵۸

کاربران تحقیق ۵۸

معرفی منابع اصلی تحقیق ۵۸

فصل دوم

ژورنالیزم و ژورنالیزست

- مبحث اول تعریف و هدف ژورنالیزم ۶۲
- مبحث دوم مزایا و محدودیت‌های ژورنالیزم ۶۵
- مبحث سوم تعریف خبرنگار (ژورنالیزست) ۶۸
- مبحث چهارم مسؤولیت‌های خبرنگاران (ژورنالیزستان) ۷۳
- مبحث پنجم ویژگی‌های مهم خبرنگاران (ژورنالیزستان) ۷۸
- مبحث ششم وسایل ارتباط همگانی ۹۴

فصل سوم

رادیو در افغانستان

- مبحث اول تعریف رادیو ۱۰۰
- مبحث دوم تاریخچه رادیو در جهان ۱۰۴
- مبحث سوم تاریخچه رادیو در افغانستان ۱۰۹
- مبحث چهارم نخستین گویندگان رادیو در افغانستان ۱۱۴
- مبحث پنجم نشرات به لسان‌های خارجی و اصول‌نامه ۱۱۹

فصل چهارم

گوینده و گویندگی

- مبحث اول گوینده و گویندگی ۱۲۶
- مبحث دوم ویژگی‌های گوینده ۱۲۹
- مبحث سوم گویندگی خبر در رادیو-تلویزیون ۱۴۳

- مبحث چهارم و یژگی‌های گوینده خبر ۱۴۷
- مبحث پنجم راز و رمزهای مهم درباره‌ی گویندگی خبر در رادیو ۱۵۳
- مبحث ششم جایگاه گوینده در رادیو-تلویزیون ۱۵۷
- مبحث هفتم گوینده‌ی جذاب و تأثیرگذار ۱۶۳

فصل پنجم

ماهیت و نحوه‌ی تولید صدا

- مبحث اول ماهیت صدا ۱۷۱
- مبحث دوم نحوه‌ی تولید صدا ۱۷۴
- مبحث سوم دستگاه تنفسی ۱۸۱
- مبحث چهارم نقش تنفس صحیح در صدا ۱۸۶
- مبحث پنجم نقش لب‌ها در صداسازی ۱۹۱

فصل ششم

چهار نوع صدای نامناسب گویندگان

- مبحث اول صدای دماغی و برطرف کردن آن ۱۹۵
- مبحث دوم رفع صدای زنانهی مردان ۱۹۸
- مبحث سوم صدای خشن و رفع آن ۲۰۱
- مبحث چهارم صدای آرام و لطیف ۲۰۳

فصل هفتم

تجزیه و تحلیل اصوات

- اول، ریشه‌یابی ۲۰۷
- دوم، تلفظ مصوت‌ها ۲۱۰
- سوم، تجوید ۲۱۱

۲۱۴..... **چهارم، تلفظ صامت‌ها**

۲۱۷..... **پنجم، سلفژ**

فصل هشتم

سرعت، سکوت و مکث در گویندگی

۲۲۲..... **مبحث اول سرعت در گویندگی**

۲۲۵..... **مبحث دوم تغییر سرعت در گویندگی**

۲۲۷..... **مبحث سوم مکث در صدا و گویندگی**

فصل نهم

لهجه، لحن و بهبود در گویندگی

۲۳۳..... **مبحث اول لهجه در گویندگی**

۲۳۶..... **مبحث دوم لحن در گویندگی**

۲۳۹..... **مبحث سوم بهبود در گویندگی**

فصل دهم

درمان گرفتگی صدا و نقش تغذیه در صدا

۲۴۵..... **مبحث اول درمان گرفتگی صدا**

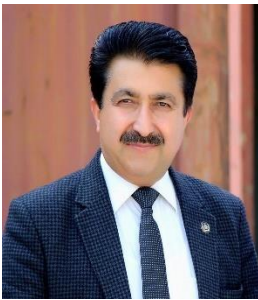
۲۴۹..... **مبحث دوم تغذیه مناسب برای داشتن صدای عالی گویندگان**

۲۵۰..... **مبحث سوم مواد غذایی ممنوعه برای صدا**

۲۵۶..... **فهرست رادیوهای افغانستان**

۲۶۹..... **سخن اخیر**

تقریظ



دیدگاه جناب سیدنظیم سعیدی استاد
دانشگاه، نویسنده و گوینده‌ی با بیش از ۱۵
سال سابقه گویندگی در رسانه‌های
افغانستان در مورد کتاب (هنر گویندگی در
رادیو)

د تاریخونو لوستل ډیر څله د انسان
ذهن ته عیني نه برېښي، خو له مشرانو مې

اورې دلي وو کله چې د محمدهاشم خان واکمني ختمه شوه او شاه
محمود خان يې پر ځای وگومارل شو، نو شاه محمود خان د
ډيموکراسۍ دور اعلان کړ او د نورو ټولو آزاديو ترڅنګ يې رسنيو ته
هم آزادي ورکړه، خو په دې وروستيو دوه لسيزو کې په افغانستان کې
راډيو هم د خلکو پام راگرځولی دی او د هيواد په کچه او په ځانګړې
ډول په کليوالو سيمو کې ډېر شمير مينه وال لري او دې مينې
څېر ونکې کې اړکړي چې په دې برخه کې يولرځي برني وکړي
چې پرمهدي بنسټ ښاغلي استاد رسول خان امين هم په راډيو کې د
وياندوۍ هنر (هنر گویندگی در رادیو) ترنامه لاندې د راډيو وياندويانو ته يو
ښوونيز او روزنيز اثر ليکلی او په دې برخه کې يې ډېرې هڅې کړي دي
چې زه يې هم اړکړم څو دغه کتاب په کره ډول له نظره تېرکړم په

رېښ تيا چې په دې کتاب کې ډېر داسې نوي مسایل خای پر خای شوي دي چې له نوي ژورناليزم سره اړخ لگوي او په راډيو کې د وياندويانو لپاره يو غوره لارښود هم کيدای شي، ددې کتاب لوستونکي او په خپل ځان کې ډول د راډيو وياندويان کولای شي ددې کتاب له لوستلو او د يو لړ عملي کارونه وروسته وکولای شي يو تکړه وياند او يا ويانده شي. بل څه چې بايد دلته يې يادونه وکړم ددې کتاب يوه خپل ځان ګرځنده داده چې په ډيره ساده او خوږه فارسي ژبه ليکل شوی دی چې نه يواځې محصلين بلکې د ښوونځيو زده کونکي هم کولای شي له دې کتاب څخه ډيره ګټه واخلي، له قدرمن ورور، تکړه استاد او با استعداد ځوان ښاغلي پوهنيار استاد رسول خان امين څخه ددې ستر خدمت مننه کوم او په دې برخه کې يې د نورو علمي او عملي هڅو غوښتونکی يم، الله چ دې په دې برخه کې ورته د نورو غوره علمي خدمتونو توان ورکړي.

په درنښت

سيدنظيم سعیدی

د سرحدونو او قبایلو چارو وزارت مرستیال وياند

تقریظ



اثر تحقیقی استاد رسول خان امین را درزمینه‌ی هنر گویندگی در رادیو، مطالعه نمودم. گویندگی تنها بیان ساده و بی‌پیرایه نیست؛ بلکه هر واژه و جمله را به‌گونه‌ای درست و مناسب ادا کردن است. گوینده، ویژگی‌های صدای‌های گوینده، اطناب، ایجاز، نارسایی صدا، صدای‌های نامناسب گویندگان، تمرین‌های صداسازی،

سرعت خوانش، چگونگی مکث‌ها و تغییر لحن و لهجه که عدم رعایت و مدیریت آن گاهی باعث ملال خاطر و زمانی هم سبب نارسایی کلام گوینده می‌گردد. ازجمله موضوعاتی است که استاد رسول خان امین مفصل در این کتاب به این موضوعات پرداخته است.

رادیو به‌عنوان یک رسانه‌ی همگانی بیش‌تر از سایر انواع رسانه‌ی مصادق اصلی برای ارتباطات جمعی دانسته می‌شود. آن‌گونه که با پدید آمدن سایر رسانه‌های دیجیتالی چون تلویزیون و رسانه‌های جدید؛ همچنان مخاطبان ویژه خود را در تمام کشورها دارد؛ از جانب دیگر سهولت دست‌رسی آسان و کم‌هزینه مخاطبان به برنامه‌های رادیویی این وسیله را متمایز ساخته است. پیش‌رفت تکنولوژی نیز در شرایط کنونی دست‌رسی به رادیو را بیش‌تر از هر زمان دیگر آسان کرده است، اکنون مخاطبان با استفاده از تلفون همراه قادر شده‌اند به رادیو گوش فرا دهند.

دانش‌جویان دانشکده ژورنالیزم در کشور، مخاطبان اصلی این کتاب‌اند و برای آن‌ها در شرایطی که با فقدان و کم‌بود منبع مواجه‌اند، خیلی مؤثر است. از بارگاه خداوند منان، برای نویسنده‌ی این کتاب موفقیت و سربلندی خواهان هستیم.

با حرمت

پوهنوال دوکتور عبدالعظیم نوربخش
استاد دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه کابل
حوت سال ۱۳۹۹، دهلی- هندوستان

تقریظ



به نام خدای خرد بخش و بخرد نواز و درود بی پایان بر
پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص).

درود و سلام بر شما مخاطبان گرامی باد!
با وجود اثرهای مختلفی تألیفی و تحقیقی
درباره گویندگی، فن بیان و سخنوری، این کتاب از
مزیت‌های خوبی به‌ویژه برای گویندگان رادیویی
برخوردار است. اگرچه رشد رسانه‌های همگانی

چشمگیر است؛ اما جایگاه رادیو و هنر گویندگی در این رسانه‌های شنیداری
دارای ارزش فراوان است. به قول مارشال مک لوهان، رادیو تک حسی است
و سرعت سرسام‌آور پخش زُخداها از مجرای این رسانه همگانی را هیچ
رسانه دیگر ندارد. علاوه بر این که رسانه رادیو در پیش و پس از جنگ جهانی
دوم به‌عنوان رسانه‌ی سیاسی مشهور بود، از اهمیت بالای سرگرم‌کنندگی،
آموزشی و ترویجی و تبلیغی نیز به شمار رفته است. رادیو، از مکان و موانع
عبور و ذهن شنونده را برای تصمیم‌گیری تحریک می‌کند. با توجه به
محدودیت‌های جغرافیایی، کم‌سوادی جامعه، عدم دسترسی اکثر شهروندان
به برق، عدم دسترسی اکثر افراد جامعه به اینترنت و ناتوانی اکثر رسانه‌های
جمعی برای انتقال معلومات به جامعه، نقش و جایگاه رسانه‌ی رادیو را
نسبت به هر وسیله دیگر ارتباطی جمعی برجسته‌تر ساخته است.

گویندگی، هم هنر است و هم علم؛ اما هنری بودن این عرصه بیش‌تر از پیش مورد‌پذیرش دست‌اندرکاران عرصه علوم ارتباطات و رسانه قرار گرفته است. یک گوینده‌ی خوب علاوه بر داشتن معلومات کافی در زمینه‌های مورد ارایه، باید علاقه، حسن صدا، تن آواز مناسب، لهجه معیاری، دانش، مهارت، توانایی و شایستگی لازم در انتقال احساس از طریق صدا به مخاطب را داشته باشد.

اثر تحقیقی استاد محترم رسول خان امین که زیر نام «هنر گویندگی در رادیو» زیور چاپ می‌پوشد. این اثر، از لحاظ روش‌شناسی، محتوایی و چگونگی ترتیب منطقی آن در ده فصل تهیه گردیده که قابل تذکر است. عمومیت، جامعیت، سادگی، تسلسل منطقی از مطالعات عرصه‌ی ژورنالیسم تا اختتام آن به گویندگی در رادیو و تلویزیون، شیوه‌ی نگارش، بخش‌بندی فصل‌ها و مباحث به گونه‌ی مناسب تنظیم گردیده است. از فصل‌های اول تا سوم این اثر، بیش‌تر وی عمومیات عرصه‌ی ارتباطات و ژورنالیسم می‌چرخد؛ و ممکن است ذهن مخاطب را به‌سوی محتوای علوم ارتباطات، رسانه و ژورنالیسم بکشاند؛ اما محتوای فصل چهار اثر متذکره بر موضوعاتی نظیر گویندگی و ویژگی‌های گوینده برنامه‌های رادیویی تأکید دارد. این فصل بیان‌گر چگونگی ورود مخاطب به مباحث فصل‌های بعدی می‌باشد.

از جمله مباحثی که در فصل‌های پنجم تا دهم روی مباحث جزئی، فنی و هنری و همچنان روی موضوعات تکنیکی مربوط به صدا پرداخته است که اکثر کتاب‌ها و اثرهای مربوط به گویندگی به آن‌ها اشاره‌ای نداشته‌اند. از جمله برجستگی‌های عمده این اثر را می‌توان در فصل‌های پنجم تا دهم جست‌وجو کرد که ماهیت کار گویندگی در رسانه همگانی رادیو را تبیین می‌کند.

از الله تعالی برای استاد رسول خان امین موفقیت‌های مزید، عمر دراز، دانش بیش‌تر، مهارت بالا، توانایی و شایستگی ترکیب دانش و مهارت را برای انجام خدمات بیش‌تر و بهتر در عرصه‌های مختلف زندگی به‌ویژه علمی و فرهنگی تمنا دارم.

پوهنمل دکتور فرید احمد منیب
استاد دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه البیرونی و سرپرست ریاست ارزیابی و
معادلت اسناد تحصیلی بیرون مرزی
۱۹ حوت ۱۳۹۹، وزارت تحصیلات عالی، کابل- افغانستان

تقریظ



به نام خداوند بزرگ! «هنر گویندگی در رادیو» اثر جوان پُرتلاش و عزیز، استاد رسول خان امین را مرور کردم، این اثر برای همه و به‌ویژه کسانی که در رسانه‌ها گویندگی و گردانندگی می‌کنند، کتابی است بسیار جالب و ارزش‌مند. گویندگی در واقع همان بیان و حرف زدن انسان است، خداوند (ج) می‌فرماید: «من بیان را

برای انسان تعلیم دادم.» کتاب به‌صورت جامع و راجع به خبرنگاری و گویندگی بحث‌های مبسوطی دارد. در جای از کتاب ۳۵ ویژگی برای گوینده یادداشت گردیده که خیلی جالب است. در واقع اگر کسی این ۳۵ ویژگی را در خود پرورش دهد، گوینده‌ی کاملی خواهد شد. روزگاری در مورد داستان و شکل آرایه و گویندگان رادیو افغانستان نوشته کوتاهی داشتم که آن را این‌جا نقل می‌کنم: درگذشته‌ها، داستان‌های که از طریق امواج رادیو افغانستان نشر می‌گردید، با صدای زیبای مردان و زنان رادیو آذین یافته بود، این صداهای مقبول و لطیف، به زیبایی داستان‌ها و درامه‌های رادیویی می‌افزود.

داستان‌های کوتاه و دنباله‌دار رادیو، شنوندگان پروپاقرص و همیشگی داشت. زمانی که صداهای ماندگار: مشعل هنریار، حبیبه عسکر، رفیق صادق، میمونه غزال، عزیز الله هدف، حکیم اطرافی، اسدالله آرام، سیما شادان، حاجی محمد کامران، امان اشکر ریز، عبدالله شادان، انیسه وهاب، زرغونه آرام، با صدای دریاچه، شرشر آب، صدای رودخانه، نوای بلبلان، صدای باد و

باران، یک جا می‌شد، به زیبایی و دل‌انگیزی داستان‌ها می‌افزود. فضای رمانتیک و رؤیایی داستان، آواز دل‌کش عاشق و معشوق و دل‌فریبی‌ها؛ ما را وسوسه کرده و خیالاتی می‌ساخت و حس می‌کردیم که هم‌پا با شخصیت‌های داستان در جست‌وجوی معشوقه‌های خود هستیم. تراعی خیالات زیبا، فضای عاشقانه و هیجان‌انگیز، آرایه و تمثیل استثنایی ممتدین مجرب، به قشنگی داستان‌ها اضافه می‌شد.

این فضا، هوا و رؤیاهای خیلی قشنگ، دل آدم را بدون هیچ‌گونه تردیدی می‌ربود. چگونه امکان داشت، این برنامه‌های زیبا را فراموش کنیم. رادیو را خاموشانه روشن می‌کردم و در سکوت شب‌ها، زیر لحاف، داستان‌های جالب و آموزنده را با صدای ماندگار هنرمندان خوش‌صدای کشور را می‌شنیدیم. داستان‌های رادیویی ساعت ۱۰ شب آغاز و تا ساعت ۱۱ شب ادامه می‌داشت و ما در عالمی از رؤیا و خیالات شیرین به خواب می‌رفتیم. مگر جای آن زیبایی‌ها و خیالات خوش را می‌تواند چیز دیگری پُر سازد؟ با وجود تکثر و هجوم رسانه‌ها و زمینه‌های خوب در این بخش، متأسفانه، تا هنوز جای این هنر به‌صورت وحشتناکی خالی است. افغانستان نه‌تنها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی مشکل دارد؛ بلکه در ساحه هنر و فرهنگ نیز ما سقوط اسفباری داشته‌ایم. در اخیر به استاد رسول خان امین صحت و سلامتی آرزو می‌کنم.

با احترام

رحمت‌الله بیگانه

رییس رادیو-تلویزیون معارف

کابل ۱۷ حوت، سال ۱۳۹۹

تقریظ



هر گوینده‌ای در مرکز توجه است، به او نگاه می‌کنند به او گوش می‌کنند، او را قبول دارند از کلامش پیروی و به سخنش استناد می‌کنند، گفته‌هایش را جابه‌جا نقل و تکرار می‌کنند، او را سنجه و معیار درستی و نادرستی زبان می‌دانند، رفتارش را بهترین رفتار و ظاهرش را مقبول‌ترین ظاهر می‌شناسند، بزرگی شخصیت از بهترین

ویژگی‌های گوینده و مجری است و گوینده‌ی بزرگ، شایسته‌ی مردم بزرگ است، گوینده و مجری، یک مرجع مقبول اعتماد ملی مردم است، گوینده و مجری متعهد و رسانه شناس و اهل مطالعه برای رسانه‌ی کشورش اعتبار و نسبت به مردمش اعتماد خلق می‌کند، آگاهی و مطالعه‌ی مستمر و اطلاعات عمومی و نظم و مردم‌دوستی و نقدپذیری و دسترسی داشتن به مردم از نزدیک و راست‌گویی و روشنگری و کسب فضایل شخصیتی همچون صداقت و شفافیت ضمیر از وظایف اوست، بیان خوب و کاربرد زبان و داشتن گفتاری ساده و عامه‌فهم و درعین‌حال جدیت در کار و پای بندی به موازین مشترک اجتماعی و اخلاق خوش و رایحه‌ای از شوخ‌طبعی و ادب همیشگی خالص و غیر تصنعی، نسبت به مردم از دیگر الزامات هنر و مهارت گویندگی و اجراست.

کتاب را با ذوق مرور کردم، کتابی ارزنده است و مؤلف محترم آن جناب آقای امین که خود، گوینده و مجری و سخنور تحصیل کرده است به غالب امور مرتبط با مهارت گویندگی نظر کرده و نکته‌های مفید نوشته است، هر علاقه‌منی مستعدی که متمایل به داشتن بیان خوب است و عزم ورود به رسانه و حرفه‌ی گویندگی و اجرا و سخنوری دارد اگر از این کتاب خوش کاربرد و راهگشا که هوشمندانه با زبانی روان و ساده نگاشته شده است، بهره ببرد و ظرایف نکات کتاب را آرام آرام در خودش محقق کند، مطمئن باشد، دست پر و مجهز و آگاهانه وارد خواهد شد و بر کار و رفتار و کلام و گفتار و خلق و خوی خویش مسلط‌تر خواهد بود و توانایی‌ها و قابلیت‌های نهفته و موهوب خودش را در کار جلوه‌ی بهتر اجرایی خواهد بخشید و برای مردم و رسانه، فردی موفق خواهد بود. ان شاء الله، البته استعانت از خداوند، غنیمتی‌ترین فرصت موفقیت سرمدی است؛ زیرا در هر حال به فرموده‌ی شمس‌الدین حافظ شیرازی؛ قبول خاطر و طبع سخن خداداد است.

با حرمت

محمدحسین سروش

مدرس گویندگی و فن بیان در

صداوسیما‌ی جمهوری اسلامی ایران

تهران- ایران

تقریظ



چنان‌که حرفه‌ی خبرنگاری، جزء مهم جوامع انسانی به شمار می‌رود؛ افراد، نهادها، سازمان‌های ملی و بین‌المللی، احزاب و دولت‌های جهان امروز این حرفه را به‌مثابه یک‌بخشی از فعالیت‌های خود دانسته و از منابع رسانه‌ای در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی بهره می‌برند.

رسانه‌ها به‌عنوان ابزار قابل‌دسترس همگان به‌منظور تبادل پیام و تأمین ارتباط میان افراد یک جامعه؛ میان مردم و دولت؛ میان دولت‌ها؛ میان جوامع بشری در محیط بین‌الملل و سایر واحدهای اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

وقتی حرف از «پیام» و وسایل پیام‌رسانی تذکر رفت، پیام‌دهنده و گوینده‌ی پیام نیز جزء مهم در فرایند انتقال پیام نقش‌آفرین است؛ به‌عبارت‌دیگر، مثلث سه‌ضلعی پیام‌رسانی که عبارت‌اند از «رسانه، خبرنگار و پیام» اند هرکدام معنا بخش این مسلك (حرفه خبرنگاری) و مکمل یک‌دیگر اند؛ و این سه باهم دارای پیوند ارگانیک‌اند و بدون آن‌که کنار هم قرار بگیرند، اطلاع‌رسانی‌ای وجود ندارد.

با این وصف، یک‌بخشی از فعالیت خبرنگاران که «گویندگی» است، گویندگان نیازمند دانش مسلکی و اصول حرفه‌ای برابر با معیارهای خبرنگاری‌اند. چیزی که تا هنوز آن‌طور که می‌بایست پرداخته نشده است. کتاب حاضر را که به ابتکار و پشت‌کار جوان خوش‌کلام و دانشمند میهن استاد رسول خان امین تحت عنوان «هنر گویندگی در رادیو» تألیف گردیده است، روح‌بخش مسلک خبرنگاری درزمینه گویندگی می‌دانم. چنان‌که تمامی مطالب فصل‌های ده‌گانه این اثر را مطالعه نمودم، دریافتم آنچه را که علاقه‌مندان این حرفه، دانشجویان و گویندگان این فن - آن‌هایی که می‌کوشند بدانند تا حرفه‌ای کار کنند - به آن نیاز دارند، نویسنده گرامی در اثر پُربهای خویش با رسایی و جزاییت خاص و هم‌چنان با غنای تمام به گونه مفصل به آن پرداخته است.

به نظر من آنچه این اثر را ارزشمندتر ساخته، این است که در کنار واگوی لازم روی اصل موضوع کتاب (هنر گویندگی در رادیو)، به مباحث مختلف در ابعاد گوناگون مسلک ژورنالیسم پرداخته است. جنگی از مطالب این کتاب مشمول (توضیحات کلی روی شناخت حرفه خبرنگاری، خبرنگار و وسایل ارتباط همگانی؛ توضیحات مفصل روی رادیو و تاریخچه رادیو در افغانستان و جهان؛ پردازش جامع روی گویندگی و گوینده شدن؛ فصل‌های بعدی که نزدیک به نیمی از کتاب را در برمی‌گیرد با جزییات روی مسایل مربوط به صدا) می‌شود. رهنمایی‌هایی توأم با مفاهیم مختلف مسلکی، اصول، قواعد، تکنیک‌ها، روش‌ها و سایر مطالب مهم و ضروری در خود دارد که خواننده را به عمق دانش‌های موجود درزمینه گویندگی خبر می‌رساند.

مطالب فوق را در آثار زبان فارسی که تا هنوز مطالعه کردم، ندیدم. کتاب حاضر را در نوع خود بی‌نظیر می‌دانم و مطالعه آن را برای استادان و مربیان این بخش، نهادهای آموزش خبرنگاری، گویندگان و دانشجویان خبرنگاری صمیمانه توصیه می‌نمایم. جا دارد که جزیی از مواد آموزشی برای آموزش مضمون گویندگی در نهادهای تحصیلی و آموزشی خبرنگاری مورد استفاده قرار بگیرد.

بختیار بشار

**مؤسس و رییس کانون خبرنگاری عملی خورشید
۱۷حوت، لبجر خیرخانه، کابل- افغانستان**

تقریظ

گوگلی المو مارکونی، با اختراع امواج رادیویی در قرن ۱۹ میلادی توانست



فرایند پیشرفت فناوری و ارتباطات را سرعت ببخشد. رادیو به‌عنوان یک رسانه‌ی همگانی پیش‌تر از سایر انواع رسانه‌ی (رسانه‌های چاپی، دیداری و چندرسانه‌ای/آنلاین) مصداق اصلی برای ارتباطات جمعی دانسته می‌شود. این وسیله با ویژگی‌های منحصر به فرد زمینه‌ی تولید محصولات فرهنگی را در زمان اندک و با

امکانات کم فراهم کرده است. رادیو در کنار توجه به ژانرهای خبری با تولید درامه‌ها و سایر قالب‌ها، نقش‌های آموزشی، سرگرم‌کننده و رهنمایی را به‌خوبی بازی کرده است.

آن‌گونه که با پدید آمدن سایر رسانه‌های دیجیتالی چون تلویزیون و رسانه‌های جدید در فضای وب، هم‌چنان مخاطبان ویژه خود را در تمام کشورها دارد؛ از جانب دیگر سهولت دسترسی آسان و کم‌هزینه مخاطبان به برنامه‌های رادیویی این وسیله را متمایز ساخته است. پیشرفت تکنولوژی نیز در شرایط کنونی دسترسی به رادیو را بیش‌تر از هر زمان دیگر آسان کرده است، اکنون مخاطبان با استفاده از تلفون همراه قادر شده‌اند به رادیو گوش فرا دهند.

جای مسرت است که قرعه‌ی فال به نام من خورده است تا پیرامون کتاب «هنر گویندگی در رادیو» اثر علمی استاد رسول خان امین که نتیجه‌ی تحقیقات و تجارب چندین ساله‌ی ایشان می‌باشد، جملاتی را زیر عنوان تقریظ تحریر نمایم. این شاهکار علمی در شرایطی که آثار علمی مکتوب در مورد مکتب ژورنالیزم در میان کشورهای فارسی‌زبان اندک است، از جای‌گاه کلان و اهمیت فراوانی برخوردار است. بی‌تردید این تلاش علمی لایه‌های پنهانی از فعالیت‌های رادیویی را آشکار ساخته است و به حیث یک منبع علمی معتبر به زیور چاپ رسیده است.

جامعه‌ی علمی افغانستان به‌ویژه فعالان رسانه‌ای، دانش‌جویان و دانش‌پژوهان این حوزه در کشور، مخاطبان اصلی این کتاب‌اند و برای آن‌ها در شرایطی که با فقدان و کمبود منبع مواجه‌اند، آب حیات است. از بارگاه خداوند منان، برای نویسنده‌ی این اثر بزرگ و گران‌سنگ موفقیت هرچه بیشتر در حوزه‌های علمی و تحقیقی خواهان هستم.

با حرمت

عبدالقدیر میرزایی

رییس تلویزیون پیشگام

تقریظ



گویندگی یک اصل مهم برای رساندن صدای گوینده‌ی رادیو به مخاطبانش است. گوینده در رادیو مسؤولیت اجرا و آرایه‌ی برنامه‌های مختلف رادیویی را به عهده دارد. گوینده‌ی برنامه‌های رادیویی صداهای آشنا و چهره‌های پذیرفته‌شده‌ی ملی و بین‌المللی می‌باشد که مسؤولیت اطلاع‌رسانی و سرگرم کردن مخاطبان را سرلوحه‌ی کار خود قرار

می‌دهند. در این روند گوینده‌ی رادیو فعالیت‌های خود را بر محور هدف اصلی تأمین ارتباط با مخاطبان استوار می‌سازد، درحالی‌که آن‌ها را نمی‌بینند. این امر گویای دارندگی مهارت فوق‌العاده‌ی گوینده‌ی رادیو می‌باشد. برنامه‌های رادیو بر مبنای فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر گوینده‌ی رادیو اداره می‌شود. در برنامه‌ی رادیویی گوینده می‌تواند در نقش معرفی‌کننده برنامه‌ها، میزبان، گزارش‌گر، مفسر ... ظاهر شود؛ زیرا او بعضی اوقات در برنامه‌ها به‌عنوان مدیریت‌کننده‌ی گفت‌وگوها نیز نقش‌آفرینی می‌کند. گویندگی از مسؤولیت‌های مهم و تخصصی است که بر مبنای مهارت گوینده استوار بوده شخصیت حرفه‌ای او را شکل می‌دهد.

یک گوینده‌ی رادیو مدام کوشش به خرج می‌دهد تا واژه‌ها و اصطلاحات را خوب بیان کند و درصدد کسب اطلاعات تازه و جدید باشد. صاحب‌نظران

معتقدند که «از مهم‌ترین خصوصیات‌ی که یک گوینده رادیو باید داشته باشد حساسیت در فهم و تفهیم مطالب است؛ یعنی هم خودش خوب بفهمد و هم خوب بفهماند و سعی کند که این حرکت را با احساس مناسب و قابل قبول به شنونده منتقل کند. در واقع نقش عمده و نهایی گوینده‌ی رادیو این است که زمینه را برای برانگیختن رغبت شنیدن و گوش دادن و به‌طور کلی جلب توجه شنونده برای گرفتن این اطلاعات فراهم کند». در پهلوی مهارت‌های مورد نیاز جهت به‌روز ماندن یک گوینده، او باید همیشه تمرین کند. تمرین از لازمه‌های کار یک گوینده برای گویندگی بهتر در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی می‌باشد؛ زیرا او تعداد زیادی مخاطب دارد. از جانب دیگر گوینده باید دارای مهارت در انجام تحقیقات و مصاحبه باشد؛ و هم‌چنان حفظ آرامش در شرایط کاری پرفشار و داشتن مهارت‌های کلامی عالی از بایسته‌های گویندگی برای گویندگان خوب در رادیو است.

به این اساس مؤلف اثر دست داشته به شگردهای گویندگی در رادیو پرداخته است. این اثر در ده فصل با مباحث مرتبط به گویندگی در رادیو تدوین یافته است، از یک طرف به مباحث مرتبط چون گوینده و گویندگی، ویژگی‌های گوینده، گویندگی خبر در رادیو، ویژگی‌های گوینده خبر، جایگاه گوینده در رادیو، جذابیت و تأثیرگذاری گویندگی پرداخته شده است. از طرف دیگر نیز به موضوعات چون ماهیت و نحوه تولید صدا، دستگاه تنفسی، نقش لب‌ها در صداسازی، صدای دماغی، صدای آرام و لطیف، جایگاه سرعت، سکوت و مکث در گویندگی، لحن و لهجه و بهبود آن در گویندگی تمرکز گردیده است. این‌چنین در بخش‌های دیگر این اثر، مؤلف به موضوعات مرتبط به درمان گرفتگی صدا و نقش تغذیه برای بهبود صدا پرداخته است. برای مؤلف محترم این اثر استاد رسول خان امین موفقیت‌های مزید در امر خلق آثار جدید و بیش‌تر آرزو دارم.

با احترام

دکتر زبیر خلیل الرحمن آرمی

استاد دانشکده‌ی ارتباطات و ژورنالیزم دانشگاه کابل

کابل- افغانستان

تقریظ

مبرهن است که گویندگی فن، مهارت یا هنر است که فرد با استفاده از آن



می‌تواند به زیبایی صحبت کند و به خوبی معانی را انتقال دهد. برای آموختن این مهارت همچون دگر مهارت‌ها باید وقت صرف کرد و بسیار تمرین کرد. یک گوینده خوب باید تمرین مداوم داشته باشد. مهارت صحبت کردن، پیچیده‌تر از آن چیزی است که در ابتدا به نظر می‌رسد و فقط شامل تلفظ کلمات نیست. هنر گویندگی مجموعه‌ی مهارت‌هایی است که به ما توانایی برقراری

ارتباط مؤثر را می‌دهد. مهارت‌هایی مانند استفاده صحیح از کلمات، توانمندی کلامی، زبان بدن و ... که برای دستیابی به این مهارت‌ها لازم است با دانش ارتباطات آشنا شد، نظریه‌های ارتباطی را آموخت و مخاطب را به خوبی شناخت.

باید دانست که گوینده‌ی ثروتمند کسی است که برخوردار از گنجینه‌ی واژگان باشد؛ بنابراین اگر گفتار گوینده و مجری را سکوی اول یا اصل نخست تلقی کنیم، زمانی کسی می‌تواند به خود اجازه حرف زدن در رادیو و تلویزیون را بدهد که بخشی از متون گوناگون زبان مربوط را خوانده باشد و راه مطالعه را بر خود هموار کرده باشد.

رادیو را می‌توان اولین بستر شکل‌گیری گویندگی به شکل امروزی دانست؛ زیرا گویندگی رادیو در کشور ما سابقه‌ی طولانی دارد. اگر می‌خواهید هنر گویندگی را به‌خوبی در کلام خود رعایت کنید، باید بتوانید ریتم، لحن و تن صدای‌تان را تحت کنترل داشته باشید.

آری، با درک نیازهای فوق در رابطه به هنر گویندگی، استاد محترم رسول خان امین پژوهشی خوب و ارزنده در مورد (هنر گویندگی در رادیو)، مطابق معیارهای تحقیق انجام داده که والا و زیباست؛ زیرا از موضوع پایا، منابع مانا و قریحه‌ی انشایی خوبی برخوردار است.

من کار تحقیقی محترم رسول خان امین را در شرایطی که کمبود مواد درسی در این زمینه به‌صورت جدی احساس می‌شود، تأیید نموده، ضمن تبریک این اثر ارزشمند، نشر و چاپ آن را به هدف استفادگی بیشتر دانشجویان، دانشگاہیان به مراجع مربوط پیشنهاد می‌نمایم!

با احترام

پوهاند فضل الحق فضل

استاد بخش فارسی دری دانشگاه

تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی

کابل- افغانستان

تقریظ

به نام خدایی که لفظ و قلم آفرید و درود بی‌پایان بر پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص).



سلام ای خواننده‌ی دلباخته‌ی خبرنگاری، از این‌جا آغاز می‌کنیم که گویندگی کار ساده‌ای نیست، یعنی هر کی چندجمله‌ای در یک رسانه‌ی صوتی و تصویری گفت می‌تواند سنگ گویندگی را بر سینه بکوبد و با عالمی از فخر خود را موفق پندارد؟! هرگز!

در مورد فن‌های گویندگی، تربیت صدا،

صفت‌های یک خبرنگار، چپستی ژورنالیزم و سایر موارد در این کتاب به نحوی خوب و بادید تازه پرداخته شده است که برای هر خبرنگاری خوانش آن خالی از ثمر نه بلکه مهم تلقی می‌شود. نکته‌ای که در این کتاب مرا به‌عنوان یک مخاطب به خود جلب کرد روانی متن در افاده‌ی مفاهیم است که با تأسف در بیش‌تر آثار رعایت نمی‌شود. این اثر را در راستای سواد خبرنگاران، ارزشمند و سودمند می‌بینم.

قرار گفته‌ی نویسنده؛ هیچ نوشته‌ای خالی از کاستی نیست، ولی موجودیت چنین کتابی، ارزشمند و پُر خواننده هست.

چه زیباست که همه با تلاش، دست به کاری بزنند که خواننده برای خواندن آن لذت ببرد، به یادش بیاید که شاعری از زبان کتاب می‌گوید:

من یار مهربانم، دانا و خوش‌بیانم گویم سخن فراوان با آن‌که بی‌زبانم
 احسنت! که کتاب رفیق خوبی هست به شرطی که با تو سخن بگوید؛
 یعنی زبانش روان و به‌قدر فهمت باشد. طبعاً هر بار خواننده از کتاب
 می‌آموزد تا عمل کند؛ اما این سخن‌گو کتاب نه بلکه نویسنده هست که
 به‌عنوان یک گوینده با قلم عمل می‌کند و در سطرهای کتاب سخن می‌زند.
 ای عزیز! چه برسد به آن‌که این گویندگی در رادیو، تلویزیون و سایر
 رسانه‌ها باشد؛ آن‌جا فرصت اصلاح هم نباشد.

چه خواهد شد؟ چه‌کار باید کرد؟

طبیعی است که مخاطب فرار می‌کند، پس بهتر است که اول دانش و
 مهارت‌ها را کسب نموده بعد گام برداریم و گوینده شویم تا این رشته را به
 معنای واقعی بشناسانیم.

یک خبرنگار در موقع گویندگی هر چه در توان دارد نباید دریغ کند، باید با
 مخاطب همراه باشد؛ یعنی مقتضای حال او و موضوعش را رعایت کند تا
 پیامش را برساند و رسالتش را در حق مخاطب، رشته، موضوع و سخن‌ادا
 کند. رادیو نسبت به همی رسانه‌ها قابل‌دسترس هست اگر زبان این رسانه
 رسا، قابل‌فهم، زیبا و جذاب نباشد، آیا تأثیرگذار خواهد بود؟

امروزه رسانه‌ها به‌عنوان عضو خانواده در هر خانه حضور دارند و
 هم‌روزه به تأثیرشان می‌افزایند، آنی که به دنبال خبرنگاری می‌رود به این
 کتاب مراجعه کند تا فیض ببرد، عضو مؤثر و موفق جامعه و خبرنگاری باشد
 و به نویسنده هم به خاطر زحمات متقبل شده همچو من درود بفرستد و
 آرزوی پیروزی‌های بیش‌ترشان را خواهان باشد.

با احترام

مژگان ژاله

رییس دانشکده‌ی ژورنالیزم دانشگاه تابش

کابل- افغانستان

تقریظ

**دیدگاه جناب نظری پریانی استاد دانشگاه، نویسنده، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر
مسائل سیاسی در مورد کتاب «هنر گویندگی در رادیو»**



گویندگی در رادیو، یکی از جذاب‌ترین و دشوارترین رویه‌سختن‌گویی و یا متن‌خوانی است. در کنار متن‌هایی که گویندگان در رادیو می‌خوانند، سخن گفتن در رادیو نیز بسیار مهم است؛ زیرا با سخن‌گویی در این رسانه، شما به سختی‌هایی مواجه می‌شوید که در رسانه تصویری مواجه نیستید. باید در رادیو

سعی کنید که فقط با صدا و زبان، بی‌عیب و نقص ادای سخن رساننده کنید. برای دست یافتن به چنین توانایی، باید روش سخن‌گویی در رادیو را بدانید و از آن بهره ببرید.

در شرایط کنونی که ما با موجی از رسانه‌های پُرشور مواجه هستیم، مشکل گویندگی در رسانه‌ها به‌خصوص در رادیوها، به‌موفور دیده می‌شود. دقت نظر در صدا و توانایی بیان، به‌درستی مورد توجه استخدام‌کنندگان قرار نمی‌گیرد.

این در حالی است که یک فرد ممکن است به‌خوبی شاعر شود، نویسنده شود، وزیر شود، وکیل شود و یا هم رییس‌جمهور و نخست‌وزیر شود؛ اما

همین فرد نمی‌تواند یک نطق یا گویندهٔ خوب رادیو باشد؛ زیرا گویندگی در رادیو ظریف است و باید نطق یا گوینده آن را در یابد. بنابراین، کتابی که روی دست شماست، یکی از کارهایی است که دوست عزیز من استاد جوان دانشگاه، آقای رسول خان امین، در همین عرصه نگاشته است. تلاش‌های او درزمینهٔ سخنرانی و سخن‌گویی در رادیو، یکی از کارهای قابل‌ستایش است که باید ادامه یابد؛ کسان دیگری نیز در این عرصه باید فعال شوند. برای استاد محترم رسول خان امین، توانایی و موفقیت‌های بیشتر آرزو دارم.

با احترام

نظری پریانی

مدیر مسؤول روزنامه ماندگار

ویراکبرخان، کابل-افغانستان

تقریظ

دیدگاه جناب احمد سعیدی استاد دانشگاه، نویسنده، پژوهشگر و تحلیلگر
مسائل سیاسی در مورد کتاب «هنر گویندگی در رادیو»



خوشحالم که به عنایت پروردگار توانا فرصتی برایم دست داد تا پیش‌نویس کتاب «هنر گویندگی در رادیو» اثر پُرارزش استاد محترم رسول خان امین شخص تحصیل‌کرده، پُرکار و انعکاس‌دهنده واقعیت‌های این سرزمین را با دقت مطالعه نمایم. این کتاب اثرگذار می‌تواند برای نسل جدید و آینده اثر نهایت مثبت و امیدوارکننده‌ی داشته باشد.

به باور من آنچه را که آقای رسول خان امین در این کتاب درج و آماده مطالعه بر علاقه‌مندان نموده است همه متون و محتوای این اوراق را برای نسل آینده خیلی مفید می‌دانم تا شایقین هنرگویندگی در مورد اهمیت تحقیق، ضرورت تحقیق، هدف تحقیق، پیشینه تحقیق، پرسش‌های تحقیق؛ محدودیت‌های تحقیق و غیره بیشتر و بیشتر بدانند.

بدون تردید بعد از مطالعه دقیق این کتاب درک نمودم که واقعاً زحمات زیادی برای آماده‌سازی متون این اثر به خرج داده‌شده است ضمن تقدیر از زحمت‌کش‌های جناب آقای امین از تمام جوانان و روشنفکران بیدار دل و

روشن‌ضمیر تقاضا دارم تا با حوصله مندی این کتاب را مرور و با عقل سلیم و فکر آرام به تحلیل و گویندگی بنشینند، آن‌گاه می‌دانند که چه محتوای مفید و ارزنده در این کتاب جا گزین گردیده است؛ یک‌بار دیگر برای حاجی صاحب امین توفیقات بیش‌تر آرزو می‌نمایم.

با احترام

احمد سعیدی

تاشکند- ازبکستان

تقریظ

دیدگاه جناب دکتر فرزانه معصومیان گوینده‌ی با پیش از ۲۰ سال سابقه گویندگی در صداوسیما‌ی ایران در مورد کتاب «هنر گویندگی در رادیو»



هنوز که هنوز است رادیو جای و جایگاه خودش را دارد و هیچ چیزی حتی با این که شبکه‌های اجتماعی و مجازی الآن خیلی زیاد شده‌اند؛ اما هیچ رسانه‌ی هنوز که هنوز است نتوانسته جای رادیو را بگیرد، برای همین است که به رادیو می‌گویند رسانه گرم؛ اکثر کسانی که موفقیت‌های قابل‌تقدیر یا چشم‌گیر در سینما، بازی‌گری

و حتی اجرا در تلویزیون داشته‌اند؛ نتیجه فعالیت‌شان در ابتدای کار در رادیو بوده است. انگار رادیو اساس همه‌ی صدایشکی‌ها، هنرمندی‌هایی با کمک صدا و موفق‌تر شدن افراد است.

گوینده در رادیو هیچ ابزاری به‌جز صدا ندارد؛ وقتی گوینده دارد صحبت می‌کند نه تصویری است؛ و به اصطلاح هیچ وسیله‌ی کمکی نیست که بتواند به گوینده کمک بکند یا یاری برساند که اگر یک‌وقت خطایی خواست رخ بدهد، مشکلی خواست ایجاد بشود آن وسیله کمکی به‌دانش برسد؛ و خلاصه بپوشاند عیب کارش را. مثلاً شما فکر کنید که یک گوینده‌ی آمد و به اشتباه یک کلمه‌ی را گفت یا یک اسمی را اشتباه بیان کرد، یا یک چیزی را

اشتباه گفت. خیلی بد شد. درست است که گوینده عذرخواهی کرد و گفت ببخشید و تصحیحش کرد؛ اما آن کلمه که گفته شد که با آن لحن نباید اجرا می‌شد. خیلی از گوینده و مجری‌های رادیو این مسایل را رعایت نمی‌کنند یا به آن اعتقاد ندارند یا این‌طور یاد گرفتند یا شاید فکر می‌کنند کار خودشان بهتر و درست است؛ و همین موضوع باعث می‌شود که یواش‌یواش ضعیف بشوند و یواش‌یواش از صحنه دور بشوند.

پس گویندگی در رادیو کار سختی است و یک گوینده‌ی خوب باید اطلاعات خوبی در مورد زبان معیار داشته باشد، یک گوینده‌ی خوب باید اطلاعات کافی در مورد زبان فارسی و نحوه‌ی گویش و خوانش‌اش داشته باشد؛ چون مردم او را الگوی حرف زدن خودشان قرار می‌دهند. یک گوینده‌ی خوب در رادیو باید حسش را منتقل بکند.

یک گوینده‌ی خوب باید صدایش طنین داشته باشد همه فکر می‌کنند که گوینده‌ها باید صدای‌شان خیلی قشنگ باشد نه اشتباه می‌کنیم، صدای زیبا یک فکتور عمده در کار گویندگی است. ما در حال حاضر در خود ایران گویندگانی داریم که صدای خوبی دارند؛ اما اصلاً نحوه‌ی اجرای‌شان دل‌نشین نیست برای همین کم‌کم از صحنه خارج شدند. این‌که می‌گوییم طنین داشته باشد؛ یعنی این‌که با انرژی صحبت کند دهان را خوب باز و بسته کند حس را بتواند انتقال بدهد.

جا دارد از برادر محترم رسول خان امین در کشور افغانستان که استاد کانون خبرنگاری علمی خورشید و گوینده‌ی رادیو معارف افغانستان هستند، تشکر بکنیم ایشان یک کاری بزرگ را انجام دادند و تجربیات و اطلاعات خودشان را در کتابی بانام «هنر گویندگی در رادیو» جمع‌آوری کردند به‌این ترتیب مردم افغانستان متوجه خواهند شد که کار در رادیو به این راحتی نیست و درعین‌حال که یک مهارت است آن‌هم در یک رسانه گرم آن‌هم یک رسانه‌ای که همیشه در دسترس مردم بوده و هست.

این‌که گوینده در رادیو و مجری در رادیو می‌تواند یک هنرمند هم باشد. ممارست می‌خواهد، تمرین می‌خواهد، آگاهی می‌خواهد، اطلاعات می‌خواهد و تمام این مطالب را جناب آقای رسول خان امین با تجربیات که داشتند و دارند با مطالعات‌شان در کتاب هنر گویندگی در رادیو آوردند و قید

کردند که خود من بسیاری استفاده کردم و از ایشان تشکری می‌کنم؛ و
برایشان از خداوند موفقیت‌های بی‌نهایت می‌خواهم.

با حرمت

دکتر فرزانه معصومیان

مدرس گویندگی و فن بیان و گوینده‌ی صداوسیما‌ی ایران

۱۷ اسفندماه سال ۱۳۹۹ تهران - ایران

تقریظ

دیدگاه جناب خوشحال آصفی، استاد دانشگاه، پژوهشگر و رییس رادیو-
تلویزیون آریانا در مورد کتاب «هنر گویندگی در رادیو»



اثر تحقیقی استاد رسول خان امین درزمینه‌ی
گویندگی در رادیو، با عنوان «هنر گویندگی در
رادیو» را خواندم. این اثر که از چکیده گرفته
تا منابع اصلی تحقیق به مسایل نو و تازه
پرداخته، برایم جالب و لذتبخش بود و بدون
شک، برای قوت هرچه بیشتر آن به منابع
مختلف کتابخانه‌ای و میدانی مراجعه شده

است که برآیند کاری نویسنده، نوآورانه، بکر و مضمون قابل استفاده برای
جوانان و راهیان سفر رسانه‌ای بوده و می‌تواند آدرس مفیدی در این عرصه
باشد.

امروزه که ما در عصر تکنالوژی زندگی می‌کنیم و مصروف کار خبرنگاری در
رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های شنیداری مانند رادیو هستیم و یا تازه می‌خواهیم
این حرفه را به‌گونه‌ای مسلکی فراگیریم، به معلومات جدید و مطابق
اقتضای زمان حال نیاز داریم که بی‌گمان اثر حاضر به‌تمامی دانشجویان
عرصه‌ی گویندگی و گویندگان رادیو، کمک خواهد کرد تا به‌گونه‌ی مسلکی
وارد این حوزه شده و یا در رادیو به‌عنوان یک گوینده‌ی برتر قد علم کنند. برای

دوست عزيزم استاد امين مثل هميشه از خداوند متعال توفيقات مزيد خواهانم.

با مهر فراوان
خوشحال آصفی
رئيس راديو-تلویزیون آريانا
کابل-افغانستان

تقریظ

دیدگاه جناب سید فریدالله حسینی، استاد دانشگاه، نویسنده، شاعر و گوینده‌ی با بیش از ۲۰ سال سابقه گویندگی در رادیو-تلویزیون افغانستان در مورد کتاب «هنر گویندگی در رادیو»



استاد محترم رسول خان امین ... کتاب تهیه دیده‌شده‌تان را که در عرصه‌ی هنر گویندگی در رادیو نگارش یافته، سراپا مطالعه نمودم که دارای محتویات و موضوعات جالب است. درواقع این کتاب مواد ممد درسی برای دانشکده‌های ژورنالیزم است. هم‌چنان هر جوان علاقه‌مند در این راستا را به خود

معطوف می‌دارد. مباحث و داده‌های نوین را که در آن گنجایده‌اید، هرکدام به نوبه خود برای دستیابی به هنر گویندگی مرواریدهایند که می‌شود آنان را درخور توجه دانست. می‌خواهم یک تعریف از گویندگی را در آن اضافه نمایم، این‌که: گویندگی در ابتدا مهارت، زمانی که بدان رسیدگی شد، فن نامیده می‌شود. و زمانی که فرد به اوج شهرت و محبوبیت در این حوزه می‌رسد و به قلب‌ها رسوخ می‌کند و جایگاه خود را در میان اقشار و طبقات جامعه درمی‌یابد هنر پنداشته می‌شود. در گویندگی چهاراصل خیلی مهم پنداشته می‌شود، در گام نخست صدای گیرا که دربرگیرنده‌ی استعداد و توانمندی سیمای فوتوژونیک که به نحوی موردپذیرش بیننده قرار گیرد. ژست و حرکات

موزون و معیاری همگام با متن و از همه مهم‌تر سواد گویندگی است؛ که می‌تواند فرد علاقه‌مند به گویندگی را تثبیت شخصیت کند. آرزو مندم خوانندگان و علاقه‌مندان در این بخش با فراگرفتن محتویات کتابی که شما با عالمی از مهارت‌ها به تهی‌ی آن پرداخته‌اید، استفاده‌ی مزید نمایند. برای شما استاد پرتلاش موفقیت‌های مزید در تدریس و پژوهش از بارگاه خداوند (ج) مسئلت دارم.

با حرمت

سید فریدالله حسینی

گوینده و استاد کورس‌های آموزش گویندگی در رادیو تلویزیون ملی

افغانستان

کابل ۱۶ حوت / ۱۳۹۹

تقریظ

دیدگاه جناب احسان الله قاضي زاده مدیر رادیو معارف در مورد کتاب «هنر گویندگی در رادیو»



په رادیو کی د نطاقی هنر نوموړی کتاب چې د بش اغلي استاد رسول خان امین په لاس لیکلی شوی، بیا کتنه مې یې ترسره کړه، یقیناً چې په دې کتاب کې ډیر داسې نوي شیان خپه خای شوي، چې د نوي ژورنالیزم او نوي

عصر سره سر خوري، ددې کتاب لوستونکي به وکولای شي چې ددې کتاب تر لوستلو وروسته له لږ عملي کار کولو، به یو ښه او تکره نطاق وي، ددې کتاب بله خن گړنه داده، چې په ډیرو سادو الفاظو او نرمه ژبه لیکل شوی، چې نه یوازې محصلین، بلکې د ښوونځی د لوړو ټولگيو زده کوونکي او نور عامو خلکو ته هم ډیر مفید دی. بیا هم له محترم استاد رسول خان امین څخه ددې لوی خدمت مننه کوم، او په راتلونکي کې ورته د نورو بریاوو غوښتونکی یم.

په درنښت

احسان الله قاضي زاده

د ملي رادیو-تلویزیون د معارف رادیو مسؤول

تقریظ

دیرگاه جناب جمعه نور مجبور، استاد، شاعر، نویسنده و مدیرمسئول
تلویزیون خصوصی ۴۴ در مورد کتاب «هنر گویندگی در رادیو»



د پوهنتون قدرمن استاد رسول خان امین
سره مې درې کاله وړاندې، کله چې زه په
۴۴ نړیوال ټلوویزیون کې د خپرونو
سینییږ پروډیسر وم، وپېژندل. په لومړي ځل
لیدو یې ها د ادیبانو او شاعرانو خبره، پر
ځان مټین کړم. له مسکا ډکه څیره،
فصاحت او بلاغت، باادب او بانزاکت ټولنیز
چلندي هغه نیک خویونه دي، چې پر هر
سالم انسان په لومړۍ لیدنه کې ځان مني.

کله چې یو انسان د پورتنیو غوره خصلتونو او وړتیاوو لرونکی وي؛ نو
طبعاً ترې د ژورنالیزم په برخه کې د زیاتو مهمو او اغیزناکو آثارو پنځولو
هیله هم کېږي.

له نیکه مرغه دا دې یو ځل بیا بن اغلي استاد د ژورنالیزم لارویانو لپاره د
مسلك اړوند نادره زیاتونه کړي او د (هنر گویندگی در رادیو) په نوم یې
نوی اثر لیکلی دی. که څه هم په دې برخه کې پخوا هم آثار لیکل شوي، خو

د وخت په تېرېدو، د نوې ټکنالوژۍ او اوسنۍ پيړۍ غوښتنو ته په
کتو په بشپړ ډول خوابوونکي نه وو/ دي.

دا دی استاد په دې برخه کې له دې نوي اثر ليکلو سره دا تشه ډکه
کړه، زه باوري يم چې په لوستلو سره به يې د ژورناليزم زدکړيالانو او
لارويانو قناعت حاصل شي او د وړتياوو په لوړولو کې به يې رغنده او
بنسټيز رول ولوبوي.

په پای کې بيا هم قدردان استاد الحاج رسول خان امين ته د دې مهم اثر
د ليکلو له امله مبارکي وایم او په راتلونکي کې ورته د لا زیاتو گټورو اثارو
پنځولو هيله کوم. په عمر، علم او گوتو يې برکتونه!!!

په درنښت

جمعه نور مجبور

ليکوال او ژورناليسټ

کابل-افغانستان

فصل اول

کلیات پژوهش

این فصل شامل

مباحث‌های زیر است:

۱. چکیده
۲. عنوان تحقیق
۳. موضوع و طرح مسئله
۴. اهمیت تحقیق
۵. ضرورت تحقیق
۶. هدف تحقیق
۷. پیشینه تحقیق
۸. پرسش‌های تحقیق
۹. محدودیت‌های تحقیق
۱۰. روش‌ها و ابزار تحقیق
۱۱. کاربران تحقیق
۱۲. منابع اصلی تحقیق

چکیده

اگر آنچه را که در اعماق روحمان نهفته داریم و آنچه را در زندگی می‌بینیم و احساس می‌کنیم، بتوانیم همان‌گونه ماهیت آنها را بیان کنیم و یا واقعیت پدیده‌ها را آن طوری که است برملا ساخته و نشان بدهیم، ما را گوینده، نویسنده، ممثل و یا گاهی رمز گر و زمانی رمز کش نامند، در واقعیت شمار کسانی که دارای این موهبت و توانایی هستند، اندک از بسیاری بوده و طبیعی است که از همه مردم نمی‌توان انتظار داشت که گوینده‌ای برگزیده و یا نویسنده‌ای چیره‌دست بار آیند.

اساساً در هر هنری، چه گویندگی یا سخنوری، بیش از هر چیز سخن از مسؤولیت و تعهدات از آن لحاظ است که انسان می‌اندیشد؛ و طرح ربط منطقی مطلب‌ها را می‌ریزد تا آن زمان که اندیشه‌ی خود را به‌صورت نوشته و پیام به دیگری می‌رساند، نمی‌تواند از محدوده مسؤولیت و تعهد آن‌هم در چهارچوب فضیلت و تقوا و اخلاق فاضله بیرون رفته و در گزینش الفاظ که دربرگیرنده معانی هستند و به کار آن‌ها در جای مناسب، کوتاهی نماید، چه به قول نظامی:

به که سخن دیربسنند آوری
تا سخن از دست بلند آوری
پرده رازی که سخن گسترست
سایه‌ای از سایه پیغمبرست

به همین جهت در قرآن کریم، آیاتی چند به بیان اهمیت این رسالت و مسؤولیت اختصاص یافته است، از آن جمله آیات اول و دوم سوره‌ی قلم است که در آن آیات خداوند متعال به قلم - که ابزاری بس مقدس است -

سوگند یاد می‌کند و به حرمت نوشته و اعتبار آن تصریح می‌فرماید؛ و در پایان سوره، پیامبر اسلام (ص) را بدین بیان شیوا در برابر نسبت‌های ناروای کافران تسلیت می‌بخشد که (این کتاب نیست مگر سرچشمه پند و حکمت و وسیله رستگاری و سعادت برای جهانیان). در سوره‌ی علق آیه چهارم نیز خداوند (ج) پس از بیان دو صفت آفریده‌گاری و بخشایش‌گری که والاترین صفات اوست، به ارزش قلم یاد می‌کند و می‌فرماید: (آن وجود فیاضی را که آدمی را موهبت نوشتن آموخت و آنچه را که نمی‌دانست بدو تعلیم داد).

زندگی روزانه هر یک از ما پُر از تلاش و فعالیت برای رسیدن به هدف مطلوب است که فقط می‌توان با ابراز نظر، بیان واقعیت‌ها، تبادل نظر و اندیشه و ترجمانی از پدیده‌های طبیعی و اجتماعی به هدف رسید. در این‌جا با فعالیت‌های هنری مستمر رشته مورد نظر ما چنین کاری به‌درست آمده می‌تواند. ما با رشته نامریی با دیگران مربوط هستیم، وجود همین پیوندهاست که به ما جرئت زندگی کردن و روبه‌رو شدن با جامعه را می‌دهد. برای نگهداری این پیوند و ازدیاد آن‌ها، راهی جز جلب توجه و اعتماد دیگران در پیش نیست.

به همین منظور با ظهور رادیو-تلویزیون و ضرورت بیان و آرایه نوشته‌ها اشعار و مطلب‌های متنوع هنری به عنوان گویندگی ظهور نمود و کسانی به‌عنوان گوینده‌ی رادیو و تلویزیون دست به کار شدند. از آنجایی که گویندگی به شیوه‌ی نوین با رادیو و تلویزیون پیوند داشت گویندگان کشور ما افغانستان نسبت عدم دسترسی به منابع و مأخذ در مورد هنر گویندگی هر یک به ابتکار خود مهارت‌هایی را به کار گرفتند، درست یا غلط یکی از دیگری تقلید کردند و این تقلید و خودسری همچنان ادامه یافت. در این‌جا گه‌گاه رادیو و تلویزیون نیاز خود را به گویندگان جدید اعلان می‌نماید عده‌ای از جوانان علاقه‌مند مراجعه می‌کنند ثبت‌نام می‌شود و چندی هم برای آمادگی آن‌ها کورس‌های دایر می‌شود. از این‌که تدویر چنین کورس‌ها کار مثمر و بااهمیت است، شکی وجود ندارد؛ و اما نقص کار در این است که برنامه درست و مواد مشخصی جهت تدریس و آموزش دانشجویان موجود نیست. البته این نقیصه کلی است. اصلاً در کشور ما دستورالعملی یا راهنمایی در زمینه‌ی گویندگی تهیه نشده (اگر به‌وسیله بعضی استادان شده

مکفی یک گوینده حرفه‌ای رادیو نیست) و یا اصلاً در این زمینه کاری نشده است.

باید ذکر نمود که در کشور ما هنر گویندگی به مقایسه کشورهای غربی خیلی هم یک پدیده جدید نیست که خوشبختانه در این راه اشخاص بسیار خبیر و دانشمند و هنردوست گام‌های متین برداشته‌اند. این‌جاست که درمی‌یابیم گویندگی را رازها و شکردهای فراوان است که باید آن‌ها را یافت، با آن‌ها آشنا شد و آن‌ها را به کار بُرد تا گوینده شد و در این کتاب این راز و رمزهای گویندگی در رادیو تا حد امکان نمایان خواهد شد. البته با کاوش در گفته‌های اندیشمندان و اهل فن و تجاری که در زمینه به‌دست‌آمده گویای خوبی برای دریافت این رمزها و شیوه‌ها است.

عنوان تحقیق

هنر گویندگی در رادیو: در راستای گویندگی و گزارش‌گری ژورنالیستان و نویسندگان عزیز افغانستان تحقیقاتی را انجام داده و بیش‌تر روی فن سخنوری، گویندگی در تلویزیون، مجری موفق و... متمرکز است. من می‌خواهم مختص روی «هنر گویندگی در رادیو» تحقیق کنم.

هدف تحقیق

این موضوع برای همه واضح و روشن است که در جهان امروزی اهمیت جنگ سرد کمتر از جنگ گرم نیست همچنانی که یک مرمی هدف شده قلب دشمن را می‌شکافد نشر یک کلمه و یا یک سطر مناسب و پخش یک پاراگراف پرمحتوا از طریق وسایل ارتباط همگانی مغز او را شکافته و افکارش را مختل و مغشوش می‌نماید.

جنگ‌افزایی که می‌توان از آن‌ها در پیشبرد جنگ سرد استفاده کرد همانا وسایل ارتباط همگانی بمویژه «رادیو» است وسایل مفاهمی جمعی در سه کته گوری عمده تبارز نموده که عبارت‌اند از: وسایل مطبوع یا نوشتاری

(روزنامه، هفتهنامه، جریده، مجله و...) وسایل سمعی یا شنیداری (رادیو و کست) و وسایل بصری یا دیداری (تلویزیون و سینما).

این سه شکل ژورنالیزم امروز به صورت فوق العاده در امور جهان تأثیر وارد نموده و دوشادوش جنگ گرم کسب اهمیت نموده و حتی در بعضی موارد در میدان مبارزه گوی سبقت را از جنگ گرم ربوده است. هر یک از این اشکال با استفاده از وسایل تخنیکی که عبارت از: ماشین چاپ، میکروفون و کمره است برای مخاطب (شنونده، خواننده و بیننده) تقدیم می‌گردد.

رادیو که یک نوعی از وسایل مفاهمه جمعی است توسط به کار بستن آن یک پیام در قالب امواج الکترومگنیت در هوا پخش و به کمک آخذه‌ها به شنوندگان در سراسر دنیا رسانیده می‌شود. رادیو از بدو پیدایش خود تاکنون مانند سایر پدیده‌های زندگی مراحل مختلف تکامل را پیموده و در هر کشور متناسب به درجه‌ی رشد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن مورد کاربرد قرار گرفته است.

برای روشن کردن هنر گویندگی در رادیو در حالی که در رادیوها و رسانه‌های افغانستان گویندگی و مجری‌گری نقش عمده‌ای دارد و گویندگان و مجریان رسانه‌ها از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند، موضوعی را تحت عنوان «هنر گویندگی در رادیو» ترتیب کردم تا مجریان عزیز، ویژگی‌های گوینده را در رادیو درک و به سوی داشتن ویژگی‌های مناسب حرکت کنند و گوینده‌ی موفق باشند. ان شاء الله.

اهمیت تحقیق

در شرایط فعلی که عصر فناوری است و جهان از نظر ارتباطات به یک دهکده تبدیل گردیده و کشور ما هم خارج از این دهکده نیست و رسانه‌های دیداری و شنیداری در افغانستان نیز در حال رشد و گسترش است، بیش‌تر از هر زمان موفقیت ما در گویندگی خوب و حرفه‌ای ما گره خورده است. به خصوص رسانه‌های صوتی؛ و لازم است با این کتاب کوچک بتوانم رهنمایی خوبی کنم به دوستان برای داشتن یک صدای دل‌نشین و تأثیر صدا در گویندگی رادیو.

ضرورت تحقیق

در شرایط فعلی عصری که گویندگی حرفه‌ای و علمی جای خود را به گویندگی‌های ضعیف و سخیف داده بناً نیاز است تا گویندگان بیش‌ازپیش حرفه‌ای شوند؛ و به سلاح گویندگی که همانا بیان خوب و صدای تأثیرگذار است خود را مجهز سازند. منظور هنر گویندگی، صیانت زبان از تخطی‌های لفظی و معنوی که علم معانی، بدیع و قواعد دستوری آن را نمی‌پسندد، است؛ و درنهایت می‌خواهد از گوینده‌ی صاحب علم، دانشمند واقعی بار آورد تا به قلب‌ها مرهم گذاشته تحولات مثبت را در سطح کشور و یا جهان به ارمغان آورد.

پیشینه‌ی تحقیق

نخستین چیزی که خدای تعالی بیافرید، قلم بود و به قلم سوگند یاد فرمود: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»؛ و چنین تفسیر شده خطیب بزرگ هر دو جهان یعنی خدای آفریننده زمین و آسمان، به نیروی کلام خود، این جهان را بیافرید؛ و... شبی از شب‌های ماه مبارک رمضان، ناگهان نوری خیره‌کننده در کوه حرا سراپای وجود ختمی‌مرتب را فراگرفت و نخستین کلمه وحی نازل گردید و آن کلمه، فرمان خواندن بود: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۱ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۲ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۳ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۴ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ «سوره العلق آیه ۵»

حکیم نظامی گنجوی، وقوع این پدیده را چه زیبا بیان کرده است:

جنش اول ز قلم برگرفت
حرف نخستین ز سخن درگرفت
پرده‌ی اول چو در انداختند
جلوت اول به سخن ساختند
بلبل عرش‌اند سخن‌پروان
باز چه مانند به آن دیگران
پرده‌ی رازی که سخن پرور است

سایه‌ای از سایه‌ی پیغمبر است
 هر که علم بر سر این راه برد
 گوی ز خورشید و تک از ماه برد

سخن گهربار و تعلیمات بی‌بدیل پیامبر گرامی اسلام (ص) در ارشاد آدمیان و ایجاد وحدت و یگانگی بین آنان، به‌گونه‌ای بوده است که به‌جای جسم، روان انسانی را زنده می‌کرد.

منظور از بررسی اصول و قواعد که از دیرباز چراغ راه گویندگان و مجریان بوده است تا آنان بتوانند روی صحنه تکلم کنند و قوه‌ی ناطقه‌ی خود را به‌قصد ایجاد گونه‌ای ارتباط مطلوب و معین مورداستفاده قرار دهند، ابتدا لازم است با دقت تمام به علم معانی بیان (هنر گویندگی) توجه کنیم تا راهی که مقوله صدا و بیان - انتقال صوتی - در تاریخ نمایش و خارج از این حوزه، پیموده و تغییراتی را که متقبل شده است، بهتر بازشناسیم.

معانی بیان فنی است عملی و مبتنی بر تمهید و قواعد واقعی توأم با نظریه‌ای کلی در خصوص آنچه به‌طور محسوس در فرایند تکلم رخ می‌دهد و این‌که چگونه مردم نسبت به روش‌های گوناگون بیان عضلانی، زیبایی‌شناختی و عاطفی واکنش نشان می‌دهد. بیان برای قدما به‌طور کلی عبارت بود از فن تکلم و نگارش. در طول قرون متمادی کاربرد معانی بیان و خطابه، مرحله بلاغت، یعنی یافتن شمل کلامی مناسب برای گویندگی بحث‌برانگیزتر از مراحل دیگر بوده است. چراکه همواره گوینده در تلاش می‌بود تا به کار بردن از سبک آراسته‌ای ویژگی فردی خود را به رخ مخاطب بکشد.

کلیدواژه‌ها و پرسش‌های اصلی

الف، کلیدواژه‌ها

- ژورنالیزم، به معنای تبادل معلومات از طریق وسایل ارتباط همگانی است.

- ژورنالیست، یک شخصی است که آموزش‌های مسلکی را در بخش ژورنالیزم فراگرفته است.
 - **گوینده:** سخن راننده، ناطق، خطیب.
 - **مخاطب:** طرف خطاب، کسی که به او سخن گفته شود.
 - **اقتناع:** قانع ساختن، خرسند کردن، راضی کردن، خشنود گردانیدن لازم به توضیح است که اقتناع، واژه هم‌صدای دیگری هم دارد که اغناء است یعنی بن‌نیاز کردن – توانگری دادن؛ اما واژه مورد نظر و بحث ما اقتناع است؛ یعنی تلاش گوینده به باوراندن سخن خویش به مخاطبان.
 - **تعریف گویندگی:** گویندگی یا سخنوری فنی است که به وسیله آن گوینده، شنونده را به سخن خود، خورسند/ خشنود کرده و بر منظور خویش، خواهان/راغب نماید.
 - **تعریف نطق:** (گوینده و گفتار) به گوینده‌ای که فن اقتناع و ترغیب را به کاربرد، خطیب و سخنور گفته می‌شود و سخنی که این فن در آن به‌کاربرده شود را، خطابه، نطق و یا گفتار گویند. در یونان قدیم که تاریخ سخنوری از آن‌جا آغاز شده است، به گوینده که این فن را به کار می‌بست، **Rhetor** به معنی خطیب، گوینده و سخنور می‌گفتند و سخنی که این فن در آن به‌کاررفته است، **Rhetoric** به معنای خطبه، خطابه و یا گفتار می‌گفتند. لفظ **Rhetoric** در زبان انگلیسی و فرانسوی از همین ریشه **Rhethorigue** به معنی بیان و معانی آمده است.
- ب: پرسش‌های اصلی**
- ژورنالیزم چیست؟
 - ژورنالیست کیست؟
 - رادیو چیست؟
 - گویندگی چیست؟
 - گوینده کیست؟
 - جایگاه صدا در رسانه‌های شنیداری چقدر است؟
 - صدا چه تأثیرات بالای ارتباطات مردم در رادیو دارد؟

ج: پرسش‌های فرعی

- چقدر صدا در کویندی اهمیت دارد؟
- آیا صدا در ارتباط برقرار کردن با مخاطب رسانه نقش دارد یا نه؟

محدودیت‌های تحقیق

ما می‌دانیم که هیچ کار خالی از مشکلات نیست؛ بنده نیز مانند دیگر هم‌قطارانم و از دیگران بیش‌تر چون برای تحقیق دیگر دوستان و هم‌مسلمانم یک اندازه مواد در دسترس بود؛ اما برای تحقیق من اصلاً کتابی و مقاله‌ای مفید نبوده از نبود مواد و کتاب به زبان فارسی شکایت دارم، چون بالای نقش صدا در کویندی نه کتابی است و نه استادان عزیز ژورنالیزم و هنر در این مورد کتابی نوشته‌اند.

روش‌ها و ابزار تحقیق

کتابخانه‌ای و میدانی.

کاربران تحقیق

استفاده‌کنندگان از منابع این تحقیق، افراد زیر هستند:

- گویندگان رادیو
- دانشجویان دانشکده‌های ژورنالیزم
- متن‌خوان‌ها
- گزارش‌گران
- دوبلران
- دکلماتورها
- و تمام فارسی‌زبانان دنیا و مردم افغانستان

معرفی منابع اصلی تحقیق

منابع اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

- کتاب‌های استادان گرامی رشته ژورنالیزم افغانستان

- کتاب‌های خبرنگاران پیشکسوت
- کتاب‌های برگردان انگلیسی به فارسی
- کتاب‌های خودم که در این ده سال تحقیق نموده‌ام.

فصل دوم ژورنالیزم و ژورنالیست

موضوعات شامل

این فصل:

- مبحث اول: تعریف خبرنگاری (ژورنالیزم)
- مبحث دوم: مزایا و محدودیت‌های ژورنالیزم
- مبحث سوم: تعریف خبرنگار (ژورنالیست)
- مبحث چهارم: مسؤولیت‌های خبرنگار (ژورنالیست)
- مبحث پنجم: ویژگی‌های خبرنگار (ژورنالیست)
- مبحث ششم: وسایل ارتباط همگانی

مبحث اول تعریف و هدف ژورنالیزم

برای شناخت هر پدیده دست‌کم باید آن پدیده موجود باشد تا شناخت و یا هم تعریفی از آن سوی متخصصان و یا هم از طرف اصحاب آن رشته صورت گیرد، به همین ارتباط موضوع مورد نظر ما شناخت ژورنالیزم است که ژورنالیزم چیست؟ طوری که از نامش هویدا است، ژورنالیزم از دو واژه خارجی گرفته شده است. «ژورنال-و-ایزم».

ژورنال، ژورنال در زبان فرانسوی به معنی ثبت احوال روز و یادداشت روزانه که دربرگیرنده واقعه‌های روزانه باشد، است و ژورنال برای هر نوع نشریه گفته می‌شود.

ایزم، پسوند ایزم (**ism**) در زبان انگلیسی از (**isme**) در فرانسه و آن از (**ismus**) در لاتین و آن از (**ismos**) از زبان یونانی گرفته شده است و معنای رأی، عقیده، ایمان، مذهب، مکتب، روش، آیین و گرایش را می‌دهد. پسوند، ایزم به‌تنهایی مورد استعمال قرار نمی‌گیرد، به همین اساس، ایزم با واژه‌های سیاسی کاربرد زیادی دارد؛ مانند لیبرالیزم، ماتریالیزم، فاشیسم، تروریسم و... بنابراین دو واژه «ژورنال» و «ایزم» را می‌توان روش جمع‌آوری رویدادها معنی نمود.^۱

تعریف ژورنالیزم

طوری که به همه دانشمندان و صاحبان اندیشه و قلم معلوم است در علوم اجتماعی تعریف جامع و مانع از سوی دانشمندان ارایه شده باشد و

^۱ ایوبی، ۱۳۹۳، ص ۴۳-۴۴.

تمام اصحاب آن رشته به آن تعریف اتفاق نظر داشته باشند، وجود ندارد؛ و به همین لحاظ از تاریخ جغرافیا، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فرهنگ به ده‌ها و صدها تعریف از سوی متخصصان آن رشته‌ها ارایه گردیده است. به همین سیاق؛ ژورنالیزم هم یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که شاید ده‌ها، صدها و اگر اغراق نشود به‌اندازه‌ی متخصصان این رشته تعریف وجود داشته باشد؛ از این که امکان ندارد فهرستی از تعریف‌های ژورنالیزم را در این کتاب کوچک ارایه نماییم؛ به خاطر شناخت خوب‌تر ژورنالیزم ناگزیر چند تعریفی را ذکر می‌نمایم:

۱. ژورنالیزم معنای نوشتن خبرها و وقایع را افاده می‌نماید.
۲. ژورنالیزم به معنای تبادل معلومات از طریق وسایل ارتباط همگانی نیز گفته‌شده است.
۳. مطابق به واژه‌نامه‌ی بین‌المللی (ویبستر) ژورنالیزم عبارت از: «جمع‌آوری مواد موردعلاقه مردم درباره رویدادهای تازه است».
۴. طبق واژه‌نامه چمبر قرن بیست؛ ژورنالیزم عبارت از: «تهیه و نوشتن برای روزنامه، جریده و... برای مردم است».
۵. ژورنالیزم به معنای تبادل معلومات روز از طریق نوشتن در روزنامه، تلویزیون رادیو و سایر رسانه‌های همگانی است.
۶. به نظر بنده؛ با کمی تغییر با یکی از تعریف‌های بالا؛ ژورنالیزم را می‌توان چنین تعریف نمود: ژورنالیزم عبارت است از: جمع‌آوری و انتقال مواد موردعلاقه‌ی مردم، درباره رویدادهای تازه به‌طور علنی از طریق رسانه‌های جمعی برای مردم، است. مهم‌ترین موردی که در ژورنالیزم دارای اهمیت خاص است؛ عبارت از: وقت است که در سایر فعالیت‌های نویسندگی دیگر این چنین نیست.
۷. با در نظر داشت تعریف‌های متعدد و متفاوتی که از ژورنالیزم شد، به خاطر درک بهتر «ژورنالیزم» می‌توان چند نکته مهم که موضوع را بیش‌تر روشن می‌سازد؛ اضافه نمود: «مبنا و محور اصلی ژورنالیزم، مصاحبه، جمع‌آوری اطلاعات و معلومات انتقال آن برای مردم است»؛ بنابراین می‌توان گفت که مبنا، اساس و اصل کار و فعالیت ژورنالیزم بالای جمع‌آوری اطلاعات،

مصاحبه، تبصره، گزارش، تحلیل و انعکاس آن‌ها از طریق تلویزیون، رادیو، اینترنت، نشریه و... برای مردم است.^۲

هدف ژورنالیزم

ژورنالیزم و یا خبرنگاری ابزاری برای جامعه‌سازی سالم است، از ژورنالیزم می‌توان در خلق و آفرینش شهروند خوب استفاده کرد. هدف از ژورنالیزم ایجاد نظام مردم‌سالاری است. میلیون‌ها نفر با بهره‌گیری از جریان اطلاعات آزاد در پدید آوردن یک حکومت و زمامداران جدید برای اداره زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... کشورشان به‌طور مستقیم مشارکت دارند. مقصد ژورنالیزم، آرایه اطلاعات و معلومات به شهروندان است، آگاهی و اطلاعاتی که آن‌ها برای آزادی خویش، ناظر فعالیت‌های نمایندگان و دولت‌مردان خود و حتی نیاز از جریان اوضاع جهان دارند؛ می‌باشند.

هدف اصلی و اساسی ژورنالیزم؛ بازگو کردن حقیقت به مردم است تا آن‌ها اطلاعاتی را که برای حاکمیت و مشارکت در قدرت به آن نیاز دارند در اختیار داشته باشند. اخلاقیات ژورنالیزم بر یک چیز گواهی می‌دهد؛ در اساس‌نامه «انجمن سردبیران روزنامه‌های آمریکا» که بزرگ‌ترین محفل مدیران اتاق خبررسانی‌های نوشتاری در شمال آمریکا است، هدف ژورنالیزم خدمت به رفاه عمومی از طریق اطلاعات رسانی به مردم عنوان شده است.

علاوه از موارد یادشده، اصل زیر، عناصر تشکیل‌دهنده روزنامه‌نگاری و یا ژورنالیزم می‌باشند.

۱. نخستین تعهد روزنامه‌نگاری و یا ژورنالیزم، بازگویی حقیقت است.
۲. روزنامه‌نگاری و یا ژورنالیزم بیش از هر چیز، به شهروندان وفادار است.
۳. جوهر اصلی روزنامه‌نگاری، اصل تأیید صحت خبر است.
۴. روزنامه‌نگاری باید استقلال خود را از کسانی که خبر مربوط به آن‌ها را پوشش می‌دهند، حفظ کند.
۵. روزنامه‌نگاری، ناظر مستقل قدرت است.

^۲ همان.

۶. روزنامه‌نگاری، باید امکان انتشار انتقادات مردم و مصاحبه آن‌ها را فراهم آورند.

۷. روزنامه‌نگاری، باید رویدادهای مهم را جذاب و متناسب جلوه دهد.

۸. روزنامه‌نگاری، باید خبر را متناسب، با اهمیت و جامع تهیه کند.

۹. روزنامه‌نگاران، در برابر وجدان خود مسئول‌اند.

یادداشت: علاوه بر نکته‌های فوق؛ جا دارد که اشاره‌ای به اطلاع‌رسانی در دین مقدس اسلام نیز شود: (هدف دین مقدس اسلام از اطلاع‌رسانی و تبلیغ نشر قانون خدا و مبارزه با ظلم است، دعوت به عدالت و تقواست، آگاه ساختن و تبلیغ نمودن کار بسیار ارزش‌مندی است که در درجه‌ی اول مسؤولیت آن از طرف خداوند به دوش انبیا و اولیا سپس بر دوش علمای ربانی گذارده شده است؛ بدین جهت تبلیغ در دین اسلام، یک حرفه نیست، منبع درآمد نیست؛ بلکه یک وظیفه الهی و انسانی است).

مبحث دوم

مزایا و محدودیت‌های ژورنالیزم

هر حرفه و مسلک مزایا و زیان‌های خود را دارد و به‌طور مطلق گفته نمی‌توانیم که یک مسلک هیچ مزیت و یا هم زیان ندارد؛ به نظر اکثر مردم، طب یکی از بهترین رشته‌ها، در جهان است؛ اما با وجود آن، خطرات زیادی متوجه این وظیفه است؛ چون سروکار این مسلک با جان و حیات انسان است، به همین قسم حرفه ژورنالیزم هم یکی از مسلک‌هاست که خطرات و مشکلات زیادی را مواجه است که به‌طور مختصر چند مزیت و محدودیت آن را اشاره می‌نماییم:

مزیت‌های حرفه ژورنالیزم

- یک وظیفه مقدس و توأم با صداقت است.
- به خاطر صداقت و راستی؛ ژورنالیستان و خبرنگاران مورد اعتماد و اعتبار بیش‌تر مردم جهان قرار دارند.

- مسلک ژورنالیزم یک وظیفه دلچسب و پُرخطر است.
- حرفه‌ی ژورنالیزم در تمامی جوامع مطرح و مورد توجه است.
- عقل اتصال ملت‌هاست؛ این ژورنالیستان و رسانه‌هاست که دنیا را مانند یک دهکده مبدل ساخته‌اند.
- ژورنالیستان و خبرنگاران، ناظر فعالیت‌های دولت‌مردان است، هیچ کار و عمل خوب و بد؛ رییس جمهوری، وزیران، نمایندگان مردم در مجلس، قومندانان و سایر شخصیت‌های حقوقی و حقیقی از نظر آن‌ها و ملت پنهان نمی‌ماند و به نحوی از انحاء بالآخره فعالیت‌های‌شان برملا می‌شود.
- حرفه‌ی ژورنالیزم، زمینه‌ساز رشد و پیشرفت شخصیت ژورنالیستان است. اگر علاقه‌مندان این مسلک؛ با پشت‌کار زیاد و خستگی‌ناپذیر، بدون جانب‌داری، فقط به خاطر حق و عدالت فعالیت نمایند، مردم بالای این قشر اعتماد و اعتبار زیاد خواهند نمود.
- در افغانستان افراد و اشخاص زیادی دیده‌شده که سال‌ها مبارزات سیاسی نموده‌اند تا برنده‌ی انتخابات پارلمانی شوند؛ ولی مردم برای‌شان رأی ندادند و به پارلمان راه نیافتند و در دو دهه‌ی اخیر جوانانی را ما شاهد هستیم که در مسلک خود (ژورنالیزم) خوب درخشیدند و فعالیت‌شان برای مردم قابل‌لمس بوده و توانستند با اندک زمانی به پارلمان راه یابند.

محدودیت‌های حرفه ژورنالیزم

- یک وظیفه پُرخطر است.
- ژورنالیستان به خاطر انعکاس واقعیت‌ها و افشاکری‌های‌شان، مورد تهدید و کوب قرار گرفته، حتی کشته می‌شوند. (در کشور ما افغانستان شاهد این موضوع هستیم).
- ژورنالیستان از لحاظ اقتصادی دچار مشکلات می‌باشند.
- به خاطر انعکاس واقعیت‌ها، از خطرناک‌ترین نقاط، خبر تهیه می‌نمایند.

در پهلوی همه نکته‌های ذکرشده؛ ژورنالیستان با قبول مشکلات اقتصادی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و... کسانی هستند که تاریخ سازان واقعات و رویدادهای نظامی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ورزشی و ده‌ها مورد دیگر که به نحوی از انحاء با سرنوشت مردم گره می‌خورد، می‌باشند.

به عبارت دیگر، گفته می‌توانیم که ژورنالیستان و یا خبرنگاران نخستین سفیران، پیام‌آوران و پیام‌رسانان جهان هستند.

نخستین فرد روی زمین مبلغ و پیام‌رسان بود و همچنان آیاتی که به پیامبر اسلام نازل شده او را به قیام و انذار دعوت می‌کند؛ خداوند (ج) تمامی اصحاب کرام، علمای اسلام و همه مسلمانان روی زمین را موظف ساخته تا مردم را از جهل و نادانی آگاه ساخته و آن‌ها را از تاریکی نجات دهند، به همین ترتیب ژورنالیستان و خبرنگاران مسلمان نیز در پهلوی اراپه اخبار از رویدادها مسؤولیت و رسالت دارند تا ضمیرهای خوابیده را بیدار کرده و مردم را به سوی رستگاری سوق دهند.

رسالت و وظیفه‌ی ژورنالیستان مبارزه با جهل و نادانی، ظلم و ستم، استعمار و استثمار و دگرگون‌کنندگان تاریخ هستند، آن‌ها با قلم جادویی و صدای رسای خویش تاریخ را رقم می‌زنند، دغدغه‌هایی که خبرنگاران به سطح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی می‌آفرینند، کمتر اشخاصی را می‌توان یافت که چنین شاهکاری را انجام دهند.

منتظران زیدی ژورنالیست عراقی با پرتاب کفش‌هایش در یک کنفرانس مطبوعاتی در عراق به سوی جورج بوش رییس جمهوری وقت آمریکا، در جهان هنگامه و غوغا برپا کرد و میلیون‌ها خبرگزاری‌های جهان، سایت‌های اینترنتی، تلویزیون‌ها، رادیوها و نشریه‌های جهان این خبر را به نمایش گذاشتند؛ و خلاصه این‌که هر جای که هستی بود و انسان زیست می‌نمود؛ از این خبر آگاه شدند؛ و جالب این‌که پس از این واقعه حتی کفش‌های پرتاب شده زیدی برای مدتی خبرساز رسانه‌های ملی و بین‌المللی گردیده بود. به همین ترتیب سایت اینترنتی ویکی‌لکس در جهان غوغا برپا کرد. سایت ویکی‌لکس یک سایت افشاگر در جهان محسوب می‌شود و با گرفتن نام ویکی‌لکس؛ فقط ذهن‌ها به افشاکاری این سایت متوجه می‌شوند.

با توجه به آنچه گفته شد؛ حرفه ژورنالیزم یکی از پُرخطرترین، مقدس‌ترین و درعین‌حال پُرخطرترین وظیفه و مسؤولیت در جوامع است و اگر ژورنالیستان و خبرنگاران، تعهد رسالت و مسؤولیت‌های خود را فدای مسایل شخصی و مادی سازند، منفورترین و خاین‌ترین افراد روی زمین خواهند بود؛ چون با کتمان حقایق، واقعیت‌ها، ظلم و ستم‌ها، دردها، بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها و به ده‌ها مورد که به نحوی در جوامع وجود دارد خواهد داشت، زیان جبران‌ناپذیری را به وظیفه مقدس ژورنالیستی، به خود و افراد جامعه خواهند رساند.

مبحث سوم تعریف خبرنگار (ژورنالیست)

الف: ژورنالیست به کی گفته می‌شود؟

۱. ژورنالیست شخصی است که آموزش‌های لازم را در رشته‌ی ژورنالیزم و روزنامه‌نگاری دیده است و با داشتن اسناد و مدارک حرفه‌ای ژورنالیزم پا به عرصه‌ی فعالیت‌های ژورنالیستیکی و یا خبرنگاری می‌گذارد. فردی که در دانشکده‌ی طب دوره لازم را ندیده و مدارک آن را نگرفته

باشد، از لحاظ قانونی، صلاحیت تداوی و یا هم اجازه داشتن معاینه خانه را ندارد، به همین قسم فارمسیست، حقوقدان، اقتصاددان، انجنیر و... باید اسناد و مدارک رشته خویش را داشته باشند تا بر مبنای قانون انجاموظیفه نمایند.

۲. ژورنالیست فردی است که با ذوق و علاقه پس از گذراندن دوره‌ی آموزش حرفه‌ی ژورنالیزم و با به دست آوردن اسناد و مدارک که بیان‌گر صلاحیت وظایف مسلکی وی را نشان دهد؛ پا به عرصه‌ی کار و فعالیت ژورنالیستی می‌گذارد و از آن طریق تا اندازه‌ای مصدر خدمت به خود و بیش‌تر به جامعه می‌شود.

۳. ژورنالیست شخصی است که مانند سایر افراد مسلکی چون؛ داکتر، قاضی، استاد و... تعهد مسلکی در قبال حرفه‌اش دارد. ژورنالیستان عموماً در بخش خبررسانی و اطلاع‌دهی در جامعه منجبت‌پل ارتباطی بین مردم و دولت بوده و از طریق رسانه‌ها در جامعه وظایف پُرخطره و درعین‌حال پُرخطره را بدون جانب‌داری به جناح‌ها به‌پیش می‌برند؛ یعنی دولت‌مردان را از مشکلاتی که در جامعه وجود دارد باخبر می‌سازند و برعکس مردم را از فعالیت‌های مثبت، کمی و کاستی و زد و بندهای که در نظام‌ها صورت می‌گیرد، آگاه می‌سازند.

۴. ژورنالیست را به نام‌های خبرنگار، روزنامه‌نگار، گزارش‌گر، راپورتر، فوتوژورنالیست و... نیز یاد می‌کنند و باید گفت که بدون فراگیری مسلک ژورنالیزم، پیشبرد کار ژورنالیستی در جامعه مشکل و حتی ناممکن است؛ ژورنالیست مسلکی شناخته نمی‌شوند.

۵. ژورنالیست شخصی است که به خاطر آگاه ساختن مردم از موضوعات مختلف که به سرنوشت و کشورشان ارتباط می‌گیرد؛ با قبول خطرات جانی، خانه و کاشانه خود را ترک گفته و جهت جمع‌آوری اخبار و اطلاعات در ناامن‌ترین نقاط کشور، منطقه و حتی در گوشه و کنار جهان رفته و اطلاعات را به خورد مردم می‌دهند و هرساله در سطح

کشور، منطقه و جهان ده‌ها ژورنالیست کشته، زخمی، تهدید به مرگ و یا به زندان انداخته می‌شوند.^۳

ب: تعریف ژورنالیست

چیزی که بیش‌تر از همه دغدغه آفرین و بحث‌برانگیز است، تعریف از یک رشته یا پدیده است؛ به‌خصوص در علوم اجتماعی، روی همین اساس از هر پدیده به ده‌ها تعریف توسط بنیان‌گذاران آن حرفه، متخصصان و قلمبه‌دستان آن رشته صورت گرفته است. به همین ارتباط تعریف جامع و مشخص که از ژورنالیست و خبرنگار ارایه و مورد قبول همه متخصصان این عرصه قرار گرفته باشد، وجود ندارد؛ اما بعضی از دانشمندان علوم ارتباط به‌زعم خود از ژورنالیست و خبرنگار تعریف‌های متعددی ارایه نموده‌اند؛ از جمله، تعریف‌های که مورد نظر ما قرار گرفته؛ چنین است:

۱. ژورنالیست یا خبرنگار کسی است که با اتکا به ذوق و استعداد شخصی، پس از گذراندن دوره‌ی آموزشی تخصصی و با توجه به مسؤولیت اجتماعی که این به عهده او می‌گذارد؛ وظیفه‌ی کسب، تهیه، جمع‌آوری و تنظیم «خبرها» و انتقال آن‌ها را از طریق وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو، تلویزیون، خبرگزاری و اینترنت) را بر عهده دارد.

۲. به نظر بنده «ژورنالیست فردی است که پس از فراگیری حرفه‌ی ژورنالیزم قبل از همه تعهد به ارزش‌های قبولی شده‌ی جامعه داشته، وظیفه‌ی پُرخطر اطلاع‌رسانی، اصلاح‌گری، آموزشی و افشاکری را در جامعه، به‌وسیله‌ی رسانه‌ها، بدون ترس و هراس در قبال مردم و وطن به عهده دارد.»

۳. در ماده سوم بند سوم قانون رسانه‌های همگانی افغانستان آمده است: «ژورنالیست، شخصی حرفه‌ای و مسلکی است که از طریق رسانه‌ها مواد و محتوای نشراتی را تهیه و عرضه می‌نماید». تعریف، بیش‌تر به خاطر فهم و شناخت خوب‌تر پدیده‌ها است؛ به همین

اساس، اگر بخواهیم یک تعریف ساده و درعین حال مختصر و قابل‌درک برای علاقه‌مندان رشته ژورنالیزم داشته باشیم؛ می‌توان چنین تعریفی روشنی را ارایه کرد: «ژورنالیست شخصی است که بعد از فراگیری رشته ژورنالیزم، وظیفه خبررسانی را به دوش دارد».

فرق ژورنالیزم و ژورنالیست

ژورنالیست، یک شخصی است که آموزش‌های مسلکی را در بخش ژورنالیزم فراگرفته است.

ژورنالیزم، همان یک‌رشته و یا مسلک است که افراد علاقه‌مند، آن رشته را فرا می‌گیرند.^۴

ج: وظایف ژورنالیستان

با گفتن این‌که ژورنالیستان برای چه کسانی کار می‌کنند خودبه‌خود این نکته در ذهن انسان‌ها خطور می‌کند که ژورنالیستان برای افراد جامعه کار و فعالیت می‌کنند؛ چون حرفه‌ی ژورنالیزم جمع‌آوری اخبار، اطلاعات، آگاهی‌ها و ... تنظیم و ارایه آن‌ها به مخاطبان است. هم‌چنان آیین‌هوار آواز ستم‌دیدگان را به گوش دولت‌مردان و جهانیان می‌رسانند؛ اما صاحبان رسانه چه نقشی را ایفا می‌کنند؟ نظریات متفاوت وجود دارد، تعدادی از دانشمندان این عرصه تأکید بالای استقلالیت ژورنالیستان و خبرنگاران در خدمت صاحبان و مسئولان رسانه‌ها ی‌اند و از سوی آنان پول و یا مزد به دست می‌آورند و درعین حال هر رسانه دیدگاهی مشخصی و پالیسی خود را نیز دارد. پس چه باید کرد؟ پرسشی است مشکل و درعین حال بحث‌برانگیز، به خاطر آگاهی بیشتر خوانندگان و روشن شدن خوب‌تر بحث موضوع تعهد حرفه‌ای و اخلاق حرفه‌ای مطرح می‌شود.

^۴ همان.

غالباً افراد حرفه‌ای به تعهد و اخلاق حرفه‌ای خود بیش از آیین‌نامه‌ها و مقررات سازمانی که در آن به کار اشتغال دارد وفادارند. در بسیاری از موارد میان درخواست‌های کارفرما و پایبندی آن‌ها به موازین اخلاق حرفه‌ای شان کشمکش‌های شدیدی روی می‌دهد؛ به‌طور مثال: ممکن است به داگری که در یک شرکت استخراج معدن زغال‌سنگ استخدام‌شده است. دستور داده شود که بگوید: هیچ خطری سلامت کارگران معدن تحت پوشش این شرکت را تهدید نمی‌کند - درحالی‌که او از نظر حرفه‌ای می‌داند که بدون شک کار در این معدن به سلامتی کارگران لطمه می‌زند؛ بنابراین ممکن است این داگر و پزشک مجبور باشد بین وفاداری به شرکت و تعهد اخلاقی خود در قبال حرفه‌اش یکی را انتخاب کند. کارول مارین یکی از گویندگان خبر رسانه‌های صوتی - تصویری شیکاگو در همایش روزنامه‌نگاران تعهد در تشریح اخلاقی روزنامه‌نگاری گفت: (به اعتقاد من روزنامه‌نگار کسی است که حاضر است در دفاع از باورهای خویش از شغل خود صرف‌نظر کند).

در تحقیقاتی که مرکز پژوهشی ... در خصوص مردم و معلومات و کمیتۀ ژورنالیستان متعهد در سال (۱۹۹۹) به عمل آورده است که بیش از هشتاد درصد از مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین وظیفه ژورنالیستان را تعهد آنان در قبال خوانندگان مطبوعات شنوندگان رادیو و بینندگان تلویزیون اعلام کردند. در مصاحبه‌های مفصلی که روان‌شناسان با ژورنالیستان به عمل آورده‌اند: هفتاد درصد ژورنالیستان وفاداری به مخاطبان را به‌مراتب مهم‌تر از تعهد در قبال کارفرمایان تعهد فردی و حتی خانوادگی اعلان کردند. بدین لحاظ ژورنالیستان باید به خاطر این‌که برای مردم کار و فعالیت می‌کنند توجه زیاد به مردم و تعهد در قبال حرفه خویش داشته باشد.

مبحث چهارم
مسئولیت‌های خبرنگاران (ژورنالیستان)

۱. توازن - انصاف - بی‌طرفی، خبرنگاران مکلف هستند تا این موارد را
مراعت نمایند؛ هرگاه خبری بدون این موارد تهیه گردد، سبب می‌گردد

که خبرنگار از سوی افراد و یا مراجع عدلی مورد بازخواست قرار گیرد که در عدم رعایت توازن به صورت حتمی یک طرف متضرر شده و حق یک جانب توسط خبرنگار سلب می‌گردد. در عدم انصاف خبرنگار، خبرنگار بیش‌تر خبر یک‌جانبه و غیرمسئولانه را بر حق می‌داند که خود سبب اطلاق حق گردیده و فرد شاکی می‌تواند به مراجع عدلی و قضایی شکایت نماید.

با پیروی از اصل بی‌طرفی، خبرنگار دارای تضمین عدم جانب‌داری گردیده و هیچ‌کس نمی‌تواند او را متهم نماید و وجود بی‌طرفی خبرنگار سبب پذیرش پیامش به مخاطبان گردیده و میزان توجه را بیش‌تر می‌سازد که در غیر آن فرد شاکی می‌تواند از عدم بی‌طرفی کامل خبرنگار شکایت نموده و خبرنگار تحت پیگرد قانونی قرار گیرد.

۲. **دقت در تهیه خبر و گزارش**، دقت نیز یکی از اصول کار خبرنگاری است و خبرنگار مکلف است تا در حین تهیه خبر و گزارش به آن توجه جدی داشته باشد؛ زیرا عدم دقت در اصل خبر که البته در مورد اجرای اساسی خبر است؛ ممکن است که نحوه‌ی پیام‌رسانی آسیب‌پذیر شود و سبب شکایت گردد که در آن صورت خبرنگار به محکمه جلب گردیده و هم بر اعتبار وی و رسانه‌ای که کار می‌نماید، لطمه جدی وارد گردد.

۳. **عدم افتراء، توهین و هتک حرمت**، در ماده، ۳۳ سی‌وسه قانون رسانه‌های همگانی تصریح گردیده است که هیچ‌کس حق نشر مطالب‌های که بر ضد دین اسلام و سایر مذاهب باشد را ندارد و همچنان هیچ‌کس حق نشر مطالب‌های افتراء آمیز و یا هتک حرمت به اشخاص را ندارد. افتراء عبارت از تهمت بستن به کسی بدون مدارک و دلیل‌های لازم و ادعای بی‌بنیاد را گویند؛ و توهین عبارت از خوار و بی‌احترامی کردن به مردم و فرد را گویند که خبرنگار حق چنین کاری را ندارد و هتک حرمت نیز پرده دریدن کسی مفضیح کردن کسی و کسی را در برخی موارد رسوا کردن و یا آنچه بی‌احترامی پنداشته می‌شود در حق کسی روان داشتن را گویند که باید خبرنگار حین نگارش از آن جداً پرهیزد. در هر سه مورد اشخاص حقیقی حکمی حق شکایت را داشته و خبرنگار متخلف محاکمه می‌گردد؛ باید خبرنگاران در این

موارد حساس بوده و نباید به نشر اخبار و گزارش‌های از این دسته اقدام ورزند.

۴. **جمع‌آوری و حفظ اسناد مؤثق**، خبرنگار مکلف است تا در هر موردی که گزارش و خبر تهیه می‌نماید و می‌خواهد قضیه‌ای را روشن نماید و یا می‌خواهد جنایت و یا اختلاس و غیره را افشا سازد باید نخست اسناد کامل آن را به دست آورده و بر اساس آن اسناد به مصاحبه‌ها و تهیه گزارش پردازد، در غیر آن به‌عنوان مغتری به دادگاه جلب خواهد شد و در صورت داشتن اسناد مؤثق به محکمه جلب گردد خبرنگار می‌تواند براءت بگیرد.

۵. **منابع باید مؤثق و از افشای آن تا محکمه خودداری صورت گیرد**، توثیق منابع از اساسی‌ترین کار خبرنگاری است که خبرنگار ملزم به دست یافتن به آن‌هاست و نباید بر منابع غیر مؤثق تکیه کرد چه بسا عدم رعایت این اصل خبرنگار را به دردهای زیادی مواجه خواهد ساخت. همچنان نباید منابع به‌زودی افشا گردد؛ زیرا امنیت منابع از اولویتهای بیش‌تر برخوردار بوده و اگر از افشای یک خبر منبع آن متضرر گردد، مسؤولیت آن به‌دوش خبرنگار است و امکان دارد آن منبع از خبرنگار شکای کند.

۶. **نقل‌قول به‌صورت امانت و به اجازه مصاحبه‌کننده باید نشر شود**، اگر نقل‌قول به‌صورت امانت و آنچه مصاحبه‌کننده گفته است، نشر نگردد؛ امکان دارد که در محتوا تغییر وارد شده وی علیه خبرنگار شکایت نماید و همچنان نباید بدون استیضاح طرف از کسی نقل‌قول نمود که در هردو صورت امکان شکایت وجود دارد و خبرنگار به مراجع عدلی معرفی خواهد شد.

۷. **نباید خبرنگار از تهیه گزارش سود مستقیم و شخصی ببرد**، خبرنگار در اجرای تهیه گزارش به‌جز از اداره‌ی رسانه خود از مرجع دیگر امتیازات مادی دریافت کند؛ زیرا ممکن است گرفتن پول غیر از اداره‌ی رسانه سبب اتهام‌ها علیه خبرنگار گردید و اصول ژورنالیسم زیر پا شود که در آن صورت شکای می‌تواند با ارایه اسناد در زمینه خبرنگار را ملزم نماید. همچنان در موارد استغاده سیاسی نیز این امکان وجود دارد که از رسانه شکایت شده و

- بی‌طرفی را نقض نمایند؛ زیرا خبرنگاران در این‌گونه موارد توجه بیش‌تر به خراج دهند و نباید استفاده‌ی شخصی سبب گتمان حقایق گردد.
۸. **کسب اعتبار مسلکی**، خبرنگاران باید از اعتبار لازم خبرنگاری به‌معنای راست‌گوترین افراد جامعه برخوردار باشند اگر این اعتبار وجود نداشته باشد به‌سادگی در هر مورد امکان کذب در آن متصور است، خبرنگار به مراجع عدلی جلب خواهد شد. کار خبرنگار مطابق به اصول اساسی ژورنالیسم در پرتو قانون اساسی و قانون رسانه‌ها باشد و آگاهی خبرنگار از قوانین یادشده امر حتمی به شمار می‌رود.
۹. **آگاهی لازم از سابقه‌ی خبر و گزارش**، خبرنگاران مکلف‌اند تا سابقه و گذشته‌ی خبر را بدانند و اگر این اصل رعایت شود، خبرنگاران با به دست داشتن اسناد و مدارک لازم به نشر گزارش رفته میزان شکایت به‌مراتب کمتر خواهد شد. اشخاص حقیقی و حکمی خواهد دانست که خبرنگار از تمام وقایع اطلاع دارد.
۱۰. **خبرنگاران نباید در برابر خواست عامه قرار گیرند**، مردم مخاطبان اصلی خبرنگاران بوده، اگر گیرنده پیام آنان هستند؛ پس نباید خبرنگاران در برابر خواست عامه قرار گیرند وگرنه در آن صورت آن‌ها الزاماً به اخبار این‌گونه خبرنگاران گوش فرا نداده خبرنگاران مخاطبان اصلی‌شان را از دست می‌دهند.
۱۱. **خبرنگاران باید از منافع عامه حراست نمایند**، خبرنگاران باید از منافع عامه حراست نمایند؛ زیرا خریدار کالای رسانه‌ای مردم است و یک رابطه‌ی تنگاتنگ میان خبرنگاران و مردم عامه وجود دارد. باید خبرنگاران نیز مانند عامه شهروندان به منافع اجتماعی وابسته باشند؛ این امر هیچ‌گاه جانب‌داری تلقی نمی‌گردد. در این صورت مردم عامه به طرفداری از خبرنگاران قرار خواهند گرفت که امکان زندانی شدن و محاکمه غیرعادلانه خبرنگاران را کاهش می‌دهد.
۱۲. **خبرنگاران باید با همه یک‌سان رابطه داشته باشند**، داشتن روابط یک‌سان با همه بر اعتبار خبرنگاران به‌معنای یک شخص بی‌طرف را تسجیل نموده، امکان شکایت از ناحیه بی‌طرفی را کاهش می‌دهد؛ زیرا مطابق اصول و رسوم ژورنالیسم در نشر اخبار نباید احساسات خود را دخیل نمود. وظیفه-

ی خبرنگار اطلاع‌رسانی است از آنچه واقع شده و نه قضاوت خوب و یا بد؛ بدین مسئله توجه جدی داشت.

۱۳. کار مطلق رسانه‌ای، خبرنگاران باید کار مطلق رسانه‌ای نمایند؛ و در این کار جز موازین قانونی و اصول ژورنالیسم به هیچ چیز دیگر نباید توجه داشت؛ زیرا در کار مطلق رسانه‌ای کمتر احتمال افترا خبرنگاران رفته میزان خطرات از ناحیه سروکار پیدا کردن خبرنگاران به محاکم کاهش خواهد داد.^۵

مبحث پنجم ویژگی‌های مهم خبرنگاران (ژورنالیستان)

خبرنگاران در کنفرانس‌ها، محافل سیاسی، اجتماعی به‌طور کل در هر محفل وقوع رویدادهای مهم و پرمخاطره، چشم و گوش رسانه‌ها و نیز چشم و

گوش مردماند. از این‌که خبرنگاران نقش و وظیفه خیلی بزرگ و عظیم را در جامعه به‌دوش دارند و همیشه در انعکاس حوادث ناگوار و رویدادهای دل‌خراش دردها و رنج‌ها و افتخارات و قهرمانی‌های مردم نقش ایفا می‌کنند و آن را به‌صورت واقعی‌اش برملا می‌سازند. مردم در این راستا نسبت به هر فرد و شخصی دیگر بالای آن‌ها در عرصه اطلاع‌رسانی اطمینان و اعتماد بیش‌تر دارند؛ از این‌رو خبرنگاران نباید از جاده حق و حقیقت کنار روند قلم و گفتار خود را به چیزهای بی‌ارزش، مانند؛ پول، پست، مقام، منافع شخصی، زبانی، گروهی، سمتی و... را بر منافع عمومی و میهنی ترجیح ندهند. هم‌چنان به مذهب‌ها، فرهنگ‌ها، اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای قبول‌شده و عرف و عنعنه‌های پسندیده‌ی مردم آسیب نرسانند؛ و به آن‌ها احترام داشته باشند و در انتخاب سوژه‌های درست، دقیق، جالب و متناسب به نیازهای مخاطبان تلاش نمایند.

خبرنگاری شغلِ ذوقی و هنری است و به انگیزه‌های قوی نیاز دارد. خبرنگار نمایندگی افکار عمومی یک ملت است و هیچ‌گاه نباید این نقش را فراموش کند یا آن را به پای منافع زودگذر هزینه کند، خبرنگاری تنها شغل و پیشه نیست؛ بلکه رسالت است، آن‌هم رسالتی که ملت بر دوش نمایندگان شایسته‌ی خود می‌گذارد. با در نظر داشت این چکیده، ویژگی‌های زیادی را می‌توان برای این قشر جامعه برشمرد که باید خبرنگاران چنین ویژگی‌ها را داشته باشند؛ اما با آن‌هم چند ویژگی مهم و اساسی خبرنگاران را به‌طور مفصل و چندین ویژگی دیگری ایشان را به‌طور موجز بیان می‌نمایم:

۱. **شجاعت و جسارت**، قوای هر کشور اجرایی، تقنینی و قضایی هستند که رسانه‌ها نیز رکن چهارم قدرت شمرده می‌شوند. در نظام‌های متکی بر آرای مردم، خبرنگاران چشم و گوش مردم هستند. از این‌رو آنان باید شجاع و جسور باشند؛ و در مواقع حساس و بحرانی باید بتوانند از منافع ملی دفاع کنند. هیچ خبرنگار آزاده‌ای افتخار نمایندگی افکار عامه جامعه خود را با هیچ‌گونه امتیاز مادی و حصارهای تنگ شخصی عوض نمی‌کند. اصولاً خبرنگار دیده‌بان مرزهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ملت است. او هرگاه ببیند که در گوشه‌ای از گستره‌ی ملی یا گستره‌ی بین‌المللی به منافع ملت‌ها

- آسیب می‌رسد، مسؤولیت دارد که به افکار عمومی گوشزد کند و این به شجاعت و صراحت لهجه نیاز دارد.
۲. خبرنگاران نباید دچار خودسانسوری شوند؛ زیرا موجب می‌شود که بر اساس وهم و گمان از طرح بعضی مطالب‌های مهم پرهیز کنند.
۳. عده‌ای از خبرنگاران به خبرنگاری به‌عنوان پیشه و شغل می‌نگرند و رسالتی برای خود قایل نیستند و تمام تلاش خود را برای گذران امور شخصی به کار می‌گیرند و در صورت لزوم منافع ملی را هزینه منافع شخصی می‌کنند. این قبیل افراد نه‌تنها هیچ‌گاه جامعه را راضی نمی‌کنند؛ بلکه در ضمیر خود نیز هیچ‌گاه احساس رضایت نمی‌کنند.
۴. البته خبرنگاران شجاع و جسور، شغل‌پر در دسری دارند و معمولاً در بعضی از کشورها مصونیت‌هایی را برای خبرنگاران در نظر می‌گیرند تا گرفتار مشکلات ناخواسته نشوند و از نظر مالی نیز آن‌ها را به‌خوبی تأمین می‌کنند تا فریفته نهادهای قدرت نشوند.^۶
۵. **عشق و علاقه**، در گام نخست؛ پیش از ورود به یک مسلک و حرفه، داشتن عشق و علاقه و حرارت به آن مسلک، شرط اساسی و بنیادی موفقیت است، اگر شخصی علاقه‌مندی به بهترین رشته‌ها؛ مانند پزشکی، مهندسی، حقوق و... نداشته باشد، یقیناً که نمی‌تواند آن حرفه را به وجه احسن به‌پیش ببرد؛ و مصدر خدمت به خود و هم‌نوعان خویش شود.
۶. به همین اساس یکی از ویژگی‌های مهم و اساسی افراد و اشخاصی که مسلک ژورنالیسم را انتخاب می‌کنند، داشتن عشق، علاقه و قریحه به مسلک ژورنالیسم است. به این اساس، کسی باید وارد این عرصه‌ی پُرخطر و در عین حال پُرخطر شود که یک علاقه‌مندی ویژه به آن داشته باشد؛ و در ضمن این استعداد ذاتی، از هنر واژه‌گزینی، شم خبری، دقت و باریک‌بینی، گیرایی بیان و نوشتار، رعایت نظم مطالب‌ها و گفتار، حوصله زیاد و قدرت استدلال، احتراز از احساسات، پرهیز از اطناب ملال‌آور و ایجازی که در گفتار و نوشتار خلل وارد کند، توجه به

- هماهنگی و برابری لفظ و معنی، به کار گرفتن آرایش‌های کلامی و نوشتاری در حد معقول، داشتن چنین خصوصیت‌ها ازجمله ویژگی‌های و نشانه‌های برجسته‌ی خبرنگاران است.
۷. **ایمان به هدف**، خبرنگاران چنان ایمان به هدف داشته باشند که از هیچ فرازوفرود چشم‌نیوشند و به‌ویژه خبرنگاران مسلمان در این راه حضرت محمد (ص) و یاران وی را سرمشق هدف خویش قرار دهند؛ طوری که در جنگ مؤته - زید بن حارثه باشهامت و دلاوری جنگید تا نیزه دشمنان تن او را پاره‌پاره کرد. پس از او جعفر بن ابی‌طالب که در آن هنگام سی‌وسه سال داشت پرچم را گرفت و به جنگ پرداخت، دشمن اسب او را در میان گرفت، از اسب پایین جست و شمشیر خود را بر سرها فرود می‌آورد پرچم به دست راست جعفر بود، همین‌که دست راست او قطع شد؛ پرچم را به دست چپ گرفت، دست چپش را نیز قطع کردند، پرچم را با دو بازوی خود نگهداشت تا شهید شد؛ می‌گویند یکی از رومیان ضربتی زد و او را شهید کرد.
۸. وقتی حضرت جعفر شهید شد ابن رواحه پرچم را گرفت و در حالتی که بر اسب خود سوار بود پرچم را پیش برد؛ ولی در آن لحظه تردید در دل او راه یافت، پس‌از آن به خود دل داده شمشیر کشید و پیش رفت و جنگ کرد تا شهید شد. این سه تن در یک جنگ در راه خدا و هدف مقدسی که داشتند به شهادت رسیدند.
۹. حضرت پیغمبر (ص) وقتی از سرنوشت آن‌ها خبر یافت برای زید و جعفر بیش‌تر غمگین شد و فرمودند: در خواب آن‌ها را دیدم که در بهشت بر تخت‌های طلا بودند و تخت عبدالله بن رواحه کج بود، پرسیدم چرا چنین است؟... گفتند: آن دو تن باشهامت و دلیری به‌طرف دشمن رفتند؛ ولی عبدالله بن رواحه اول تردید یافت و سپس رفت.
۱۰. این یک درس عبرت و یک نصیحت سودمند به کسانی است که هدف مقدس خویش را دنبال می‌کنند و هیچ‌گونه تردید و شک را به خاطر رسیدن به اهداف پای و مقدس‌شان در دل خود جا ندهند؛ وقتی‌که ظلم و ستم‌ها، بی‌عدالتی‌ها، فساد و رشوه‌خوری‌ها، نابرابری‌ها و... را مشاهده می‌کند، با اراده‌ی قوی و خلل‌ناپذیر تمامی آن‌ها را از طریق

رسانه‌های همگانی انتشار دهد، اگر در این راه کشته شدند، سرمشق دیگران قرار می‌گیرند و نامشان به نیکی یاد می‌گردد که خوشبختانه به دهها همچو خبرنگار متعهد، هدفمند و رسالت‌مند به هدف را در کشور خود داشته‌ایم و نامشان جاویدان است.

۱۱. **تقوا؛** قوی‌ترین عاملی که می‌تواند انسان را از خطاها، لغزش‌ها و انحراف‌ها حفظ و او را به سمت واقع‌بینی هدایت نماید؛ تقوا است. خبرنگار با توجه به این ویژگی می‌تواند در ارایه خبرها بدون در نظر داشت مسایل شخصی، زبانی، حزبی، نژادی، گروهی و سمتی، رویدادها را به خور مخاطبان قرار دهد؛ در صورتی که درستی و صحت خبر در نظر گرفته نشود، مردم کمتر به خبرنگاران و رسانه‌ها اعتماد می‌کنند. در این راستا سفارش آن است که خبرنگاران، خبرها و رویدادها را با بی‌طرفی و واقع‌بینی ارایه کنند؛ تا زمانی که اطمینان خبرنگار از ابعاد مختلف صحت خبر حاصل نشد، نباید راجع به یک واقعه چیزی بنویسد. خداوند (ج) در این مورد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ترجمه آیه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خداترس و پرهیزگار شوید، خداوند به شما دیده بصیرت دهد تا قدرت تشخیص حق و باطل را داشته باشید، یعنی خوب را از بد تفکیک کنید.»؛ (سوره انفال آیه ۲۹).

۱۲. به همین ترتیب می‌توان گفت که مخاطب در قلب ژورنالیزم جا دارد و کار روزنامه‌نگاری تنها و تنها برای مخاطبان است و بس؛ زیرا که کار روزنامه‌نگاری شایعه‌پراکنی نه؛ بلکه خبرپراکنی است؛ اما اگر خبر به ضد منافع ملی باشد، حرفه ژورنالیزم اجازه نمی‌دهد که خبرنگاران خبر را به نشر برسانند.

۱۳. **اخلاص؛** داشتن اخلاص در کار خبرنگاری، یکی دیگر از ویژگی‌های خبرنگاران است. اخلاص در عمل رمز موفقیت خبرنگار است، اگر خبرنگار در کار خود اخلاص نداشته باشد، نمی‌تواند این رسالت خطیر را درست انجام دهد. نه تنها خبرنگار، هر شخصی که در هر شغلی

است، باید چنین ویژگی را داشته باشد تا مصدر خدمت به خود و به جامعه‌ی خود شود.

۱۴. صداقت: صداقت جایگاه خاصی در بین مردم دارد؛ زیرا همه، صداقت و راستی را دوست دارند به همین منظور یک خبرنگار، در راستی و صداقت، حضرت محمد (ص) را الگو و سرمشق زندگی خویش قرار داد و هیچ‌گاه از جاده‌ی حق و عدالت دور نشود.

۱۵. نوآوری: همچنین ذکر یک ویژگی دیگر خبرنگاران را در این متن ضروری می‌دانم، این‌که کلیشه‌شکنی و نوآوری است، شکستادن قالب‌ها و کلیشه‌ها و اساساً سخن نو گفتن و مطلب‌های ناب نوشتن و طرح جدید ارایه نمودن، تنوع آوردن در موضوع لیاقت، خلاقیت و درایت فکری خبرنگاران را هرچه بیشتر برجسته می‌سازد. علی شریعتی به ارتباط این موضوع چه خوب گفته: «به من اندیشه‌ها را نیاموزانید؛ اندیشیدن را بیاموزانید». البته ناگفته نباید گذاشت که نوگرایی و طرح جدید، حقایق واقعیت‌ها را نباید تحت شعاع خود قرار دهد؛ چون خبرنگاران بیش هر چیز، به شهروندان وفادارند.

۱۶. تحمل و استقامت: کار خبرنگاران و گزارش‌گران، روشنگری و افشاگری است. افشاگری زورکویی‌ها، نابرابری‌ها، غارت‌گری‌ها، قتل‌های مرموز، اختلاس‌ها، معامله‌های پشت پرده و به ده‌ها همچو موارد را از طریق رسانه‌ها انعکاس می‌دهند. با در نظر داشت این نکته‌ها، خبرنگاران و گزارش‌گران چنان این ویژگی‌ها را در وجود خود پیورانند که از هیچ فشار و تهدید نهراسند و تحمل و استقامت داشته باشند.

۱۷. مهربان: نرمی تنها صفت سخن نیست؛ بلکه در برخوردها، مصاحبه‌ها و گفتمان‌ها، نیز باید یک خبرنگار چنین ویژگی را داشته باشد که متأسفانه، در کشور ما کمتر به این موضوع توجه شده است و حتی هیجانی بودن، لفاظی، بی‌حرمتی و پُرشتابی در بین تعدادی از خبرنگاران به یک عرف تبدیل شده است.

۱۸. هوش بالا: خبرنگاران به‌طور معمول با برگزاری آزمون‌های متعدد علمی و حرفه‌ای و از بین افراد باهوش و مستعد انتخاب می‌شوند. این مهم به خاطر آن است که آنان باید از ذکاوت و هوش بالای

برخوردار باشند؛ زیرا اصولاً پی بردن به پیچیدگی‌های مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در صحنه ملی و بین‌المللی تنها از عهده افراد تیزبین برمی‌آید.

۱۹. **عادل، خبرنگار،** باید در عرصه‌ی اطلاع‌رسانی قاضی‌گونه عمل نماید. در این راه از هرگونه حب و بغض، اخبار و اطلاعات را به‌خور مردم برساند؛ و چنان در این راه مقدس بی‌طرف باشد که حتی اگر نزدیک‌ترین انسان به خودش، به‌ضد منافع ملی گام بردارد؛ و خیانت نماید، خبر وی را بدون کدام کمی و کاستی انتشار دهد.

۲۰. **وقت‌شناس،** مسلک ژورنالیسم با وقت‌سروکار دارد، خبرنگاران و رسانه‌هاست که هر لحظه و دقیقه خبر و اطلاع جمع‌آوری و به‌خور مردم می‌رسانند، از همین رو، وقت‌شناس کار خبرنگاران را شکل می‌دهد، پس خبرنگاران با نظم خود به دیگران درس بدهد.

۲۱. **قدرت بیان،** قدرت بیان عبارت است از توانایی‌ها و استعدادهایی که فرد با به‌کارگیری کلمه‌ها و بیان عبارتها و ادای جمله‌ها از خود نشان می‌دهند تا پیام موردنظر خویش را در قالب بهترین الفاظ و با معنی‌ترین عبارتها به‌شنونده و بیننده برساند.

۲۲. **خبرنگار باید قدرت بیان و توان مناسبی در بداهه‌گویی داشته باشد؛** زیرا در خیلی از موارد به علت غافلگیر شدن، فرصت برای فکر کردن خیلی ناچیز است یا وجود ندارد و خبرنگار باید بدون هدر رفتن وقت به گزارش خود ادامه دهد؛ مانند حضور در مصاحبه خبری که خبرنگار قصد دارد از بین مطالب مطروحه مصاحبه‌شونده پرسشی پرسد.

۲۳. **ساده‌زیستی،** خبرنگار در همه فعالیت‌های خبرنگاری خود، حضرت رسول الله (ص) را الگو قرار دهد، پیامبری که هیچ‌گونه تمایلی به تشریفات و زندگی تجملاتی نداشت. داشتن چنین ویژگی، موفقیت خبرنگار را در کارش بیشتر و محبوبیتش در بین مردم زیادتر می‌سازد.

۲۴. **چهره و قیافه،** چهره و قیافه‌ی خبرنگار نیز از جمله مواردی است که در انتقال خبر تلویزیونی به بینندگان نقش مؤثری دارد. چگونگی حضور در صحنه، ایستادن، حالت‌های چهره و قیافه و شیوه‌ی اجرای خبرنگار

- نیز در انتقال پیام به مخاطب مؤثر است. مثلاً در مراسم عزاداری با درهم کشیدن صورت و در مراسم جشن با چهره باز گزارش دهد.
۲۵. مناسب بودن **تن صدا**، تن و لحن صدای خبرنگار اهمیت زیادی نزد شنوندگان و بینندگان و نقش مؤثری در انتقال پیام دارد. از این رو، دست‌اندرکاران رسانه تلاش می‌کنند برای جذب شنوندگان و بینندگان از خبرنگارانی استفاده می‌کنند که **تن صدا** و لحن جذابی دارند؛ زیرا **تن صدا** و لحن خبرنگار نیز می‌تواند توجه مخاطب را به پیام جلب کند و در انتقال آن مؤثر باشد. خبرنگار باید تلاش کند متناسب با موضوع، از لحن مناسبی استفاده کند؛ به گونه‌ی مثال اگر در مراسم سوگواری است با **حزن** و اندوه و در مراسم جشن با **لحن شاد** گزارش دهد. (در فصل صدا به تفصیل در این مورد بحث کردیم).
۲۶. **جسم و روان سالم**، خبرنگاران باید بدن و روان سالم داشته باشند در بعضی از شرایط، به‌خصوص در دوران جنگ، لازم است خبرنگار ساعت‌ها پیاده‌روی کند و در مواقع بحران باید بر اعصاب خود مسلط باشد تا در تهیه خبر با مشکل خاصی مواجه نشود.
۲۷. **پرتلاش**، خبرنگار رهبر دیگران در حصه‌ی خبررسانی و اطلاع دهی است، پس باید خود چنان در این راه تلاش و پشتکار داشته باشد که هیچ چیزی مانع کار و فعالیت وی نشود.
۲۸. **اهل عمل**، خبرنگار باید پیام حق را به مردم برساند و خود به آن عمل کند و در عمل به آن پشتکار داشته باشد؛ زیرا که تخصص و دانش در پیشاپیش عمل و تلاش قرار دارد و عمل بدون علم مفهوم ندارد.
۲۹. **تحصیلات دانشگاهی**، خبرنگار باید متناسب با حوزه‌ی کاری خود تحصیلات مناسبی داشته باشد. پایه تحصیلی خبرنگاران، کارشناسی در رشته مرتبط با نوع فعالیت و ترجیحاً تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتورا است. امروز در کشورهای پیشرفته، دانشکده‌هایی در رشته ارتباطات با گرایش‌های متنوع ایجاد شده است که وظیفه تربیت منابع انسانی برای رسانه‌ها در مقاطع تحصیلی دکتورا و کارشناسی ارشد به عهده دارد.

۳۰. **تسلط بر زبان بین‌المللی**، خبرنگاران به‌طور معمول باید با یک‌زبان بین‌المللی به‌خصوص انگلیسی از لحاظ مکالمه و ترجمه آشنایی کامل داشته باشد که توانایی آنان را در تهیه‌ی خبر دوچندان می‌کند؛ زیرا آنان می‌توانند به‌طور مستقیم و بدون استفاده از مترجم، از منابع خبری بین‌المللی استفاده کنند.

۳۱. **شناخت مسایل ملی و بین‌المللی**، هر خبرنگار باید از ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور متبوع به‌ویژه حوزه‌ی کاری خود به‌خوبی آگاه باشد، در غیر این صورت چهره‌ی موفق نخواهد بود. تنها خبرنگارانی که آگاهی زیادی از حوزه‌ی کاری خود دارند، نزد شنوندگان و بینندگان محبوب و مشهور می‌شوند.

۳۲. در عصر ارتباطات مسایل بین‌المللی به هم گره‌خورده روی یک‌دیگر تأثیر می‌گذارند و خبرنگار نباید از تأثیرگذاری مقوله‌های بیرون مرزها به درون مرزها غافل باشد. مثلاً تحولات نرخ طلا یا ارز در دنیا به هم وابسته است و سیاست‌های ارزی کشورها نمی‌تواند تحت تأثیر این تحولات نباشد.

۳۳. **ایجاد اطمینان**، روابط خوب و دادن اطمینان به مردم یکی دیگر از ویژگی‌های خبرنگاران و گزارش‌گران است. پرسش پرسیدن، گوش کردن، ایجاد ارتباط و دوستی که برای هر خبرنگار ضروری است. سؤال نمودن از لابه‌لای آرایه پاسخ‌های مصاحبه‌شونده، سؤال ایجاد کردن و دوباره آن را مطرح نمودن، نکته‌هایی است که باید خبرنگاران در مصاحبه‌های خود آن را مدنظر داشته باشند.

۳۴. **آشنایی با مهارت‌های ارتباطی**، یکی از مسایل مهم در تهیه خبر و گزارش خبری توجه به مهارت‌های ارتباطی است. برقرار کردن ارتباط با منابع خبری از مسایل مهمی است که خبرنگاران و گزارش‌گران باید به آن توجه زیادی کنند هرگونه ضعف و سستی در ایجاد ارتباط ممکن است به تهیه خبر و گزارش لطمه وارد کند. از این‌رو، چگونگی ایجاد ارتباط متناسب با شرایط زمانی و مکانی اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳۵. خبرنگاری که شرایط حوزه‌ی کاری خود را خوب تشخیص می‌دهد، روحیه افراد مؤثر و خبرساز را خوب می‌شناسد؛ انواع شیوه‌های

ارتباطی و نحوه کار کردن با وسایل ارتباطی را می‌داند و در بیان ایده خود توانایی دارد، به‌راحتی موفق به تهیه خبر می‌شود.

۳۶. بعضی از خبرنگاران در ایجاد ارتباط بسیار موفق‌اند و به سهولت می‌توانند در هر ساعتی از شبانه‌روز به افراد خبرساز دسترسی داشته باشند؛ مثلاً شماره تلفون همراه وکلا، وزرا و مسؤولان را در اختیاردارند و از این رهگذر قادر اند با آنان در هر زمان و مکان ارتباط برقرار کنند.

ایجاد ارتباط تنها از طریق آموزش به دست نمی‌آید و جاذبه‌های فردی و خلاقیت‌های شخصی نیز در این‌باره مؤثر اند از این‌رو، چگونگی ایجاد ارتباط با منبع مهم‌تر از تهیه خبر است و ضرب‌المثل معروف که می‌گوید: «آن‌کس که یک ماهی به من دهد یک روز مرا سیر کرده است؛ اگر دو ماهی دهد دو روز مرا سیر کرده است و اگر ماهیگیری را برایم آموزش بدهد، مرا برای همیشه سیر کرده است». مثال خوبی برای این مهم است.

اگر خبرنگار در ایجاد ارتباط موفق باشد به‌راحتی می‌تواند خبر تهیه کند مهارت‌های ارتباطی شرط لازم برای تهیه خبر هستند و بدون علم به آن‌ها، خبرنگار با مشکل مواجه می‌شود. از این‌رو، خبرنگاران و گزارش‌گران باید در این زمینه خلاقیت خود را متبلور کنند آنان باید تلاش کنند، متناسب با سوژه، موضوع خبر و شخصیت‌هایی که در خبر مطرح می‌شوند، به ارتباطات غیرکلامی دایر بر حالت‌های ایستادن چهره، نگاه، خم ابرو، ظاهر و تن و لحن صدا... به‌خوبی دقت کنند. ارتباطات غیرکلامی می‌توانند رغبت مصاحبه‌شوندگان را برای همکاری و ارایه اطلاعات افزایش یا کاهش دهد.

کلیه افرادی که در زمینه‌ی ایجاد ارتباط میان‌فردی توانا هستند، روابط عمومی مناسبی دارند. خبرنگاران باید مهارت‌های ارتباطی را دانسته و آن‌ها را تمرین کنند تا از این رهگذر بتوانند بر اخبار حوزه فعالیت تسلط یابند.

۳۷. آگاهی؛ خبرنگار در صورتی می‌تواند مردم را به‌حق و واقعیت هدایت دهد که خود «آگاه» باشد. اگر خبرنگار در منطقه‌ای، ولایتی و کشوری کار و فعالیت خبرنگاری می‌کند؛ اما خود از رسم و رواج، برخوردها و در کل از فرهنگ آن‌ها درست آگاهی و معلومات نداشته باشد. بدون شک که مردم را نمی‌تواند آگاهی دهد و به همین قسم خبرنگار باید

در مورد موضوعات مختلف آگاهی و معلومات کافی داشته باشد تا در حربه فعالیت خود دچار مشکل نشود و این یکی دیگر از ویژگی‌های خوب خبرنگاران موفق است.

۳۸. **اطلاعات وسیع**، داشتن اطلاعات و معلومات وسیع و پشتوانه غنی علمی در عرصه‌های مختلف، یکی دیگر از ویژگی‌های بنیادی و برجسته‌ی خبرنگاران است. بسیار اتفاق افتاده که در همایش‌های علمی، کنفرانس‌های مطبوعاتی، مصاحبه با شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، در میزگردها و گفتمان‌ها همچنان در ارایه خبر از محل رویداد؛ در اثر کافی نبودن اطلاعات و معلومات خبرنگاران و گزارش‌گران نتوانستند، قسمت‌های مهم و نکته‌های اساسی موضوع مورد بحث را مطرح و یا برجسته انعکاس دهند، این نکته ضعف ناتوانایی خبرنگاران را نشان می‌دهد.

۳۹. در نصاب درسی کانون خبرنگاری عملی خورشید، علاوه از مضامین مسلکی؛ **ثقافت اسلامی**، جهان بینی برای جوانان، مبادی حقوق، اقتصاد، تاریخ معاصر، جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل، روان‌شناسی و همچنان فراگیری زبان‌های ملی و انگلیسی گنج‌نایده شده است.

۴۰. این نکته خود بیانگر سوق دادن خبرنگاران را در عرصه‌های مختلف علوم و داشتن اطلاعات وسیع و مسلط بودن آن‌ها را در حرفه‌ی ژورنالیزم نشان می‌دهد. در جوامع اسلامی به‌خصوص در افغانستان که ۹۹ درصد مردم این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهد، تسلط داشتن خبرنگاران مسلمان بالای مضامین دینی، موفقیت آن‌ها را در رشته‌شان خوب‌تر و بهتر تجلی می‌سازد. آموختن حقوق، اقتصاد، تاریخ، جغرافیا سیاسی، روابط بین‌الملل، روان‌شناسی به‌طور تخصصی و اساسی کار دشوار و زمان‌گیر است. هدف از فراگیری مضامین مختلف به‌طور نسبی است؛ نه تخصصی، زیرا که خبرنگاران با افراد و اشخاصی متعدد که در رشته‌های مختلف صاحب‌نظرند و یا در پست‌های متفاوت کار می‌نمایند، در تماس می‌باشند. بنا اشارات مزبور بی‌جا نخواهد بود که شعری را به ارتباط موضوع ذکر نماییم:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

۴۱. دقت، بعد از داشتن علاقه‌مندی و سپری نمودن دوره‌ی آموزشی رشته‌ی ژورنالیزم، ویژگی دیگر خبرنگاران به‌خصوص خبرنگاران تازه‌کار، «دقت» در کار خبررسانی است. کار ژورنالیزم، شایعه‌پراکنی نه؛ بلکه خبرپراکنی است. اگر خبرنگاران، در کار خبرنگاری دقت لازم را انجام ندهند و واقعیت‌ها انعکاس داده نشود؛ مردم از واقعیت دور می‌ماند و خبرنگار کار خود را درست انجام نداده است. پس توصیه به خبرنگاران تازه‌کار این است که توجه جدی به واقعیت‌ها داشته باشند و رویدادها همان‌طوری که اتفاق افتاده است، منتشر شود.

۴۲. **ذهن پرسش‌گر**، روزنامه‌نگاران ذهن شکاک و پرسش‌گری داشته باشند. خبرنگاران در ابتدای کار خود این عبارت را آویزه گوش خود می‌کنند: (اگر مادرت می‌گوید دوستت دارم؛ درباره صحت گفته وی تحقیق کن). در جوامع که اطلاع‌رسانی نهادینه شده، دست‌اندرکاران رسانه‌ها تلاش می‌کنند، برای جذب اعتماد مخاطبان به آرایه اطلاعاتی مبادرت نمایند که نیاز مخاطبان آن‌ها است. به تأسی از میثاق‌های با اعتبار و اصول اخلاق روزنامه‌نگاران حرفه‌ی گزارش‌گران در زمان مأموریت اطلاع‌رسانی مکلفاند، از وقوع حوادث به تأسی از چهار بلوک آرایه خبر و گزارش، تصویر آرایه کنند:

۱) آرایه اطلاعات سرخ

۲) آرایه اطلاعات سبز

۳) آرایه اطلاعات بنفش

۴) آرایه اطلاعات بنفش

۱) **اطلاعات سرخ**، اطلاعات سرخ چشم دید شخصی خبرنگار از رویدادها بوده که اطراف آن را با دید تعمق مورد ارزیابی قرار داده است.

۲) **اطلاعات سبز**، اطلاعات سبز نقل قول از چشم دید شاهدان عینی بوده که پیش از خبرنگار از صورت اتفاق رویداد شاهد عینی بوده‌اند.

۳) **اطلاعات بنفش**، این اطلاعات جزئیات رویداد بوده که با استفاده از نگرش عمیق برخی اطلاعات حاصل می‌شود.

۴) اطلاعات زرد: در این نوع اطلاعات، سابقه یا بگروند حادثه بوده که خبرنگاران مجرب به خاطر جذابیت گزارش از آن استفاده می‌کنند؛ اما خبرنگاران در جوامعی که تجربه کاری رسانه‌ها نهادینه نشده معمولاً واقعیت و عینیت یک رویداد را فدای سرعت و شایعه می‌سازند. به خاطر آن‌که رسانمای آن‌ها موفق به کسب اعتماد شنوندگان و بینندگان شود، رویدادها به صورت شتابزده شکار نموده و پیش از تمرکز پیرامون واقعیت بوده آن را به خور مخاطبان می‌دهند. اکنون بیش‌تر آژانس‌های خبری به‌عوض سرعت، دقت را اولویت می‌دهند و صحت درستی خبر را قربانی سرعت عمل نمی‌کنند. به خاطر رسیدن به واقعیت و صحت خبر، ژورنالیستان باید به نکته‌های زیر توجه جدی نمایند:

- استفاده از منابع دست‌اول معلومات جمع‌آوری شده
- بازیابی و بازیابی دوباره معلومات
- اعتبار سنجی ادعاها و اتهام‌ها
- بررسی سابقه‌ی رویداد

۴۳. مهارت‌های نگارش خبر: نگارش خبر به مهارت‌های خاص نیاز دارد. این توانایی‌ها به‌صرف جمع‌آوری اطلاعات ایجاد نمی‌شود و هنر نوشتن نیز بسیار مهم است. خبرنگار باید توانایی نگارش و به‌کارگیری کلمه‌ها، عبارت‌ها و ترتیب آن‌ها را برای بیان معنای واقعی خبر در بهترین شکل خود داشته باشد.

۴۴. توانایی استفاده از تجهیزات خبر: وسایل متعددی برای تهیه و ارسال خبر وجود دارد؛ از جمله دوربین، ضبط، انواع میکروفن، سمپایه، تلفون همراه، دستگاه‌های ماهواره‌ای ارسال تصویر و صدا، بی‌سیم، کمپیوتر و دیگر تجهیزات که خبرنگار باید با طرز کار آن‌ها آشنا باشد تا در مواقع مورد نیاز از آن‌ها بهره‌گیرد.

۴۵. سرعت عمل در ارایه اخبار: دقت و توجه به واقعیت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی‌های خبرنگاران و کار خبرنگاری است؛ در کنار این صفت، ویژگی دیگر خبرنگاران سرعت عمل در ارایه اخبار و اطلاعات است.

۴۶. پیشرفت و توسعه شکفت‌انگیز وسایل ارتباط همگانی (تلویزیون، رادیو، اینترنت، مطبوعات و...) نیاز و علاقه‌مندی مردم به دانستن به‌موقع چون؛ انقلاب‌ها، جنگ‌ها، انتخابات، ایتلاف‌ها، ترور شخصیت‌ها، اعلام و یا پایان جنگ‌ها، انفجارها، اختراعات، آزمایش‌های بمب اتمی و هستوی افزایش و کاهش قیمت مواد مورد ضرورت ملت‌ها؛ و سایر مسایل مهم و حیاتی را نزد مخاطب بیشتر نموده است.

در افغانستان افزایش رسانه‌ها و رقابت میان آن‌ها بر ضرورت سرعت عمل خبرنگاران و رسانه‌ها در کار خبررسانی افزوده است.

با توجه به پیشرفت حیرت‌انگیز فناوری، آرایه اخبار و آگاهی‌ها در موارد مختلف از چند ماه و چند روز و چند ساعت و چند دقیقه حتی به چند ثانیه کاهش یافته است؛ و تضمینی وجود ندارد که اگر دست‌اندرکاران رسانه‌ای در انتشار خبری تعلل و سستی نمایند، رسانه‌ای دیگری همان خبر را از دست می‌دهد.

به همین قسم اگر واقعه و یا رویدادی که به وقوع می‌پیوندد، در اسرع وقت به خورد مردم نرسد؛ ارزش خود را از دست داده و مورد توجه مخاطبان قرار نخواهد گرفت و مخاطبان نیازهای خبری خود را از سایر رسانه‌های خبری به دست می‌آورند؛ از این‌رو کمترین تعلل و بی‌توجهی خبرنگاران و رسانه‌ها در نشر و پخش خبر لطمه‌ای در اعتبار و شهرت رسانه و خبرنگار وارد نموده و در صورت ادامه چنین روند در درازمدت رسانه علاقه‌مندان و مخاطبان خود را از دست خواهد داد.

اما فراموش نباید کرد که در انتشار خبر «سرعت» اهمیت اساسی، «دقت و صحت خبر» اهمیت حیاتی دارد. بدون در نظر داشت صحت و درستی و ابعاد مختلف خبر، عواقب ناگوار مانند؛ تعقیب عدلی، هم‌چنان موجب سلب اعتماد مخاطبان از خبرنگار و رسانه مربوط می‌گردد؛ به‌عبارت‌دیگر، خبرنگاران هیچ‌گاه نباید «صحت و درستی» خبر را فدای «سرعت انتشار» آن کنند. اگر قرار باشد از بین درستی و سرعت خبر، یکی را انتخاب کنند، خبرنگار باید اولویت را به درستی خبر بدهد و صحت خبر را قربانی سرعت ننماید؛ بنابراین؛

ارایه خبرها به سرعت سریع و به موقع، خبرنگاران چاره‌ای جز آموزش و ممارست در تولید و نگارش خبر ندارد.

۴۷. **ارایه‌ی پیام به صورت ساده**، ارایه‌ی پیام (سمعی، بصری و چاپی) به صورت ساده و عام فهم، یکی دیگر از ویژگی‌های خوب خبرنگاران است. اگر رسانه‌ی شما غیرتخصصی و مخاطبان‌تان مردم عادی یا قشرهای مختلف از افراد جامعه‌اند، یعنی از افراد کم‌سواد تا دانشگاہیان باشند؛ طوری خبر و یا گزارش بنویسید که کم‌سوادترین فرد جامعه نیز قادر به درک مطلب شما باشد.

۴۸. خبرنگاران کسانی هستند که برای مردم کار و فعالیت می‌کنند؛ از این رو لیاقت و شایستگی خبرنگاران و از سوی دیگر محبوبیت رسانه‌ها، به ویژه در کشور افغانستان که بیش‌ترین فیصدی مردم را بی‌سوادان تشکیل می‌دهند، استعمال و کاربرد واژه‌های نامأنوس و دور از فهم و درک مردم درست و مناسب نیست؛ بلکه لیاقت و شایستگی خبرنگار در ارایه‌ی پیام و استعمال واژه‌های ساده، روشن، رسا و قابل فهم و درک برای مخاطبان است. هدف از واژه‌های ساده، رسا و قابل فهم، لغات کوچمبازاری نیست؛ بلکه هدف از واژه‌های مطلوب، مناسب، تعمیم‌یافته و جا گرفته در اجتماع است.

۴۹. خداوند متعال برای توجه مردم به حقایق قرآن، آن را به زبان رسول کرامی‌اش حضرت محمد (ص) ساده نمود: «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا هَبِلَسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ «سوره دخان آیه ۵۸». ترجمه: «ما قرآن را به زبان تو ای رسول الله (ص) آسان کردیم، شاید که مردم حقایق آن را فهمیده، پند گیرند».

۵۰. چنان‌چه در حدیثی به روایت بخاری و مسلم آمده است که سخنان حضرت محمد (ص) همواره مفصل و واضح می‌بود، هرکه آن را می‌شنید به مفهومش پی می‌برد و حتی می‌توانست که کلمه‌هايش را یکایک بشمارد.

۵۱. این ویژگی ارتباط می‌گیرد به تیزهوشی، زیرکی و توانمندی خبرنگاران؛ متأسفانه در کشور ما افغانستان تعدادی گویا، روشنفکران و دانشمندان، بیش‌ترین توجه‌شان به واژه‌های خارجی به‌خصوص انگلیسی در له‌بلای زبان فارسی است، طوری که با چنین کارشان

اکثریت مردم برداشت درست از واژه‌های انگلیسی ندارند و از سوی دیگر ضربه جبران‌ناپذیری به فرهنگ و به زبان‌های ملی کشور ما می‌زنند.

۵۲. حامی محرومان: خبرنگار باید بداند که بی‌توجهی به محرومان و روی گرداندن از ایشان، تویخ، خداوند (ج) را به دنبال دارد، از همین رو، خبرنگار همیشه باید صدای محرومان را به گوش دولت‌مردان و جهانیان برساند، این یکی از ویژگی‌های مهم خبرنگاران است که خوشبختانه خبرنگاران افغانستان علی‌رغم همه مشکلات، در طی یک دهه گذشته در این راستا فعالیت‌شان قابل‌ستایش است.

۵۳. انتقادپذیر: هیچ انسانی به‌دور از خطا و اشتباه نیست؛ زیرا نفس سرکش انسان را به بدی امر می‌کند، به همین منظور، خبرنگار که برای مردم کار می‌کند و همیشه در بین مردم است، انتقاد را ملکه‌ی ذهن خویش قرار دهد و از هیچ انتقاد سالم متنفر نشود؛ چون انسان را انتقاد می‌سازد و انتقاد برای انسان‌های آگاه و بیدار، یک هدیه است.

۵۴. خوش‌سابقه: سابقه خوب، صفت همه‌ی انبیای الهی بوده است، خبرنگار باید سابقه خوب داشته باشد تا همه مردم بالای وی در عرصه اطلاع‌رسانی اعتماد نمایند، این ویژگی نه‌تنها صفت یک خبرنگار باشد، باید تمامی انسان‌ها، به‌خصوص مسلمانان نیز داشته باشند، اگر کسی خود را نامزد پست ریاست جمهوری، پارلمان، وزارت و... می‌نماید، کوشش می‌شود تا مردم از گذشته و سابقه‌ی وی آگاهی پیدا کنند از همین رو، خبرنگار که برای مردم کار می‌کند، اگر گذشته‌ی خوب نداشته باشد، کمتر مردم بالای صداقت و حرف وی اعتماد می‌کنند.

۵۵. خلاصه فصل: بناً با در نظر داشت، ویژگی‌های که برای خبرنگاران به‌طور مختصر بیان شد؛ اگر به این ویژگی‌ها توجه و دقت صورت گیرد و در عمل آن را مدنظر گیرد، بیش‌تر از پیش در کار خود موفق خواهند شد. ان‌شاءالله.

مبحث ششم وسایل ارتباط همگانی

تعریف مطبوعات: طبع، کلمه عربی بوده، معنای مهر کردن، چاپ کردن، نقش کردن، سرشت، نهاد، طبیعت، رغبت، میل، استعداد شعر سرایی، ذات و... را می‌رساند.

زمانی که کلمه مطبوع جمع گردد، یعنی با پسوند «ات» مفهوم جمع کلمه را می‌رساند که عبارت از مطبوعات است. در مفهوم وسیع و اصطلاحی آن، مطبوعات عبارت از تمام فرآورده‌های ژورنالیستیک بوده که از طریق **(Mass Media)** یا وسایل ارتباطی همگانی به هدف تأمین خواست‌ها و متقاعد ساختن مردم به افکاری است که دست‌اندرکاران مطبوعات آرزو دارند. به‌طور کل، گفته می‌توانیم که مطبوعات به‌تمامی رسانه‌های جمعی اطلاق می‌شود، زمانی که ما مطبوعات را قوه چهارم نظام‌های دموکراتیک به‌حساب می‌آوریم، اگر منظور تنها وسایل چاپی باشد، مخاطبان این رسانه‌ها نسبت به رادیو و تلویزیون کم‌اند؛ بنابراین مطبوعات عبارت است از: تمامی رسانه‌های صوتی، تصویری و چاپی است.

وسایل ارتباط همگانی

در ماده سوم، بند اول- قانون رسانه‌های همگانی افغانستان، نگاشته شده که: رسانه‌ها وسیله‌ی انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل آتی می‌باشند.

۱. **رسانه برقی**: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و اینترنت.
۲. **رسانه چاپی**: روزنامه، جریده (هفته‌نامه، نشریه پانزده‌روزه، ماهنامه، گاهنامه، فصل‌نامه، سال‌نامه، پوستر و مجموعه خبری).
در بند دوم این ماده آمده است: رسانه‌های همگانی در این قانون به انواع ذیل تقسیم می‌گردند:

۱. **رسانه عامه**: رسانه‌ای است که متعلق به عامه مردم بوده، از طریق دولت و نشر اعلانات تمویل می‌گردد.
۲. **رسانه خصوصی**: رسانه‌ای است که متعلق به اشخاص، سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و از طرف آن‌ها تجهیز و تمویل می‌گردد.

ارتباط ژورنالیزم با سایر علوم

لازم است که علاقه‌مندان بدانند که ژورنالیزم با کدام علوم ارتباط دارد. زمانی که ادعا می‌شود که رسانه‌ها، جهان را با یک دهکده مبدل ساخته، با در نظر داشت این نکته می‌توان گفت که هیچ گوشه‌ای از فعالیت بشر باقی نمانده که با دیدن تلویزیون گوش نمودن رادیو، استفاده نمودن از اینترنت، مطالعه نمودن کتاب و روزنامه و سایر فعالیت‌های رسانه‌ها تنظیم و مورد استفاده قرار نگیرد. از این لحاظ گفته می‌توانیم که ژورنالیزم با تمامی علوم ارتباط دارد؛ به عبارت دیگر، اکثر علوم نیازمند به ژورنالیزم و رسانه‌ها است.

قوهی اجراییه، قوهی مقننه، قوهی قضاییه، درمجموع دولت، نهادهای دینی، احزاب سیاسی، نامزدان ریاست جمهوری، پارلمانی، شورای ولایتی، ولسوالی‌ها، نامزدان وزارت‌خانه‌ها، شاروالی‌ها و همچنان سازمان‌های اقتصادی، نهادهای اجتماعی و آموزشی و طبی و ورزشی نیاز دارند تا اهداف دستاوردها، فعالیت‌ها، عرضه‌های خدمات، مرام‌نامه‌ها، پلان‌ها و... خود را از طریق رسانه‌ها به مردم تبلیغ و تقدیم نمایند.

اگر نظر گزار به رسانه‌ها انداخته شود، سه قوه‌ی دولت به شیوه‌های مختلف فعالیت‌ها و دست‌آوردهای خویش را از طریق رسانه‌ها به مردم مردم دهند و آن‌ها بدون رسانه‌ها نمی‌توانند فعالیت خویش را انعکاس دهند، به همین‌طور، رهبران احزاب سیاسی به خاطر رساندن اهداف و مقاصد سیاسی‌شان، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و روزنامه‌ها را ایجاد می‌کنند. بانک‌ها و نهادهای اقتصادی هم به خاطر عرضه خدمات و تبلیغات‌شان رسانه‌های مختلف را تأسیس می‌نمایند به همین سیاق سایر نهادها، سازمان‌ها، شخصیت‌ها اگر توان تأسیس و ایجاد رسانه‌ها نداشته باشند، از طریق سایر وسایل ارتباط همگانی خواست‌های خویش را با پرداخت پول ارایه نمایند.

سخن کوتاه این‌که، اگر طفلی از کدام شخص مشهور و مطرح یک جامعه به دنیا می‌آید، ضرورت می‌شود تا خبر آن را به نشر برسانند به همین ترتیب زمانی آن طفل جوان، پیر و خلاصه می‌میرد، نیاز است تا خبر مرگ وی به نشر سپرده شود و اعلانات فوتی وی از طریق رسانه‌ها به نشر سپرده می‌شود، اگر فردی از منزل بیرون می‌شود، پوشیدن لباس گرم و سرد، آگاهی‌اش از طریق رسانه‌هاست که هوا گرم است یا سرد، به همین ترتیب خریداری تمام لوازم منزل و فامیل مطابق تبلیغات رسانه‌هاست که چه چیز را بخرند، خانمی که در گوشه خانه نشسته و از اوضاع سیاسی آگاهی ندارد؛ اما به خاطر ترتیب و تنظیم خانه، خبرهای آب‌وهوا را تعقیب می‌نمایند که آیا آسمان فردا ابری و یا صاف است.

با درنظرداشت این اشارات مختصر، زمانی که تولد و مرگ ما از طریق رسانه‌ها انعکاس داده می‌شود؛ پس گفته می‌توانیم که تمامی علوم و فعالیت‌های روزمره ما ارتباط می‌گیرد به ژورنالیزم و رسانه‌ها، حتی کسانی که تا اندازه زیادی به سیاست علاقه ندارند و چندان آگاهی و معلومات به شخصیت‌های سیاسی و مطرح جامعه هم ندارند؛ اما تا حدی از رویدادهای ملی و ملی آگاهی دارند، تنها یک فرد که علاقه به زندگی ندارد و ترک دنیا کرده باشد، ممکن است این فرد هم یک رادیو داشته باشد.

فصل سوم رادیو در افغانستان

این فصل شامل مباحثهای زیر

است:

مبحث اول: تعریف رادیو

مبحث دوم: تاریخ پیدایش رادیو در جهان

مبحث سوم: تاریخچه رادیو در افغانستان

مبحث چهارم: نخستین گویندگان رادیو در افغانستان

مبحث پنجم: نشرات به لسانهای خارجی و اصول نامه

مبحث اول تعریف رادیو

قبل از آن که به بخش گویندگی در رادیو پردازیم بهتر است نگاه مختصری به بخش تخنیک رادیو بیندازیم و قسمت‌های تخنیک رادیو را به بررسی بگیریم. **تعریف**؛ رادیو به فناوری‌ای گفته می‌شود که نشانه‌ها (سیگنال‌ها) را از طریق اندازه کردن (مدولاسیون) موج‌های الکترومقناطیس ممکن می‌سازد. امواج الکترومقناطیس در فریکونسی‌های پایین‌تر از نور مرئی است. اشعه الکترومقناطیس به وسیله‌ی نوسان سازی در میدان‌های الکترومقناطیس از میان هوا و خلا می‌گذرد. اطلاعات با استفاده از روش‌های معین و از پیش تعیین‌شده و با تغییر بعضی از مشخصه‌های امواج منتشرشده، مانند دامنه، فریکونسی جابه‌جا می‌شوند.

زمانی امواج رادیویی از رسانه‌های الکتریکی عبور می‌کند، میدان نوسانی یک جریان متناوب در رسانه ایجاد می‌کند. می‌توان این امواج را شناسایی و به صدا یا دیگر سیگنال عامل اطلاعات تبدیل کرد. هر سیستم رادیویی شامل یک فرستنده است که شامل یک منبع انرژی الکتریکی که جریان متناوب با فریکونسی مطلوب تولید می‌کند، است. فرستنده شامل یک سیستم برای تغییر بعضی از خصوصیات جریان تولیدشده برای تحت تأثیر قرار دادن سیگنال داخلی است. این مدولاسیون باید جریان را قطع وصل کند و یا خصوصیات دقیق مانند دامنه، فریکونسی، فاز ترکیبی، از این خصوصیات را تغییر دهد.

فرستنده، انرژی‌های الکتریکی را به یک آنتن تشدیدکننده تنظیم‌شده می‌فرستد، این ساختار به‌سرعت جریان متناوب در حال تغییر را به یک موج الکترومغناطیس تبدیل می‌کند که می‌تواند از میان هوا و خلا عبور کند. امواج الکترومغناطیس به‌وسیله آنتن‌های تنظیم‌شده گیرنده جدا می‌شوند، این ساختار، انرژی امواج را می‌گیرد و آن را به حالت جریان الکتریکی نوسان دار تبدیل می‌کند، گیرنده، این جریان را رمزگشایی و یکسو می‌کند که این سیگنال توسط یک سیستم شناسایی قابل‌استفاده می‌گردد. گیرنده، دستگاهی است که برای پاسخ دادن با رعایت اولویت به سیگنال موردنظر ورد کردن سیگنال‌های نامطلوب به کار می‌رود. سیستم‌های رادیویی جدید برای تولید سیگنال برای اپراتور، روی انرژی که به‌وسیله آنتن جمع می‌شود تکیه می‌کند. در عصر حاضر استفاده از رسانه رادیو زیادتر شده است. بعد از اختراع تجهیزات الکترونیکی مانند لامپ خلا و ترانزیستور که باعث تقویت سیگنال‌های ضعیف می‌شود. در حال حاضر استفاده از سیستم‌های رادیویی، برای کنترل اسباب‌بازی اطفال مانند ماشین‌های کنترولی نیز استفاده می‌شود.

و اما در بخش نشراتی، رادیو برود کاستینگ یک رسانه مهم مفاهمه جمعی در هر دو کشور پیشرفته و در حال پیشرفت است، در کشورهای پیشرفته، برود کاستینگ به حیث وسیله سیستماتیک معلومات، تعلیم، رهنمایی، هدایات و سرگرمی و تفریح تلقی شده است؛ اما در کشورهای در حال رشد رادیو نظر به عدم نشرات مناسب و استندرد به خاطر نداشتن وسایل مهم فناوری و وسایل جدید به یک سلسله مشکل‌ها مواجهه است.^۷

محدودیت‌های رادیو

۱. فقط شنیدن، رادیو فقط یک‌روال و سبک شنیدن اخبار و یا برنامه‌های تفریحی است، لیکن به این وسیله ما تنها در یک‌وقت خاص یک برنامه دل‌خواه خود را می‌شنویم و اگر آرزو داشته باشیم که آن را به

^۷ فرحتیار، ۱۳۹۱، ص ۷-۶۰.

یکوقت مناسب دیگر بشنویم شنونده رادیو امکان دوباره شنیدن را ندارد.

درحالی که روزنامه این امتیاز را دارا است که نه تنها خواننده یکبار، بلکه چندین بار می تواند آن را بخواند و یا در صورت ضرورت سالها بعد نیز از آرشیف کتابخانه گرفته مضمون موردعلاقه خود را مطالعه نماید.

۲. **عدم ضبط، مشکل عمده رسانه رادیو** این است که اگر یکبار برنامه آن نشر شد، سپس ضبط عین موضوع وجود نخواهد داشت؛ زیرا برنامه های رادیو از طریق هوا منتشر می شود. درحالی که موضوعات چاپ شده در روزنامه، سالها بعد در کتابخانه ها و منابع پیدا می شود.

۳. **محدودیت ها؛ رادیو برنامه های خود را مطابق به وقت برنامه و زمان خاص خودش زمان بندی می نماید و اخبار و سایر برنامه های سرگرمی مطابق یک تقسیم اوقات زمانی نشر می شود؛ و شنونده ی رادیو مکلف است که مطابق زمان بندی خاص رادیو در پهلوی رادیو نشسته و برنامه موردعلاقه خود را بشنود. اگر وقت یاری نکرد، دیگر این شانس را ندارد که به برنامه موردعلاقه اش در یک زمان دیگر گوش فرا دهد.**

لیکن این امکان استفاده از عدم محدودیت زمان در روزنامه میسر است. روزنامه در هر وقت و زمان مطابق به میل خواننده برای خواندن دستیاب است. حتی در هنگام صرف صبحانه، در وقت استراحت، در سفر و یا هر زمان و مکانی که خواننده دلش بخواهد.

۴. **نقص رادیو؛ رادیو مورد استفاده و پر و پا کند قرار گرفته و به حیث یک وسیله تبلیغاتی و دروغ پراکنی از آن استفاده به عمل می آید.**

مزایای رادیو

۱. **سریع است؛** از آنجایی که رادیو یک وسیله ارتباط همگانی است و اخبار و رویدادهای محلی و بین المللی را به اسرع وقت خدمت شنوندگان خود تقدیم می نماید، نسبت به سایر وسایل ارتباط جمعی از اهمیت بیش تری برخوردار است. در بخش آرایه اطلاعات، رادیو

نه تنها خبر یک حادثه را قسمی که اتفاق افتاده به زودترین فرصت تقدیم می‌کند، بلکه انکشافات بعدی آن حادثه را نیز به اسرع وقت خدمت شنوندگان پیشکش می‌نماید.

۲. **دسترسی به رادیو سهل است**؛ با تقدیم برنامه جالب، گراف محبوبیت رادیو در بین اقشار اجتماع در هر بخش از زندگی افزایش یافته است. هم‌چنان دسترسی یک شخص عادی به یک سیت رادیو به خاطر ارزان بودنش بسیار سهل و آسان است. یک‌پایه رادیو خریداری شده در یک اتاق، موتر، فابریکه، مزرعه و دکان برای چندین تن مفی است.

۳. **ساحه نفوذپذیری رادیو بسیار وسیع است**؛ هرگونه اشخاص، عالم، دانشمند، باسواد، کم‌سواد و مردم عوام مطابق ضرورت، استعداد فکری و ذوق خود می‌توانند از برنامه‌های مختلف رادیو استفاده نمایند؛ بنابراین لسان برنامه‌های رادیویی که منتشر می‌شود؛ باید ساده، سلیس، واضح، عام فهم و قابل‌درک برای همه باشد. نقل‌قول‌ها، اصطلاح‌ها و لغت‌های ترکیبی مغلق، علاقه یک شخص کم‌سواد را کاهش می‌دهد. لیکن روزنامه‌ها می‌توانند مطلب‌ها را به‌صورت مغلق و پیچیده بحث نمایند و خواننده‌ها هم مطابق استعداد و سلیقه‌شان، مطلب‌های مختلف را در روزنامه‌ها پیدا خواهند نمود.

۴. **برای اکثریت یک وسیله موردپسند است**؛ در کشوری مانند افغانستان که اکثریت مردم از نعمت سواد بهره‌مند نیستند، رادیو یک وسیله مؤثر و موردپسند تلقی می‌شود؛ زیرا رادیو نه‌تنها خبرها و برنامه‌های معلوماتی را نشر می‌کند، بلکه پروگرام‌های تفریحی و سرگرم‌کننده را نیز پخش می‌نماید. رادیو درامه‌ها، پارچه‌های تمثیلی، داستان‌ها، برنامه‌های زراعتی، صحن، جوانان، کودکان، شعر و ادب و پخش موسیقی‌های فرمایشی به ذوق شنونده هرکدام به‌نوبه خود علاقه‌مندان و شنوندگان خاص خود را دارد. گذشته از آن در جوامعی که مردم آن از نعمت سواد محروم و یا کم‌سواد هستند، رادیو در روشن ساختن اذهان عامه اهمیت فوق‌العاده مهم دارد؛ زیرا چنین اشخاص از روزنامه‌ها، جریده‌ها و مجله‌ها به‌صورت اعظمی استفاده

کرده نتوانسته و از اوضاع داخلی و خارجی به‌خوبی واقف شده نمی‌توانند.

۵. **خسته کن نیست**، بنابراین رادیو یگانه وسیله ایست که بالای اشخاص کم‌سواد مؤثر واقع‌شده و در بلند بردن سطح دانش، فرهنگ و شعور سیاسی افراد رول عمده و تأثیر بسزایی دارد. همچنان رادیو در ازدیاد معلومات و رفع کسالت دماغی اشخاص نقش مؤثری دارد.

مبحث دوم
تاریخچه رادیو در جهان

تاریخ پیدایش رادیو با اختراع برق و تلفن در اواخر قرن ۱۹ بازمی‌گردد. در



سال ۱۸۶۷ جمیز
کلارک ماکسول
(james clark
macwell) که در
دانشگاه کمبریج
لندن مصروف تدریس
بود، امواج
الکترومقناطیسی را
کشف نمود. حدود

بیست سال بعد هنریش هرتز فیزیکدان مشهور آلمانی دنبال بررسی‌های
ماکسول را گرفت و دریافت که امواج الکترومقناطیسی با سرعت نور در فضا
پخش می‌شوند وی نخستین بار در لابراتوار خود که امواج هرتز نامیده می‌شد
و بعدها به امواج رادیویی شهرت یافت، پدید آورد هرتز عقیده داشت که با
ساخت یک دستگاه حساس می‌توان این امواج را ضبط کرد.

او ادعا می‌کرد که هوا نیز چون آب از مالیکول‌های به هم فشرده
تشکیل شده و بنابراین همان‌طوری که با پرتاب کردن سنگی بر سطح آب
امواج متحدالمرکز قابل‌رؤیتی به وجود می‌آید در فضا هم در اثر تولید صدا
امواج الکترومقناطیسی ایجاد و منتشر می‌شود هر صدایی که در اطراف ما
تولید می‌شود امواجی را در فضا پدید می‌آورد و اگر دستگاه دقیقی موجود
باشد می‌تواند این امواج را بگیرد.

گام بعدی توسط دانشمندان ایتالیایی کالزجی اونستی (j. calls
onnesti) برداشته شد. وی در سال ۱۸۸۵ با کشف خاصیت هدایت و انتقال
ذرات فلز، راه را هموارتر کرد و متعاقب آن ادوارد برانلی فیزیکدان فرانسوی با
استفاده از قابل هدایت و اشاعی ذرات دستگاه اولیه پخش الکتریکی و
مقناطیسی را ساخت. وی در سال ۱۸۹۴ به کمک فرستنده آنتن‌دار و یک
گیرنده موفق به پخش و ضبط اصوات شد. چندی بعد اولیور لاج وراتر فور
که هردو بریتانیایی و فیزیکدان بودند موفق شدند به‌وسیله‌ی امواج از راه
دور باهم ارتباط برقرار کنند.

سرانجام نوبت به «جاج لیلمو مارکونی» رسید تا گام‌های اصلی و نهایی بردارد. وی در سال ۱۸۹۴ به دنبال مطالعه رساله‌های درباره امواج الکترومغناطیسی که هشت سال پیش‌ازین تاریخ بموسیله هرتز کشف شده بود به این اندیشه افتاد تا امواج مذکور برای انتقال پیام استفاده کند یک سال بعد او یک دستگاه تلگراف به بسیم تعبیه کرد که نوسانگر هرتز، فرستنده و گیرنده‌ی آن بود.^۸

الکساندر پوپوف فیزیکی‌دان روسی قبلاً استفاده از آنتن را مروج نموده بود هم‌چنان ناگفته نماند که روس‌ها با اصرار ادعا می‌نمایند که پوپوف رادیو را اختراع کرده است.

مارکونی به تدریج کوشیده تا ارسال پیام را از فاصله دورتری امکان‌پذیر سازد. در سال ۱۸۹۵ پیامی از یک اتاق به باغ، بعداً پیامی به مسافت ۵/۱ کیلومتر مخابره کرد، در ایتالیا اختراع وی مورد استقبال قرار نگرفت به بریتانیا رفت و در آن‌جا پیامی را به فاصله ۵/۱۴ کیلومتر ارسال کرد و در سال ۱۸۹۷ بار دیگر به ایتالیا مراجعت کرد و از ساحل به یک کشتی جنگی در ۱۹ کیلومتری پیامی مخابره کرد. یک سال بعد از بریتانیا پیامی را به مسافت ۲۵ کیلومتری ارسال داشت با وجود این در بریتانیا اختراع وی با سردی مواجه شد. تا آن‌که هنگام بیماری ملکه ویکتوریا در جزیره وایت مارکونی چگونگی حال او را به بریتانیا مخابره کردیم واقعه موجب شهرت و رواج مارکونی شد و با عوایدی از این کار توانست دستگاه‌های قوی‌تری بسازد.

سرانجام در ۱۲ دسامبر ۱۹۰۱ مارکونی موفق شد نخستین پیامی را بفرزاق اقیانوس اطلس از پلدیو نیوفندلند (در کانادا) ارسال دارد. این روز را می‌توان تاریخ واقعی اختراع رادیو به شمار آورد.

جنگ جهانی اول، این اختراع را با دیگر اختراعات وارد عرصه‌ی کاربرد نظامی کرد و از رادیو به‌عنوان جنگ‌افزار کمکی استفاده شد. پس از ختم جنگ استفاده رادیو محبوبیت بیش‌تری یافت و در سال ۱۹۲۰ ایستگاه رادیویی «مارکونی» به بخش برنامه‌های سرگرم‌کننده و تفریحی پرداخت.

^۸ همان.

در جنگ جهانی دوم آخرین نقایص رادیو برطرف شد در جریان این جنگ غیر از رادیوهای که در گوشه و کنار جهان مشغول پخش برنامه بودند، رادیو برلین مربوط به نازی‌ها و رادیو بی‌بی‌سی (BBC) سخنگوی متفقین توانستند به‌عنوان ابزارهای مهم خبری و تبلیغی تأثیر عمده‌ای بر روند جنگ بگذارند.

با پایان جنگ جهانی دوم، رادیو رفته‌رفته به‌صورت وسیله‌ی همگانی درآمد. اختراع ترانزیستور و کاربرد آن در رادیو در دهه ۱۹۵۰ این وسیله‌ی ارتباطی را به‌سرعت و وسعت بیشتری، جهان‌شمول کرد تا آنجایی که امروز هیچ نقطه‌ای از دنیا را نمی‌توان یافت که از قلمرو امواج رادیویی خارج باشد.

هم‌اکنون هزاران دستگاه فرستنده‌ی رادیوی دولتی و خصوصی در سراسر جهان به زبان‌های گوناگون برنامه پخش می‌کنند که علی‌رغم توسعه حیرت‌انگیز تلویزیون و پیشرفت سایر رسانه‌ها هنوز هم برای استفاده عامه هیچ وسیله ارتباط جمعی که از رادیو سریع‌تر و سهل‌الوصول‌تر باشد، وجود ندارد.

ارزانی، سهولت حمل‌ونقل و سرعت خبرگیری از رادیو امکان را برای دولت‌های پیشرفته که از توانایی مالی و فنی برخوردارند، پدید آورده است تا در دورترین سرزمین‌ها به زبان خود ساکنین آن‌ها به نفع دولت خود تبلیغ کنند مانند رادیو لندن که به ۶۰ زبان مختلف در دنیا نشرات دارد.

مبحث سوم تاریخچه رادیو در افغانستان

برای نخستین بار در سال (۱۳۰۴) خورشیدی در دوران سلطنت غازی امان‌الله خان دو دستگاه کوچک رادیو برود کاستنگ خریداری و وارد کشور گردید. در سال (۱۳۰۷) یکی از این دو دستگاه در کابل نصب گردید و در نظر بود که دستگاه دومی در قندهار فعال شود. این دستگاه به قوه ۲۰۰ وات و به طول موج ۳۶۰ متر نشرات می‌کرد که آواز آن تا قندهار شنیده می‌شد.^۹

قبل از نصب این دستگاه ۳۰ پایه رادیوی بطری‌دار که به شکل گوشی بود به مردم توزیع گردید؛ و در آخر سال (۱۳۰۷) این تعداد به یک هزار پایه افزایش یافت، از دارندگان رادیو محصول نیز اخذ می‌گردید که بعدها این تعامل فسخ شد. در آغاز نصب دستگاه رادیو، این مؤسسه نشراتی تحت اثر وزارت داخله بود و با تشکیل محدود بیست‌تغری پروگرام دوساعته را نشر می‌کرد.

نشر برنامه‌های آن‌وقت از اخبار تا موسیقی همه به‌صورت زنده و مستقیم بود که بیش‌تر دارای اشتباهات می‌بود. برای موسیقی ترتیب و تشکیل جداگانه‌ای نبود، بلکه از طرف اداره‌ی رادیو برای سراینده‌گان و نوازندگان وقت داده می‌شد و بعد از اجرای پروگرام حق‌الزحمه‌شان نقداً تأدیه می‌گردید.

قسمت تبلیغی و تعلیمی رادیو را نشر موضوعات علمی، ادبی، اجتماعی و نشر اخبار تشکیل می‌داد؛ و به‌این‌ترتیب هسته رادیو در کشور گذاشته شد.

در سال (۱۳۱۵) یک دستگاه ۲۰ کیلووات که دارای امواج متوسط بود از آلمان خریداری گردید، از جانب دیگر در سال (۱۳۱۷) کار ساختمان عمارت برود کاستنگ و ملحقات آن در یک‌هتوت و عمارت استدیوها در پل باغ عمومی در جوار وزارت مخابرات شروع شد. در آخر سال (۱۳۱۸) سامان و لوازم این دستگاه وارد و مونتاژ گردید. در سال (۱۳۱۹) مطابق (۱۹۴۰) میلادی نشرات رادیو کابل به‌صورت امتحانی آغاز گردید. در همین زمان نخستین آژانس خبرسانی به نام آژانس باختر نیز در کابل تأسیس و فعال شد.

^۹. غیاثی، ۱۳۷۰، ص ۳-۴.

سرانجام در حمل (۱۳۶۰) نشرات رادیو به صورت اساسی شروع شد. ریاست مطبوعات وقت تنها به نشرات داخلی اکتفا نکرده بلکه جهت معرفی افغانستان به جهان در سال (۱۳۳۶ و ۱۳۳۷) و تورید یک دستگاه ۱۰ کیلووات موج متوسط و یک دستگاه ۵۰ کیلووات موج کوتاه اقدام نمود. در سال (۱۳۴۶) نام رادیو کابل به رادیو افغانستان تعویض گردید. به تاریخ ۶ سنبله سال (۱۳۴۳) خورشیدی مرکز رادیو از پل باغ عمومی به انصاری وات انتقال یافت که دارای شش استدیو ثبت، دو استدیوی نشر، یک تالار بزرگ غرض اجرای کنسرت‌ها، کتابخانه و دفاتر اداری بود.

رادیو در آن زمان دارای سه ارگان؛ نشراتی، تخنیکی و اداری بود. ریاست نشرات شامل مدیریت‌های ذیل بود:

- مدیریت عمومی روزنه (شامل برنامه‌های دینی، تربیتی، معلوماتی، تربیوی و مسلکی)
- مدیریت هنر و ادبیات (شامل برنامه‌های شعر و ادب، درامه و دیالوگ)
- مدیریت اطلاعات (شامل برنامه‌های اخبار، مصاحبه‌ها، راپورتاژها و میزهای مدور)
- مدیریت نشرات خارجی (شامل برنامه‌های اردو، عربی، آلمانی، فرانسوی و انگلیسی)
- مدیریت برنامه‌های محلی (شامل برنامه‌های نورستانی، ازبکی، بلوچی و ترکمنی)
- مدیریت آرشیف نشرانی (شامل تطبیق موسیقی، کتابخانه و ریسرچ)
- مدیریت موسیقی (شامل برنامه‌های کنسرت، ثبت موسیقی و ...)

از رادیو کابل تا رادیو افغانستان

رادیو کابل استیش رادیوی رسمی افغانستان است. رادیو کابل که در سال (۱۹۶۰) میلادی به نشرات آغاز نمود، اولین استیش رادیو است که توسط دولت اداره می‌شود.

۱. رادیو در زمان امان‌الله خان، در سال (۱۹۶۵) یک ترانسسمیتر ۲۰۰ وات روسی به موج AM - ۸۳۳ مگاهرتز در زمان سلطنت امان‌الله خان در

- کابل نصب شد که بعداً در سال (۱۹۴۹) میلادی در اثر قیامی که علیه شاه صورت گرفت تخریب شد.
۴. **رادیو در زمان نادر خان**؛ در زمان پادشاهی نادر خان در سال (۱۹۳۱) این ترانس‌میت‌ر تبدیل و به‌عوض آن یک پایه ترانس‌میت‌ر جدید ۲۰ کیلووات نصب گردید که به ۶۰۰ مگاهرتز فعالیت می‌نمود. این نشرات به‌صورت عمومی ایجاد نشرات رسمی رادیو کابل بود که به لسان‌های دری، پشتو، هندی، انگلیسی و فرانسوی نشرات می‌نمود. در جریان تاریخ مدرن افغانستان رادیو توسط حکومت بر سر اقتدار اداره و کنترل می‌شد.
۳. **رادیو در زمان ظاهر خان**؛ در سال ۱۹۵۳ در جریان زمامداری ظاهر شاه نام رادیو افغانستان به سیستم نشراتی افغان مبدل شد و دوباره در سال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رادیو کابل به حیث مهماندار از تمام نسل عنعنوی و مدرن هنرمندان افغان مانند استاد محمد حسین سر آهنگ، استاد فریده مهوش و استاد محمد هاشم چشتی دعوت و پذیرایی کرد این استادان موسیقی نه‌تنها در افغانستان، بلکه در هندوستان و پاکستان و تمام شرق میانه قابل احترام و پذیرش بودند.
۴. **رادیو در زمان داود خان**؛ در سال (۱۹۷۳) وقتی که ظاهر شاه به اثر کودتای پسر کاکایش داود خان از اریکه قدرت خلع گردید این تغییر از طریق استیشن این رادیو به اطلاع مردم و جهانیان رسانیده شد.
۵. **رادیو در زمان حکومت‌های خلق و پرچم**؛ بعداً در سال ۱۹۷۹ زمانی که کوتاهی به طرفداری اتحاد شوروی سابق به وقوع پیوست، رادیو کابل توسط حکومت طرفدار روسیه کنترل می‌شد.
۶. **رادیو در زمان مجاهدین**؛ در جریان سال‌های جنگ‌های داخلی که هم‌زمان با خروج قوای روسیه از افغانستان در سال ۱۹۹۰ بود، استیشن رادیو چندین مرتبه در جریان جنگ‌ها تخریب و احزاب مختلف کنترل آن را به دست گرفتند.
۷. **رادیو در زمان طالبان**؛ در سال (۱۹۹۶) وقتی که طالبان کنترل کابل را به دست گرفتند، نام رادیو کابل به صدای شریعت یعنی «شریعت غز» تبدیل شد. طالبان نشر موسیقی را از طریق رادیو ممنوع اعلان نموده و آرشیف

رادیو را تخریب نمودند که شامل هزاران پارچه موسیقی شرقی و غربی، برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود که از ۶۰ سال بدین سو در آن آرشیف نگهداری می‌شد.

۸. **رادیو در زمان کوزی**، البته بعد از ختم دوره طالبان از قدرت، رادیو کابل دوباره نشرات موسیقی و برنامه‌های سیاسی خود را از سر گرفت. **یادداشت**، نشرات رادیو کابل در سال‌های (۱۹۵۰) نه تنها در اقضا و نقاط افغانستان بلکه حتی تا دوردست‌ها در جنوب افریقا و اندونزیا نیز شنیده می‌شد در آن زمان رادیو یگانه منبع معلومات در کشور بود؛ اما امروز استیشن‌های متعدد **AM** و **FM** و موج‌کوتاه موجود است که به زبان‌های فارسی، پشتو و انگلیسی نشرات دارند.

آغاز مجدد نشرات رادیو در افغانستان

بعد از یک مدت طولانی وقفه در فعالیت نشراتی رادیو کابل در زمان تسلط طالبان، رادیو کابل در نوامبر سال (۲۰۰۱) میلادی نشرات خود را دوباره آغاز نمود که در سال (۲۰۰۳) تقریباً ۳۷ درصد شهروندان افغان در مراکز شهرها به استیشن رادیو دسترسی داشتند. قرار یک احصائیه سال (۲۰۱۱) بیش‌تر از ۱۷۵ استیشن رادیویی در سراسر کشور فعالیت نشراتی دارند. در زمان امان‌الله خان، رادیو کابل که برای نخستین بار به نشرات خود آغاز کرد؛ اما به اثر حوادث داخلی بعد از مدت از فعالیت بازماند و در حمل سال (۱۳۶۰) خورشیدی فعالیت خود را دوباره از سر گرفت که تاکنون (۱۴۰۰) ادامه دارد. در این مدت رادیو افغانستان، نقش مهمی برای مردم این کشور در قسمت آگاهی، تقدیم اخبار، اطلاع‌رسانی و سرگرمی مسؤولیت خویش را به وجه احسن انجام داده است.

در سال (۱۳۰۴) خورشیدی شخصی به نام انجنیر عطاالله به دستور امان‌الله خان به آلمان فرستاده شد تا آموزش‌های لازم را برای راه‌اندازی و نصب رادیو فراگیرد. این شخص یک سال را در آلمان سپری کرد و بعد از فراگرفتن آموزش‌های لازم به همراهی چند متخصص آلمانی و دو دستگاه فرستنده رادیو به کابل بازگشتند.

بعد از چند ماه فعالیت، کار نصب دستگاه فرستنده توسط متخصصان افغان و آلمانی به پایان رسید و صدای رادیو کابل از ساختمان کوچک کوتی لندن توسط یک فرستنده کوچک ۲۰۰ وات روی موج ۳۶۰ متر به گوش شهروندان کابل رسید.

مقر اول رادیو در کابل: کوتی لندن که نخستین بار صدای رادیو کابل از آن پخش شد ساختمان مجلی که در اخیر شهر قدیم، به سوی غرب در کنار دریای کابل، متصل به پل هارتل اعمار گردیده بود که در حال حاضر هیچ اثری از آن باقی نمانده است.

صدای رادیو کابل را در آن زمان فقط شهروندان کابل شنیده می‌توانستند و دیگر شهرهای افغانستان از شنیدن صدای آن محروم بودند. عمر رادیو در این دوره خیلی طولانی نبود؛ زیرا به اثر حوادث داخلی در سال (۱۳۰۷) از پخش برنامه بازماند.

مقر دوم رادیو در کابل پل باغ عمومی: در زمان سلطنت محمد ظاهر شاه، با تصویب مجلس عالی وزرا، یک دستگاه فرستنده رادیویی به قیمت یک میلیون و هفت هزار افغانی معادل ۳۲ هزار پوند استرلینگ، از آلمان خریداری شد که کار نصب آن در سال (۱۳۱۷) توسط متخصصان آلمانی در پل باغ عمومی کابل آغاز شد؛ و در ماه حمل (۱۳۲۰) خورشیدی با مدیریت محمد محسن خان و با سخنرانی سردار محمد نعیم خان معاون صدراعظم و وزیر معارف افغانستان آغاز شد.

برنامه‌های رادیو کابل در سال‌های اول تأسیس آن توسط یک فرستنده ۲۰ کیلووات روی موج متوسط ۶۶۰ متر از ساعت هفت بعد از ظهر آغاز و به مدت دو نیم ساعت ادامه داشت و صبح‌ها هم یک ساعت برنامه داشت که تمام برنامه‌های آن به صورت زنده پخش می‌شد.

مبحث چهارم نخستین گویندگان رادیو در افغانستان

در برخی از نوشته‌ها آمده است که نخستین گویندگان مرد و زن زبان فارسی رادیو کابل «گویا اعتمادی» و «رقیه ابوبکر» و نخستین گویندگان پشتو «عبدالجبار» و «مستوره» بودند؛ که صدای‌شان از رادیو کابل شنیده شد. زنان افغان آهسته‌آهسته و گام‌به‌گام وارد رادیو افغانستان شدند، خانم رقیه حبیب ابوبکر از نخستین کسانی بود که صدایش از رادیو شنیده شد.^۱

ولی آن‌گونه که مرحوم اکادمیسن عبدالاحمد جاوید که در آن سال‌ها مدتی مسؤول رادیو کابل بوده، گفته است: «قبل از رقیه ابوبکر صدای یک گوینده زن که از ترک‌های ترکیه بود از رادیوپخش شده است. ما برای نخستین بار اعلانی را توسط یک زن که خودش ترک بود و شوهرش افغان، پخش کردیم که حتی سواد خواندن و نوشتن فارسی را نداشت. ما فارسی را به الفبای لاتین می‌نوشتیم و او آن را می‌خواند. بعد اجازه دادند که آن را تبدیل کنیم به صدای یک زن افغان بعد از آن نخستین بار مسعوده جلال که دختری خردسال بود. به‌عنوان یک دوشیزه کوچک اعلان‌های رادیو کابل را خواند.»

اکادمیسن جاوید هم در ادامه این مطلب در کتاب افغانستان در قرن بیستم تأکید کرده است: «که نخستین زنی که صدایش به‌صورت مطلق از رادیوپخش شد، رقیه ابوبکر یا رقیه حبیب بود که ما به خان‌هاش با دستگاه تیپ ریکاردر (ضبط‌صوت) رفتیم و صدایش را ضبط کردیم او درباره‌ی زن و جامعه یک سخنرانی کرد که ما آن را ضبط کردیم و از رادیوپخش شد.»

اول، برنامه‌های ادبی و هنری، بیش‌تر برنامه‌های رادیو در آن سال‌ها، علاوه بر اخبار، برنامه‌های ادبی و اجتماعی بود که مطلب‌های آن را، رشید لطیفی، خلیل‌الله خلیلی، گلپاچا الفت، عبدالرحمن پژواک، علی احمد کهزاد که از برجسته‌ترین نویسندگان رادیو بودند، می‌نوشتند و

^۱ همان.

مطالب زیر نظر صلاح‌الدین سلجوقی رئیس مستقل مطبوعات تنظیم می‌شد.

به تدریج برنامه ادبی و هنری رادیو بیش‌تر شد و در سال (۱۳۴۶) اداره هنر و ادبیات رادیو به وجود آمد و برنامه‌های ماندگار توسط این مدیریت تهیه می‌شد که از پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیو بود.

مزمه‌های شب‌هنگام، مجله رادیویی، رادیو درام، از هر چمن سمنی، نمایش رادیویی، معرفی چهره‌های جاودان ادبیات، دانه‌های قیمتی از فرهنگ عامیانه، دنیای ادب، در امتداد شب، داستان‌های دنباله‌دار، آینه آدینه و دنیای کتاب مهم‌ترین برنامه‌های ادبی و هنری بودند که از رادیو افغانستان پخش می‌شدند.

دوم: موسیقی در رادیو؛ علاوه بر برنامه‌های ادبی، پخش موسیقی نیز بخشی مهمی از برنامه‌های رادیو بود که گروه‌های موسیقی به رادیو می‌آمدند و به‌صورت زنده آواز می‌خواندند. به نوشته اکادمیسن جاوید نخستین کسی که در رادیو آواز خواند و موردپسند بسیار مردم واقع شد، کریم شوقی بود.

استاد غلام‌حسین، استاد قاسم افغان، استاد تنور و استاد قربانعلی، نخستین هنرمندان موسیقی بودند که در سال‌های نخست تأسیس رادیو، صدای آن‌ها از رادیو افغانستان پخش شد. در آن زمان اکثر مردم در منازل خود رادیو نداشتند و در هر میدان و چهارراه شهر یک رادیو نصب‌شده بود دور آن جمع می‌شدند و به برنامه‌های رادیو گوش می‌دادند.

ظاهر هویدا، از مشهورترین آوازخوان‌های افغانستان از کسانی است که نخستین جرقه عشق به موسیقی را از همین رادیوهای عمومی احساس کرده است: «روزهای که رادیو نداشتیم و به خاطر شنیدن آهنگ‌ها، شبانه روی بام می‌خوابیدم و آن‌هم به خاطر فاصله زیاد درست شنیده نمی‌شد و من که ناراحت بودم، ناراحت‌تر می‌شدم ... یا روزهایی که به خاطر شنیدن یک‌پارچه موسیقی از طریق لودسپیکر جاده می‌وند، مانند درخت‌ها ایستاد می‌شدم و تحمل بیش‌تری از نیم ساعت سردی را نداشتم و غمگینانه به خانمان در دهم‌تنگ برمی‌گشتم.»

سوم، نخستین ترانه با صدای زن در رادیو، شنیدن صدای زن از رادیو در آن روزگار، برای مردم خیلی غیرمنتظره بود و به نوشته طنین در کتاب افغانستان در قرن بیستم در فضای تعصب آلود آن روز افغانستان، زمزمه آهنگی با صدای یک زن، کمتر از یک انقلاب نبود.

۱. فرشته، برای نخستین بار در سال (۱۳۶۵) بود که آواز یک دختر شش ساله با عنوان دوشیزه کوچک از رادیو به گوش مردم رسید نام اصلی او فرشته و از یک خانواده روشنفکر کابل بود که با کمک عبدالغفور برشنا که در آن زمان مسئول نشرات رادیو بود و آهنگ او در دستگاه ساده‌ای که در آن زمان برای ضبط آهنگ‌ها معمول بود ضبط شده و از رادیوپخش گردید این آهنگ‌ها مورد استقبال مردم قرار گرفت. همکاری این دوشیزه کوچک با رادیو افغانستان زیاد ادامه پیدا نکرد و به علت موانع خانوادگی و اجتماعی موسیقی را کنار گذاشت و به تحصیلات خود در مکتب ملالی ادامه داد.

۲. سامعه میرزاد، که با نام شهلا در رادیو کابل آواز می‌خواند، دومین دختری بود که صدایش از رادیو افغانستان شنیده شد. سامعه میرزاد خواهر صالحه فاروق اعتمادی بود که در آن دوران مدیرلیسه ملالی در کابل بود. آن‌گونه که خود سامعه در خاطرات خود در کتاب «خاطرات اولین لیسه دختران افغانستان» آورده است، او علاقه زیاد به آوازخوانی داشته و روزها دور از چشم خانواده و مدیران، از مکتب فرار می‌کرده و خود را به رادیو می‌رسانده است تا آواز بخواند: «هیچ وقت فراموشم نمی‌شود که هوا سرد بود و من نمی‌توانستم از دیوار مکتب فرار کنم نزدیک دروازه مکتب با یکی یاز هم‌صنفانم و یک‌کمی منتو برای چپراسی خریدم و دوستم با او سرگرم صحبت شد تا من بتوانم فرار کنم یک آهنگ فوق‌العاده را در رادیو ضبط کردم که شعر آن از عبدالحق واله بود.»

سامعه در ادامه خاطرات خود نوشته است: «وقتی خانه رفتم، پدرم گفت: چرا این قدر دیر خانه آمدی؟ گفتم: با هم‌صنفانم تکیه خانه رفته بودم. به من گفت: در آن‌جا گریه کردی؟ گفتم بلی! گفت: فکر نکنی از رادیو رفتنت خبر شده‌ام. باور کنید، باور کنید، ده شاخه از درخت بید را بر سرم شکست، مرا به

حدی لت و کوپ کرد که از الله گفتن ماندم بازگفت رادیو من روی؟ گفتم بلی! تا این که خودش ضعف کرد...»

یادداشت: سامعه میرزاد، بعدها به کمک رقیه حبیب، علاوه بر آوازخوانی، گوینده رادیو شد و خبرهای صبح و عصر رادیو و بعضی دیگر از برنامه‌های ادبی و موزیکال را به همراه مهدی ظفر اجرا می‌کرد. بعد از سامعه آزاده، ناهید و زنی نابینا به نام عالمتاب در رادیو آوازخواندند و از این میان فقط آزاده سال‌های زیادی در رادیو آوازخوانی کرد.

۳. **میرمن پروین**، در سال (۱۳۲۹) خورشیدی صدای دختری به نام پروین که نام اصلی او خدیجه بود از رادیو شنیده شد که با استقبال زیاد شنونده‌ها مواجه شد. میرمن پروین صبیحه محمدرحیم ضیایی متخلص به شیون کابلی نخستین آوازخوان زن بود.

آن‌گونه که عبدالوهاب مددی در «کتاب سرگذشت موسیقی افغانستان» آورده است: «در ماه حوت (۱۳۲۹) خورشیدی، استاد لطیفی، با یک دستگاه ضبط صدا به منزل پروین رفت و چند آهنگ او را در منزلش ضبط کرد؛ و چند روز بعد این آهنگ‌ها از رادیوی کابل پخش شدند و مورد استقبال شنوندگان رادیو قرار گرفتند.»

استقبال از صدای پروین باعث شد تا پای او به رادیو کابل کشیده شود و در نوروز سال (۱۳۳۰) ده سال بعد از تأسیس رادیو، برای اولین بار پروین در حالی که چادری بر سر داشت، وارد استودیوی موسیقی رادیو کابل شد و آهنگ گل‌فروش را که بعدها بسیار معروف شد و شعر آن از محمدابراهیم خلیل و آهنگ آن از غلامحسین خان بود در رادیو خواند و این آهنگ آن از استاد غلامحسین خان بود در رادیو خواند و این آهنگ تا سال‌های زیادی از پرشنونده‌ترین آهنگ‌های رادیو کابل بود.

عبدالوهاب مددی، آوازخوان و آهنگ‌ساز افغان، براین باور است که این آهنگ از جنبه‌های آهنگ‌سازی، شعر آواز تا حالا نیز از جمله بهترین آهنگ‌هایی است که در افغانستان ساخته شده است.

یادداشت: پروین که در سال (۱۳۸۳) در کابل درگذشت از خاطره نخستین روزی که صدایش از رادیو کابل پخش شد گفته بود: «نخستین آهنگی را که خواندم، به نام گل‌فروش بود سال نو بود، سال (۱۳۳۰) خورشیدی همان وقت مرا تشویق کردند؛ چون قبله‌گاه مرحومم یک هنرمند و یک شاعر بود و به موسیقی هم علاقه بسیار زیاد داشت. بعد من رفتم و آهنگ گل‌فروش را در رادیو خواندم.» تا قبل از جنگ‌های داخلی، (۱۳۵۰) ترانه با صدای پروین در آرشیف موسیقی رادیو افغانستان وجود داشت.

میث پنجم نشرات به لسان‌های خارجی و اصول‌نامه

در سال (۱۳۳۴) خورشیدی، ساختمان جدید رادیو در جاده انصاری وزیر محمد اکبر خان به کمک انجمن آلمانی ساخته شد و رادیو کابل از پل باغ عمومی به آنجا منتقل شد و فعالیت‌های آن گسترش یافت. در سال (۱۳۴۲) خورشیدی با گشایش تأسیسات جدید و راه‌اندازی چند استدیو بر کیفیت برنامه‌های رادیو افزوده شد و نام «رادیو کابل» به «رادیو افغانستان» تغییر یافت و با نصب یک دستگاه موج‌کوتاه، کشورهای هم‌جوار هم می‌توانستند صدای رادیو افغانستان را بشنوند. با نصب دستگاه موج‌کوتاه، پخش برنامه‌های رادیو افغانستان به زبان‌های خارجی از جمله به زبان‌های اردو، انگلیسی، عربی، فرانسوی، آلمانی و روسی نیز آغاز شد.

برخی از گویندگان و کارمندان رادیو افغانستان در دهه چهل و پنجاه خورشیدی برای آموزش بیشتر، به کشورهای خارجی اعزام شدند تا تجربه‌هایی تازه کسب کنند. در سال (۱۳۴۹) یک گروه از این کارمندان به بریتانیا سفر کردند و از رادیو فارسی بی‌بی‌سی بازدید نمودند. هم‌زمان با تأسیس رادیو، آژانس خبرگزاری باختر و رادیو کابل اخبار خود را از طریق این خبرگزاری به‌وسیله تیلی تایپ به دست می‌آورد.

اصول نامه رادیو

در ۲۵ جدی ۱۳۱۹ اصول نامه رادیو در ۲۷ ماده و چند تبصره توسط وزارت پست و تلگراف به زبان فارسی و پشتو تهیه و تنظیم شد و در اول دلو (۱۳۲۳) در چاپخانه عمومی کابل به تعداد ۳۰۰ نسخه به چاپ رسید.

در ماده دهم این اصول نامه، به دارندگان کابل رادیو که قبل از تنظیم این اصول نامه از خارج رادیو وارد کرده بودند یک ماه فرصت داده شد تا برای گرفتن مجوز رادیو خود اقدام کنند، در غیر این صورت به دارندگان رادیو هشدار داده شده بود که اگر در بازرسی مأموران، اگر رادیویی بدون مجوز مشاهده شد، صاحب آن مجازات خواهد شد. در ماده ۱۱ و ۱۲ این اصول نامه تأکید شده بود هرکسی که رادیو دارد می‌تواند با پرداخت یک افغانی

مجوز رادیو دریافت کند در زمان انتقال و فروش به شخصی دیگری، موظف است مقامات مربوطه را در جریان بگذارد تا مجوز به نام شخص جدید صادر شود.

در فصل سوم در ماده ۱۵ این اصول نامه، دارندگان رادیوهای چراغدار موظف شده بودند که ماهانه دو افغانی و هوتلها و رستورانها ماهانه پنج افغانی به دولت محصول پرداخت نمایند؛ و کسانی که در مراکز ولایات رادیو داشتند باید ماهانه ۵۰ پول (نیم افغانی) محصول می‌پرداختند و طبق این قانون ساکنان شهرستانها برای داشتن رادیو محصول به پرداخت محصول نبودند.

در ماده ۲۲ این اصول نامه درج شده بود اشخاصی که می‌خواهند رادیو را ترمیم نمایند موظف هستند اجازه‌نامه داشتن رادیو را از مالک مطالبه کنند و هرگاه بدون ملاحظه جواز نامه متذکره به ترمیم آن اقدام نمایند و به مدیریت تخنیک رادیو اطلاع ندهند و در اثر تفتیش غفلت آن‌ها کشف شود، به آن‌ها جزای لازمه داده می‌شود.

در ماده ۲۴ اصول نامه رادیو درج شده بود که هیچ‌یک از اتباع خارجی بدون استیذان و اجازه وزارت پست و تلگراف نمی‌توانند به ترمیم رادیو اقدام نمایند.

کنترل امواج رادیویی

سازمانی که فریکونسی‌های رادیو را تنظیم می‌نماید، عبارت از: اتحادیه تیلی کمونیکشن بین‌المللی یعنی **International Telecommunication Union (ITU)** است. که یک سازمان بین‌الحکومتی قدیمی و یک ارگان فعلی ملل متحد است. تعیین و توزیع فریکونسی‌ها در کنفرانس‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای صورت می‌گیرد. برای این‌که امواج رادیویی کشورهای مختلف، یک‌دیگر را اختلال نکنند در سال (۱۹۴۷) در مورد تعیین طول‌موج، یک معاهده بین‌المللی صورت گرفت که این معاهده نتیجه کنوانسیون رادیو تلگراف بین‌المللی منعقد شده واشنگتن بود.

در نتیجه در سال (۱۹۳۴) کمیسیون فدرالی مخابرات (FFC) برای کنترل عمومی تأسیس شده و به کار آغاز نمود این کمیسیون متشکل از هفت کمیشنر است که از طریق رییس جمهوری امریکا به موافقه مجلس سنای آن کشور تعیین می‌شود.

این کمیسیون از یک طرف قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی برود کاستنگ و پالیسی خود را تطبیق می‌کند و از سوی دیگر در مورد درخواست تأسیس استیشن، انتقال مالکیت، تجدید یا تعدیل امتیاز نشراتی، جواز از دستگاه‌های آخه، اعطای و تجدید کارمندان تخنیکی، رسیدگی از چگونگی ایفای وظایف اجتماعی و دیگر مسؤولیت‌های استیشن‌ها تصمیم می‌گیرد. رادیوهای جهان فعالیت نشراتی خود را مطابق یکی از سیستم‌های رادیویی سه‌گانه؛ حکومتی، تجارتی و مختلط (حکومتی و مختلط) انجام می‌دهند.

۱. **سیستم حکومتی**، در این سیستم، رادیو یک تصدی انحصاری حکومت بوده، جز حکومت شخصی دیگری حق تأسیس استیشن و پخش برنامه‌های رادیویی را ندارد.

۲. **سیستم تجارتی**، مؤسسات تجارتی مقابل نشر اعلان‌های‌شان در ضمن یک برنامه رادیو، مصارف آن برنامه را می‌پردازد.

۳. **سیستم مختلط**، در این سیستم حکومت، رادیو را به‌کارانداخته و یک شخص حکومتی را در رأس آن قرار می‌دهد، مانند کشورهای سوسیالیستی و اکثر کشورهای رو به انکشاف.

۴. **یادداشت**؛ این سیستم در سال (۱۹۱۹) با تأسیس **Radio Corporation Of America (RCA)** پس از خرید امتیاز و مالکیت کمپنی آمریکایی از برتس مارکونی صورت گرفت؛ مانند ایالات متحده امریکا، پاکستان و اکثر کشورهای غربی. سیستم مختلط در این سیستم خصوصیت‌های دو سیستم فوق در عین استیشن یا شبکه گنجانیده می‌شود و یا هر دو سیستم موازی هم‌دیگر به‌صورت جداگانه فعالیت می‌نمایند؛ مانند کانادا، جاپان و استرالیا.

استفاده از رسانه‌ی رادیو

از نخستین کاربردهای رادیو، فرستادن پیغام برای کشتی‌های دریایی، به‌صورت تلگراف با استفاده از کد مورس بین کشتی‌ها و زمین بوده و اولین استفاده‌کننده‌ها شامل تفنگداران و ناوهای دریایی جاپان و روسیه در طول جنگ تسوشیما در (۱۹۰۵) بوده است.

یکی از استفاده‌های فراموش ناشدنی از تلگراف‌های دریایی، به‌هنگام غرق شدن کشتی تایتانیک در سال ۱۹۱۲ است که شامل ارتباط بین آپریتر روی کشتی در حال غرق کشتی‌های نزدیک به آن و ارتباط با ساحل برای گزارش نجات یافته‌گان بوده است. رادیو برای انتقال دستورها و ارتباط بین نیروی ارتش و نیروهای دریایی در جنگ جهانی اول استفاده می‌شده، آلمان‌ها از ارتباط رادیویی برای پیغام‌های سیاسی زمانی که کیبل‌های زیردریایی توسط بریتانیایی‌ها قطع می‌شد، استفاده می‌کردند. ایالات متحده اصول چهارده‌گانه رییس‌جمهوری وقت وودرو ویلسون را از طریق رادیو در طول جنگ مخابره می‌کرد.

برنامه‌های رادیویی از سال (۱۹۰۹) توسط سن جوز کلفورنیا شروع شد و در سال (۱۹۲۰) عمومیت پیدا کرد، با کمک به رسمیت شناختن همه‌جانبه توسط گیرنده‌های رادیویی به‌ویژه در اروپا و ایالات متحده، در کنار برنامه رادیویی، برنامه‌های زنده، شامل پیغام‌های تیلیفونی و اعلام پخش برنامه‌ها، در سال (۱۹۲۰) و (۱۹۳۰) عام شد موارد دیگر استفاده‌های رادیو در سال‌های قبل از جنگ، توسعه دستگاه‌های شناسایی هواپیماها و کشتی با کمک رادار بود.

امروز، رادیو حالت‌های مختلفی دارد، شامل شبکه‌های بی‌سیم (Wireless) و شبکه‌های موبایل، درست مانند برنامه‌های رادیویی. قبل از پیدایش تلویزیون، برنامه‌های اقتصادی رادیویی تنها شامل اخبار و آهنگ نبودند، بلکه شامل پخش درامه‌ها، پارچه‌های کمیدی، نمایش‌نامه‌های گوناگون و بسیاری دیگر از سرگرمی‌ها بوده است. رادیو برای پخش سخنرانی‌هایی که صرفاً صوتی بوده، منحصر به‌فرد بوده است.

فصل چهارم گوینده و گویندگی

این فصل شامل مباحث‌های

زیر است:

مبحث اول: گوینده و گویندگی

مبحث دوم: ویژگی‌های گوینده

مبحث سوم: گویندگی خبر در رادیو

مبحث چهارم: ویژگی‌های گوینده خبر

مبحث پنجم: راز و رمزهای مهم درباره گویندگی خبر در

رادیو

مبحث ششم: جایگاه گوینده در رادیو-تلویزیون

مبحث هفتم: گوینده جذاب و تأثیرگذار

مبحث اول گوینده و گویندگی

امکان دارد که در یک روز میلیون‌ها انسان با همدیگر سخن‌گویند؛ اما هر کدام آن را گوینده نمی‌توان گفت چون‌که گوینده بودن و فن‌گویندگی نیازمند برخی ویژگی‌ها و اصل‌ها است. گویندگی سخن گفتن از زبان اجتماع برای مردم اجتماع است.

این گوینده و چگونگی اجرا هرچه بهتر او است که به کار تیم تولید برنامه نتیجه مؤثر می‌دهد؛ یعنی اجرای گوینده سبب می‌شود که برنامه در میان صنف گیرندگان جایگاه خوب و یا بد را چ‌ایز گردد. گویندگی استوار به فن بیان است که از انبیا (ع) آغاز که بمواسطه‌ی فن بیان به تبلیغ و نشر دین الله یکتا پرداختند تا دانشمندان و زمامداران حکومتی و خبرنگاران و گویندگان که از فن بیان برای تبلیغ هدف‌های خاص خود استفاده کردند.

گوینده این مورد را باید بداند که گیرنده برنامه او را یکبار تماشا کرده یا به آن گوش فرا می‌دهد پس باید مطلب را واضح بیان کند تا گیرنده درک بتواند برنامه به‌مثابه خواندن یک اثر نیست که در صورت اشتباه خواندن چند بار دیگر برای درک بهتر خواننده شود. شاید برای برخی‌ها مرز تفاوت میان سخنوری و گویندگی مشخص نباشد از این‌رو در این قسمت از مبحث روی مرز تفاوت سخنوری و گویندگی مکث می‌نمایم.^{۱۱}

۱. سخنوری اغلب هدف‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را دنبال نموده درحالی‌که گویندگی هدف‌های اطلاع‌دهی؛ آموزشی و سرگرمی را دنبال می‌کند.

^{۱۱} . امین، ۱۳۹۹، ص ۱۹-۲۵.

۲. در سخنوری مانع‌های (صدای‌های موثر؛ باد؛ باران و...) در ارتباط میان سخنور و گیرنده وجود دارد درحالی‌که در گویندگی این پرازیته‌ها به علت ثبت برنامه در داخل استدیو کم است.
 ۳. سخنور تک در مقابل جمع از افراد رودررو قرار گرفته درحالی‌که گوینده در عقب میکروفون و دوربین ایستاد می‌شود.
 ۴. در جامعه‌های پیشرفته و آگاه به حرف گویندگان بیشتر ارزش می‌دهند تا به حرف‌های سخنوران.
 ۵. چون در رسانه بیشتر میحث بی‌طرفی مطرح است گوینده هم کوشش می‌کند که تا در یک ساحه بی‌طرفی حرف بزند؛ اما سخنور طرف مشخص را دنبال می‌کند.
- باوجود این تفاوت‌ها شباهت‌های را نیز میان این دو هنر می‌توان سراغ گرفت که عبارت‌اند از:

- ژست و حرکت‌ها
- آرایه
- انتقال پیام
- آمادگی قبل از سخن گفتن
- صداوسیما (صوت و صورت)
- هدفمند

تعریف گوینده (انانسر)

واژه انانسر باریشه لاتین واژه انانس (**announce**) ارتباط دارد. از آن درمی‌یابیم که واژه (**announce**) از واژه (**ad annuntiare**) زبان لاتین به وجود آمده است؛ که این واژه از واژه (**nuntius**) سرچشمه گرفته که مفهوم آن پیام‌رسان است.

انانسر (**announcer**) در واژه‌های قدیم شخص را می‌گفت که پیامی را انتقال می‌داد و آن را به گروهی از مردم تشریح می‌کرد. نخستین (انانسر) کسی بود که اخبار نبرد را انتقال می‌داد. تعداد زیادی از این پیام‌رسانان مجازات و حتی کشته می‌شدند و آن در صورتی بود که پیام بد و منفی را انتقال می‌دادند.

اگر گویندگان (انانسران) امروزی، پیام منفی و بدی را پیوسته و پی‌درپی هم بگویند، از غرورشان کاسته نمی‌شود. فرهنگ‌های کهن که زبان نوشتاری نداشتند، دارای (انانسران) بودند که اشعار تاریخ و روایات فرهنگی را به مردم و نسل آینده در حافظه‌شان، حفظ می‌نمودند.

بنابراین قرن (۲۰) یک مفهوم جدیدی را برای (انانسر) علاوه نمود؛ یعنی مفهوم (انانسر) تنها آگاهی‌دهنده رسمی نیست، بلکه حالا یک مفهوم دیگر نیز دارد. آن‌کسی که ارتباطات خویش را از طریق یکی از وسایل الکترونیکی رسانه‌های گروهی قایم می‌نماید؛ به عبارت دیگر، حرف زدن و انتقال فکر در یک فرایند تک با گروهی از افرادی دیگر را گویندگی نامند که باید به شیوه درست، زیبا و منطقی به گیرنده منتقل گردد. به گونه‌ی کُل باید یک گوینده مرز میان سخنور و گوینده را دانسته خود را در حین اجرای برنامه در موقف سخنور قرار ندهد؛ و به این مورد فکر نماید که اجرای او نمایانگر کارکردهای تیم تولید برنامه یا خبر است.

تقسیم‌بندی گویندگان

اگرچه گویندگان از بعدهای مختلف تقسیم‌بندی‌های مختلف می‌شوند؛ اما در این‌جا فقط به همین دسته‌بندی اکتفا می‌گردد. از لحاظ ساحه کاری گویندگان به دو گتگوری تقسیم می‌گردند.

۱. **گوینده واحد خبری و سیاسی**؛ این گویندگان پیش‌تر با زبان جدی و دارنده‌ی نیروی اقناع فراوان به روی صفحه‌های تلویزیون و یا عقب میکرافون رادیو حاضر می‌شوند؛ و در یک چهار چوب خاص مطابق با سیاست رسانه در خصوص مسایل سیاسی و حاد خبری فعالیت دارند.

۲. **گوینده واحد تفریحی و اجتماعی**؛ این گویندگان با زبان شیرین؛ نرم به روی صفحه‌های تلویزیون و یا عقب میکرافون رادیو حاضر می‌شوند؛ و به‌منظور سرگرمی و آموزش برنامه‌های خود را آرایه می‌کنند. یک مورد را باید یادآور شد که گویندگان خبر و سیاسی در مقایسه با گویندگان تفریحی و اجتماعی با محدودیت‌های پیش‌تر روبه‌رویند.

مبحث دوم ویژگی‌های گوینده

وسایل ارتباط جمعی بدون تردید تأثیر فراوان بر افراد یک جامعه دارد و امروز در بین این وسایل به تلویزیون و رادیو اهمیت خاص داده می‌شود؛ اما باید خاطر نشان ساخت برای این که تأثیر روحی واقعی و مثبت آن چنان که آرزوست بر بیننده و شنونده وارد گردد، نه تنها به محتوای متن که تهیه و تقدیم می‌شود، توجه داشت؛ بلکه فضا و حرکتهای که متن در آن عرضه می‌شود با مراعات درجه فهم بیننده و شنونده مدنظر گرفته شود، زیرا این امر را نباید فراموش نمود که متن یا صحنه که در رادیو و تلویزیون عرضه می‌گردد برای آن است تا واقعاً شنیده و دیده شود و مورد توجه قرار گیرد که در این جا نقش گوینده اهمیت زیاد دارد، چه منظور از آن تفریح یا خبر یا آموزش باشد، بناً باید ذهن شنونده و بیننده را که هر آن معروض به تأثیرات خارجی است به خود مصروف داشت و نباید گذاشت که در اثر ضعف گویندگی یعنی صدای ناهنجار، تلفظ غلط و نامأنوس سرعت بیش از حد در گویندگی و یا طرز نادرست گفتار و بیان، شنونده مجبور شود که دکمه رادیو را تغییر داده و به شبکه رادیویی دیگر مراجعه کند؛ و یا در تلویزیون که بر علاوه آواز کیفیت، چهره، نگاه، لباس و آرایش، زبان بدن یا دست‌ها مورد توجه قرار گرفته و در فهم و روحیه بیننده و به درجه برداشت او از نشریه که عرضه می‌شود، تأثیر بارز دارد.

گویندگان را شایسته نیست که با حرکت‌های جلف وجود بیننده و شنونده از وی بیزار شود. چنان‌چه آوازش به‌صورت کامل معرف شخصیت اوست. به همین ترتیب طرز بیان، گفتار، آراستن و به هم پیوستن کلمه‌ها، فصاحت و بلاغت و شیوایی با آواز خوش، گویندی می‌تواند یک گوینده‌ی قابل‌پذیرش در رادیو عرضه کند.

گوینده رساننده پیام به مردم است، نطق یک مبلغ، یک معلم و یک ره‌نما نیز برای جامعه و مردم خود است؛ و هم‌چنان گوینده نماینده‌ی مطبوعات یک کشور و نماینده‌ی زبان و ادبیات یک ملت است، شنوندگان شکل درست کلمه‌ها را از زبان گوینده می‌شنوند و آن را صحه می‌گذارند. به همین اساس گفته می‌توانیم که گوینده به شنوندگان رادیو و بینندگان تلویزیون احساس و تحرکی جدیدی می‌بخشد. ویژگی‌هایی که یک گوینده را گوینده‌ی خوب می‌سازد عبارت‌اند از:

۱. دعوت هوشمندانه^{۱۲}؛ گویندگان با مهارت و ماهر پیوسته به تمرین‌های هوشمندانه متوسل می‌گردند. آن‌ها خود را مکلف می‌دانند تا به رویدادهای محیط خویش گوش فراداده و از آن آگاه باشند، اعم درباره جهان پیشرفته و شعور ملی و بین‌المللی، این‌که چه واقع می‌شود، موجودیت دل‌چسپ را برای گویندگان به بار آورده و آن‌ها می‌توانند تعبیر و تفسیر اخبارشان را، تقدیم نمودن اعلانات تجارتنی را با تفسیر پرمعنی و مناسب و موزیک، پیشکش نمایند.
۲. چهره و سیمای گویندگان به مفهوم دعوت شنونده برای تهیه مطلب‌های دل‌چسپ در قالبی است که اعم تحریک‌آمیز و اطلاعی باشد. بیش‌تر اوقات به شیوه‌ای که یک عبارت تفسیر می‌گردد؛ می‌تواند برای شنونده قابل‌درک بوده و یا سو تفاهم او را بار آرد. گویندگان مطلب‌های خویش را با مثال‌های متعدد می‌خواهند، انتخاب و پیشکش نمایند. در این‌جا نیز گویندگان با مهارت باید قادر باشند تا دانش وسیع خویش را به‌کار برند تا باشد یک تفسیر پُر از مهارت و وسیعی را برای تفهیم خوب، ارایه نمایند.

۳. **تلاش برای فهماندن دیگران**^{۱۳}؛ پرسونل وسایل نشراتی بیشتر اوقات می‌کوشند تا تصویری از محیط را برای شنوندگان بسازد و یا آن‌ها را که علاقه‌مند مطالعه نیستند، آماده کند. این موضوع سر زبان‌هاست که گویا وسایل ارتباطات جمعی الکترونیکی، مردم را تنبل بار آورده و مطالعه را در نظر آن‌ها غیر مهم جلوه می‌دهد. این گفت‌وگوها این موضوع را حل نه خواهد کرد؛ زیرا شناخت واقعی این معضل به تفصیل مفصل ضرورت دارد. تقریباً مسؤلیت شنیدنی وسایل ارتباطات جمعی الکترونیکی شخصی حالا این است تا معلومات مورد ضرورت شنوندگان خویش را به شیوه‌ای که برای شنونده‌ها مناسب باشد، آماده نمایند. گویندگان با مسؤلیت معلومات مهم را آماده ساخته تا فرصتی را برای شنونده‌های خویش مهیا گردانند که آن‌ها به شکل انفرادی موضوعات را بدون سخن‌گویان‌شان و صندوق آرا، تحلیل نمایند.
۴. **طرز فکر و احساس گویندگان**^{۱۴}؛ گویندگان باید جرئت و قوت قلب خویش را برای به دست آوردن اعتماد، ابراز نمایند. هر آن‌کسی که اعتماد به نفس نه داشت، بعضاً به سوی حرکت‌های غیرارادی و عصبانیت سوق می‌شود که بالأخره بالای‌شان حتماً غالب خواهد شد. آن‌ها باید ابراز احساسات‌شان را ثابت نمایند تا آن‌چه را انجام می‌دهند، در پیروزی آن متعین باشند.
۵. **اعتماد**^{۱۵}؛ ثروت معلومات دست داشته و آگاهی درباره جهان برای گویندگان اعتماد به نفس را بار می‌آورد. تکنیک‌های مسؤلان نشراتی به آن‌ها فرصت و بهانه به وجود می‌آورد تا به شکل انفرادی و بدون ترس با هر یک از شنونده‌های‌شان ارتباط قایم نمایند.
۶. برای مؤثریت هر چه بیشتر، گویندگان ضرورت به پیشکش نمودن محاوره وی موضوعات دارند تا به شیوه‌ای که آن‌ها نظریات خویش را

^{۱۳} Helping others understand

^{۱۴} Attitude of the announcer

^{۱۵} Confidence

طرح می‌نمایند به‌آسانی قابل‌فهم باشد. با وجود آن‌که در ایراد با اعتماد حاشیه‌روی صورت می‌گیرد.

۷. شاید بعضاً گویندگان بالاتر از اعتماد، طوری مقابل حاضرین قرار گیرند، مانند انسان خودپرست و تقریباً غیرقابل‌تحمل، هرگاه گویندگان این را دریافت نمودند که آن‌ها همیشه درست‌کارند و تهیه‌کنندگان برنامه‌ها به شکل واقعی این را نمی‌دانند که چطور شنونده‌ها و حاضران را جلب کنند، این‌زمانی است برای آن‌ها تا دوباره عقب‌نشینی نموده و خود را ارزیابی نمایند.

۸. آیا گوینده متکبر و خودبین است؟ مانند هر کوشش دیگر، موفقیت گویندگی شخص را به مدارج عالی پذیرایی می‌کند. به هر قیمتی که باشد، از تکبر و خودبینی اجتناب گردد. بیش‌تر اوقات گویندگان به ستایش چاپلوسانه متوسل می‌گردند، برای آن‌ها این مهم است تا به خاطر داشته باشند که خودبینی چقدر تنفرآور خواهد بود.

۹. **هراس از مایکرافون**^{۱۶}، فرق واضح بین اعتماد به نفس و عدم اعتماد به نفس، می‌تواند انسان را به هراس از (میکرافون) بکشاند و هم‌چنان می‌تواند که اندازه توانایی یک گوینده را در ارتباط مؤثر، شدت بخشد. آرامش و خون‌سردی، یکی از کلیدهای مؤثر برای اجرای کار است. یک آرامش کنترل شده به حالت و وضعیت شخص کمک می‌کند. جسم انسان در هر دو حالت یعنی نشستن و ایستادن باید راست باشد. تا حد امکان حواس باید آزاد نگه‌داشته شود، به‌هوا اجازه داده شود تا به شکل آزاد در شش‌ها جریان پیدا کند. تشویش در مورد امکان واقع‌شدن اشتباه، با وجود آن‌که برای شنونده آشکار نباشد، می‌تواند موثریت گویندگان نوکار را غارت نماید. چطور می‌توانیم بالای این تشویش غالب شویم؟

۱۰. گویندگان نوکار ضرورت به تصمیم گرفتن قاطع به پیروزی دارند. آن‌ها باید کاملاً معتقد باشند که هیچ‌چیز مانع به دست آوردن اهداف آن‌ها شده نمی‌تواند.

¹⁶ Mike Fright

۱۱. برای گویندگان نوکار مهم و ضروری است تا موضوعاتی را که قرار است تقدیم نمایند، دقیقاً آماده نمایند. فهمیدن اینکه یکی از موضوعات دست داشته‌شان به آن‌ها اعتماد را بار می‌آورد، به آن‌ها کمک می‌کند تا آرامش‌شان را به دست آورند.

۱۲. آموزش اینکه چطور آرامش را به دست آورد، کلید است که بیم از میکرافون را می‌زداید. بر علاوه تصمیم، آمادگی و آرامش یا خون‌سردی حالتی‌اند که بالای ناآرامی و عصبیت قبل از تمرین بالای میکرافون، غالب می‌شوند.

۱۳. تمرین‌های همیشگی و دایمی ضرور و حیاتی می‌باشند. همان‌طور که همه‌روزه کاری را انجام می‌دهیم، تشویش را باید فروکش نمود. تا اندازه‌ای باید از (مایک) هراس داشت، زیرا این شی نزدیک به ما، می‌تواند جای خوبی را اختیار نموده و گویندگان را در حالتی قرار دهد تا گوش و هوش‌شان برای مانع‌شدن‌شان از گودال و دام شود تا آن‌که یک موضوع را به شکل حرفه‌ای آن پیشکش نمایند.

۱۴. انرژی از تمایل، هیجان و اعتماد به مهم بودن موضوعاتی که قرار است تقدیم شود، به وجود می‌آید. یک گوینده توقع می‌ورزد تا انرژی خود را از موضوعاتی که در حال جریان است، به دست آرد.

۱۵. **ارتباط برقرار کردن**، گوینده که نخستین و نزدیک‌ترین ارتباط را با شنونده دارد. گوینده باید با شنونده و بیننده ارتباط ذهنی و عاطفی برقرار کند. برای برقرار ساختن ارتباط عاطفی گوینده مکلف است که به طرف بیننده ببیند و با بیننده مستقیماً صحبت کند. بنابراین باید اکثر متن را از یاد بگوید. برای برقرار ساختن ارتباط ذهنی با شنونده باید مطلب‌ها را بدون غلطی و با آواز خوش، آرام و دوستانه ادا کند.

۱۶. **گوینده باید بشاش باشد**، بیننده یا شنونده وقتی تلویزیون و رادیوی خود را روشن می‌کند، با یقین کامل می‌توان گفت که منتظر یک چهره بشاش و زیبا، با سرووضع مناسب و ساده، آواز خوشایند و یک سلام دوستانه است.

۱۷. **گوینده باید خون‌سرد باشد**، گوینده باید معرفی برنامه را عجلانه ادا نکند. گوینده باید بداند که هر برنامه‌ای که معرفی می‌کند برای خود

علاقه‌مند به خصوص دارد. همان قدر که معرفی یک گزارش سیاسی مهم است، به همان اندازه معرفی برنامه اطفال برای بچه‌ها و نام فلم هنری برای بینندگان آن مهم است. گوینده نباید معرفی برنامه را منحنیث یک وظیفه اجباری به او سپرده‌شده ادا کند، بلکه با صمیمیت و علاقه‌مندی به بینندگان و پروگرامی که معرفی می‌کند، آراپه کند.

۱۸. **گوینده باید روان صحبت کند؛** قسمی که افغانستان یک کشور کثیر الملیت است، گوینده باید آن را بداند که معرفی برنامه را همه مردم می‌شنوند و به‌یقین که اکثر بینندگان و شنوندگان به لسانی که گوینده صحبت می‌کند آشنایی کامل ندارند، از این رو وظیفه و مکلفیت گوینده است که برنامه را با بیان بسیاری سلیس، شمرده، واضح و با فصاحت ادا کند تا همه بدانند.

۱۹. **آمادگی و تلفظ درست؛** گوینده باید رعایت کننده سرعت کلام و تسلسل کلام باشد، آمادگی برای خواندن مطلب موردنظر از قبل داشته باشد، آشنایی با شیوه‌های تلفظ واژه‌ها و آشنایی با اصطلاح‌های سایر رشته‌ها و داشتن معلومات عمومی در سایر علوم از ویژگی گوینده‌ی خوب است.

۲۰. **یادداشت؛** قرائت خوب داشتن، معلومات درباره زبان‌های خارجی برای تلفظ نام‌های اشخاص، مواضع و القاب، داشتن معلومات راجع به تاریخ، موسیقی، آهنگ و آهنگ‌سازی، استعداد در خواندن و تفسیر شعر، لیاقت در برآهه‌گویی، قدرت وادار ساختن، جلب نمودن شنوندگان. این‌ها همه عبارت از دستاوردی است که گوینده به اثر مشق و تمرین فرامی‌گیرد.

۲۱. **گوینده فصاحت در نگارش را در نظر بگیرد؛** هدف این است که وقتی مطلبی به گوینده سپرده می‌شود، چقدر توانایی به خوانش درست آن را دارد و از بیان واژه‌ها و کلمه‌ها و چگونگی کشش حروف و واژه‌ها تا چه حد آگاه است.

۲۲. از این‌که گوینده رادیو-تلویزیون مطلب تهیه‌شده را از پرودیوسر برنامه می‌گیرد و می‌خواند در قدم یکم فصاحت در نگارش نویسنده مطلب مطرح است تا مضمون را فصیح و خالی از تنافر بنویسد،

واژه‌های نامأنوس را در متن نیاورد، واژه‌ها را درست به‌کار برد و اضافات را پیهم تکرار نکند که این مورد فصاحت مربوط نگارش است، به همین صورت گوینده هم باید در فن خود از آگاهی و فصاحت کاملی برخوردار باشد؛ زیرا ایجاب می‌کند که گوینده چنان صحبت نماید تا از ابتدا الی انتهای سخن، شنونده به او گرایش داشته باشد.

۳۳. سیدنی ویکس می‌نویسد: (هر چه زودتر به قلب موضوع وارد شوید، این اصل را تا آن‌جا که ممکن است رعایت کنید، از گفتن مطلب‌های زاید و تزیینی خودداری کنید، هرگز، هرگز، هرگز عذرخواهی نکنید، به‌طور ساده کلمه‌های روشن و واضح مؤثر واقع می‌شود. از همان‌جایی شروع کنید که مقدمه خاتمه می‌یابد.)

۳۴. **مسئولیت**^{۱۷}؛ این یک امر ضروری است تا گوینده مسئولیت خویش را درک نماید. گویندگان در مقابل اداره صاحبان استیژیشن، شنوندگان، اعلان‌کنندگان (در استیژیشن‌های تجارتنی) و خودشان، مسئولیت دارند. در حقیقت این‌یک وظیفه جدی است. گویندگان می‌توانند که قوه جمع‌آوری پول یک استیژیشن را زیاد بسازند و یا برعکس به آن لطمه وارد کنند. عمل ناسنجیده یک گوینده تصویر استیژیشن را در ذهن شنونده عیب‌دار و بی‌رونق می‌سازد. گویندگان با تهیه هر جمله یا به انداختن هر نوار نه‌تنها از خود، بلکه از اعلان‌کنندگان و اداره استیژیشن، نیز نمایندگی می‌کنند. پیام‌های گویندگان ضرورت به تقدم عالی دارد:

۳۵. آن‌ها باید پیامشان را با عقیده محکم، اشتیاق، سروقت و سبک مناسب که فروش کالا اعلان‌کنندگان را ازدیاد ببخشد، ارسال و تقدیم نمایند.

۳۶. جمله‌های که اقلیت از شنونده‌ها را برنجانند (حتی آنانی که شنونده دایمی رادیو نیستند) انعکاس بد برای اعلان‌کنندگان و استیژیشن به بار می‌آورد.

^{۱۷} Responsibility

۲۷. اعلان کنندگان نمی‌خواهند تا اعلان‌شان را از طریق استیشن‌های که به انعکاس مسایل جنسی غیر مناسب، اظهارنظر توهین‌آمیز به مقدسات، یا عقیده تهاجمی به یک قشر از مردم می‌پردازند، پخش نمایند. وظیفه گوینده است تا به شکل منطقی با مؤسسه درخواست‌کننده برخورد نماید.

۲۸. گویندگان مسؤولیت دارند تا در نگهداری وسایل قیمتی استیشن کوشا باشند و طرق استفاده از آن‌ها را بدانند. اکثر اوقات اتفاق می‌افتد که از طرف شب و یا روز اخیر هفته، یک فرد به تنهایی خویش شاید از عهده آن برآید تا استیشن رادیو را به‌صورت درست آن به کار بیندازد.

۲۹. در اکثر مواقع گویندگان می‌خواهند تا معلومات و سرگرمی‌های مناسب را تهیه و روحیه مثبت را راجع به پروگرام و استیشن که در نتیجه کار باعث افتخارشان می‌گردد، در ذهن شنونده‌ها به بار آورند.

۳۰. اعلان کنندگان پول هنگفتی را برای رساندن پیام‌ها و اعلانات‌شان به تعداد زیادی از مردم، می‌پردازند. بناً آماده ساختن مردم برای آنچه می‌خواهند، در استیشن‌ها از جمله وظایف پرسونل نشراتی، به حساب می‌رود.

۳۱. انجام کارهای عالی برای تهیه خدمات نشراتی از جمله فواید خوب گویندگان برای تجارب آینده‌شان، کسب شهرت بین شنونده‌ها و صداقت ایشان به حساب می‌رود.

۳۲. بخش آگاهی در حقیقت ضرورت به توجه مثبت و با مسؤولیت دارد و برای کسب رضایت به مبارزه هوشمندانه باید آماده بود.

۳۳. گوینده صدای مناسب داشته باشد، یکی از مشکل‌های دیگر در آواز است؛ یعنی این‌که تغییرات غیرطبیعی در صدا به‌شمار می‌رود که در این هنگام ممکن است صدای شخص در ادای کلمات خشن هوا آلود و توأم با تقلد در حین بیان آن است. معمولاً در اثر تناب‌های صوتی یا چین‌های صوتی که در حنجره موقعیت دارد، به وجود آید و عامل اصلی آن سریع حرکت کردن و یا حرکات اهتزازت است؛ و در اثر صدا با

فریکونسی بلند تولید شده که بالاخره باعث خراب شدن صدا و غیرمنظم شدن کلمات شده و حتی گلو را هم تخریش می‌دهد.

۳۴. کاربرد صدا^{۱۸}؛ آمرین، اعلان کنندگان و شنونده‌ها از (گویندگان) انتظار آن را دارند تا وظیفه‌شان را برجسته و بهتر انجام دهند. موضوع مهم این است تا صدا را اداره و کنترل نمود. دقت بیش‌تر در تنفس تنظیم صدا، طرز تکلم و آهنگ لازم پنداشته می‌شود. با وجود آن‌که استادان صدا در رابطه به این‌که چطور صدایی مرغوب و باکیفیت را تولید نمود باهم موافق نیستند، ولی اکثریت آن‌ها بالای اعضای فیزیکی بدن اصرار می‌ورزند که شاگردان باید آن را مدنظر گیرند.

بیا بید بر لوازم که برای تولید صدایی مطبوع، پرمعنی و معتبر به کار می‌رود، نظر اندازیم.

۳۵. تنظیم صدا^{۱۹}؛ در دوران طلایی رادیو از گوینده توقع می‌رفت تا صدای زیبا و عمیق داشته و همچنان داشتن آهنگ شیرین و سلیس به شکل درست و رسمی همیشه مناسب به نظر می‌رسید.

۳۶. گویندگان شبکه رادیو می‌خواستند به شکل درست و رسمی وظیفه خویش را انجام دهند. ولی بعدها گویندگان برای پروگرام‌های شامگاهی‌شان حتی لباس‌های نیمه‌رسمی را به تن می‌کردند. با مرور زمان در گویندگی به صدای عمیق و رسمی ضرورت احساس نمی‌شد و از شیوه‌ی رسمی به‌صورت عموم اجتناب می‌شد. ولی تا الحال صدایی دارای اوج بلند و با تأکید مرغوب و مطلوب است.

۳۷. طرز تکلم^{۲۰}؛ طرز تکلم و یا تلفظ شمرده به حرکات لب‌ها، زبان، فک و کام ملایم که باعث به وجود آمدن صدا می‌گردد، مربوط می‌شود. طرز تکلم عبارت از تغییر دادن صوت صدا برای درک بهتر کلام است. منظور

^{۱۸} Using the Voice

^{۱۹} Voice Placement

^{۲۰} Articulation

از طرز تکلم خوب تولید صدای صاف و واضح بدون فشار صریح، است.

بیشترین‌ها مشکلات عام طرز تکلم قرار ذیل‌اند:

- ادغام نمودن واژه‌ها با همدیگر (ماست‌مالی کردن)
- حذف نمودن اصوات اخیر واژه‌ها
- عوض نمودن یک‌صدا با صدای دیگر

زمانی که اطفال سخن گفتن را می‌آموزند، به‌زودی سخن‌های زیادی را آموخته که ادامه تجارب آن‌ها انسان را مبهوت می‌سازد؛ ولی جای تعجب نیست، زیرا تشویق والدین اکثراً برای تقویت حافظه و سخنان شیرین اطفال‌شان، ناخودآگاه طرز تکلم آن‌ها برای آموختن بهتر آماده ساخته و طفل‌شان هر آنچه بخواهد می‌گوید. من متیقن‌ام که شما سخنان والدین را با اطفال‌شان شنیده‌اید، همین سخنان باعث جوانه‌دار شدن نهال نورسته می‌گردد. باید تعجب نکرد که این نوع سخنان نامفهوم و گیج‌کننده را می‌توان در سخنان جوانان نیز دریافت نمود.

اکثریت ما برای تلفظ شمرده در کلام که توسط لب‌ها، زبان و به‌صورت خاص توسط فک‌ها به وجود می‌آید، تنبلی به خرج می‌دهیم. این اشخاص باید صدای واضح، درست و تأکید بالای سیلاب‌های معین واژه را بدانند. عادت تنبلی در کلام می‌تواند بالای بازنمودن دهن و حرکت دادن فک‌های پایین‌تر، غلبه نماید با تمرین‌های استادانه می‌توان زبان و دهن را به شیوه‌ی درست طرز تکلم عادت داد که البته این تمرین‌ها مشکلاتی را در بر خواهد داشت. فکر کنید که صدا از بطن برمی‌خیزد، تمرین‌های اعضای که باعث تولید کلام می‌گردد، شاید بتواند توجه گوینده را جلب نماید که در نتیجه طرز تکلم دقیق، باعث تقویت او خواهد شد.

۳۸. گوش فرادادن به خود^۱؛ برای تقویت صدا که به شکل واضح ارتباطات را قایم نماید، به حیث گویندگان همین‌که صحبت می‌کنید به آن گوش فرا دهید. بسیاری از مردم تقریباً به شکل اتوماتیک سخن

^۱ Listening to yourself

می‌رانند، توجه خود را به آن معطوف دارید و ببینید که آن‌ها چطور صدا را به وجود می‌آورند. به‌عوض رفع اشتباهات، مردم باید اول‌تر از همه با دقت و هوشیاری سخنان خویش را تهیه نمایند.

۳۹. با یک تیپ ریکاردر تمرین نمایید و به آواز خود در تایپ گوش فرا دهید. کوشش کنید تغییراتی را که رهنما یا استاد شما از شما خواهان است، در خود به وجود آورید. بعداً به محاوره‌های هم‌روزه‌ی خویش گوش فرا دهید. بعضی از اوقات دوستان نزدیک یا بغل دستی شما در رفع اشتباهات روزمره که انجام می‌دهید، می‌توانند به شما کمک نمایند. زمانی که فهمیدید که مرتکب اشتباهی شده‌اید، جداً در تصحیح آن بکوشید، به خاطری که در آینده به شکل اتومات و درست، آن را تلفظ خواهید نمود.

۴۰. **گوش فرادادن به دیگران**^{۲۲}؛ تلفظ درست را می‌توان به سهولت از شنیدن تلفظ درست دیگران و تقلید از همین آوازا، آموخت؛ بنابراین دلیل، دانش‌جویان باید از هر نوع فرصت ممکنه استفاده نموده و به گویندگان قابل اعتبار و معتبر شبکه‌های خبری گوش فرا دهند. بسیاری از گویندگان شبکه‌های خبری کوشش می‌ورزند تا تلفظ اصلی و درست را مدنظر گیرند. نام‌ها و اشیای خارجی اکثراً باعث آشفتگی و اشتباه می‌گردد. یگانه راه متیقن شدن تلفظ درست نام محلات، باید از یک‌تن باشندگان منطقه پرسیده شود. البته تا زمانی یقین شما حاصل نخواهد شد که آیا شما درست آید یا اشتباه نموده‌اید تا که از گویندگان بصیر و با اطلاع محل و یا در زمان محاوره با مردم محل، آن را بشنوید.

۴۱. **جرت اخلاقی**، ایجاب می‌نماید که گوینده دارای جرت اخلاقی باشد، بدین معنی که یک گوینده وقتی دارای چنین جرتی شده می‌تواند که متن را در هنگام قرائت به‌صورت درست به شنوندگان در حالی انتقال دهد که به آن تسلط کامل داشته باشد، همچنان اول‌تر از همه متن را به‌دقت خودش خوانده و آن را در ذهن و فکر خود جا داده، ادای

^{۲۲} Listening to others

کلمه‌ها را در جای مناسب و تلفظ آن را دقیقاً رعایت نماید، بدین گونه می‌تواند به صدای رسا و متانت کلام خویش را در ذهن و فکر شنونده اثر مثبتی ایجاد نماید، پس باید نطق دارای جرئت اخلاقی و دارای فصاحت و بلاغت کامل باشد.

۴۲. آگاه و پُر مطالعه، یک نطق تا حد امکان به رشته‌های مختلف علوم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هنری بلدیت داشته باشد و همچنان دارای معلومات آفاقی بوده با موضوعات روزمره و حوادث داغ جهان سروکار داشته باشد، مطالعه را جز کار روزمره خود براند، از جغرافیه جهان و کشور خود آگاهی کامل داشته باشد و همچنان لسان‌های ملی و مروج کشور خود را باید به وجه احسن براند تا در جریان قرائت مطالب به‌صورت درست تلفظ نماید.

لازم است که نطق موضوعات مختلف را به شیوه‌های مناسب آن قرائت نماید، مثلاً: اخبار را طوری قرائت کند که شنوندگان خبر را دقیقاً براند؛ چون اخبار از یک منبع مسؤول تهیه و ترتیب و به دسترس گویندگان گذاشته می‌شود، از این رو گوینده آن را با مسؤولیت و امانت‌داری به شنوندگان و بینندگان خود تقدیم نماید و احساس شخصی خود را در آن دخیل ننماید، همچنان سایر مطالب دیگر مثل تبصره، مضامین ادبی و اجتماعی و پروگرام تفریحی را به شیوه‌های مناسب و روان نشراتی و ایجاب متن آن باید قرائت گردد. طور مثال؛ در قرائت تبصره توجه شود که در آن احساس گوینده دخیل باشد، در قرائت تبصره که معمولاً پیرامون موضوعات مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی روز و یا ایام قابل‌تجلیل نوشته می‌شود، باید نکته‌های زیر در نظر گرفته شود.

- ۱) مبتدایی موضوع یا خبری که پیرامون آن تبصره می‌شود.
- ۲) شیوه تحلیل و تفصیل موضوع که در آن احساس مبصر و گوینده هر دو وصل است.
- ۳) تبصره توسط گوینده باید طوری قرائت شود که نتیجه و هدف تبصره واضح گردد و شنونده به‌خوبی هدف تبصره را درک نماید.
- ۴) گوینده باید در وقت قرائت اخبار و سایر مطالب چه از نشر مستقیم رادیو و تلویزیون و چه در هنگام ثبت برنامه‌های می‌یابد، وقتی که در مقابل

میکروفون قرار می‌گیرد، در ابتدا باید گوینده پنج دقیقه قبل از شروع خواندن اخبار استدیو حاضر گردد تا با اعصاب آرام و فکر راحت به قرائت اخبار و سایر مطالب پردازد، همچنان نسبت این‌که میکروفون حامل شنوندگان و بینندگان است، گوینده باید به آن ارجح بگذارد، زیرا در واقعیت امر این ارجح‌گذاری نه‌تنها به مردم بلکه ارجح‌گذاری به انسان و انسانیت است.

۵) گوینده تازه‌کار همیشه در ادای کلمات، تلفظ و گفتار خود اوصاف یک گوینده خوب را در نظر داشته باشد؛ زیرا حرکات، جرئت اخلاقی، تواضع و پرورش شخصیت گویندگی برای یک گوینده که تازه در کار گویندگی قدم می‌گذارد شرط اساسی و موفقیت‌پنداشته می‌شود.

۶) برای گویندگان تازه‌کار مطالعه و پرسن از رازهای پیروزی سایر گویندگان مجرب کار عمده و اساسی پنداشته می‌شود. یک گوینده باید در پیشه و مسلک خود که عبارت از گویندگی است صادق و راست‌کار باشد در صورت خواندن مضمون و یا خبری که برایش غرض قرائت سپرده می‌شود با امانت‌داری کامل به شنوندگان و بینندگان خود برساند، وقتی که یک مطلب به گوینده غرض گویندگی سپرده می‌شود چه مطلب سیاسی، علمی، ادبی، هنری و یا تفریحی باشد اول‌تر از همه نطق باید روحیه مطلب فوق را درک و سوژه آن را به خود معلوم نموده در قالب و چوکات آن خود را داخل سازد، بدین معنی که اول‌تر از همه در ذهن و فکر خود به عمق مطلب داخل شود و خود را به هدف مطلب متن فهمانده و بعداً داخل استدیو شود تا به شنونده و بیننده خود را راضی و به هدف همان مطلب آگاه نماید به همین اساس گفته می‌توانیم که گوینده مذکور رسالت خویش را مبنی بر گویندگی به امانت‌داری کامل ایفا کرده که در این صورت از موثریت گویندگی وی کاسته نخواهد شد.

۷) یک گوینده باید دراثناي قرائت برنامه ثبتي و يا در نشر مستقيم برنامه‌ی رادیویی و یا تلویزیونی توجه جدی را به خرج دهد تا اشتباه در کار گویندگی وی صورت نگیرد، در موقعی که اشتباه در حین قرائت صورت گیرد باید معذرت خواسته شود؛ اما ناگفته نباید گذاشت که تکرار چنین اشتباهات و یا هم مکرراً از شنوندگان معذرت خواستن لطمه بزرگی بر موفق و حیثیت گوینده وارد می‌نماید.

۸) هرگاه گوینده در صورت موفقیت در کار گویندگی از طرف مسؤولان و یا شنوندگان خود مورد تحسین قرار می‌گیرد باید به همان اندازه در کار گویندگی خود توجه بیشتر داشته باشد تا تواضع وی در فن گویندگی و احساس و حاکمیت او بر نفس پیش‌تر گردد.

۴۳. **آشنایی با فرهنگ**، نخست این‌که گوینده با ادب و فرهنگ خود آشنا باشد و در ارتقای سطح فهم و آگاهی علمی و ادبی خویش همیشه بکوشد، اگر چنین آگاهی و دانش نداشته باشد گوینده‌ی خوبی نخواهد شد چه او به مقدار داده‌های خود اکتفا نموده و از تلاش به‌سوی ارتقا منصرف شده است. طبیعت هر چیزی را به انسان می‌دهد؛ ولی در بدل بها یعنی اگر چیز بهتر و خوب‌تر می‌خواهد پرداخت‌تان باید بیشتر باشد و در گویندگی این پرداخت در قدم اول آموزش و بلند بردن سطح فهم و آگاهی به‌ویژه دانش ادبی است.

۴۴. **ریتم**، منظور از ریتم (در اصطلاح موسیقی وزن و خوب آهنگ و در کلام تندی و کندی سخن است) به گونه‌ی نمونه وقتی باخشم و خشونت همراه کسی سخن بگوئید، ریتم سخن تند می‌گردد و وقتی با مهربانی سخن بگوئید ریتم سخن کند می‌گردد، گوینده در خوانش مطلب باید به این اصل توجه داشته باشد، اگر گوینده این اصل را توجه نداشته باشد، به گونه نمونه یک مطلب رزمی، حماسی که دارای ریتم تند است به بسیار کندی خواهد خواند و آن وقت فضا حتی بار خواهد آمد.

۴۵. **تنوع ریتم**، ممکن است غالباً در یک قطعه کوچک نظم یا نثر، مثلاً؛ یک دوبیتی یا رباعی یا غزل یا قطعه، ریتم آغاز تا پایان یک‌دست و یک‌نواخت باشد؛ ولی در قطعاتی که آرامش و سکوت کمتر است؛ و جنبش گاهی آرام و گاهی شدید وجود دارد، طبعاً ریتم نمی‌تواند یک‌نواخت باقی بماند و به‌حسب نوسان جنبش، شدت و خفت احساسات توصیف‌شده در آن قطعه تنوع می‌یابد.

۴۶. ولی هیچ نوع میزان و قیاس مکانیکی وجود ندارد که بتواند درجه‌ی تندی و ریتم را (هنگام شدت جنبش و احساسات) کند. انواع (هنگام آرامش) معین سازد. تنها کار آزمودگی، قریحه و هنرمندی منظومه خوان (دکلام‌تور) و یا اکتور اندازه کند و کندی ریتم را معین می‌کند،

اکتور باید با تمرین زیاد در موضوع‌های مختلف با تغییر و تنوع ریتم در یک قطعه نظم و یا نثر آشنا گردد و همیشه نقش خود را از این جهت با دقت کامل مطالعه نماید.

مبحث سوم گویندگی خبر در رادیو-تلویزیون

گوینده خبر فردی است که ضمن شناخت مبانی خبر، علاوه بر مشارکت نسبی در تهیه و تنظیم، وظیفه‌ی اجرایی اخبار و تفاسیر سیاسی را در رادیو و تلویزیون به عهده دارد. گویندگی یک مهارت و فن است و گوینده، نقش

تعیین‌کننده‌ای در آرایه خبر و ایجاد و ارتباط مخاطب دارد این حرف به علت این‌که تمام تلاش و حاصل کار عوامل دست‌اندرکار خبر را به نوع مخاطب منتقل می‌کند، اهمیت به سزایی دارد و در حقیقت گوینده تجلی روح دسته‌جمعی کارکنان خبر و متبلور کننده حاصل کار آن‌ها و آرایه‌دهنده و برآیند کار دسته‌جمعی است.

هرچند در آرایه خبر عوامل و منابع گوناگونی مؤثر است؛ ولی آنچه بیش‌تر در ذهن مخاطبان جای می‌گیرد حضور گوینده به‌معنای رادیو قصه خبر است. اگر مهارت‌ها و ارتباط کلامی و غیرکلامی در ایجاد ارتباط به مخاطب مؤثر نباشد، نه‌تنها حاصل کار دسته‌جمعی کارکنان خبر به هدر رفته که سیستم خبررسانی و اطلاع‌رسانی کشور عقیم و ناموفق خواهد ماند و اهدافی که از این رهگذر برای سیستم خبررسانی پیش‌بینی شده است، تحقق نمی‌یابد.

گویندگی که در عصر حاضر تنها در قیافه و صدای جذاب داشتن و تسلط بر خواندن خبر خلاصه نمی‌شود و مجموعه‌ای از مهارت‌ها و ارتباط کلامی و غیرکلامی را طلب می‌کند. آن‌چنان که در ارتباط چهره به چهره انتقال پیام به مخاطب شرایط و ویژگی‌های کلامی و غیرکلامی خاص دارد، در ارتباط جمعی نیز این مهم برجستگی و ویژه‌ای دارد و چنان‌چه گوینده در ایجاد ارتباط با مخاطبان موفق نباشد، برنامه با استقبال مخاطبان مواجه نخواهد شد.

توسعه روزافزون سیستم خبررسانی و اطلاع‌رسانی در عصر ایجاد می‌کند، گفتن گویندگی به‌طور پیوسته مسیر کمال را طی کند و نحوی گویندگی و اجرا نیز پیوسته در حال تنوع و جذاب شدن باشد، از این‌رو برای ایجاد تحول در نحوه گویندگی و اجرای خبر موارد زیر مؤثر است.

۱. ساختارهای مشخص برای بخش‌های خبری تعریف شود و گویندگان

هر بخش خبری لااقل برای مدتی تثبیت شوند.

۲. ساختار بخش‌های خبری از طرف صبح و بعدازظهر اغلب فرهنگی و

اجتماعی است؛ و مخاطبان این برنامه‌ها بیش‌تر اعضای خانواده‌ها

هستند، از این‌رو بهتر است که اغلب گویندگان این بخش‌های

خبررسانی باید گویندگان طبقه انانث باشد.

۳. بعضی از بخش‌های خبری بهتر است به شکل سریع خوانی اجرا شود که در کوتاه کردن تنوع مؤثر خواهد بود و در این بخش‌ها باید از گویندگان با قدرت تنفسی بیشتر استفاده شود.
۴. در بخش‌های خبری انتهای شب که مخاطبان آن بیش‌تر متخصصان، کارمندان در فشار خاص هستند به لحاظ این‌که در پایان روز نزدیک به ساعت استراحت است از گویندگانی با صدای ملایم‌تری استفاده شود.
۵. برای ایجاد تنوع در گویندگی محل استقرار گویندگان یک‌نواخت نباشد.
۶. تلاطم و تلاش کار در پشت‌صحنه و رفت‌وآمدهای درون هیئت تحریر خبر به هنگام پخش خبر نشان داده شود.
۷. جمله‌های ربط خبرها که به‌طور معمول در ابتدا یا انتهای خبر توسط گویندگان اعلام می‌شود در بعضی بخش‌های خبری باید محاوره‌ای، روان و حاوی نکته‌های محل مناسب باشد که در علاقه‌مندی مخاطب بسیار اهمیت دارد، این جمله‌ها به‌مثابه تیتیر خبر در مطبوعات است.
۸. هنگام که میکروفون صدا روشن است تصمیم سریع برای هرگونه وقفه یا نقص احتمالی در خبر در اختیار گوینده است؛ و گویندگان باید آمادگی و تمرین کافی برای این موارد داشته باشد، نگاه‌های خاصی که بعضی از گویندگان در موقع علامت دادن عوامل پشت‌صحنه از خود نشان می‌دهند موجب قطع ارتباط با مخاطب و توجه او می‌شود و این کار تمرین بیشتر را طلب می‌کند.
۹. در گفتن پیام‌های شفاهی بعضی از گویندگان موفق و بعضی در بیان سریع ناموفق هستند؛ و غافل‌گیر می‌شوند که تمرین بیش‌تری می‌طلبند.
۱۰. از شیوه‌های ارتباط‌های غیرکلامی دایر بر نقش حرکت‌ها و اعضای صورت، دست و بدن و نحوه استقرار در انتقال پیام به‌خوبی استفاده می‌شود.
۱۱. گویندگان خبر با قدرت و تنفس بیش‌تر با دوره تندخوانی آشنا شود.
۱۲. برای ایجاد تحول در گویندگی، کورس‌های آموزشی با حضور صاحب‌نظران تشکیل و روش‌های مختلفی اجرای خبر آزمایش و تمرین شود.

۱۳. در بعضی از بخش‌های خبری که حاوی چندین خبر طولانی است، گوینده، گاهی تا چند دقیقه در تصویر وجود ندارد که تأثیر پیام را کم می‌کند، بهتر است خبر کوتاه شود و گوینده با حضور بین خبرها نکته خبری مناسب و جذاب را اعلام کند.

۱۴. برای غنی کردن کار گوبندگی، جلسه نقد و بررسی آثار گویندگان خبر با حضور دست‌اندرکاران خبر برگزار شود.

۱۵. تلاش برای وضع آراسته‌تر گوینده از جمله از موارد اثرگذاری در اجرای گوبندگی است. گویندگان خبر معمولاً یک ساعت قبل از اجرای خبر در مورد تحریر حضور پیدا می‌کنند و اخبار را که مسؤولان خبر برای بخش آماده کرده است، تحویل می‌گیرند تا با قرائت آن‌ها خود را برای اجرای مناسب آماده کنند. تلفظ کلمه‌ها از دشواری‌های است که گویندگان با آن مواجه است و قبل از اجرای خبر از بیان تلفظ کلمه‌ها از طریق مسؤولان نشر خبر و یا از طریق فرهنگ اطلاعات و یا فرهنگ‌نامه آگاه می‌شوند.

۱۶. از جمله موارد دیگر که گویندگان باید از آن آگاهی پیدا کند، نحوه اجرای خبر و همکارانی است که در اجرای خبر او را یاری خواهند داد.

۱۷. رییس دستور ضروری را برای ایجاد هماهنگی بین گویندگان صادر می‌کند و آن‌ها را برای اجرای هماهنگ خبر یاری می‌دهد.

یادداشت؛ البته این مطلب‌ها به این معنی نیست که همه خبرها از قبل در اختیار گوینده قرار می‌گیرد و زیاد اتفاق می‌افتد که گوینده در استودیوی خبر است، خبر جدید در اختیار او قرار می‌گیرد تا آن را قرائت کند، در اجرای خبر چند گوینده وجود داشته باشد، هنگام استراحت موقت یک گوینده، می‌توان این خبر را در اختیار او قرارداد تا خود را برای قرائت آن آماده کند که در صورت تحقق چنین امری امکان وقوع خطا از گوینده بسیار کم است.

در این‌جا اجرای خبر توسط دو گوینده تنوع است برای بیننده و یک مزید علمی آن این است که به گوینده خارج از تصور امکان می‌دهد پیام‌های جدید را دریافت کند؛ و تغییراتی در متن تصویر نامه خود بدهد.

بعضی از بخش‌های خبر که مدت آن‌ها بیشتر و تنوع خبر زیادتر است مخاطبان بیشتری دارند و توسط چند گوینده اجرا می‌شود، مثلاً اگر سه

گوینده باشد، یک گوینده اخبار داخلی، گوینده دوم اخبار خارجی و سومی اخبار ورزشی را گویندگی می‌کند و هریک نیز لحن و شیوه‌ی خاص برای قرائت خبرها دارد.

مبحث چهارم ویژگی‌های گوینده خبر

۱. **دانش ارتباطی و آشنایی با مهارت‌های ارتباطات:** امروزه هر فردی که بخواهد در رادیو و تلویزیون برای مردم و با مردم سخن بگوید، باید عالی‌ترین فنون و هنرهای ارتباطی را بشناسد و آن‌ها را بپذیرد و در نهایت به‌کار ببرد. امکان ندارد رسانه‌های الکترونیکی امروز بدون توجه به علم ارتباطات موفق شوند. البته آگاهی و علم به دانش ارتباطی کافی نیست. باید این علوم درونی و تبدیل به میل و رغبت ارتباطی شوند. گاهی شخص چیزی می‌گوید که به آن علم دارد؛ اما آن را باور ندارد و قبول نمی‌کند. میل به برقراری ارتباط باید درونی باشد. بسیاری از افراد در کسب عالی‌ترین مدارک و نیل به عالی‌ترین مدارج علم ارتباطات موفق می‌شوند؛ اما در کاربرد این علوم موفق نیستند.
۲. منظور آشنایی با علم ارتباطات، پذیرش، درک و کاربرد آن علم است. البته گاهی بعضی افراد در عمل، ارتباطی و برون‌گرا هستند و در ارتباطات اجتماعی و رسانه‌ای موفق اند؛ اما به آنچه می‌کنند آگاهی ندارند این حالت نیز مطلوب نیست.
۳. گوینده هم باید به دانش ارتباطات و هم به شیوه‌ی کاربرد آن آشنا و علاقه‌مند باشد مردم به گویندگانی که در ایجاد ارتباط موفقند علاقه دارند و آن‌ها را می‌پذیرند. دوست دارند خبر را از ذهن آن‌ها بشنوند.
۴. این‌گونه افراد شخصیت‌های اصلی یک برنامه‌ی خبری هستند گوینده‌ای که از پشت میز خبر به دوربین نگاه می‌کند؛ اما نمی‌تواند نگاه خود را از دوربین عبور دهد و مفهوم را به دل و جان و ذهن مخاطب برساند، راه و شیوه و دانش ارتباطات را نمی‌داند و نمی‌شناسد. وی فردی است خنثی و بدون تأثیر او همه زحمات

عوامل خبری را هدر می‌دهد. در بعضی از برنامه‌های خبری، گوینده‌ی خبر با ابتدایی‌ترین شیوه‌های ارتباط رسانه‌ای با مخاطب آشنا نیست؛ به‌طور مثال هنوز نمی‌داند زمانی که قصد دارد در آغاز با مخاطب سلام کند باید مستقیم و با ارتباط چشمی سلام کند نه این‌که نیمی از نگاهش پایین و به متن باشد، در ارتباط کلامی، شروع خوب اعجاز می‌کند. البته باید به شدت از احساساتی شدن هیجانی سخن گفتن و خندیدن که از هیبت گوینده می‌گاهد، خودداری شود.

۵. **هیبت و وقار گویندگی**؛ گوینده باید بتواند ضمن این‌که رفتاری دوستانه و انسانی با مخاطب برقرار می‌کند و به او امید می‌بخشد، وقار و هیبت و جایگاه خبری خود را حفظ کند. در گویندگی خبر، احساسات نباید حالتی مستقل باشد، گوینده باید بتواند با حالات خود غرور ملی را حفظ کند. زمانی که در حال خواندن خبر موفقیت کشورش در زمینه‌ای خاص است باید حالت غرور و امید با لحن و ظاهر او در آمیزد؛ اما نباید این حالت غرور و امید به حالتی شاد و هیجانی و احساساتی و مستقل از متن تبدیل شود، چنین اشتباهی در بخش‌های خبری مشاهده شده است. (هیبت) یعنی حالتی که گوینده به لحن و چهره و رفتار و سرعت بیان خود می‌بخشد تا بتواند اهمیت خبر را آن‌طور که است بنمایاند. (هیبت) با خشک نشستن و آمرانه خواندن خبر متفاوت است.

۶. **سوابق مثبت در خبرنگاری و گزارش‌گری**؛ گویندگان که سلسله مراتب خبرنگاری و گزارش‌گری را مرحله به مرحله طی کرده و به درک درست و عمیقی از کار خبری و تهیه خبر و شناخت آن رسیده باشند، زمانی که در استودیو حاضر می‌شوند، احاطه بیشتری بر کار خود دارند.

۷. **گویندگی خبر**، مرحله‌ای از مراحل پیوسته تهیه خبر از آغاز شکل‌گیری تا پایان پخش آن است. گویندگان بزرگ شبکه‌های جهانی خبر، ضمن این‌که در استودیو هستند، در تهیه گزارش‌ها و مصاحبه‌ها فعالیت دارند. هر قدر فعالیت گوینده‌ی خبر محدودتر باشد، ارتباط او با پیکره‌ی خبر ضعیف‌تر و قدرت اعتبار سازی او کمتر خواهد بود، نباید بیننده

حس کند که گوینده‌ی خبر در ساعتی مشخص می‌آید و بعد از خواندن خبر به سراغ کار و زندگی خودش می‌رود و ارتباط عمیق با محیط کار خودش ندارد.

۸. ملاحظه کرده‌ایم گویندگانی که درباره‌ی پیش‌بینی وضع هوا سخن می‌گویند، چون ارتباط، معنادار و عمیقی با محیط اداری هواشناسی خود دارند و کارشناس مرتبط با کار خود هستند کلامشان معتبرتر و اثر آن بیشتر است. این خود به سبب نوع ارتباطی است که آن گوینده با محتوا و تهیه‌ی خبر هواشناسی دارد؛ بنابراین هر چه درگیری گوینده‌ی خبر با فعالیت‌ها و تهیه‌ی خبر بیشتر باشد، اعتبار بیشتری در بین مردم دارد.

۹. **احاطه و تسلط بر کار**؛ برخی از گویندگان هنگام خواندن خبر، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی محتوای متن خبر سفارش خود آن‌ها بوده است. به همین سبب در انتقال مفاهیم خبر به مخاطب بسیار مسلط هستند. رفتاری دوستانه و گاهی جدی همراه با عواملی چون ظاهر، لباس مناسب، رفتارهای غیر کلامی و مهارت استفاده از صدا، نمادی از احاطه‌ی گوینده در اداره و وظیفه‌اش است.

۱۰. **بداهه‌گویی**، گاهی گوینده‌ی خبر برای معرفی خبر یا آماده‌سازی مخاطب از متن مکتوب جدا می‌شود و لحظاتی با مخاطب سخن می‌گوید کلمه‌ها و جمله‌هایی که او در این لحظات به کار می‌برد، برگرفته از سواد و دانش زبانی اوست.

۱۱. آنچه او در برابر دوربین می‌گوید در متن نیست و برایش ننوشته‌اند؛ اما لازم است بگوید او باید برای چنین مواقعی از مهارتی ویژه در گفتار برخوردار باشد. این مهارت را بداهه‌گویی می‌نامند بداهه‌گویی یعنی هنر پروراندن مفهومی که گاهی به طور ناگهانی گوینده را در دام می‌اندازد. تا زمانی که گوینده‌ی متن می‌خواند مصونیت نسبی دارد؛ اما به محض خارج شدن از متن و گفتن جمله‌های تکمیلی، آسیب‌پذیر می‌شود گویندگان برای خروج از این‌گونه لحظات که اعتبار آن‌ها را تهدید می‌کنند، باید آمادگی داشته باشند گویندگان برای

تقویت این مهارت باید اهل مطالعه‌ی مستمر و جامع باشند. باید گنجینه‌ی واژگان خود را تقویت کنند .

۱۲. **لباس**، لباس در گویندگی خبر اهمیت دارد و یکی از عناصر مؤثر ارتباطی تلقی می‌شود. منظور از لباس، فاخر پوشیدن نیست؛ بلکه آراستگی و رعایت شأن کار خبر است. مخاطبان به لباس گویندگان مرد و زن کاملاً توجه دارند و در بسیاری از اوقات از آن‌ها پیروی می‌کنند. پوشیدن لباس نامناسب اثر کلام گوینده را می‌کاهد. درینشی معمول ترین و رسمی‌ترین پوشش گویندگان (مرد) در رسانه‌های جهانی است. یکی از نکته‌های مهم پوشش گویندگان رنگ بندی لباس‌ها است. اساساً رنگ‌های تیره فاصله‌ی مخاطب را با گوینده زیاد می‌کند و رنگ‌های شاد این فاصله را نزدیک‌تر و صمیمانه‌تر می‌سازد استفاده از هر نوع زیور آلات موجب جلوگیری از تمرکز و دقت مخاطب می‌شود. آراستگی، سادگی، تناسب و اجتناب از رنگ‌های تیره عوامل مؤثر پوشش در استودیوی خبر است.

۱۳. **چهره و حالت‌های کلامی**، برخلاف دهه‌های پیشین، امروزه زیبایی چهره اساس گزینش گویندگان خبر نیست، جذابیت چهره است که اهمیت دارد. برخی از چهره‌ها زیبا نیستند؛ اما جذاب اند. مخاطب خود را جذب می‌کنند. حالتی جدی و صمیمی دارند، سه حالت عمده باید در چهره پایدار و دایمی باشد. سادگی و شفاف بودن، شوق و هوشمندی، یعنی حالتی که به چهره‌ی گوینده جذابیت می‌بخشد. برای دستیابی به چنین حالتی باید به شیوه‌های هماهنگی همه عناصر چهره آشنا بود. طراحی مو، حالت ابرو و چشم، حرکت سر، وضع لب و دهن باید تناسب و هماهنگی داشته باشند. اگر گوینده در حال خواندن خبری عادی، حالتی هیجانی به ابروان خود بدهد مخاطب دچار تناقض می‌شود. حرکت تند سر و بالا و پایین آمدن مکرر آن نشان از اضطراب مهار نشده گوینده است.

۱۴. **خواندن خبر**، گوینده‌ی خبر هنگام خواندن متن خبری باید چند اصل را رعایت کند:

اول، آشنا بودن با متن و محتوای خبر؛ گوینده اگر نداند چه می‌خواند و از صدر و ذیل متن آگاه نباشد، لحن صدا و چهره‌ی او کاملاً حالت خنثی و سردرگم به خود می‌گیرد.

دوم، سرعت مناسب؛ او باید بتواند بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ کلمه را در یک دقیقه به طور کامل و شفاف و بدون خوردگی حروف ادا کند. سرعت مناسب با خواندن فرق دارد. مخاطب تند خواندن خبر را نمی‌پسندد. تند خوانی، موجب عقب ماندن مخاطب از پیگیری متن خبری است برای هر ثانیه تصویر سه کلمه تنظیم می‌شود. تلاش کند از تصویر عقب نیفتد، مخاطب هنگام شنیدن صدای گوینده باید کلمات او را کاملاً دریابد و دچار ابهام نشود.

سوم، برجسته خوانی؛ در هر متن خبری حد اقل یک مفهوم مهم‌تر و برجسته‌تر است. باید مراقب آن بود و آن را برجسته خواند؛ مانند خواندن یک غزل که بیت یا ابیاتی در آن غزل مهم‌تر اند و آن را با تکیه و تأکید بیشتر می‌خوانند. در خبر نیز چنین است، میزان ریشتر یک زمین لرزه، نام یک دارو، میزان کاهش یا افزایش نرخ دالر یا قیمت نفت، نمونه‌هایی است که گوینده هنگام خواندن خبر باید به آن‌ها توجه کند و آن‌ها را شفاف‌تر و برجسته بخواند. اگر در ادای این‌گونه مفاهیم خللی ایجاد شود، مخاطب عصبانی می‌شود.

چهارم، داشتن نگاه دوم؛ به این معناست که گوینده باید بتواند هنگام خواندن جملات متن، کلماتی را نیز بدون نگاه کردن به متن رودرو با دوربین بگوید؛ مثلاً یک جمله ۱۰ کلمه‌ای را دو بخش کند، بخشی از آن را هنگام نگاه کردن به متن و بخشی دیگر را از حفظ و در حالت نگاه به مخاطب بخواند. نا آشنا بودن با این شیوه موجب حرکت ناموزون و نامرتب بالا و پایین رفتن سر می‌شود. (اخباری که تازه به دست می‌رسند.)

پنجم، درست خواندن متن؛ به این معناست که گوینده باید بتواند روند نگارش متن خبری را به درستی رعایت کند. تأکید، مکث، حالت پرسشی، حالت تعجب، پایان جمله‌ها را در نظر بگیرد. بهترین تلفظ کلمه را در جمله برداند، جایگاه و کشش هر کدام را در پیوند با کلمات دیگر دریابد و حروف را در کلمات و کلمات را در جملات کامل ادا کند.

- ششم، آهنگ و لحن صدا،** تناسب لحن صدا با محتوای خبر و فراز و نشیب صدا با روند مفاهیم باید منطبق باشد صدا نباید شعاری، مصنوعی و تقلیدی باشد و با هیبت مصنوعی و حالت باد در غبغب به کار گرفته شود.
۱۵. **متن نما یا اتوکیو،** وسیله‌ای فنی که اساساً برای تحقق و تسهیل حالت محاوره‌ای گویندگی خبر است. هنگامی که شکل طرح خبر برای مخاطب تغییر کرد و صورت محاوره‌ای و نزدیک مطلوب تلقی شد. ابرازی به کمک این فکر آمد. متن نما یا اتوکیو ارتباط چشمی و محاوره‌ای گوینده‌ی خبر با مخاطب را تحکیم کرد.
۱۶. گوینده با نگاه کردن به اتوکیو تلاش می‌کند توجه مخاطب را به خود جلب کند هر چه نگاه گوینده به مخاطب بیش‌تر، ملموس‌تر و نزدیک‌تر باشد، در جذب او، موفق‌تر است. گویندگانی که بدون اتوکیو می‌خوانند و اغلب با متن پیشروی خود مشغول هستند در محاوره‌ای کردن خبر به‌طور کامل موفق نیستند. جدا از مطالبی که یاد شد، گوینده باید از ویژگی‌های مثبت شخصیتی برخوردار باشد اگر گوینده همه موارد امتیازهای یاد شده را کسب کند؛ ولی شخصیت و شأن اجتماعی مطلوب نداشته باشد مانع بزرگی برای ایجاد اعتماد مردم به رسانه خواهد بود. اعتماد مردم به رسانه، اعتبار رسانه را در پی دارد؛ و اعتبار رسانه سرمایه آن است.
۱۷. گوینده‌ی خبر مهم‌ترین شخصیت بخش خبری است. او باید از عالی‌ترین ویژگی‌های شخصیتی برخوردار باشد. رسانه، شهرت می‌آورد و شهرت برای فردی که استحکام شخصیت ندارد، جز تکبر و عیوب نزدیک به آن چیزی در پی ندارد.
۱۸. **صدای گوینده،** صدای هر انسانی بخشی از شخصیت اوست. استفاده‌ی کامل از ظرفیت صدا، کاری تجربی نیست، باید آموزش دید. برخی از صداهای گویندگان خبر، خراب است. صدای خبری نیست، برای خواندن خبر مناسب نمی‌باشد. برخی دیگر جای صدای خود را نمی‌شناسند. نمی‌دانند از صدای خود برای چگونه متنی استفاده کنند محتوای متفاوت متن‌های خبری صداهای مختلف نیاز دارد. با

يك نوع صدا نمی‌توان همه نوع متنی را خواند. گاهی مفاهیم متن‌های بسیار ارزنده خبری بر اثر استفاده از صدای خراب لطمه می‌خورند و بی‌تأثیر می‌شوند. گوینده باید به طبیعت صدای خود و ظرفیت آن و جای استفاده از آن آشنا شود و با تقلید کردن و مصنوعی سخن گفتن به صدای خود لطمه نزند.

مبحث پنجم راز و رمزهای مهم درباره‌ی گویندگی خبر در رادیو

۱. سبک خاص خود را داشته باشید و دنیا لبرو سبک دیگران نباشید.
۲. معمولی لباس پوشید؛ اما آراسته باشید، در رادیو کلمه‌های شماست که بیش‌ترین اهمیت را دارد، نه ظاهر شما.
۳. واضح و با اطمینان صحبت کنید، سرعت بیان خود را تنظیم کنید و از آهنگ صدا برای به حداکثر رساندن تأثیر واژه‌ها و عبارتهای کلیدی بهره‌گیری کنید. می‌توانید در مواردی برای تأثیرگذاری بیش‌تر مکث کنید.
۴. اعتماد به نفس! اعتماد به نفس! اعتماد به نفس! اگر شنوندگان فکر کنند آنچه را که می‌گویید، نمی‌فهمید یا باور ندارند،

- احتمال آن که سخنان شما را باور کنند کم است. اگر اعتماد به نفس ندارید آن را نشان ندهید!
۵. در هنگام گویندگی وضعیتی اختیار کنید که گویی با یک شخص صحبت می‌کنید.
۶. اگر اشتباه کردید، از اقرار به اشتباه‌تان در مقابل شنوندگان نترسید.
۷. در صورت بروز هر مشکلی آرامش خود را حفظ کنید. اگر واقعاً اشتباهی روی داد، پایان دنیا نیست.
۸. با خود و حرفه‌تان صادق باشید.
۹. هیچ‌گاه در قبال این‌که برنامه‌ای را به شیوه‌ای خاص اجرا کنید، توصیه‌ای غیرمنطقی و یا خارج از توان خود را قبول نکنید.
۱۰. به یاد داشته باشید اعتبار، بزرگ‌ترین نقطه‌ی قوت و نقطه‌ی ضعف شماست؛ زیرا کسب اعتبار، زمان درازی می‌طلبد؛ ولی خیلی سریع می‌تواند از بین برود.
۱۱. کار خود را جدی بگیرید. خیلی جدی تا جایی که می‌توانید تلاش کنید؛ اما از کارتان لذت ببرید. شما باید به کاری که انجام می‌دهید، افتخار کنید.
۱۲. به خاطر داشته باشید مردم مطالب‌های شما را نمی‌خوانند، بلکه گوش می‌دهند. (در رادیو) تنها یک‌بار فرصت دارید که مطلب را به آن‌ها تفهیم کنید.
۱۳. از عبارت‌هایی استفاده کنید که مردم با آن‌ها آشنا هستند.
۱۴. از حدس و گمان برای نتیجه‌گیری اجتناب کنید.
۱۵. در آماده‌سازی خود هوشمندانه عمل کنید. اگر یک روز کاملاً خود را آماده نکرده باشید، یک رویداد مهم می‌تواند شما را غافلگیر کند.
۱۶. هر چه پیش‌تر در جریان رویدادهای کاری و خبری روز باشید، اعتماد به نفس بیشتری خواهید داشت.
۱۷. سعی کنید به سخنان کسانی که آن‌ها را قبول دارید، گوش فرا دهید؛ و مطالب بیشتری از آن‌ها بیاموزید. البته آموختن از هرکسی شرط خردمندی است.

۱۸. به نحوی کار همکاران و رقبای خود توجه کنید.
۱۹. به خاطر داشته باشید خبر يك کار گروهی است و شما نماینده‌ی این ماشین بزرگ هستید تا می‌توانید مطالعه کنید و بخوانید.
۲۰. گویندگان خبر بعضی از متن‌ها را خود می‌نویسند و می‌توانند در تصمیمات سردبیری مشارکت داشته باشند.
۲۱. مهارت در خواندن خبرهای بسیار مهم و ناگهانی از مؤلفه‌های يك گوینده‌ی خوب است.
۲۲. استخدام و آموزش گویندگان ویژه برای خواندن خبرهای ناگهانی در برخی رسانه‌ها متداول است.
۲۳. آماده بودن برای خواندن خبرهای ناگهانی برای ادامه‌ی کار شما بسیار مهم است.
۲۴. گویندگانی که سابقه‌ی خبرنگاری دارند، از قابلیت‌های بیش‌تری برخوردارند و می‌توانند، هیجان ایجاد کنند.
۲۵. مهارت‌های لازم برای ارایه‌ی خبرهای ناگهانی و بسیار مهم عبارت‌اند از:

- قابلیت ویراستاری
 - مهارت در نگارش
 - مهارت در مصاحبه با افراد گوناگون
 - مهارت در گوش دادن
 - جذابیت و گیرایی بخشیدن به نکته‌های مهم
۲۶. ارایه خبرهای ناگهانی بسیار مهم (خبر تازه، فوری) توسط گوینده:
- در مقدمه بگویید: «این خبر هم‌اکنون دریافت شده است».
 - منبع اطلاعات را که ارایه می‌دهید، ذکر کنید.
 - مصاحبه‌های زنده انجام دهید، با خبرنگاران تماس بگیرید.
 - به مخاطبان بگویید به محض دریافت اطلاعات تازه آن‌ها را در جریان خواهید گذاشت.

۲۷. گویندگان خبر هم از دروازه‌بانان خبرند، مسؤلیت آن‌ها به‌عنوان دروازه‌بانان خبر این است که متن نهایی را عاری از هرگونه اشتباه مفهومی، دستوری و مانند آن ارایه دهند.
۲۸. داشتن سلامت اندام گفتاری، صدای سالم و توانایی استفاده از ظرفیت آن از لوازم کار شماست.
۲۹. داشتن بیانی شیوا و شفاف ضروری است، بیان شیوا بیانی است که مخاطب برای درک آن دچار ابهام و سردرگمی نمی‌شود.
۳۰. گوینده باید صدای خود را با متن و مفهوم خبر هماهنگ کند، به‌عنوان مثال لحن خواندن یک خبر علمی - فرهنگی با لحن خبر حمله یا حادثه متفاوت است.
۳۱. گوینده باید هنگام خواندن خبر، مفاهیم اصلی را با تسلط و برجسته‌سازی نکته‌های اصلی انتقال دهد.
۳۲. گوینده حاصل کار همه عوامل را عرضه می‌کند و به‌هنگام اجرا نماینده همه آن‌ها است.
۳۳. گوینده به علت عرضه کردن برنامه، منزلت و شأن والایی دارد و کمترین قصور و بی‌توجهی در این امر موجب از دست دادن مخاطبان و منزلت رسانه می‌شود.
۳۴. در تمام دنیا، بخشی از حیثیت و مقبولیت رادیو و تلویزیون مرهون گویندگان شایسته، خوش‌صدا و ماهر است.
۳۵. گوینده باید شخصیت خود را طوری در صدایش منعکس کند که صدایش دارای «قدرت برقراری ارتباط» «قدرت انتقال فکر»، «قدرت انتقال حس»، «منعکس کردن شخصیت» و «تلفظ و ادا کردن درست کلمه‌ها» باشد.
۳۶. اگر کسی این استعداد را داشته باشد که خبر را صمیمانه‌تر بخواند، مسلماً تأثیر بیش‌تری بر مخاطب خواهد گذاشت.
۳۷. کسی که صدایش انعطاف داشته باشد دارای امتیاز بالاتری است.
۳۸. خفیات و منش زندگی گوینده، با ویژگی‌های صدایش مرتبط است این موضوع را مخاطبان می‌فهمند.

مبحث ششم جایگاه گوینده در رادیو-تلویزیون

کیفیت صدا و چگونگی بیان ما نمایشگر میزان شناخت ما از زبان و تسلط ما بر موضوع کلام و مهم‌تر از این‌ها، جلوه‌ای از شخصیت ماست. چنانچه گویندگی هنر گویش و خوانش، توأم با احساسات، هنری و آواز زیبا و گیرا بوده و گوینده باید این هنر یا فن را به‌خوبی بداند و از اساسات و اصول فنی و هنری آن آگاهی عام و تام داشته باشد.

چه گوینده حلقه‌ی وصل کتله‌های انسانی است، آنچه از همه در مورد هنر گویندگی قابل غور و دقت است گویندگی در رادیو-تلویزیون است که هرکدام این وسایل جمع‌ی ریزه‌کاری‌های هنری و فنی گویندگی و یژه‌ای را داراست که گوینده‌ی آگاه با استعداد با مراعات آن می‌تواند این حلقه‌ی وصل افهام و تفهیم انتقال پیام را به‌صورت هنری و فنی با بینندگان تأمین نماید.

به همین منظور، همه تلاش‌های علمی و فکری و آثار هنری و ادبی به‌نوعی نمایانگر دگرغهی رسیدن به حقیقت است. به سخن ارسطو، حقیقت را می‌توان به یاری هر دیگر جست‌وجو کرد. گفت‌وگو می‌تواند یکی از راه‌های رسیدن، جست‌وجو کردن، به کار بردن و ابلاغ کردن و گفتن و برملا کردن حقیقت گردد. هم‌چنان، در صورت جریان یافتن گفت‌وگو در جامعه، آزادی به‌صورت یک‌نهاد مستقرشده، امکان بیان عقاید گوناگون فراهم می‌گردد.

تلویزیون منعی رسانم‌ای که می‌توان گفت بی‌نظیر و برقیب و دو حس از حواس ما را هم‌زمان متوجه می‌سازد، جایگاه خوبی برای آرایه، نمایش، به‌کارگیری و به راه‌اندازی حقیقت است، هم از راه گفت‌وگو، هم از طریق راه تصویری. به صفحه‌ی تلویزیون چهار گونه موجودات قابل‌نمایش‌اند: انسان، حیوان، گیاه و جماد. محوری‌ترین این چهار مقوله برای تلویزیون، انسان یا انسان‌ها است که در حال سخن گفتن مشاهده می‌شوند.

گفت‌وگو در رادیو-تلویزیون شامل مصاحبه، مناظره، میزگرد، تبصره، سخنرانی یا مونولوگ و صحبت‌های شفاهی مردم است. در تلویزیون برنامه‌هایی که کاملاً تصویری باشد و یا کاملاً شامل سخنرانی و گفت‌وگوهای طولانی باشد، از تحمل و حوصله‌ی بیننده به دور است. مگر این‌که موضوع گفت‌وگو خیلی مهم و حیاتی باشد.

زیرکی، گاردانی و حرفوی بودن گوینده‌ی تلویزیون در این نهفته است که وی با دانایی و دقت کاربرد صدا و تصویر و آمیزش هر دو را باهم آمیخته و تجربه کرده باشد. هماهنگی صدا و تصویر، باعث جذابیت برنامه‌های تلویزیون می‌گردد. صدا باید تصویر را تکمیل و یا شرح دهد. صدا بیننده را به دنبال تصویر رهنمایی نماید. کلمه‌ها باید تابع تصویر بوده، نباید جداگانه عمل نماید و با تصویر در تناقض قرار گیرد. در این زمینه، برنامه‌های تلویزیون آمیزه‌ای از صدا، سخن و تصویر است.

هیچ‌یک را نمی‌توان حذف کم و یا اضافه کرد استعداد و چابکی گوینده‌ی برنامه با خلاقیت و گاردانی نویسنده‌ی متن توانایی را به میان می‌آورد که برنامه زیاد پُر حرف نشود و یا کاملاً تصویری نگردد. کاملاً تصاویر را رهنمایی کند و تصاویر روشن‌گر صحبت‌ها باشد.

آنچه باید بیش از همه بر آن تأکید کرد، استفاده‌ی خلاق از گفتار است. در تلویزیون نسبت به سینما ضرورت سخن بیشتر است، باید به ترتیب هنرمندانه‌ی آن اهمیت داد و کوشید. زبان تلویزیون زبان صحنه‌های متحرک و زنده و ترکیب هنرمندانه‌ی کلام با تصویر است. این زبان شاید، بر انگیزه‌ترین، فشرده‌ترین و وحدت همه زبان‌هایی باشد که توسط انسان تا به حال ایجاد شده است.

در تلویزیون ظاهر شدن به قیافه تصنعی تأثیرات منفی دارد. کورگی گفته است: «برای یک هنرمند لازم است که اشخاص را غافل‌گیر کند و نگذارد برای یک عکس مقبول قیافه بگیرند.» در تلویزیون گوینده شدن یک مطلب است و گوینده بودن مطلبی دیگر. شما ممکن است به کمک یک دوست بانفوذ (واسطه) و یا به سبب داشتن چهره دل‌چسپ و... به‌عنوان گوینده به رادیو یا تلویزیون راه یابید؛ اما آیا به کمک بخت یا به یاری یک دوست بانفوذ

می‌توانید، حقیقتاً گوینده باشید؟ گوینده شدن نخستین گام از راه بی‌انتهای گوینده بودن است.

گوینده‌ای که پیش میکروفون می‌نشیند باید (گوینده) باشد، نه این‌که بعداً گوینده شود. کسی که به‌جای حرف زدن ناله می‌کند یا دندان‌هایش را از روی هم برنمی‌دارد، به کمک هیچ عاملی نمی‌تواند یک‌شبه گوینده، به معنای واقعی کلمه شود؛ و اما: برای گوینده بودن در رادیو-تلویزیون، در نخستین گام چهار خصلت اساسی جایگاه خاص را داراست.

اول، عشق به کار؛ برای رسیدن به مطلب و مقصود، بهترین انگیزه و بهترین وسیله و بهانه، عشق است. عشق شب شمارا به صبح پیوند می‌زند، بی آن‌که احساس کسالت کنی. عشق در فرسنگ‌ها شمارا می‌دواند، بی آن‌که اندکی خستگی در وجود شما راه یابد. عشق همان است که صوفی را به صافی و صوفی را به دیدارِ معبود نایل می‌گرداند. عشق همان است که از میان‌سال‌های سده‌ها و از میان هزاران هزار کس هنرمندی را برمی‌کشد و نامش را بارز، بانور، یا عشق بر تاج تاریخ می‌نشانند؛ عشق آفریننده‌ی زیبایی است؛ عشق دستمایه‌ی فداکاری است؛ برای دست‌یابی به هر پیروزی، عشق همراه و هم‌راه عاشق است.

عشق فردوسی می‌سازد؛ عشق ارسطو و افلاطون می‌سازد. عشق آدم‌میزاد را به اوج انسانیت می‌رساند و آن زمان که عاشق بر این خاکدان نیست، عشق او برجاست، زیبا، شیرین و گویا، به قول مولانا:

هر چه گویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم خجل باشم از آن

شما برای دستیابی به هر آرزویی باید عاشقانه تلاش کنید. اگر می‌خواهید گوینده باشید، نه این‌که فقط گویندگی کنید. باید عاشق این هنر یا این فن باشید. وقتی عاشق باشید همه دشواری‌ها آسان و همه راه‌ها هموار می‌شود.

دوم، تصمیم و عمل؛ عامل تحرک غیر از خود تحرک است. عشق عامل خوبی برای تحرک است، آن‌که عاشق است و از جا نمی‌جنبد از جان عاشق نیست. شاعری است که ده‌ها شعر ناسروده دارد. نویسندگانی

است که بسیار افسانه‌های نانوشته دارد. نقاشی است که پیکره‌های زیبایش را فقط در عالم خیال برای خود می‌کشد. شما اگر تصور می‌کنید که عاشق هنر گویندگی یا فن گویندگی هستید، ولی ترجیح می‌دهید؛ به گونه‌ی مثال: به معامله فروش مواد ساختمانی بپردازید که عاید خوبی دارد، با خواست خود رقیب خوب‌تر را ترجیح داده‌اید. پس عاشق صادق نیستید.

پول می‌تواند سد راه شما در رسیدن به معشوقه شود، مقام هم همین‌طور!

سایر وسایل مادی نیز به همین ترتیب. اگر مرد میدان هستید، باید پاک‌باز باشید. در این کشور فقیر (افغانستان) کار گویندگی عاید چندانی ندارد، مثل هر هنر دیگری. شما ممکن است با اندکی آشنایی با کار تجارت، به آسانی روزی هزاران افغانی به جیب‌تان بیاید؛ اما اگر تصور می‌کنید که از طریق آرایه‌ی هنر می‌توانید، زندگی خوبی داشته باشید؛ ببخشید این راه را اشتباه آمده‌اید! چنان‌که گفته‌اند: آنچه هنرمند را هنرمند نگه می‌دارد، عشق او به هنر است. برای توفیق در این کار، اراده و عملی عاشقانه لازم است و تلاش بسیار و بعد قناعت به یک زندگی فقیرانه که آن‌هم عالمی دارد و اگر خوش‌اقبال باشید، احتمالاً اندکی شهرت.

سوم: تمرین، تمرین، تمرین؛ می‌گویند صدای خوب مطلوب است، اما هنر نیست. مثل داشتن چشم‌هایی زیبا؛ اما صدای خوب وسیله‌ی مطلوبی برای آرایه هنر است. داشتن وسیله‌ی خوب نعمت است و خوب استفاده کردن از این وسیله موجب پیدایی یک اثر مطلوب می‌شود. نقاش هم برای آفریدن یک تصویر دل‌خواه به رنگ، قلم و مو نیازمند است. خطاط هم برای خلق کردن یک صفحه هنرمندانه به قلم و پنجه‌ای بی‌ارزش نیاز دارد. با این تعریف شاید اجازه داشته باشیم که بگوییم گوینده‌ی خوب هنرمند است؛ زیرا که از وسیله‌ی خوب، خوب استفاده کرده است. یا حداقل یک استادکار زبردست است. به‌رحال برای این‌که بتوان از هر وسیله‌ی خوبی، خوب استفاده کرد، بدون تردید تمرین لازم است.

جای دریغ خواهد بود اگر وسیله‌ی خوبی داشته باشیم؛ اما آن را بی‌کار نگه‌داریم، درحالی‌که دیگران حسرت آن را می‌خورند. به صدای گویندگان ورزیده گوش کنید؛ ولی مواظب باشید، مقلد آن‌ها نشوید. می‌توانید صدای آن‌ها را ثبت کنید، بعداً متن گفتارشان را بنویسید؛ و بدین ترتیب پی ببرید که چگونه گوینده‌ی خوب، حتی یک متن بد را، خوب تحویل شما می‌دهد. عکس این مطلب نیز خودبه‌خود صادق است، در هر فرصتی، با خواندن متون مختلف، صدای خود را ثبت کنید و کوشش کنید عیب‌ها را بگاید، فراموش نکنید: تمرین، تمرین و تمرین!

چهارم: مطالعه، مطالعه، مطالعه، شما در شروع کار برای آن‌که صدای

مطلوب داشته باشید، هر قدر می‌خواهید تمرین کنید. برای آن‌که به رادیو و تلویزیون راه یابید، هر چه می‌توانید، تلاش کنید. این کارها به شنونده‌ها و بیننده‌ها ربطی ندارد؛ اما ... اگر حقیقتاً می‌خواهید گوینده‌ای قابل‌تحسین باشید، ضمن پذیرفتن آن‌چه گفته شد و آن‌چه گفته خواهد شد، از مطالعه غافل شوید.

مطالعه نمایید، هر قدر که می‌توانید و در هر مورد که دسترسی دارید. نگویید که وقت کمتر برای مطالعه دارم. اگر گوینده یا مجری برنامه خاصی هستید، چه بهتر که بیش‌تر در آن مورد مطالعه کنید؛ ولی به هیچ‌وجه از ادبیات غافل نشوید. شما مجری هر نوع برنامه‌ای که باشید، زیربنای کارتان ادبیات است. ذهن خود را با انواع شعر و صورت درست واژه‌ها آشنا کنید. کلام باید چون بازیچه‌ای در دست شما باشد. با متن‌های گوناگون ادبی آشنایی و در خوانش آن در جدال باشید. این کار علاوه بر تأیید عجیب در کار شما، از شما فردی با تجربه، خوش و حاضر جواب می‌سازد. مؤدب، متواضع و صاحب‌نظر می‌شوید و یاد می‌گیرید که بنویسید. شما وقتی برنامه‌ای را گزارش می‌کنید، وقتی در استودیوی تلویزیون مجلس یا محفلی را اداره می‌کنید، کمتر می‌توانید از نوشته استفاده کنید.

حضور ذهن و حاضر جوابی و پرسش‌های متین شما، نتیجه‌ی مطالعه مستمرتان خواهد بود. آشنایی شما با زبان‌های (فارسی، پشتو، عربی و انگلیسی) و قواعد این زبان‌ها موجب چیره‌دستی شما در کارتان در تلویزیون خواهد بود. شما اگر یک (قید را به صورت صفت) بخوانید (مثلی که در

رسانه‌های افغانستان شاهد آن هستیم.)، یا نادرستی‌هایی از این قبیل، چمبسا که بسیاری از شنونده‌ها و بیننده‌ها رادیو و تلویزیون خود را خاموش کنند به این جمله‌های ساده توجه کنید:

- آن کودکی زیبا، می‌خندید.
- آن کودکی، زیبا می‌خندید.
- و یا:
- آن مرد، بامتان سخن می‌گفت و شنندگان سرو پا گوش بودند.
- آن مرد بامتانت، سخن می‌گفت و شنندگان سراپا گوش بودند.
- ویرگولی که بین دو واژه گذاشته‌شده نشان می‌دهد که دو جمله، درحالی‌که در نوشتن به یک‌شکل هستند؛ اما در معنی چقدر فرق دارند.
- خلاصه، تمرین کنید. فراموش نکنید که شنونده و بیننده فقط مجال یک‌بار شنیدن یا دیدن برنامه شما را دارد. او کتاب نمی‌خواند که اگر اشتباه خواند یا نفهمید، برای درک درست آن به عقب برگردد و باز فراموش نکنید که آنچه از رادیو و تلویزیون شنیده می‌شود، به‌عنوان (زبان معیار) تلقی می‌شود و به‌وسیله‌ی تکرار در زبان جا می‌افتد. پس غلط‌گویی، غلط خوانی و غلط پراکنی در هنر گویندگی در رادیو و تلویزیون ممنوع است.

مبحث هفتم گوینده‌ی جذاب و تأثیرگذار

۱. کمتر حرف بزنیم، این بدان معنی نیست که حرف نزنیم؛ بلکه هر جا نیاز به صحبت کردن بود خود را نشان داده و نظر خود را ایراد کنیم. متأسفانه بعضی افراد این‌طور برداشت می‌نمایند که کم‌گویی یعنی

هیچ گویی و همین امر باعث منزوی شدن و دور شدن از اجتماع می‌گردد.

۲. **قبل از شروع صحبت حداقل ۳۰ ثانیه فکر کنیم؛** فکر کردن قبل از شروع صحبت هرچند کم و کوتاه باعث گزیده‌گویی شده و از هرگونه گند زدن و همچنین بیهوده‌گویی و باعجله صحبت کردن جلوگیری می‌کند. حتماً دیده‌اید افرادی که پس از شنیدن حرفی یا پرسشی مدت‌زمانی کوتاه آن را حلاجی نموده و سپس بیان می‌نمایند اکثر اوقات جواب آن‌ها بسیار متین و درست است و هیچ جای ایراد نیست؛ اما امان از افرادی که آنچه به ذهن‌شان می‌آید را بیان می‌نمایند، بدون این‌که حتی لحظه‌ای در مورد آن فکر کنند. به اصطلاح با صدای بلند فکر می‌کنند و اکثر اوقات حرف‌هایی می‌زنند که باعث پشیمانی‌شان می‌گردد. فکر کردن آسان است. تمرین کنیم.

۳. **با صدای بلند نخوانیم؛** می‌توان از پیامبر (ص) الگو گرفت، خنده با صدای بلند شخصیت انسان را زیر سؤال می‌برد. هیچ انسان گران‌مایه‌ای را نخواهید دید که با صدای بلند خندیده و یا قهقهه بخندد. از بازیگران معروف سینما (در زندگی شخصی) گرفته تا بزرگان و دانشمندان. با صدای بلند خندیدن باعث جلب‌توجه دیگران شده و با توجه به این‌که دیگران نمی‌دانند مطلب شما چقدر خنده‌دار است، باعث سوءبرداشت آن‌ها می‌شود.

۴. **لبخند بزنیم؛** یک لبخند کوچک باعث جذب می‌شود. هر انسان دارای کودک درونی است که آن کودک درون به آنچه که خود بخواهد جذب می‌شود چه بخواهیم و چه نخواهیم. اخلاق کودک درون دقیقاً مانند کودکان است و به چیزهای زیبا عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد. پس همان‌طور که یک کودک جذب یک لبخند می‌شود، ما نیز جذب چهره‌های بشاش و خندرو می‌شویم. همچنین لبخند باعث زیبا شدن چهره می‌شود.

۵. **شوخی طبع باشیم؛ ولی بسیار کم شوخی کنیم؛** شوخی هر قدر هم کوچک می‌تواند باعث رنجش شود؛ مگر این‌که این شوخی با فکر قبلی

- و بررسی بیان‌شده و یا انجام شود؛ مثلاً شوخ‌هایی که با شخصیت افراد رابطه دارد باعث قتل شخصیت می‌شود. شوخی اگر در حد یک لبخند کوچک و ملیح باشد، بسیار شیرین است و نه بیش‌تر.
۶. شوخی فراوان انرژی ذهنی را کاسته و جذابیت را از بین می‌برد. چراکه شوخی به‌تدریج پرده‌های حرمت را پاره کرده و کم‌کم موجب بی‌احترامی می‌شود. با این‌حال تبسم به چهره جذابیتی عمیق می‌بخشد. در تبسم سنگینی و متانت موج می‌زند؛ ولی در خنده زیادی و شوخی سبکی و کاهش جذابیت نهفته است.
۷. **آنچه هستیم باشیم؛** از بیان حرف‌های بیخودی و دروغ و بزرگ کردن خود پرهیزیم. آنچه که هستیم باشیم به این معنا که خود را بزرگ‌تر از آنچه هستیم جلوه ندهیم و سعی نکنیم خود را به‌زور در دل مردم جای دهیم.
۸. **به وضع ظاهری خود برسیم؛** یکی از عواملی که باعث تأثیرگذاری در بین سایرین می‌شود، خوش‌لباسی، خوشبویی و خوش‌صورتی است. مطمئناً هیچ‌کس دوست ندارد با شخصی که دهان او بوی بد می‌دهد و یا لباسش پاره است هم‌صحبت شود. ضمن این‌که هماهنگی و پاکیزگی ناخودآگاه باعث جذب مردم می‌شود. البته باید دقت شود که لباس‌های عجیب‌وغریب باعث جذب نمی‌شود. تمیزی و اطوی لباس، موهای مرتب، دهان خوشبو مجذوب‌کننده است؛ اما آراستگی ظاهری فقط به پوشش داخل و خارج خلاصه نمی‌شود بلکه حرف‌های زیبا، جمله‌های مثبت، اعمال درست نیز جذابیت است.
۹. **سکوت را تمرین کنیم؛** بعضی افراد می‌پندارند که هر چه پُر صداتر باشند بیش‌تر جذاب می‌شوند؛ ولی این‌طور نیست. سکوت تأثیری ذهنی در افراد می‌گذارد. هنگام سکوت، در اطراف خود ایجاد خلأ می‌نماییم و این خود باعث جاذبه است. ضمن این‌که سکوت انسان را عاقل‌تر و باتجربه‌تر نشان می‌دهد، زمینه‌ای مناسب برای صمیمیت است. البته سکوت ناشی از ترس و عدم اعتماد به‌نفس، باعث کاهش جذابیت است. هم‌چنین نرم و با ملایمت صحبت کنیم چراکه جیغ،

دادوهوار، بلند صحبت کردن و خشن و عصبی بودن باعث قطع اعتماد مردم می‌شود.

۱۰. **فرد محترمی باشیم؛** به خود و دیگران احترام بگذاریم. بی‌ادبی در کلام و گفتار و رفتار از جذابیت بسیار می‌کاهد. باید در ظاهر آراسته و در باطن وارسته بود. شخص مؤدب و متین و محترم بی‌تردید جذاب‌تر از بی‌ادبان است. هتاک و ناسزا گفتن حتی به افراد بدصفت و بی‌شخصیت و همچنین تحقیر و تمسخر و غیبت و بدگویی مخالف با احترام است.

۱۱. **در رفتار و کلام قاطعیت داشته باشیم؛** سست‌عنصر نبودن و پای تصمیمات و تعهدات ماندن موجب جذابیت است. افرادی که شخصیتی قاطع دارند هدف‌های مشخص و ارزش‌های معینی و برنامه‌های مدونی دارند و بلااستثنا جذاب‌اند. قدرت «نه» گفتن به درخواست‌های بی‌ارزش دیگران موجب رویش جذابیت است. بعضی افراد خود را فدای این‌وآن می‌کنند و هر کار مثبت یا منفی را قبول می‌کنند و این‌طور می‌خواهد در دل دیگران رخنه کنند که نمی‌شود. جذابیت یعنی مصمم بودن و قاطعیت در رفتار و گفتار.

۱۲. **مراقب امیال و غرایز شخصی خود باشیم؛** افراد دارای شخصیت مسلط و چیره‌بر غرایز و امیال، دارای تسلط بیش‌تری هستند. کسانی که بر میل جنسی، میل غذا خوردن، عواطف و هیجانات خود مسلط هستند، جذابیت معنوی دارند. تأثیر روانی گذاشته و انرژی مثبت از وجودشان فوران می‌کند. کسانی که غریزی و هوسی هستند و مدام در پاسخ به امیال خود به سر می‌برند و نمی‌توانند خود را کنترل نمایند و خصوصاً به زبان و نگاه خود مسلط نیستند، هیچ‌گاه به جذابیتی که انتظار دارند دست نخواهند یافت و مسلماً بدون کسب جذابیت از تأثیرگذاری هم خبری نیست.

خلاصه فصل

یک گوینده‌ی خوب دارای صدای مرغوب است. تلفظ واضح و اعتبار را می‌توان از طریق کاربرد درست زبان و داشتن تنوع کافی در زمان نمایش که می‌تواند، توجه و دل‌چسپی را بار آورد، به دست آورد. اعتبار و توانایی از حاکمیت خوب بالای آن، به دست می‌آید؛ یعنی گرامر درست و تلفظ صحیح. شاید گرامر را در صنف درسی بیاموزید؛ ولی استعمال درست‌زبان نوشتاری کافی به نظر نمی‌رسد. با وجود آن‌که متن توسط نویسندگانه‌ها از لحاظ گرامری به شکل درست آن تهیه می‌گردد، ولی آن‌ها نمی‌توانند که برای شما واژه‌ها را تلفظ نمایند. نام‌های خاص و اشیایی خارجی شاید با استفاده از قواعد تجوید پیشکش گردد، ولی اکثراً این موضوع مربوط گوینده است تا واژه‌های که در متن موجود است، توسط او به شکل درست آن تلفظ گردد.

فصل پنجم ماهیت و نحوه‌ی تولید صدا

این فصل شامل مباحث‌های

زیر است:

مبحث اول: ماهیت صدا

مبحث دوم: نحوه‌ی تولید صدا

مبحث سوم: دستگاه تنفسی

مبحث چهارم: نقش تنفس صحیح در صدا

مبحث پنجم: نقش لب‌ها در صداسازی

مبحث اول ماهیت صدا

صدای خوب، مهربان، با اعتماد به نفس، رسا و قوی، مخاطبان بسیاری جذب می‌کند. صدا باید احساس و عواطف را نیز منتقل کند؛ مانند حس مادری، علاقه، دوستی، ناراحتی و غیره؛ کاری که دوبلرها^{۶۳} (دوبلاژ)، گوینده‌ها و هنرپیشه‌های نمایشنامه‌های رادیویی هنرمندانه انجام می‌دهند. یک سری از عوامل مؤثر در صدا عبارت‌اند از:

- محل زیست
- خانواده
- وضعیت بدنی
- گوش
- شخصیت
- سواد

هر موجودی به هر شکلی با آوا و صدای خود مورد شناسایی دیگر موجودات قرار می‌گیرد که انسان نیز از این قاعده مجزا نیست. صدا یکی از شاخص‌های مرزبندی در قلمرو حیوانات می‌باشد. همان‌گونه که زبان به‌نوعی در این تقسیم‌بندی نقش دارد، تولید صدا و در پس آن، ماهیت و هویت صاحبش، در عمق رمزگشایی صدا به‌روشنی قابل دریافت است. صدا هم وسیله‌ای جهت اعلان وجود هر جنبنده‌ای از جمله انسان و یا دسته و گروهی است که حاصل احساسات درونی و تأثیر محیط در روح و جان می

^{۶۳} - دوبلاژ، برگرداندن مکالمه فیلم یا سریال از زبانی به زبانی دیگر.

باشد. با کسب تجربه، شناخت و بررسی می‌توان به قابلیت محتوای حقیقی، خصلت و نوع رفتار پی برد.

هر صدایی، معنا و مقصودی را در بردارد. نوع صدا حاوی نکته‌های پوشیده و پُررمزورازی است که در نهاد گوینده می‌باشد و پرده‌برداری از آن توسط مخاطب، با توجه به تجارب حاصله امکان‌پذیر است. صدا دارای پیام‌های کوچک و بزرگی است که عملاً بدون اراده‌ی مستقیم گوینده، حالت‌ها و احساس‌های درونی و نوع تفکر و بینش را آشکار می‌سازد. اگر سرمان درد بگیرد، صدایمان با موقعی که دل‌درد هستیم، تفاوت دارد.

صدا برگرفته از روح و روح برگرفته از صدا است و به‌طورکلی هر شخص یا موجودی با صدای خود رابطه‌ی مستقیم دارد. صدا، با لطافت روح، رفتار و شخصیت افراد، همخوان است. از صدای هرکس می‌توان به ماهیت او پی برد؛ به‌عنوان مثال، با شنیدن آوای شخص یا حیوان، با تجربه‌ی خاص، قادر به درک طرز فکر، سلیقه، نحوه‌ی هم‌نشینی، سطح فرهنگ خانواده‌ی که در آن پرورش یافته، می‌باشیم. حتی امکان بررسی‌های دقیق‌تر نیز میسر است؛ به‌طور مثال در چه اقلیمی زیست می‌کند و یا چه بیماری‌های جسمی و روحی دارد.

اگر صدای آدمی همانند اعضای دیگر پرورش یابد و ورزیده شود، می‌تواند در شبانه‌روز ۲۴ ساعت مداوم صحبت کند یا آواز بخواند، بدون آن‌که خشن یا گرفته‌شده و یا دچار هر نوع مشکل فیزیکی دیگر گردد. یک فرد معمولی باید بتواند دو تا دو ونیم اکتاو صدا را به‌راحتی ایجاد کند. رابطه‌ی بین صدا و روح بسیار نزدیک است؛ تا آن‌جا که به تجربه ثابت شده، در مقاطعی باهم ادغام می‌گردند. از این‌گونه جمله‌ها زیاد شنیده‌ایم: «از ترس صدایم بند آمد...»، «بغض گلویش را گرفته و قادر به حرف زدن نبود...»، «صدای گرمی داشت...» به‌عنوان مثال، افرادی که دچار سرماخوردگی و ناملایمات می‌شوند، به‌طور ناگهانی صدای‌شان دورگه می‌گردد. اگر این مورد به‌دفعات عارض شود، این نارسایی پایدار می‌ماند. پس از مطالعه‌ی زندگی‌نامه‌ی افراد صدای بم، کلفت و زُمخت دارند به این نتیجه رسیده‌اند که آن‌ها زندگی سخت و دشواری داشته‌اند و به تبع آن، عادت‌ها و تربیت‌های ناخوشایند گذشته و

ادامه‌ی شکست‌ها و محرومیت‌ها، روح آنان با پذیرش شکست، آرامش درون و گویش زیبا را که از یک روح سالم نشأت می‌گیرد، از دست می‌دهند.

صوت حرفه‌ای، صدایی است که استفاده‌کننده آن را به‌عنوان ابزار کار، یا بخشی از توانایی شغلی خود، مورد استفاده قرار می‌دهد. از جمله می‌توان از قاریان، مداحان، خطبا، گویندگان، خواننده‌ها، مدرسان، دبلورها، قضات، وزرا؛ مدیران و غیره نام برد.

برای این افراد، آموزش فن بیان، صداسازی و موارد تخصصی مرتبط با حرفه‌شان، ضروری است و باید از کلام خود، همانند یک عضو مهم و حیاتی به نحو احسن مراقبت نمایند؛ که در بخش‌های بعدی راجع به آن توضیح خواهیم داد.

صدای هر کس همانند اثر انگشت، منحصر به فرد است. هر شخص باید با صدای خودش صحبت کند؛ تقلید جایز نیست. لهجه در زبان است. عمل ناپسند تقلید در صدا، متأسفانه در تعدادی از گوینده‌ها نیز مشاهده می‌شود. دستگاه صوتی آدمی می‌تواند پنج اکتاو تولید کند.

برای صداسازی، نیاز به منبع سازنده داریم که در آدمی هوای دمیده شده از شش‌ها به تارهای صوتی و در سازهای مختلف، هنر نوازنده و ابزار مورد استفاده‌ی وی است که در سازهای زهی، کوبه‌ای و بادی تنوع بسیار دارد. گذشته از این‌ها، عامل مؤثر دیگر، محفظ تشدید می‌باشد که به‌طور مثال در تار و سه‌تار، کاسه‌ی آن و در انسان، حلق، دهان، بینی، استخوان‌های سر، قفسه‌ی سینه و تقریباً کل بدن این وظیفه را ایفا می‌کند که در این‌بین نقش بینی از همه مهم‌تر است. در نتیجه باعث می‌شود که صدای ایجاد شده؛ دارای دوام بیش‌تری بوده و بهتر منعکس شود. حال به‌طور خلاصه به شرح و توضیح چند اصطلاح و تعریف می‌پردازیم:

- آلتو؛ صدای بم زنانه
- سپرانو؛ صدای زیر زنانه
- باس؛ صدای بم مردانه
- تنور؛ صدای زیر مردانه

• **ژوست**: ارتعاشات صوت حاصل از ساز، با حنجره‌ی انسان؛ چنانچه منطبق با فرکانس نت موردنظر باشد، آن صدا را ژوست گویند که لغت فرانسوی است.

• **فالش**: ارتعاشات صوت حاصل از ساز، یا حنجره‌ی انسان، چنانچه منطبق با فرکانس نت موردنظر نباشد، آن صدا را فالش گویند که لغت انگلیسی است.

مبحث دوم نحوه‌ی تولید صدا

عوامل اصلی برای تولید صدا عبارت از راحتی بدن، وضعیت بدن، ذخیره‌ی مناسب هوا، نظارت بر هوای بازدم به‌وسیله دیافراگم و قفسه‌ی سینه، توانایی تولید یک نت ثابت در سراسر گسترده صدا، باز بودن تشدیدکننده‌های دهن و حلق و عدم انقباض آن‌ها، مانع نشدن عقب زبان هنگام خروج آوا، افراشته بودن کام نرم بدون هیچ‌گونه انقباض تا از ایجاد صدای (دماغی) ممانعت شود، شکل‌گیری آواها در میان دهن تا به پرتاب صدا کمک شود و هم این‌که آهنگ صدا کیفیت (درهم‌کشیده) یا (حلقی) پیدا نکند. خیلی از افراد معمولی تصور می‌کنند که وقتی یک گوینده به مرحله‌ای از صدا می‌رسد که می‌تواند با اعتماد به‌نفس گویندگی کند دیگر همه‌چیزتمام است و این صدا در همین‌جا می‌ماند.

اما واقعیت این است که صدا همیشه در حال پیشرفت است و یک گوینده در طول زمان می‌تواند به سطوح بالاتری از صدای خود دست پیدا کند. پس ما هم بعنوان یک گوینده با صدای معمولی می‌توانیم صدای خود را در طول زمان رشد دهیم و کم‌کم کاری کنیم تا بتوانیم به سطوح بالاتری از صدای خود دست پیدا کنیم. منظور از دسترسی به سطوح بالاتر این است که بتوانیم آواها و صداها را جدیدی را

در زمان صحبت کردن و یا گویندگی در خود کشف کنیم که البته با توجه به مواردی که در این کتاب خدمت‌تان بیان می‌کنم می‌توانید این کار را انجام دهید و در طول زمان و با استفاده از تمرین‌ها صدای خود را هرروز و هرروز بهبود و پرورش دهید. پس در این‌جا می‌خواهم در مورد نحوه‌ی تولید صدا صحبت کنم.

صدای انسان اغلب یک راز محسوب می‌شود. ما نمی‌توانیم دستگاه و تارهای صوتی خود را ببینیم و از طرفی هم هیچ ساز و دستگاه مشابهی وجود ندارد که بتواند صدای انسان را شبیه‌سازی کند. آنچه می‌دانیم این است که ما دهن خود را باز می‌کنیم و صدا از آن بیرون می‌آید. در اصل ما دارای یک وسیله زهی هستیم که به آن هوا می‌دهیم و با کنترل تارهای صوتی‌مان می‌توانیم صدا را تولید کنیم.

داخل گلویمان دو مجرا در کنار هم قرار دارد. در قسمت پیشین، مجرای است که هوا را از طریق دماغ و دهن به ریه‌ها می‌رساند و در قسمت پشت، مجرای است که غذا و مایعات را به معده می‌رساند. بالای مجرای هوا قسمتی غضروفی قرار دارد که تارهای صوتی در آن‌جا گرفته است که حنجره نامیده می‌شود. یک جفت تار که باعث ایجاد صدا می‌شوند، تارهای قوی که پوشیده شده از غشاء مخاطی هستند. این تارها در برابر هوایی که به آن‌ها وارد می‌کنیم از هم جدا و به هم نزدیک شده و مرتعش می‌شوند و این جعبه کوچک و عجیب صوتی تقریباً مانند یک ساز، با بُف کردن، نُتِ مورد نظر ما را ایجاد کرده و لحن و شدت آن را تعیین می‌کند.

فرض کنید که حنجره‌ی ما مانند یک قیف است، هرچقدر که این قیف بازتر باشد، هوای بیش‌تری از آن گذر می‌کند و باعث تولید صداهای بم (کلفت) می‌شود و برعکس، هرچقدر که این قیف بسته‌تر باشد، صدایی که از حنجره بیرون می‌آید صدایی زیر (نازک) است. اگر دقت کرده باشید در هنگام اشپلاق^۴ زدن ما راه هوا را کوچک و تنگ می‌کنیم تا هوایی که از دهن بیرون می‌آید، صدا داشته باشید. اگر بلد هستید که اشپلاق بزنید همین فعلاً این کار را انجام دهید و اگر هم بلد نیستید اشپلاق بزنید سعی کنید با لب‌ها یا با استفاده از دو انگشت خود راه هوا را از دهن خود محدود کنید تا هوایی که به بیرون می‌آید تولید صدای صوت کند و هرچقدر که مجرای خروجی صدا

^۴ صوت: صدایی که با بیرون دادن نفس از دهان با لب غنچه شده یا قرار دادن انگشت‌ها در دهان تولید شود.

کوچک‌تر باشد، صدای ایجادشده زیرتر (نازک‌تر) می‌شود. این قسمت را بیان کردم تا بتوانید در ذهن خود نحوه‌ی ایجاد صدا را تصویرسازی کنید و زمانی که در حال صحبت کردن، گویندگی و یا در زمان انجام دادن تمرین‌ها، نحوه‌ی تولید صدا را در ذهن‌تان تداعی کنید؛ بنابراین کیفیت صدای ما، به نحوه به‌کارگیری تارهای صوتی و مقدار هوایی که به آن‌ها می‌دهیم دارد و صدای آواز و یا صحبت خوب هنگامی اتفاق می‌افتد که مقدار صحیح هوا به مقدار صحیح تارها برخورد کند.

صدای مناسب پارامتر تاثیرگذار در گویندگی رادیو

نخستین گام برای انتخاب حرفه گویندگی داشتن صدای خوب و لطیف است؛ اما این نعمت الهی، یعنی بهره‌مند بودن از صوت شفاف و زیبا لازم است؛ گوینده شخصی است که علاوه بر صدای خوب باید دارای دانش و اطلاعات تخصصی و عمومی باشد و ضمن خواندن مفاهیم مربوط به متن نیز توجه داشته باشد؛ درعین‌حال گوینده باید توان تشخیص کافی در بیان و القای مفاهیم و انتخاب ریتم مناسب برای بیان موضوعاتی که در متن برنامه وجود دارد داشته باشد.

غلط خوانی، لرزش صدا، ترس از خواندن واژه‌های پیچیده و عبارتهای نفیس، نادیده گرفتن کلمه‌های اصلی و شتاب در ادای متن، نشان‌دهنده ضعف گوینده و محروم بودن او از پشتوانه‌ی مطالعاتی است. از مهم‌ترین خصوصیات یک گوینده حساسیت در فهم و تفهیم مطلب‌ها است؛ یعنی هم خوب بفهمد و هم خوب بفهماند. او باید سعی کند که این حرکت را با احساس مناسب و قابل‌قبول به شنونده انتقال دهد و درواقع نقش عمده و نهایی گوینده این است که با ایجاد انگیزه، زمینه‌ی شنیدن و گوش دادن و جلب‌توجه شنونده برای گرفتن این اطلاعات را فراهم کند.

اصلی‌ترین عاملی که باعث می‌شود دیگران ما را گوینده‌ی قاطع و بااقتدار تصور کنند، صدایمان است. فرض کنید وقتی که یک گوینده در یک برنامه با صدای ضعیف، آهسته و لرزان به مخاطبان بگوید: امروز در این برنامه می‌خواهیم تا در مورد شخصیت قاطع و بااقتدار صحبت کنیم. به نظر شما چند نفر به صحبت‌های

گوینده اطمینان پیدا می‌کنند و حاضراند ادامه صحبت‌های او را بشنوند؟ یکی از مواردی که دیگران می‌توانند به ما برچسب گوینده خجالتی و کمرو را بزنند، تأثیر صدای ما است. معمولاً گویندگان که کمرو و خجالتی هستند، در مواقعی که نمی‌توانند با مخاطبان خود ارتباط خوب برقرار کنند، این نشانه‌ها را در صدای‌شان از خود بروز می‌دهند:

- به‌سرعت زیاد و یا به آهستگی حرف می‌زنند.
 - کلمه‌ها را به‌صورت نامفهوم و درهم ادا می‌کنند.
 - صدای‌شان بی‌حال و به‌صورت یکنواخت است.
 - صدای‌شان آن‌چنان ضعیف است، گویی از زیر چاه بیرون می‌آید.
- زمانی که در مقابل افراد صحبت می‌کنیم، اهمیت دارد که به‌صورت کاملاً قاطع، راسخ و محکم؛ اما به‌صورت شمرده و آهسته‌ها را ادا کنیم. صدای یکنواخت و بی‌حال خیلی زود مخاطبان برنامه‌ی‌مان را خسته می‌کند. منظور از صحبت کردن قاطعانه این است که پیام‌مان را به شیوه‌ای مثبت، صریح و با اعتمادبه‌نفس؛ اما کاملاً محترمانه به مخاطبان‌مان منتقل کنیم. در این صورت است که مخاطبان احساس می‌کنند به آن‌ها احترام گذاشته‌ایم.

بعضی‌ها فکر می‌کنند که گویندگانی که صدای دل‌نشین و عالی دارند این صدای‌شان ذاتی است؛ اما خوشبختانه صدای انسان یک پدیده ذاتی و غیرقابل تغییر نیست که نشود آن را تغییر داد؛ بلکه مثل ماهیچه‌های بدن است؛ یعنی با تمرین می‌توان آن را قوی‌تر کرد. بسیاری از گویندگان که صدای ضعیفی داشته‌اند با تمرین طولانی‌مدت، گویندگان تأثیرگذار و با اعتمادبه‌نفس شده‌اند. حال شاید در ذهن شما پرسشی پیداشده باشد که صدای مناسب برای گویندگان به کدام صدا گفته می‌شود؟ صدای مناسب به صدایی گفته می‌شود که بسیار جذاب و رسا باشد در بین سروصداها به‌راحتی شنیده می‌شود. برای گوینده شدن یکی از نیازهای مهم که بیش‌تر به آن تأکید می‌شود داشتن صدای زیباست. اگر صدای شما قدرتمند نباشد قطعاً شنیده نخواهد شد. در این‌جا می‌خواهم تا در مورد بُرد صدا بحث کنم.

بُرد صدا یعنی این‌که صدای ما به‌صورت افقی تا چه مسافتی می‌تواند طی کند. اگر ما صدای آهسته‌ای داشته باشیم احتمالاً صدای ما را افرادی که تا یکی دو متری ما هستند، می‌توانند بشنوند؛ اما اگر بُرد صدای ما بیشتر باشد در زمانی که در جایی صحبت می‌کنیم و یا برای مخاطبان در حال صحبت کردن هستیم و در یک فضایی مانند تالار، افرادی که در انتهای تالار نشسته‌اند هم می‌توانند به‌راحتی صدای ما را بشنوند. میزان بلندی صدای ما هم باید متناسب با مکانی که در آن قرار داریم باشد، این‌طور نباشد که در یک فضای کوچک با صدای بلندی صحبت کنیم و باعث آزار دیگران شویم و یا برعکس در یک فضای بزرگ با صدایی آرام و آهسته صحبت کنیم.

بنابراین با توجه به موقعیتی که در آن قرار داریم باید بُرد صدای خودمان را تنظیم کنیم. تمرینی که برای افزایش بُرد صدا می‌توانیم انجام دهیم، تمرین شمارشی ۱ تا ۵۰ است که می‌تواند فوق‌العاده باشد. در این تمرین نباید بلندی صدای شما طوری باشد که باعث آسیب رسیدن به حنجره و تارهای صوتی شما باشد و البته قرار هم نیست این تمرین را با یک صدای آرام انجام دهید، در هنگام انجام این تمرین صدای خود را رها کنید و اجازه دهید که صدای‌تان برای خودش راحت باشد.

تمرین بُرد صدا و برطرف کردن لرزش صدا در هنگام گویندگی

انجام دادن تنفس دیافراگمی باعث می‌شود که لرزش صدا در صحبت ما ایجاد نشود؛ اما برای این‌که حجم شش خودمان را افزایش داده و بُرد صدای خود را افزایش بدهیم یک تمرین فوق‌العاده قدرتمند را خدمت‌تان بیان می‌کنم. با انجام دادن مداوم این تمرین شما می‌توانید حجم هوایی که در شش‌های خود به جریان می‌دهید را بیشتر کنید و با این کار دیگر صدای شما نمی‌لرزد و در هنگام گویندگی نفس کم نمی‌آورید، از طرفی این تمرین برای افزایش بُرد صدا هم بسیار بسیار زیاد مؤثر است. من نام این تمرین را شمارش ۱ تا ۵۰ گذاشته‌ام. ما در این تمرین قرار است که به‌صورت یک‌نفس از شماره ۱ تا ۵۰ را بشماریم؛ اما نه یکجا، به‌صورت گام‌به‌گام این تمرین را انجام

می‌دهیم و تا شماره ۵۰ می‌رویم. برای انجام دادن این تمرین مراحل زیر را انجام دهید:

- عمل دم در تنفس دیافراگمی را انجام دهید؛ یعنی از طریق بینی هوا را به داخل شکم‌تان هدایت کنید.
- اعداد را به صورت گام‌به‌گام بشمارید.

۱

۱،۲

۱،۲،۳

۱،۲،۳،۴

۱،۲،۳،۴،۵

۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

و به همین صورت تا عدد ۵۰ را پیش می‌رویم.

یادداشت: دقت داشته باشید که در زمان شمارش اعداد هرکجا که عدد تمام شد، نفس ما هم باید تمام شود. قبل از تمام شدن اعداد نباید نفس بگیریم و می‌بایست تا انتهای تمرین با یک نفس بشماریم. تنفس به روش دیافراگمی فراموش نشود (در زیر در مورد تنفس صحیح و تنفس دیافراگمی صحبت می‌کنم) و در زمان شمارش بدون این‌که فشاری برای تخلیه هوا به شکم‌تان وارد کنید، می‌بایست عمل شمارش و تخلیه هوا را از طریق دهن‌تان انجام دهید.

برای خانم‌ها پیشنهاد می‌کنم که نهایتاً تا عدد ۴۰ را بشمارند.

دقت داشته باشید که در این تمرین قرار نیست که در یک روز ما تا عدد

آخر را بشماریم. لطفاً از این دستورالعمل پیروی کنید:

روز اول) شمارش ۱ تا ۷

روز دوم) شمارش ۱ تا ۱۰

روز سوم) شمارش ۱ تا ۱۴

- روز چهارم) شمارش ۱ تا ۱۵
روز پنجم) شمارش ۱ تا ۱۷
روز ششم) شمارش ۱ تا ۱۹
روز هفتم) شمارش ۱ تا ۲۰
روز هشتم) شمارش ۱ تا ۲۳
روز نهم) شمارش ۱ تا ۲۵
روز دهم) شمارش ۱ تا ۲۷
روز یازدهم) شمارش ۱ تا ۲۹
روز دوازدهم) شمارش ۱ تا ۳۰
روز سیزدهم) شمارش ۱ تا ۳۲
روز چهاردهم) شمارش ۱ تا ۳۳
روز پانزدهم) شمارش ۱ تا ۳۵
روز شانزدهم) شمارش ۱ تا ۳۶
روز هفدهم) شمارش ۱ تا ۳۷
روز هجدهم) شمارش ۱ تا ۳۸
روز نوزدهم) شمارش ۱ تا ۳۹
روز بیستم) شمارش ۱ تا ۴۰
روز بیستم) شمارش ۱ تا ۴۱
روز بیست و یکم) شمارش ۱ تا ۴۲
روز بیست و دوم) شمارش ۱ تا ۴۳
روز بیست و سوم) شمارش ۱ تا ۴۴
روز بیست و چهارم) شمارش ۱ تا ۴۵
روز بیست و پنجم) شمارش ۱ تا ۴۶
روز بیست و ششم) شمارش ۱ تا ۴۷
روز بیست و هفتم) شمارش ۱ تا ۴۸
روز بیست و هشتم) شمارش ۱ تا ۴۹
روز بیست و نهم) شمارش ۱ تا ۵۰
روز سیام) شمارش ۱ تا ۵۰

یادداشت: شما می‌توانید در هر روزی که این تمرین را انجام دادید یک تیک کنار روزها بزنید تا آمار انجام تمرین در دست‌تان باشد. این تمرین قرار نیست که با صدای آهسته انجام شود، صدای خود را برای انجام دادن این تمرین چند برابر صدای معمولی خود بلندتر کنید. صدای‌تان آن‌قدر بلند نباشد که به تارهای صوتی و حنجره شما آسیب وارد کند.

مبحث سوم دستگاه تنفسی

بدن موجودات زنده جهت تهیه‌ی اکسیژن برای متابولیسم سلولی و دفع کاربن دای اکساید به دستگاه تنفس وابسته است. دستگاه گردش خون ابزار انتقال گاز بین بافت‌های بدن و شش‌ها است. به این ترتیب گردش خون و دستگاه تنفس به یکدیگر وابسته است. دستگاه تنفس با داشتن مجاری تنفسی و هوایی وظایف خود را با پالایش هوا انجام می‌دهد. دستگاه تنفس به دو ناحیه‌ی هوایی و تنفسی تقسیم شده است. ناحیه‌ی هوایی شامل حفره‌ی بینی، حلق، حنجره، نای و سیستم نایژه‌هاست که هوا را از محیط پیرامون به قسمت تنفسی شش‌ها می‌رساند.

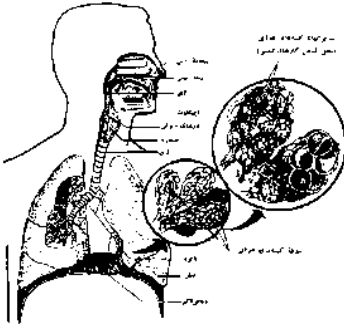
فیزیولوژی تنفسی انسان

بدن آدمی جهت ادامه‌ی حیات نیاز به یک منبع دائمی اکسیژن دارد و به‌طور دائم این اکسیژن را از هوا دریافت می‌کند، هوای دریافتی شامل ۲۱٪ اکسیژن، ۱۸٪ نایتروجن و ۱٪ شامل چند گاز (کاربن دای اکساید - نیون - آرگون - هلیوم و...) است که در عمل به جز اکسیژن بقیه گازها به‌صورت خنثی بوده و نقش فعالی در سیستم تنفسی ندارند. فقط اکسیژن جنبه‌ی حیاتی داشته و باعث سوخت‌وساز و تولید انرژی و حرارت در سلول‌های بدن است.

بدن هوا را از طریق دهن و بینی و مجاری تنفسی وارد ریه‌ها کرده، برای مدت کوتاهی نگهداری می‌کند تا اکسیژن مورد نیاز به وسیله‌ی کیسه‌های

هوایی جذب و وارد خون شود سپس مجدداً خارج می‌سازد، این فرایند به‌عنوان تنفس شناخته می‌شود که شامل دو مرحله‌ی دم و بازدم است.

۱. **مرحله‌ی اول زمانی که هوا به داخل ریه می‌شود (دم):** انسان هوا را از طریق دهن و بینی به‌وسیله‌ی مراکز عصبی عضله‌های قفسه‌ی سینه که سبب بالا آمدن قیرغه‌ها و پایین رفتن پرده دیافراگم می‌شود



با ایجاد خلای نسبی (در حدود ۳ میلی‌متر جیوه کمتر از فشار جو) دریافت و وارد شش‌ها می‌کند، سپس توسط نایژه، نایژک‌ها و کیسه‌های هوایی اکسیجن موردنیاز جذب و همراه با خون از طریق دستگاه گردش خون (پمپاژ قلب)

جهت سوخت‌وساز و تولید انرژی به تمام سلول‌های بدن می‌رسد. پس از تولید انرژی اکسیجن و اکسیجن مصرفی (تقریباً ۴٪) به‌صورت گازکربنیک مجدداً به ریه بازمی‌گردد.

۲. **مرحله‌ی دوم زمانی که هوا از ریه خارج می‌شود (بازدم):** وقتی که عمل دم کامل گردید قیرغه‌ها پایین رفته و دیافراگم خودبه‌خود بالا می‌آید و باعث فشرده شدن قفس سینه می‌گردد، درنتیجه هوای داخل شش‌ها بالا رفته و به بیرون رانده می‌شود، باوجودی که هنگام دم و بازدم هوا به‌صورت یک توده در اثر اختلاف فشار، کل هوا مبادله می‌شود، بدیهی است که ترکیب گازهای تنفسی در هوای دم و بازدم کاملاً متفاوت باشد. در هوای بازدم میزان اکسیجن کاهش یافته بر میزان کربن دای اکساید افزوده می‌شود و میزان نایتروجن در همه حال ثابت است؛ پس می‌توان گفت که در هر عمل دم و بازدم در حدود ۴٪ از اکسیجن جذب‌شده به‌صورت گاز کربنیک خارج می‌شود.

گنجایش شش‌ها و نیاز اکسیجن

گرچه گنجایش شش افراد با توجه به حجم ریه محدود است؛ ولی بسته به نوع نفس کشیدن، میزان تبادل هوا با محیط فرق می‌کند. در شرایط عادی بین ۱۲ تا ۱۸ بار در دقیقه و هر بار حدود نیم لیتر هوا جهت تولید انرژی در سلول‌ها وارد شش می‌شود که به آن هوای جاری گفته می‌شود؛ از این مقدار در حدود دو - سومش به کیسه‌های هوایی می‌رسد و با خون مبادله می‌شود و یک‌سوم بقیه در مجرای تنفسی باقی می‌ماند. این هوای باقی‌مانده را هوای مرده می‌نامند، هنگام نفس عمیق می‌توان هوای جاری را چهار برابر افزایش داد به‌کل هوایی که یک فرد پس از یکدم عمیق و طی یک بازدم و تا حد ممکن بیرون می‌دهد که به آن ظرفیت حیاتی گفته می‌شود.

ظرفیت حیاتی در انسان در حدود ۳/۵ لیتر است. شش‌ها حتی پس از یک بازدم عمیق هم به حالت نیمه‌باز هستند. مقدار اکسیجنی که برای بدن موردنیاز است با مقدار کاری که انجام می‌پذیرد متناسب است. در زمان استراحت نیاز به اکسیجن به طرز چشمگیری کاهش می‌یابد، بالعکس، در فعالیت‌های شدید مثل ورزش کردن، از پله بالا رفتن و یا حتی در بیماری، وجود مانعی در راه‌های عبور هوا، هیجانات روحی و عصبی، شنیدن خبرهای ناگهانی و شوک باعث می‌شود که به اکسیجن بیشتری نیاز باشد.

ناحیه‌ی هوایی شامل حفره‌ی بینی، حلق، حنجره، نای و سیستم نایژه‌هاست که هوا را از محیط پیرامون به قسمت تنفسی شش‌ها می‌رساند.

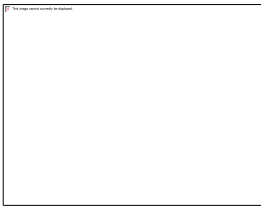
۳. حفره‌ی بینی: حفره‌ی بینی بموسيله دیواره‌ی بینی به دو بخش قرینه تقسیم می‌شود. کام سخت حفره‌ی بینی را از حفره‌ی دهنی جدا می‌کند. پوشش این ناحیه از بافت مطابق سنگفرشی غیر شاخ‌همراه با مو، غده‌های چربی و غده‌های عرق است. حفره‌ی بینی شامل بخش تنفسی و بویایی است. در نتیجه لایه سلول‌های پوششی می‌تواند حفره‌ی بینی را مرطوب و به کمک رگ‌های خونی خود آن را گرم کند.

۴. حلق: حلق به دو بخش بینی-حلقی و دهنی-حلقی تقسیم شده است. کام نرم، ناحیه بینی-حلقی را از حفره دهن جدا می‌کند. ناحیه دهنی-حلقی راه تنفسی و گوارش است. مخاط ناحیه بینی-حلقی دارای سلول‌های مژدار و غدد است و مخاط ناحیه دهنی-حلقی همراه با غدد موکوسی است. لوزه‌های حلقی در سقف ناحیه بینی-

حلقی قرار دارند؛ زیرا مخاط حلق محتوای غدد موکوسی است. ماهیچه‌های حلق مخطط و متشکل از دو طبقه‌ی طولی در درون و حلقوی در بیرون است.

۵. حنجره: حنجره در عقب حفره‌ی بینی و در بالای نای قرار دارد. حنجره غضروف‌هایی دارد که باعث باز نگهداشتن آن می‌شود. در حنجره تعدادی تار یا طناب صوتی وجود دارد که ارتعاش آن‌ها به وسیله‌ی هوای بازدم باعث تولید صدا می‌شود یک زائده غضروفی به نام اپی‌گلوت در هنگام بلع غذا دهانه حنجره را می‌بندد و مانع ورود غذا به درون نای می‌شود. تارهای صوتی از جنس بافت پیوندی ارتجاعی هستند، خروج هوا را از شش‌ها هنگام بازدم موجب ارتعاش این تارها و تولید صدا می‌شود.

۶. شش‌ها: شش به صورت جفت در داخل پرده جنب قرار دارد. بافت

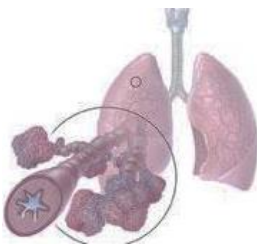


پیوندی درون شش دارای مقدار زیادی رشته‌های ارتجاعی و ماهیچه‌ی صاف است. حدود ۳۰۰ میلیون کیسه‌ی هوایی در مجموع دو شش وجود دارد و تبادل گازهای تنفسی را به عهده‌دارند.

۷. نای: نای دارای ۱۶ تا ۲۰ بند است و هوا پس از حنجره وارد نای می‌شود. هر یک از بندها قطعه‌ای به شکل U و دارای غضروف شفاف با پریکندریوم است که به وسیله نوارهایی از ماهیچه‌ی صاف در ناحیه باز U به یکدیگر متصل می‌شوند. نوارهای ماهیچه‌ای به‌طور طولی و مایل قرار گرفته‌اند. حلقه‌های غضروفی به وسیله بافت پیوندی متراکم به هم متصل می‌شوند.

۸. انشعابات نای: نای انشعاب یافته نایژه‌ی اصلی را می‌سازد. این دو شاخه به شش‌ها راه دارند ساختار نای و نایژه‌ی اصلی مشابه یکدیگر است که چه غضروف بخش انتهایی نایژه‌ها نامنظم می‌شود.

نایژه‌های اصلی به تعدادی مجاری هوایی تقسیم می‌شوند. نایژه‌های



بزرگ، نایژک‌ها، نایژک‌های انتهای، نایژک‌های تنفسی، مجرای آلونولوی و کیسه‌ی هوایی.

۹. ناحیه تنفسی، نایژک‌های انتهای به نایژک‌های تنفسی و آن‌ها نیز به مجاری هوایی تقسیم می‌شوند. نایژک‌های تنفسی ارتظر بافتی شبیه نایژک‌ها هستند به‌جز این‌که کیسه‌های هوایی دارند. مجاری هوایی به یک تعداد کیسه‌ی هوایی ختم می‌شوند. کیسه‌های هوایی به شکل حباب‌هایی با دیواره بسیار نازک، رشته‌های ارتجاعی و بدون ماهیچه هستند. کیسه‌ی هوایی ظریف و فنجان‌ی شکل بوده پوشش آن سنگفرشی ساده است.

چگونگی تنفس

طوری که در بالا ذکر گردید تنفس در آدمی شامل دو مرحله‌ی دم و بازدم است. در مرحله‌ی دم هوا وارد شش‌ها و در هنگام بازدم از آن خارج می‌شود. در انجام دم و بازدم پرده‌ی جنب نقش مهمی دارد. فشار فضای میان دولا به پرده‌ی جنب همیشه کمتر از فشار اتمسفر است و به همین دلیل شش‌ها حتی در حالت بازدم ارادی نیز کاملاً بسته نمی‌شوند. قبل از شروع دم کلیه‌ی ماهیچه‌های تنفس در حال استراحت هستند و دیافراگم به‌صورت یک گنبد است و دنده‌ها در پایین‌ترین وضعیت خود قرار دارند و فشار فضای جنب کمتر از فشار اتمسفر و شش‌ها در حالت نیمه‌باز هستند. هنگامی‌که فرمان عصبی دم توسط مراکز تنفسی در مغز صادر می‌شود اعصاب حرکتی ماهیچه‌های بین دنده‌ای خارجی و دیافراگم را منقبض می‌کنند.

انقباض ماهیچه‌های بین قبرغهای خارجی موجب حرکت قبرغها به بالا و طرفین می‌شود. انقباض دیافراگم موجب افزایش حجم قفسه‌ی سینه می‌شود. این افزایش حجم باعث کاهش فشار مایع جنب و باز شدن کیسه‌ها می‌شوند و هوا را به درون خود می‌کشانند؛ بنابراین عامل اصلی باز شدن کیسه‌های هوایی و ورود هوا به شش‌ها پرده‌ی جنب است. اگر پرده‌ی جنب پاره شود شش کاملاً جمع شده و از کار می‌افتد. در پایان دم ماهیچه‌های ویژه دم استراحت می‌کنند. خاصیت ارتجاعی شش‌ها و وزن قفسه‌ی سینه موجب می‌شود که شش‌ها به حالت اولیه خود برگردند. برگشت شش‌ها باعث

افزایش فشار هوای درون شش نسبت به اتمسفر و در نتیجه بیرون راندن هوا می‌شود بازدم را به‌طور فعال نیز می‌توان انجام داد.

مبحث چهارم نقش تنفس صحیح در صدا

داشتن تنفس صحیح برای بدن ما بسیار مفید است. اگر ما تنفس صحیح داشته باشیم می‌توانیم این موارد را برای خودمان داشته باشیم:

- اکسیژن بیش‌تری به مغز خود می‌رسانیم که باعث می‌شود مغز ما بهتر و سریع‌تر کار کند.
- اکسیژن بیش‌تری به بافت‌ها و عضله‌های بدن خود می‌رسانیم که باعث می‌شود ما سرحال‌تر و شاداب‌تر باشیم.
- کم‌تر افسرده و ناراحت می‌شویم.
- دیرتر خسته شویم.
- تمرکز بیش‌تری در کارهای روزمره داشته باشیم.
- داشتن تنفس صحیح باعث می‌شود که حجم ریه‌ی ما افزایش پیدا کند و در نهایت در هنگام سخنرانی نفس کم نیاوریم و صدای ما نلرزد و یک صدای خوب داشته باشیم.

کیفیت صدای ما بستگی به دو مورد دارد:

۱. نحوه‌ی به‌کارگیری حنجره

۲. برخورد مقدار صحیح هوا به مقدار صحیح تارهای صوتی

احتمالاً اگر ما نتوانیم مقدار صحیحی هوا به تارهای صوتی خود وارد کنیم، صدای ما کیفیت خودش را از دست خواهد داد. برای مثال اگر تارهای صوتی ما هوا کم بیاورند صدای ما صدایی خشن و گرفته خواهد داشت؛ بنابراین ما با داشتن یک تنفس صحیح می‌توانیم این موضوع را مرتفع کنیم و هوای مناسب تارهای صوتی را مهیا نماییم.

نحوه‌ی صحیح تنفس دیافراگمی

قبل از این که بخواهم در مورد نحوه صحیح تنفس دیافراگمی صحبت کنم، از شما دوست بزرگوایم می‌خواهم این کار را انجام دهید و نتیجه‌اش را برای خودتان به دست بیاورید: پیش آینه بروید و چند نفس عمیق بکشید. دقت کنید که کدام قسمت از بدن شما تکان می‌خورد، شانه‌های‌تان بالا و پایین می‌رود یا شکم‌تان؟ اگر شانه‌های‌تان بالا و پایین می‌رود نحوه تنفس کشیدن شما و هواگیری‌تان اشتباه است و بهتر است که اصلاح شود.

احتمالاً نفس کشیدن نوزادها را دیده‌اید، این دقیقاً همان تنفس صحیح دیافراگمی است. نوزادها در زمان نفس کشیدن شکم‌شان بالا و پایین می‌رود. ما به‌مرورزمان این عادت را فراموش کرده‌ایم و به‌اشتباه با سینه نفس می‌کشیم که تنفسی بسیار سطحی است. وقتی ما از طریق سینه تنفس می‌کنیم عملیات نفس کشیدن ما به‌صورت ناقص انجام می‌شود و فقط یک‌سوم هوا و اکسیژن به بدن ما می‌رسد.

اگر ما گوینده و یا مجری باشیم و تنفس را به‌صورت صحیح و دیافراگمی انجام ندهیم قطعاً فشار بسیار زیادی بر روی بدن ما خواهد آمد به‌طوری‌که سریع خسته می‌شویم و این موضوع باعث می‌شود که انرژی بسیار زیادی را صرف حرف زدن و گویندگی کنیم.

نحوه‌ی صحیح تنفس دیافراگمی (شکمی)

مراحل انجام تنفس صحیح دیافراگمی به این صورت است:

۱. صاف ایستاد شوید یا به پشت روی کمر خود دراز بکشید (اگر دراز می‌کشید، یک بالش زیر زانوهای خودتان قرار دهید)؛
۲. از طریق بینی عمل دم را انجام دهید و هوا را به داخل بدن‌تان هدایت کنید؛
۳. در زمان انجام دادن دم، هوا را به سمت شکم خود هدایت کنید به صورتی که شکم‌تان بالا بیاورد (دقت داشته باشید که شانه‌های‌تان بالا نیاید)؛
۴. هوای داخل شکم را به آرامی و از طریق دهن تخلیه کنید.

این مراحل دقیقاً همان مراحل است که در زمان صحبت کردن یا آوازخواندن باید انجام شود؛ یعنی ما از طریق بینی هوا را به داخل شکم خود هدایت می‌کنیم و بعد در زمان صحبت کردن هوا به آرامی از طریق دهن ما به بیرون می‌آید. نکته‌ای که این‌جا وجود دارد این است که در زمان تخلیه هوا نباید روی شکم خود فشاری وارد آوریم، باید اجازه دهیم که بدون فکر کردن و وارد کردن فشاری اضافه بر روی شکم، هوا تخلیه شود. از شما می‌خواهم برای شروع، این تمرین را حداقل سه مرتبه در روز به مدت یک دقیقه انجام دهید و بعد کم‌کم سعی کنید که این نحوه نفس کشیدن را به صورت عادت برای خودتان تبدیل کنید تا بدون این‌که نیاز باشد به این کار فکر کنید به صورت طبیعی و ناخودآگاه در بدن شما انجام شود.

سرگیجه در هنگام تنفس دیافراگمی

معمولاً خیلی از افراد در زمان انجام دادن این تمرین دچار سرگیجه می‌شوند. دلیلش این است که بدن ما به همان سطح از اکسیژن که ما روزانه تنفس می‌کنیم عادت کرده است. (همان یک سوم اکسیژن که به صورت نفس کشیدن ناقص از طریق سینه انجام می‌شد.) و حالا که این حجم بسیار زیاد از اکسیژن را به بدن خود می‌رسانیم باعث می‌شود که بدن ما واکنش نشان دهد و باعث شود که سر ما گیج برود. اگر این اتفاق برای‌تان پیش آمد لطفاً از انجام دادن این تمرین دست نکشید و به تمرین‌های خود ادامه دهید.

آن را آنقدر انجام دهید که برای‌تان به صورت عادی تبدیل شود تا بتوانید موارد مثبتی را که تنفس صحیح دیافراگمی برای‌تان به وجود خواهد آورد داشته باشید، در غیر این صورت از تمام این مزایا بی‌بهره خواهید بود. اگر در انجام تنفس دیافراگمی اشتباه می‌کنید؛ اگر فکر می‌کنید که تنفس دیافراگمی را به درستی انجام نمی‌دهید از شما می‌خواهم که این کار را انجام دهید.

دقیقاً همان مراحل تنفس دیافراگمی را انجام دهید با این تفاوت که،

صاف بایستید؛ دست‌های خود را به کمر بزنید؛ کمر خود را به سمت پیش تا اندازه ۹۰ درجه خم کنید؛ و بعد تنفس دیافراگمی را انجام دهید.

با انجام دادن این کار تقریباً اشتباه انجام دادنش به صفر می‌رسد و اگر این کار را انجام دهید متوجه خواهید شد که به‌هیچ‌عنوان سینه شما بالا نخواهد آمد و فقط این شکم شما است که بالا و پایین می‌آید؛ و یا اگر به پشت دراز کشیده‌اید، یک بالش را زیر زانوهایی‌تان قرار دهید تا زانوهای شما به حالت ۴۵ درجه دربیایید و بعد تنفس دیافراگمی را انجام دهید. با انجام دادن این کارها، اشتباه انجام دادن تنفس دیافراگمی به صفر می‌رسد و شما می‌تواند با انجام دادن این تمرین و تبدیل کردنش به مهارت، آن را جزیی از بدن خودتان کنید.

اهمیت راحتی بدن در تشکیل صدای مناسب

انقباض در بدن به‌ویژه در اندام‌های گفتاری می‌تواند موجب از دست رفتن صدا و آسیب همیشگی در تارهای صوتی گردد؛ بنابراین، کسب توانایی راحت ساختن بدن نخستین گام مهم است که گوینده و هر کاریر صدا باید پشت سر بگذارد. چنان‌چه انقباضی در بدن پیش آید، هیچ تمرینی فایده نخواهد کرد بدون نظارت بر اندام‌های گفتاری و تحت فرمان درآوردن آنها نمی‌توان توقع تولید صدا خوب را داشت.

گوینده باید کشف کند که چگونه بدنش واکنش نشان می‌دهد و به آن پیاموزد تا به‌آسانی این واکنش را نشان دهد. راحتی بدن اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا به یک معنی، راحتی بدن یعنی حضور تشدید آوا. هر نوع گرفتگی در گردن، شانه‌ها و پشت سر مانع از تنفس درست می‌شود و در نتیجه تشدیدکننده‌ها نخواهد توانست به‌طور کامل عمل کند. وجود راحتی بدن به شخص کمک می‌کند تا از پس موقعیت مفروض برآید. زمانی که راحتی وجود داشته باشد شخص احساس بهتری دارد و در نتیجه نگرانی از او دور می‌شود. راحتی بدن که در این‌جا به کار می‌رود دور کردن آن گرفتگی عضلانی است که مانع حرکت صحیح اندام‌های گفتار می‌شود و باعث می‌شود که حفره‌های بینی قابلیت تشدیدکنندگی خود را از دست بدهند عدم حضور راحتی (انقباض عضلانی غیرضروری) نه‌تنها صدا را معیوب می‌سازد و تکلم راحت را مختل می‌کند؛ بلکه حرکت بدن را ناخوشایند می‌سازد.

احساسی راحتی و آسایشی که از پی راحتی جسمانی پدید می‌آید به ذهن منتقل می‌شود و به گوینده آسایش می‌بخشد بدین‌سان حالتی فراهم می‌آید که گوینده با برخورداری از آن می‌تواند خلاقانه به ذهن شخصیتی که اجرای آن نقش را به عهده دارد بیندیشد. بر اهمیت راحتی بدن هر چه تأکید گردد باز اندک است، چراکه حاصل این فن به آزادی خلاق و اعتماد منجر می‌شود. بهترین وضعیتی که موجب آن آگاهی از راحتی دست می‌دهد وضعیت دراز کشیدن بروی سطح صاف است، سطحی که تحت تأثیری سنگینی بدن قرار نمی‌گیرد.

وضعیت بدن در گویندی

شکل‌های بدن در حالت راحتی اعم ایستادن‌ها و نشستن‌ها وضعیت بدن نامیده می‌شود. ارتباط میان وضعیت صحیح بدن با تنفس تخلیه و تکلم، آوا هنگ و تشدیدکننده سرانکارناپذیر است بالأخص مهم است که به وضعیت قرار گرفتن مستقیم و راحت سر روی شانه‌ها توجه شود گویندگان هنگام گویندی ناچار است که به وضعیت‌های گوناگون ایستاده و نشسته به راحتی تکلم کند. در این صورت باید بداند وضعیت بدن چگونه بر صدا تأثیر دارد تا در این صورت بهترین نتیجه را به دست بیاورد. مناسب‌ترین وضعیت برای تولید صدا صاف ایستادن و نشستن است.

مبحث پنجم نقش لب‌ها در صداسازی

نقش لب‌ها در زمان صحبت کردن می‌تواند بسیار مهم باشد. با یک مثال این موضوع را برای‌تان شبیه‌سازی می‌کنم. تصور کنید که چند سیم تار را به دیوار زده‌ایم و دقیقاً تمام ابعاد سیم و فشاری که به آن وارد شده است مانند سیم‌های گیتار است؛ اما چرا وقتی دست‌مان را روی این سیم‌ها می‌کشیم صدایی مانند تار یا گیتار نمی‌دهند؟ دلیلش این است که دیوار کاسه‌ای پشت این تارها ندارد. اگر دقت کرده باشید روی هر سازی که تار دارد کاسه‌ای هم‌پشت آن وجود دارد، درواقع آن کاسه و آن سوراخی که در کاسه است باعث زیبا شدن آن ساز می‌شود. لب‌ها و صورت ما هم دقیقاً مثل آن کاسه و سوراخ روی کاسه را دارد. صورت ما مثل کاسه است و لب‌های ما مانند آن سوراخ روی کاسه. سیم‌ها بر روی دیوار هم‌صدا درمی‌آورند؛ اما صدای سیم روی گیتار کجا و صدای سیم روی دیوار کجا!

در مبحث‌های قبل از شما خواستم که دهن و لب‌های خودتان را در زمان صحبت کردن و آوازخواندن به‌صورت افقی (مثل خندیدن) باز نکنید؛ چون اگر دهن و لب‌های شما به‌صورت افقی بیش‌ازاندازه باز شود صدای شما دیگر آن طنین را نخواهد داشت و صدای شما جایی ندارد که پیچد و مثل آن سیم روی دیوار می‌شود؛ بنابراین حواس‌تان به میزان باز شدن لب‌های‌تان باشد. چهار فن برای تقویت ماهیچه‌های لب و دهن عبارت‌اند از:

۱. **تمرین خودکار**: این یکی از زیباترین تمرین‌های صداسازی برای رفع تنبلی عضله‌های فک و دهن است. برای انجام این تمرین، انتهای خودکار را بین دو دندان پیشی خود قرار می‌دهیم و شروع به صحبت کردن می‌کنیم و روزانه این تمرین را در چند نوبت سه‌دقیقه‌ای انجام می‌دهیم. با این تمرین تا حد زیادی از سرعت کلمه‌های ما کاسته می‌شود و بسیار شمرده‌تر صحبت می‌کنیم. با تمرین خودکار شما در حقیقت به لب‌های خود این تمرین را می‌دهید که کمی آهسته‌تر و البته بیش‌تر باز و بسته شود و از همین طریق خیلی بهتر و واضح‌تر صحبت خواهید کرد.

۲. **تمرین مشدد خوانی**، در این تمرین کلمه‌ها را به‌شدت و قدرت می‌خوانیم در این تمرین دهن تا حداکثر ممکن باز می‌شود و به فک‌ها فشار زیادی وارد می‌گردد. به‌طوری‌که بعد از گفتن چند جمله فک شما درد می‌گیرد این تمرین برای تقویت ماهیچه‌های دهن و فک بسیار سودمند است و با این تمرین دهن شما موقع گویندگی بیش‌تر باز می‌شود و کلمه‌ها را واضح‌تر ادا می‌کنید.
۳. **تمرین صحبت کردن با کمک لب‌ها**، وقتی که دهن بسته و دندان‌ها روی هم قرار دارند، در این تمرین دندان‌ها را بر روی یکدیگر قرار داده و سپس با کمک حرکت لب‌ها صحبت می‌کنیم در این تمرین فشار زیادی به ماهیچه‌ی لب می‌آید و لب تقویت می‌گردد کارکرد این تمرین مشابه تمرین خودکار است.
۴. **تمرین بلند خوانی شعر**؛ یکی از بهترین فن‌ها برای قوی کردن صدا این است که با صدای بلند شعر بخوانیم بالاخص شعرهای حماسی مثل شاهنامه فردوسی عالی است، اشعار مولانا و شاملو هم گزینه‌های خیلی مناسبی هستند هر وقت شعر می‌خوانید طوری آن را بخوانید که گویا آن را پیش میکرافون رادیو اجرا می‌کنید.

فصل ششم چهار نوع صدای نامناسب گویندگان

این فصل شامل مباحثهای

زیر است:

مبحث اول: صدای دماغی

مبحث دوم: صدای زنانه مردان

مبحث سوم: صدای خشن و خشن‌دار

مبحث چهارم: صدای آرام و لطیف

مبحث اول صدای دماغی و برطرف کردن آن

در صدای ما ممکن است نواقصی وجود داشته باشد که شاید ما به آن آگاه باشیم؛ اما ندانیم که چطور باید آن را رفع کنیم و یا حتی ممکن است که ندانیم صدایی که داریم دارای نواقصی است. بیش‌تر نواقصی که در صدای اکثر گویندگان وجود دارد می‌تواند این موارد باشد که برای هر شخصی متفاوت است.

صدای دماغی زمانی به وجود می‌آید که هوای بیش‌از اندازه یا حتی هوای خیلی کمی وارد بینی ما شود. ما اگر صحیح صحبت کنیم و هوای اندازه به بینی خود هدایت کنیم صدای ما دماغی نمی‌شود.

تمرین اول رفع صدای دماغی

از شما می‌خواهم که همین حالا این تمرین را انجام دهید:

۱. نوک زبان خود را پشت دندان فک بالای خود قرار دهید.

۲. حالا نوک زبان خود را روی کام دهن خود به سمت عقب بکشید و کمی

فشار دهید.

خوب این کار را برای پیدا کردن کام نرم و کام سخت دهن خود انجام دادیم. اگر کام دهن خود را به دو قسمت کام نرم و کام سخت تقسیم کنیم، کام سخت نزدیک به دندان‌های پیش است و کام نرم در عقب قرار گرفته است. جالب است بدانید که کام نرم به بینی راه دارد. در بیش‌تر موارد وقتی که کام نرم سخت می‌شود باعث به وجود آمدن صدای دماغی می‌شود.

حالا این تمرین را انجام دهید؛ از شما می‌خواهم که حرف E را به صورت

کشیده بیان کنید:

۱. حرف E را به صورت کشیده با دهنی تقریباً باز شده و لیخند مانند بیان کنید (فکر می‌کنم به صورت پیش‌فرض این کار را انجام می‌دهید).
 ۲. حالا حرف E را به صورت کشیده با دهنی گرد و O مانند بیان کنید.
 در زمانی که حرف E را با دهنی باز شده از بغل و لیخند مانند بیان می‌کنیم صدای ما دماغی می‌شود و این جاست که روی کام نرم ما هوا فشار می‌آورد و باعث به وجود آمدن صدای E می‌شود و از آن‌جاکه کام نرم به بینی راه دارد، هوای بیش‌ازحد وارد بینی ما می‌شود و صدای ما دماغی می‌شود؛ اما در زمانی که واژه E را با دهنی O مانند بیان می‌کنیم فشار هوا روی کام سخت است و باعث می‌شود که صدای ما از حالت دماغی خارج شود.

خیلی از گوینده‌ها که صدای دماغی داشتند، وقتی این تمرین را انجام می‌دهند و متوجه می‌شوند که با این سرعت توانستند صدای دماغی خودشان را رفع کنند واقعاً هیجان‌زده می‌شوند. در صحبت‌های عادی و یا در هنگام گویندگی باز کردن دهن از گوشه‌ها کار اشتباهی است و به جای آن باید سعی کنیم که لب‌های خود را به صورت دایره‌ای باز کنیم. البته منظورم این نیست که موقع صحبت کردن دهن تان کلاً غنچه باشد، فقط همین‌که سعی کنید دهن تان زیاد باز نباشد کافی است. از شما می‌خواهیم این تمرین را روزانه حداقل سه مرتبه (به مدت یک ماه) انجام دهید و در هر مرحله هم ا دقیقه انجام دادنش کافی است. کم‌کم و به مرور زمان فرم دهن شما در هنگام صحبت کردن شکل می‌گیرد و حالا که دلیل به وجود آمدن صدای دماغی را متوجه شدید امکان این‌که صدای تان دماغی شود هم، کم می‌شود.

تمرین دوم رفع صدای دماغی

تمرین بعدی که می‌خواهیم انجام دهید این است که: از شماره ۱ تا ۱۰ بشمارید با این شرایط که از شماره ۱ تا ۵ را بشمارید و برای شماره ۶ تا ۱۰ دماغ خود را با دو انگشت خود بگیرد و شمارش را انجام دهید.

۱. اگر زمانی که بینی خود را می‌گیرید صدای شما دماغی شود به این معنی است که هوای بیش‌از اندازه وارد بینی شما می‌شود.
۲. اگر زمانی که بینی خود را می‌گیرید صدای شما دماغی نمی‌شود به این معنی است که هوایی که به بینی خود هدایت می‌کنید، متناسب

است. البته فقط روی شماره ۹ کمی صدا دماغی می‌شود که این عادی است و باید به همین صورت هم باشد.

۳. این تمرین را هم روزانه سه مرتبه (به مدت یک ماه) انجام دهید و سعی کنید که هوای متناسبی را وارد بینی خود کنید و از ورود هوای اضافی جلوگیری کنید؛ بنابراین برای برطرف کردن صدای دماغی این دو روشی که خدمت‌تان بیان کرده‌ام را انجام دهید:

۱. در زمان صحبت کردن به جای این که دهن‌تان از کنارها باز شود و صحبت کنید بهتر است که برای رفع صدای دماغی لب و دهن‌مان به صورت **0** مانند باز شود.

۲. شمارش ۱ تا ۱۰ را به صورتی انجام دهید که وقتی بینی خود را می‌گیرید دیگر صدای شما دماغی نشود و فقط کمی روی عدد ۹ دماغی شود که این امری طبیعی است.

البته صدای دماغی فقط بر اثر زیاد بودن هوا پدید نمی‌آید، در بعضی از مواقع هم ممکن است که به خاطر عدم هوای کافی در بینی این صدا به وجود بیاید، دقیقاً مثل زمانی که ما سرما خورده‌ایم. وقتی سرما خورده باشیم هوای بسیار بسیار کمی در بینی ما جریان پیدا می‌کند و همین موضوع سبب می‌شود که صدای ما دماغی شود؛ اما چیز جالبی که این‌جا وجود دارد این است که وقتی بعد از دو هفته سرما خوردگی ما خوب می‌شود باز هم صدای مان دماغی است، در صورتی که ما در این زمان می‌توانیم هوای مناسبی را در بینی خود جریان دهیم و مثل قبل عمل کنیم؛ اما مشکل کجاست که این صدای دماغی برای ما باقی می‌ماند؟ پاسخ این است که به دلیل حافظه صدایی این مورد شکل می‌گیرد. حال شاید پرسشی برای‌تان پیداشده باشد که حافظه صدایی به چه معنی است؟

به احتمال زیاد شما هم بعد از دو سه هفته سرما خوردگی شدید که بهبود یافتید صدای‌تان به صورت دماغی باقی‌مانده است. این دقیقاً به خاطر وجود حافظه صدایی ما است. حافظه صدایی مدام در حال پردازش صدای ما است، صدای ما را آنالیز می‌کند و در حافظه خود قرار می‌دهد و زمانی که می‌خواهیم صحبت کنیم، این حافظه صدایی ما است که به حنجره و تارهای صوتی ما دستور می‌دهد که صدای شما چه صدایی را تولید کند؛ و

زمانی هم که بعد از دو سه هفته سرماخوردگی صدای ما دماغی باقی می‌ماند، این دقیقاً به خاطر حافظه صدایی ما است. در واقع حافظه صدایی به حنجره و تارهای صوتی ما دستور می‌دهد که صدای تو دو سه هفته این صدا بوده؛ بنابراین اجازه ندارید که صدای دیگری داشته باشید و چیزی که در حافظه صدایی ثبت شده، این صدا است.

پس نقش حافظه‌ی صدایی در صدای ما می‌تواند بسیار مؤثر باشد، هم در خراب کردن صدا و هم در بهبود صدا. بلی در بهبود صدا!

ما اگر مدام با یک صدای خاصی صحبت کنیم، آن صدا دیگر چیزی از وجود ما خواهد شد. برای مثال افرادی که صدای خود را تغییر می‌دهند و در روز با این صدا صحبت می‌کنند (مثل بچه‌گانه صحبت کردن) در طول روز هم صدای شان به صدایی که ساعت‌ها تقلید می‌کنند تغییر می‌یابد و صدای شان بچه‌گانه و (زیر) می‌شود.

مبحث دوم

رفع صدای زنانه‌ی مردان

همان‌طور که می‌دانید داشتن صدای نازک و زنانه برای گویندگان مرد اصلاً خوشایند نیست، چراکه وقتی یک آقا، صدای زنانه داشته باشد، ممکن است که مشکلات زیادی برایش به وجود بیاید. بد نیست مسایلی که برای گویندگان مردی که صدای نازک، زیر و زنانه دارند را باهم بررسی کنیم:

۱. **مورد تمسخر واقع‌شدن:** داشتن صدای زنانه برای یک مرد باعث می‌شود که یک تعداد از افراد مورد تمسخر قرارشان بدهند، درست است که تمسخر کردن افراد اصلاً خوب نیست؛ اما به‌هرحال باید این را قبول کنیم که متأسفانه افرادی هستند که به‌راحتی هر شخصی را مورد تمسخر قرار می‌دهند.

۲. **جدی گرفته نشدن:** به‌احتمال خیلی زیاد در جمع‌های غریبه افرادی که صدای زیر و زنانه دارند، جدی گرفته نخواهند شد و همین موضوع باعث می‌شود که این افراد از حضور در اجتماع خودداری کنند و افرادی منزوی و یا خجالتی شوند.

۱. **اشتباه گرفتن در زمان صحبت در رادیو**؛ گویندگان مردی که صدای زنانه دارند وقتی در رادیو صحبت می‌کنند فکر می‌کنید که یک خانم در حال صحبت کردن است.

۳. **کم شدن اعتماد به نفس**؛ کم شدن اعتماد به نفس برای گویندگانی که صدای زیر و زنانه دارند یکی از مسایل مهم این افراد است. اما به هر حال این مسایل برای گویندگان مردی که صدای زیر و زنانه داشته باشند به صورت کم یا زیاد وجود دارد؛ ولی خبر خوب این است که ما می‌توانیم با یک تعداد از تمرین‌ها صدایی بم و کلفت داشته باشیم. شاید پرسشی در ذهن شما خظور کرده باشد که چه صدایی خوب است؟ صدای بم یا صدای زیر و نازکی؟

پاسخ دادن به این پرسش که صدای خوب، صدایی بم و کلفت است یا صدای زیر و نازک، اصلاً درست نیست، من در پاسخ به این پرسش خدمت‌تان بیان می‌کنم که اصلاً صدای خوب یا صدای بد وجود ندارد، این صدای مناسب هر شخص است که مهم است و اهمیت دارد. صدای زیر و نازک اصلاً مناسب یک آقا نیست و یا برعکس، داشتن یک صدای کلفت و مردانه برای یک خانم اصلاً مناسب نیست؛ بنابراین صدایی خوب است که متناسب با آن فرد باشد و خوب است که هر شخصی بهترین صدای متناسب با خودش را داشته باشد.

در ادامه راهکارها و فن‌هایی را خدمت‌تان بیان می‌کنم که می‌توانید با تمرین کردن، صدای نازک و زیر خودتان را به صدایی کلفت و بم تبدیل کنید، البته بدیهی هست که این تمرین‌ها مختص به آقایان است؛ اما اگر خانمی صدایی خیلی زیر و نازکی دارد هم می‌تواند این تمرین‌ها را انجام دهد تا صدایش از حد خیلی نازک به یک صدای متعادل زنانه‌ای برسد.

تمرین‌های رفع صدای زنانه‌ی گویندگان مرد

۱. **تمرین اول**؛ یک تمرین فوق‌العاده برای تقویت حنجره و تارهای صوتی و رفع صدای زنانه‌ی گویندگان مرد این است که «تمرین بلند خوانی» را انجام دهیم. این تمرین دقیقاً مثل روخوانی از کتاب در دوران مکتب

- است. اگر خاطرتان باشد در دوران مکتب معمولاً افرادی که صدای بلندی داشتند، برای این کار انتخاب می‌شدند.
- البته زمانی که این تمرین را انجام می‌دهید باید دقت داشته باشید که زیاد از حد به حنجره‌ی خودتان فشار وارد نکنید تا آسیب ببیند. مراقب باشید که به جای بلند خوانی فریاد نزنید. نکته‌ای که باید برای این تمرین‌ها دقت کنید این است که هیچ‌کدام از این تمرین‌ها با چند بار انجام دادن اثربخش نخواهند بود. زمانی این تمرین‌ها اثربخش هستند که به‌صورت مستمر انجام شوند. سعی کنید که برای انجام دادن این تمرین‌ها برنامه‌ریزی کنید، مثلاً دو بار در روز این تمرین‌ها را سه ساعت و سه و سه ساعت ۶ شام انجام دهید، برای این کار می‌توانید ساعت موبایل‌تان را تنظیم کنید تا به شما یادآوری کند.
- ۲. تمرین دوم:** تمرین دوم که برای رفع صدای زنانه‌ی گویندگان مرد بسیار مهم است، تمرین‌های صداسازی است. این تمرین‌ها به‌صورت کاملاً علمی و عملی بوده و برای این‌که صدای بم و کلفت داشته باشیم و صدای زنانه و نازکی خود را از بین ببریم بسیار مؤثر خواهند بود. انجام این تمرین اصلاً چیز دشوار و پیچیده‌ای نیست و برای انجامش هر آهنگی را که می‌شنوید با دهن‌بسته آن را بخوانید. این تمرین برای گرم کردن صدا هم در ابتدای صبح انجام می‌شود که در ادامه به‌طور مفصل در موردش مطلب‌های مهمی را بیان خواهیم کرد. لطفاً این تمرین را به‌صورت روزانه و به مدت ۵۰ روز مداوم انجام دهید. همان‌طور که خدمت‌تان بیان کردم، منظم انجام دادن و داشتن پشت‌کار در انجام این تمرین‌ها بسیار مهم و ضروری است.
- ۳. تمرین سوم:** تمرین سومی که می‌توانید برای رفع صدای زنانه‌ی گویندگان انجام دهید بسیار ساده است. در این تمرین از شما می‌خواهم صدای افرادی را که صدایی بم دارند تقلید کنید. در طول روز هر زمان که فرصت کردید از این تمرین لذت ببرید.

مبحث سوم صدای خشن و رفع آن

ناصافی صدا، خش‌دار بودن و خشن بودن آن در صدای خیلی از گویندگان شنیده می‌شود؛ و زمانی که به صدای خودمان گوش می‌دهیم، متوجه می‌شویم که صدایمان درجایی صاف است و در جای دیگر مثل صدای دروازه‌های مبلایل نخورده قدیمی است که غرغر می‌کند. در این‌جا نمی‌خواهم بگویم که داشتن صدای خش‌دار و خشن خوب است یا بد و در این کتاب قرار نیست به کامل شدن و به بی‌عیب و نقص شدن صدا پردازیم، در اصل هدف از نگارش این کتاب یافتن صدایی است که ما و شخصیت ما را به دیگران به طور مؤثر معرفی کند.

بنابراین قرار نیست که تمام مواردی که در صدای ما است، اصلاح شود و تمام عیوب برطرف گردد. مواردی که برایمان خوب است را نگه می‌داریم و مواردی که نیاز به اصلاح دارد را تصحیح می‌کنیم. حالا اگر شما هم صدای

خشن و خشن‌دار اذیتِ تان می‌کند می‌توانید آن را با راه‌حل‌هایی که خدمت‌تان بیان می‌کنم رفع کنید.

دوستان عزیز، دلیل به وجود آمدن صدای خشن این است که تارهای صوتی هوای کافی برای‌شان نمی‌رسد. اگر دقت کرده باشید در زمان صحبت کردن صدای ما در ابتدا واضح و رسا است؛ اما زمانی که به انتهای جمله می‌رسیم صدای‌مان کم و خشن‌دار می‌شود که دلیل آن به خاطر برخورد کم هوا به تارهای صوتی است. به عبارت دیگر؛ بدن ما در انتهای جمله هوا کم می‌آورد و اشخاصی هم که صدای‌شان کلاً خشن‌دار است دقیقاً به خاطر این است که هوای مناسبی را به حنجره و تارهای صوتی خودشان نمی‌رسانند. در این زمان است که صدای صحبت کردن خشن می‌شود و تارهای صوتی ارتعاش بیش‌تری پیدا می‌کنند که باعث بروز صدای خشن‌دار می‌شود. خودتان همین حالا امتحان کنید و سعی کنید که هوای کمی به حنجره‌ی خودتان بدهید تا متوجه شوید که صدای خشن چگونه به وجود می‌آید. وقتی هوای کمی وارد حنجره‌ی شما می‌شود تارهای صوتی به لرزش می‌افتند و مثل یک موتر یا موترسا یکل که پترویل تمام کرده است ریپ می‌زند.

۱. **تمرین اول رفع صدای خشن**؛ دلیل خشن بودن صدا، هوا است و راه‌حل رفع آن هم هوا است. رسیدن صحیح هوا به تارهای صوتی می‌تواند صدای خشن و تکه‌تکه ما را به یک صدای صاف پیشنهاد می‌کنم تمرین‌های تنفس دیافراگمی را جدی بگیرید و سعی کنید که آن را جزئی از بدن خود نمایید و بدون این‌که به آن فکر کنید انجامش دهید، البته این کار نیاز به زمان و تمرین دارد.

۲. **تمرین دوم رفع صدای خشن**؛ زمانی که صدای شما آرام‌تر و بیش‌تر شبیه به بچ‌بچ است، صدای‌تان خشن‌دار می‌شود. اگر این تمرین را به‌خوبی انجام دهید و هوای مناسبی را به تارهای صوتی خود برسانید صدای شما، صدایی صاف و بدون خش خواهد بود. صدای شما در هنگام صحبت کردن باید طوری باشد که طرف مقابل صدای‌تان را کامل بشنود و مجبور نباشد برای شنیدن صدای شما خم شود و یا چندین بار سوال کند که «چه گفتی؟» صحبتی که انجام می‌دهید یا مهم است و یا مهم نیست. اگر مهم است پس باید آن را با صدایی واضح و رسا بیانش کنید؛ اما اگر مهم نیست پس

چه دلیلی دارد که آن را بیان می‌کنید؟ از شما می‌خواهم بلندی صدای خود را طوری تنظیم کنید که نه زیاد بلند باشد که دیگران را اذیت کند و نه آنقدر کم باشد که بمسختی صدای شما شنیده شود و از طرفی هم در تمرین قبلی متوجه شدیم که اگر صدای ما کم باشد باعث خشدار شدنش می‌شود.

مبحث چهارم صدای آرام و لطیف

صدای آرام و لطیف هم جزو آن دسته از صداهای جذاب محسوب می‌شود؛ اما این جذابیت بسیار خطرناک برای تارهای صوتی ما است. صدای آرام و لطیف به خاطر این‌که دارای آرامش است خیلی از افراد مجذوب آن می‌شوند. در زمانی که این صدا تولید می‌شود، حجم هوای بسیار زیادی از تارهای صوتی ما عبور می‌کنند و همین هوای زیاد باعث می‌شود که تارهای صوتی ما دچار خشکی شود. تصور کنید که یک تکه از پوست دستمان کنده شود و مدام در معرض هوا باشد، چه پیش خواهد آمد؟ هوای زیاد باعث خشکی پوست و از بین رفتن بافت‌های آن می‌شود، همین موضوع هم دقیقاً در زمانی که از این صدا برای صحبت کردن استفاده می‌کنیم برای حنجره‌ی ما پیش می‌آید. اگر زیاد از حد با این صدا صحبت کنیم در بلندمدت باعث می‌شود که دچار لارنژیت شویم. حالا شاید بگویید لارنژیت چیست؟ لارنژیت هنگامی رخ می‌دهد که حنجره و تارهای صوتی متورم و تحریک شود. این وضعیت اغلب باعث گرفتگی صدا یا از دست دادن صدا می‌شود. موارد زیاد است که می‌تواند باعث بروز لارنژیت شود؛ اما مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- سکرت کشیدن طولانی‌مدت
- برگشت اسید معده
- استفاده بیش‌ازحد و نادرست از صدا
- عفونت‌های ویروسی مانند ویروس‌های سرماخوردگی و آنفلوآنزا

درمان لارنژیت

در بیش‌تر موارد که لارنژیت حاد نشده است می‌توان با یک تعداد از درمان‌های خانگی آن را برطرف نمود؛ اما اگر لارنژیت بسیار حاد شده باشد با تشخیص پزشک (داکتر) باید دارو مصرف کرد و یا تن به عمل‌های جراحی داد. در بیش‌تر موارد لارنژیت به‌سرعت ایجاد می‌شود و بیش‌تر از دو هفته طول نمی‌کشد؛ اما اگر بیش‌تر از دو هفته طول بکشد، این بیماری مزمن و حاد است که باید حتماً به پزشک (داکتر) مراجعه کرد. برای درمان لارنژیت سه توصیه می‌توانم بیان کنم:

۱. استراحت دادن صدا و حنجره (سکوت کردن)

۲. نوشیدن آب به میزان مناسب

۳. استفاده از دستگاه بخار برای مرطوب نگه‌داشتن هوای محیط

همان‌طور که در موارد یک و دو اشاره شد، تأمین نشدن رطوبت و خشکی حنجره باعث بروز لارنژیت می‌شود و می‌توان آن را با استفاده از تأمین رطوبت حنجره و محیط درمان کرد. توجه داشته باشید که بدن ما به‌صورت طبیعی حنجره‌ی ما را روغن‌کاری می‌کند تا از آسیب دور بماند. مهم‌ترین علامت لارنژیت عبارت انداز:

- خشونت و گرفتگی صدا
- گوش‌خراش شدن صدا
- بریده‌بریده شدن صدا
- خشکی و درد گلو
- سرفه‌های شدید و خشک
- قورت دادن به‌سختی غذا

دیدیم که استفاده از یک‌صدای به‌ظاهر جذاب می‌تواند چه بلایی سر حنجره ما بیاورد. بچ‌بچ کردن زیاد درگوشی، یا آهسته صحبت کردن در جاهایی مثل استدیو یا کتابخانه به‌صورت طولانی رو یا کارهای مشابه دیگری که ما را به صحبت کردن آرام و لطیف اجبار می‌کند باعث بروز این عارضه می‌شود.

فصل هفتم
تجزیه و تحلیل اصوات

اول: ریشه‌یابی

همان‌گونه که موسیقیدان با استماع نواهای مختلف ایده می‌گیرد، دانشجو هم باید با شنیدن، طرز ادای کلمه‌ها و عبارت‌ها را یاد بگیرد. موسیقیدان با پردازش شنیده‌ها، تجزیه و تحلیل، روش اجرا، توجه به صدا، دقت در فراز و فرودها و غیره اطلاعات و معلومات را گردآوری نموده و در آثارش از آنها بهره می‌گیرد. سیستم شنوایی شما هم به تدریج و با دقت مستمر، مهارت کسب می‌نماید و کاربرد الگوها و داده‌های مفید را پیدا می‌کند. از جمله می‌توان به تلفظ روشن و رسا، سرعت، تأکید، انعطاف‌پذیری صدا، کنترل و تقویت تنفس، ارتعاش، تشدید صوت و مهار عضله‌ها و اندام‌های مؤثر در صداسازی مسلط گردد.

زمانی که تکنیک‌های بیانی ملکه‌ی روح‌تان شوند، از سطح خودآگاه، به ناخودآگاه می‌رسند. در این صورت شفافیت، وضوح و انعطاف‌پذیری جزء لاینفک بیان‌تان خواهد شد و ضرورتی ندارد که هنگام صحبت کردن، نگران کیفیت‌های صوتی باشید. صدای‌تان همانند کمک‌کننده‌ی ماهر و کارآزموده در اختیار‌تان خواهد بود و با احساس و اندیشه‌ی شما به‌طور دایم هماهنگی خواهد داشت. با تجزیه و تحلیل اصوات، حروف مختلف را مورد بررسی و ریشه‌یابی دقیق‌تر قرار داده، روش تلفظ اصولی آن‌ها را به‌خوبی فرا گرفته؛ در نتیجه به راحتی می‌توانید به این مهارت مهم دست‌یابید. ساده‌ترین واحد صوتی قابل تلفظ را «واک» می‌نامند. به‌عنوان نمونه کلمه‌ی آب، متشکل از دو واک «آ» و «ب» است. یا کلمه‌ی «راه» از سه واک «ر»، «ا» و «ه» ساخته شده است. حال با تغییر هریک از آن‌ها، واژه‌ای جدید و با مفهومی متفاوت حاصل می‌شود.

باید توجه کنیم که نحوه تلفظ واک‌های مختلف با یکدیگر، گاه تفاوت بسیار دارند. جهت بررسی بیش‌تر این مورد، کلمه‌ای مانند «صدا» را بررسی می‌نماییم. این واژه از سه واک «ص»، «د» و «آ»، تشکیل شده است. با کمی دقت پی می‌بریم که هنگام ادای دو حرف «ص» و «د» مجرای هوا برای لحظه‌ای بند می‌آید؛ ولی در مورد «آ» چنین مانعی نداریم. برحسب این‌که هنگام ادای واک‌ها، هریک مانع از خروج هوا یا صوت شوند یا عکس آن، آن‌ها را به دو گروه صامت و مصوت، رده‌بندی می‌نمایند.

صامت، اگر گذرگاه صوت ضمن ادای واک بسته و یا محدود شود، به آن صامت، در غیر این صورت مصوت گویند. صامت‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند.

الف، آن‌هایی که هنگام تلفظ، گذرگاه هوا را به‌طور کامل مسدود می‌کنند. انسداد مجرا لحظه‌ای است، پس از آن، صوت با حالتی انفجاری خارج می‌شود. این صامت‌ها را انسدادی گویند؛ مانند: «ب»، «پ»، «ت»، «د»، «ک»، «گ»، «ق»، «و» (همزه) و غیره.

ب، آن‌هایی که هنگام تلفظ، مجرای صوت تنگ یا منقبض می‌گردد و هوا را با فشار از آن بیرون می‌رود؛ به این واک‌ها انقباضی گویند. از جمله صامت‌های انسدادی «ب» و «ذ» و نمونه صامت‌های انقباضی «ش» و «ظ» می‌باشند.

در بررسی صامت‌ها به مورد دیگری نیز اشاره می‌شود. از جمله این‌که با مقایسه «ب» با «ذ» یا «ش» با «ظ» با کمی توجه پی می‌بریم که هم‌زمان با ادای «ذ» و «ظ» تارهای حنجره مرتعش شده و ضمن خروج، امواج صوتی را به وجود می‌آورند و صدا شنیده می‌شود. حال آن‌که هنگام تلفظ «ب» و «ش» صرفاً نفس کارایی دارد؛ بدین معنا که ضمن ادای آن‌ها، تارهای صوتی آزاد بوده و نقشی ندارند. بدین خاطر حروف گروه اول را «آوایی» و بعدی را «بی‌آوا» گویند. معمولاً برای ادای صامت‌های آوایی، انرژی کمتری صرف می‌گردد؛ زیرا هوا پیش از خروج از دهان، تارهای صوتی را مرتعش می‌کند؛ ولی جهت تلفظ حروف «بی‌آوا»، هوا باید با حجم و شدت بیش‌تری جریان یابد و مقداری از آن نیز هدر می‌رود.

برای تلفظ صامت‌ها، یک‌سری عضله‌ها، اجزای فعال در صداسازی می‌باشند. اندام‌های مربوط عبارت‌اند از: کام، زبان، لثه، دندان‌ها و لب‌ها. محل شکل‌گیری صامت را مخرج آن می‌نامند. اگر درباره‌ی سقف‌های گنبدی یک‌سری از مساجد و بناهای تاریخی مطالعه کنیم، به نکته‌های جالبی برمی‌خوریم از جمله این‌که منحنی قوس آن‌ها نقش مؤثری در رساندن صدای خطیب به مستمعین داشته است. مشابه این مورد، سقف دهان خودمان است که به‌مثابه یک اندام مهم و اساسی در انتشار صوت است و قسمت‌های مهم آن عبارت‌اند از: نرم‌کام که به زائده‌ی کوچکی به نام زبان کوچک ختم می‌شود. زمان ادای حروفی غیر از «م» و «ن» زبان کوچک، میسر ورود هوا به بینی (خیشوم^{۲۵}) را مسدود نموده و موقع پایین افتادن باز می‌کند. نام دیگر زبان کوچک ملازه است. بخش پیش‌تر نرم‌کام، پس‌کام است که هنگام تلفظ «ک» یا «گ» با زبان تماس پیدا می‌کند.

پیش‌کام ابتدای سقف دهان قرار داشته و مابین این دو قسمت را که گنبدی شکل و سفت است را میان‌کام می‌نامند. یکی از علل تفاوت صدا در افراد مختلف، همین منحنی سقف دهان است. مسیر عبور هوا از حنجره تا دهان، در کیفیت صدای به وجود آمده، نقش اساسی ایفا می‌کند. اگر به نحوه‌ی ادای حرف «ن» دقت کنیم، می‌بینیم که پس از مسدود شدن لب‌ها، صوت از خیشوم گذشته و از بینی خارج می‌گردد و پس از باز شدن لب‌ها، واگ شنیده می‌شود. به حروف «م» و «ن» واگ خیشومی می‌گویند. اکنون با توجه به مطلب‌های گفته‌شده به شرح حروف می‌پردازیم. درست تلفظ کردن واژه‌ها نیاز به زمان دارد. صبور باشید؛ پس از انجام یک‌سری تمرین‌های دوره‌ای، خودبه‌خود این نارسایی برطرف می‌گردد.

مصوت: به واکی گویند که بدون انسداد مجرای تکلم از جمله دهان ساخته شود و هنگام ادای آن، اجزای فعال در صداسازی، بسته یا منقبض نگردند؛ ولی تعدادی از آن‌ها تغییر وضعیت داده و اصوات متفاوت به گوش می‌رسند. از جمله می‌توان به مقدار باز یا بسته بودن دهان اشاره کرد که نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

^{۲۵} خیشوم، بینی.

موقع ادای یک مصوت ساده، مجرای مربوطه تغییری نمی‌کند؛ ولی اگر پس از آغاز گویش مصوت ساده، حالت گذرگاه به شکل دیگری درآید و مصوت ساده‌ی دیگری را بیان نماید، صوت متفاوتی به وجود می‌آید که به آن ترکیبی گویند.

دوم: تلفظ مصوت‌ها

زبان فارسی دارای هشت مصوت ساده است که نام و نحوه‌ی تلفظ آن‌ها توسط دستگاه تنفسی در ذیل آمده است:

۱. **آ (a) الف مفتوح**: زبان روی سطح تحتانی قرار گرفته و کمی عقب کشیده می‌شود و قسمت پیشین آن اندکی بالا می‌رود. فک پایین رفته و لب‌ها باز می‌شوند یعنی این مصوت یک مصوت پایینی، جلوی، ناگرد و باز است؛ مانند: أحمد، أبر.

۲. **إ (i) الف مكسور**: فک کمی پایین آمده و قسمت پیشین زبان اندکی بالا می‌آید. فک نیمه‌باز می‌شود و لب‌ها کمی گشوده می‌گردند؛ مثال: ابراهیم، استعانت، إلتفات.

۳. **أ (u) الف مضموم**: بخش پسین زبان کمی بالا رفته و فک نیمه‌باز می‌گردد. لب‌ها از دندان‌ها فاصله گرفته و غنچه می‌شود؛ مثال: أُحد، أُردو، أُبَته.

۴. **آ (a) الف معدود**: زبان در حالی که آزاد است، قسمتی عقب آن کمی بالا می‌رود. فک و لب‌ها هم‌زمان باز شده و صدا خارج می‌شود؛ مثال: آمنه، آیین، آیت.

۵. **ای (i) ای معروف**: قسمتی پیشین زبان بالا رفته و در وضعیتی که آرواره نیمه بسته است، لب‌ها با کمی فاصله از یکدیگر کشیده می‌شوند. در این حالت صوت خارج می‌گردد؛ مثال: ایثار، ایمان، ایدون.

۶. **ای (e) ای مجهول**: مصوت میانی، جلوی، ناگرد و بسته است یعنی زبان در هنگام تلفظ در میان جوف دهن قرار گرفته، زبان به جلو می‌آید و لب‌ها ناگرد می‌باشد. مانند: دیر (ناوقت)، سیر، پنیر.

۷. او (u) و او معروف؛ بخش پسین زبان به طور کامل بالا آمده و فک اندکی گشوده می‌گردد و لب‌ها ضمن دور شدن از دندان‌ها غنچه می‌شوند و صدا از سوراخ کوچکی بیرون می‌آید؛ مثال: یا هو، بوران، مولیان.

۸. او (o) و او مجهول؛ یک مصوت عقبی، گرد و میانی است که زبان به طرف عقب جوف دهن حرکت نموده لب‌ها گرد شده الاشه بسته می‌شود. مانند: دانشجو، بگو، کوه.

از این‌ها گذشته، دو مصوت ترکیبی نیز داریم که عبارت‌اند از (w, y) به نام شبه واول یاد می‌شوند و با مصوت‌ها ترکیب می‌شوند. (aw) آو در کلمه رَو ؛ (ay) آی در کلمه نی؛ (ay) آی در کلمه پای؛ (aw) آو در کلمه پاو؛ (ew) ایو در کلمه غریو؛ (oy) اوی در کلمه جوی و ...

هنگام ادای مصوت‌ها، در وضعیتی که هیچ‌یک از اندام‌های صوتی بعد از حنجره حرکتی نداشته باشند، به این حالت زبان دوم می‌گویند؛ ولی باید خاطر نشان کرد که این اختلاف زمانی کشیدن وا‌ک‌ها در ادای عبارت‌های فارسی، به‌ویژه در شعرخوانی که وزن آن بر نظم آهنگین مصوت‌ها «هجاها» بنا گردیده، باید رعایت شود. در گفت‌وگوهای روزمره به‌طور معمول به این موارد چندان توجه نمی‌کنند. گاهی بسته به جایگاه مصوت در کلمه و یا معنا و مفهوم جمله‌ای که کلمه جزئی از آن است به این کشش‌ها اهمیت داده می‌شود.

به‌عنوان نمونه هرگاه مصوت‌های «آ»، «ا» و «أ» پیش از دو صامت پشت سر هم قرار گیرند، کشیده‌تر ادا می‌شوند؛ مثال: آرژنگ، اِتکاف، اُردی‌بهبشت. هرگاه مصوت «او» در انتهای کلمه باشد، مختصرتر ادا می‌گردد. هرگاه مصوت «آ» پیش از وا‌ک خیشومی «ن» قرار گیرد، کوتاه‌تر تلفظ می‌شود؛ مثال: قرآن، سندان، پیران.

هرگاه مصوت «ای» قبل از دو صامت آخری کلمه قرار گیرد، همانند اصل خودش تلفظ می‌شود؛ مثال: بینا، یکی، سیاه.

اما در سایر موارد دیگر کوتاه‌تر است؛ به‌عنوان مثال؛ واژه‌های امید، عید و محیط به‌طور مختصر ادا می‌گردند.

سوم : تجوید

در لغت، به معنای فن درست ادا کردن حروف و کلمه‌ها در تلاوت قرآن است؛ ولی کلاً به مهارت درست تلفظ کردن اجزای صامت‌ها و مصوت‌ها، تجوید گویند. تجوید غالباً از وسط زبان صورت می‌گیرد.

مثال:

(ز) پیش زبان

(ر) نوک زبان

چهارم: تلفظ صامت‌ها

۱. «ه» همزه، این صورت با باز و بسته شدن سریع شکاف حنجره ساخته می‌شود و برای یک لحظه، ملایزه (زبان کوچک) به انتهای زبان می‌چسبد. غالباً زمانی که همزه در آغاز کلمه است، هنگام تلفظ کامل این واک آوای شکاف کاملاً مسدود می‌گردد.

۲. در بسیاری موارد اگر همزه در وسط با انتهای کلمه قرار گیرد، بسیار نرم تلفظ می‌شود؛ غالباً بدین خاطر است که مصوت قبلی کشیده‌تر ادا شود؛ در این حالت شکاف نیمه‌باز است. در زبان شیرین فارسی، حروف «همزه» و «ع» تقریباً مشابه یک‌دیگر تلفظ می‌شوند؛ مثال: ابناء، جرئت، هیئت.

۳. «ب» جهت ادای این حرف (واک) فک نیمه‌باز و لب‌ها به هم می‌چسبند و جریان عبور هوا به مدت کمی بند می‌آید. زمانی که لب‌ها به سرعت باز می‌شوند، صدا به گوش می‌رسد. از آنجا که این صوت در حنجره ساخته می‌شود، صامت آوایی است. باید توجه داشت موقع باز شدن مخرچ واک، به‌جز صوتی که در حنجره به وجود می‌آید، مقدار اندکی هوا نیز بیرون می‌رود که صدا را نافذتر و دل‌نشین‌تر می‌کند؛ مثال: بیر، بادبادک، بریط.

۴. «پ» برای تلفظ این حرف (واک)، لب‌ها به هم می‌چسبند و جریان هوا را تا لحظه‌ای می‌بندند. هوا در گونه‌ها متراکم می‌گردد. زمان جدا شدن سریع لب‌ها که حالت انفجاری دارد، صدا تولید می‌شود. حرف «پ» در زمره صامت‌های بی‌آوا است؛ مثال: پیر، پایپای، پرپشت، پتپت.

۵. «ت»: برای ادای این حرف، در وضعیتی که آواره نیمه‌باز است، نوک زبان به پشت دندان‌های پیش و کناره لثه‌های فک بالا تماس پیدا کرده و برای لحظه‌ای جریان هوا را به طوری که امکان خروج نداشته باشد، قطع می‌نماید. با آزاد شدن زبان، صوت خارج می‌شود. اگر این کار به خوبی صورت نگیرد، کیفیت صدا مطلوب نخواهد بود. حرف «ت» بی آوا است؛ مثال: تواتر، توتیا، تیزک.
۶. «ث»: برای ادای این حرف آوایی، نوک زبان به طور کامل و سادگی پشت دندان‌های پیش فک بالا قرار می‌گیرد؛ مثال: ثلث، تثلیث، ثمین.
۷. «ج»: برای ادای این حرف، لب کمی باز و کشیده و زبان اندکی رو به بالا خم می‌گردد؛ جلو آن بالاتر از قوس لثه، نزدیک به سقف دهان، در نقطه‌ای فشرده می‌شود. عده‌ای از صاحب‌نظران این واک را در زمره‌ی صامت‌های ترکیبی زبان فارسی آورده می‌گویند؛ از دو داک انسدادی و انقباضی «د» و «ژ» تشکیل شده است، ولی در تلفظ، معلوم نیست. حرف «ج» آوایی است؛ مثال: جوجه، جنگجو، جغجغه.
۸. «چ»: برای تلفظ این واک زبان کمی رویه بالا خم می‌گردد و وسط آن بالاتر از قوس لثه نزدیک به سقف دهان در یک نقطه فشرده می‌شود. این را هم جزء صامت‌های ترکیبی به شمار می‌آورند و متشکل از دو واک انسدادی و انقباضی است. از ادای فشرده «ت» و «ش» به وجود می‌آید؛ ولی در محاوره خیلی واضح نیست. «چ» در ردیف حروف بی آوا است؛ مثال: چایچی، چارچنگولی، چهچهه.
۹. «ح»: حروف چ بی آوا بوده و از انتهای حلق ساخته شده و زبان بی حرکت است؛ مثال: محمد، وحدانیت، موحد، حمد.
۱۰. «خ»: این حرف آوایی، از تماس زبان کوچک با حد نهایی عقب زبان به وجود می‌آید. گاهی به آن «غلطان» نیز می‌گویند که از تماس‌های مکرر زبان کوچک بر قسمت خلفی زبان ساخته شده و نرم‌تر ادا می‌گردد؛ مثال: خلخال، تخت‌خواب، خوش‌خو.
۱۱. «د»: برای تلفظ این حرف (واک) آوایی، نوک زبان در وضعیتی که آواره نیمه‌باز است، به پشت دندان‌های پیش و کناره‌ها، به لثه‌های فک بالا تماس پیدا کرده و لحظه‌ای جریان هوا را قطع می‌نماید، به طوری که

امکان خروج نداشته باشد. اگر این عمل به نحو مطلوب اجرا نگردد، صدا واضح نخواهد بود. زبان کی هم حالت مکندگی دارد؛ مثال: دادا، دد، دژدار، دود.

۱۲. «ذ»: برای ادای این حرف آوایی، نوک زبان در وضعیتی آرواره نیمه‌باز است، به قسمت داخلی دندان‌های پیشین و پیرامون لثه‌های فک فوقانی فشار می‌آورد. برای لحظه‌ای هوا باید در این محدوده حبس شود؛ مثال: ذکاء، ذریه، ذات.

۱۳. «ر»: این واگ آوایی در اثر برخوردی متوالی نوک زبان با سقف دهان و هم‌زمان با آن هدایت پُرفشار هوا از حلق به‌پیش تواتر حاصله با پس لثه‌های فک بالا تولید می‌شود.

نحوه‌ی تلفظ واگ آوایی «ر» نیز همانند اکثر واگ‌های بسته به جایگاه خود در کلمه‌ها، احتمال دارد اندکی تنوع داشته باشد؛ مثال: رودرور، رفتار، سردار.

۱۴. «ز»: برای ادای این واگ آوایی هوا از میان مجرای ساخته‌شده در وسط زبان می‌گذرد و نوک زبان با قسمت پیشگام سقف دهان، تماس فشاری و ارتعاشی دارد. در این قسمت آرواره تقریباً بسته است؛ مثال: زلزالی، زال ز، زلزلی.

۱۵. «ژ»: این صامت آوایی از تماس فشرده‌ی پیش زبان با قسمت پیشگام سقف دهان و کناره‌های آن با لثه‌ها، در حالتی که از داخل کمی قوس دارد، حاصل می‌شود. آرواره نیمه بسته بوده و تغییر شکل لب‌ها موجب تشدید می‌گردد؛ مثال: ژاز، ژوژ، ژاله.

۱۶. «س»: برای تلفظ این واگ (حرف) بی آوا، ابتدا بین ردیف دندان‌های بالا و پایین کمی فاصله ایجاد می‌کنیم، نوک زبان به شکل مستقیم و بدون انحناء در این حدفاصل قرارگرفته و جریان هوا برقرار می‌گردد. موضوع و کیفیت صدا بستگی به درز خروجی و صاف بودن دندان دارد؛ مثال: سوسن، سلیس، سیاست.

۱۷. «ش»: این صامت بی آوا است. برای ساختن آن، زبان خم‌شده و نوک آن در زیر دندان‌های جلو فک پایین قرار می‌گیرد. آرواره تقریباً بسته

- است و مقدار هوای خروجی نسبت به سایر حروف بیش تر است؛ مثال: شش درانگ، شمش، شمشاد.
۱۸. «ص»: برای ادای این واک آوایی، نوک زبان با مرز بین دندان‌های پیشین فک فوقانی و لثه و کناره‌های آن با ردیف داخلی دندان‌های مربوطه تماس دارد؛ مثال: صلصال، صمصام، صعود.
۱۹. «ض»: برای ادای این واک آوایی، نوک زبان به پشت دندان‌های پیشین فک فوقانی و لثه و کناره‌های آن به ردیف دندان‌های داخلی مربوطه می‌چسبد. فاصله‌ی بین فکین ناچیز است؛ مثال: ضمیر، ضراب، ضواحک.
۲۰. «ط»: برای ادای این واک بی‌آوا، جلو زبان در پشت ردیف دندان‌های پیشین فک بالا به حالت خلأ قرار می‌گیرد. در این وضعیت فاصله فکین بسیار کم و مقدار هوای خروجی اندک است؛ مثال: طوطی، طمطراق، طنطنه.
۲۱. «ظ»: برای تلفظ این واک آوایی، نوک زبان به پشت ردیف دندان‌های پیشین فک بالا فشار آورده و خلأ ایجاد می‌کند. در این حالت مانع عبور فرکانس‌های صوتی از بین زبان و دندان‌ها می‌شود. در این وضعیت فاصله‌ی فکین بسیار کم و مقدار هوای خروجی ناچیز است.
۲۲. «ع»: محل تشکیل این حرف در ابتدای گلو و محل اتصال کردن به سر بوده و صدای آن از انتهای حنجره درمی‌آید واک «ع» آوایی است؛ مثال: عقل، عاقر، عنقا.
۲۳. «غ»: محل تشکیل این حرف آوایی کمی پایین‌تر از واک «غ» است و صدای آن از انتهای حنجره درمی‌آید؛ مثال: غلغله، غوغا، غور.
۲۴. «ف»: برای ادای این حرف آوا، آرواره اندکی باز می‌شود و دندان‌های پیش فک بالا به آرامی ولی محکم به لب زیرین فشار می‌آورند. هوا به جوانب لب و دندان‌ها برخورد نموده و بیرون می‌رود. به آن واک سایشی نیز می‌گویند؛ مثال: فرفره، فجر.
۲۵. «ق»: برای ادای این حرف آوایی، زبان به سمت حلق جمع و برای زمان کوتاهی، زبان کوچک با انتهای آن تماس یافته و رها می‌شود. صدا از

حلق بیرون می‌آید. در زبان فارسی میان تلفظ «ق» و «غ» تفاوتی وجود ندارد؛ مثال: قیماق، قیقاچ، قرقاول.

۴۶. «ک»: محل تشکیل این صامت آوایی در ابتدای گلو و کمی پایین‌تر از نقطه‌ی مشابه برای واک «غ» است. بخش انتهایی زبان بالا می‌رود و به نرم‌کام چسبیده و از خروج هوا جلوگیری می‌نماید. پس از آزاد شدن زبان و خروج هوا، صدا به گوش می‌رسد؛ مثال: کبک، کاکوتی، کیکاوس.

۴۷. «گ»: محل تشکیل این صامت، کمی پایین‌تر از نقطه‌ی مشابه برای حرف «ک» است. بخش انتهایی زبان بالا می‌رود و با نرم‌کام تماس یافته و مانع از خروج هوا می‌گردد. پس از آزاد شدن زبان و خروج هوا، صدا به سمع می‌رسد؛ مثال: کرگ، گرگان.

۴۸. «ل»: برای ساختن حرف «ل» نوک زبان به قسمت پیش‌کام قوی دهان چسبیده و از خروج هوا جلوگیری می‌کند. لیکن پس از باز شدن دهان، کناره‌های زبان پایین آمده و هوا از دو طرف آن خارج می‌شود. واک «ل» غالباً آوایی تلفظ می‌شود؛ ولی زمانی که در آخر کلمه و به دنبال یک حرف آوایی قرار گیرد. بی‌آوا می‌گردد. (مانند شکل، عک، کامل) مثال: لیلاد، مدلل، لبالب.

۴۹. «م»: برای تلفظ «م» دو لب به هم چسبیده و نرم‌کام پایین می‌آید و صوت از طریق حفره خیشوم خارج می‌شود. اهمیت «م» از لحاظ فن بیان در این است که استفاده از دو ویژگی آوایی و زمان بودن آن، ارتعاش به وجود آمده در لب‌ها کاملاً محسوس است که برای مشخص کردن منشأ و تشخیص تن صدا، اهمیت دارد. باید یادآور شویم تا زمانی که لب‌ها از یکدیگر فاصله نگیرند، واک کامل نمی‌شود. باید متذکر شد که این حرف زمانی که در انتهای کلمه و پس از واک آوایی قرار گیرد، کاملاً بی‌آوا می‌شود. (مانند حتم، مریم، صنم.)

مثال: محمد، ممدوج، میمک، محرم.

۳۰. «ن»: برای ادای حرف آوایی «ن» نوک زبان با مرز مابین دندان‌های پیشین و لثه فک فوقانی تماس می‌یابد. نرم‌کام پایین آمده و به

صوت اجازه می‌دهد تا از خیشوم خارج گردد. زمانی صوت کامل است که زبان از لثه جدا شود. بسته به طرز ادای این حرف در کلمه‌ها و جمله‌های مختلف، تنوع الفاظ کاملاً آشکار است. موقعی که این حرف در انتهای کلمه و پس از یک واک آوایی قرار گیرد. کاملاً بی‌آوا می‌شود (مانند، متن، ظن، تمدن).

مثال: نان، نگهبان، نوانخانه.

۳۱. «و»: برای ادای این حرف آوایی، در حالتی که آرواره کمی باز است دندان‌های بالا به‌آرامی و ثابت بر لب پایین فشار می‌آورند و هوا از جوانب لب و دندان می‌گذرد از این رو این صامت را سایشی می‌گویند؛ مثال: کاووس، وجود، وقوف.

۳۲. «ه»: برای ادای این حرف بی‌آوا، در حالتی که آرواره باز است، دهانه‌ی حنجره و کمی گشوده شده و در فاصله‌ی مابین دهان گلو به‌سادگی ساخته می‌شود زمانی که واک مابین دو صامت قرار گیرد، کاملاً آوایی می‌شود. (مانند کمک، مهتر، لهجه). مثال: هلهله، قهقهه، همهمه.

۳۳. «ی»: برای ادای این حرف آوایی، ضمن عبور هوا مجرای دهان، زبان به‌طرف عقب جمع و لب‌ها به طرفین کشیده می‌شوند. این واک را به علت شباهتی که با مصوت «ای» دارد، نیم مصوت نیز می‌نامند؛ مثال: یکی، یآوری، یقین.

پنجم: سلفژ

اگر بدن انسان را به‌مثابه یک ساز در نظر بگیریم، میزان کردن صدا با نت‌های موسیقی را سلفژ گویند که برای صداسازی بسیار مفید است؛ زیرا آن را مطابق قاعده و معیار علمی تنظیم می‌کند. فراگیری آن نیاز به تمرین، زیر نظر استاد موسیقی دارد.

الفبای زبان موسیقی نت است. نت‌ها اصوات خوشایندی می‌باشند که با ترکیب آن‌ها قطعات موسیقی شکل گرفته و می‌توان به روی کاغذ آورد. صدا و آواز انسان را نیز می‌توان با کمی خطا، به کمک نت ثبت کرد. کلاً هفت نت

اصلی داریم که عبارت‌اند از: **Do, Re, mi, fa, Sol, La, Si**.

تعداد خطوط حامل اصلی، پنج تا است که به همراهی جایگاه نت‌ها در زیر

نشان دادیم:

Do

Si

La

Sol

Fa

Mi

Re

Do

ملودی، تواتر یا فرکانس یک نت است و عبارت است از تعداد نوسان در ثانیه. **ریتم**، زمان کشش یک نت است.

هر چه از خطوط حامل پایین‌تر برویم، صدا بم‌تر و فرکانس آن کمتر می‌گردد و هر چه بالاتر برویم، صورت زیرتر و فرکانس آن بیش‌تر می‌شود. اگر فرکانس یک نت دو برابر دیگری باشد، فاصله‌ای بین این دو تا را یک اکتاو گویند. به‌عنوان نمونه در این‌جا فاصله‌ی مابین **Do** پایین تا **Do** بالا، یک اکتاو است. برای فراگیری نت‌ها باید صدای آن‌ها را باز سازها یا پخش‌کننده‌ها به‌کرات و با تمرکز کامل شنید و به خاطر سپردن تا ملکه ذهن گردند و به اصطلاح دارای گوش موسیقایی شوید.

معمولاً جهت آموزش سلفژ و نت‌ها از پیانو استفاده می‌کنند؛ چراکه صدای نت‌ها را دقیق و خالص به گوش می‌رساند. دیگر این‌که داری هفت اکتاو بوده و از این نظر ساز کاملی است. هنرجویانی که مراحل تکمیلی صداسازی را جهت گویندگی، فن بیان، تیاتر و آواز می‌گذرانند، لازم است که این مهارت را نیز بیاموزند. می‌دانیم الفبای یک‌زبان، کمک زیادی به یادگرفتن آن می‌نماید؛ بدین جهت اگر یک هنرجوی فن بیان نت یز ن بداند، برایش مفید است. از جمله این‌که صوت انسان را تحت قاعده و معیارهای تنظیم نموده و خصوصاً فراگیری تجوید را تسهیل می‌کند.

فصل هشتم سرعت، سکوت و مکث در گویندگی

این فصل شامل مباحث‌های

زیر است:

مبحث اول، سرعت در گویندگی

مبحث دوم، تغییر سرعت در گویندگی

مبحث سوم، مکث در صدا و گویندگی

مبحث اول سرعت در گویندگی

سرعت صحبت کردن یکی از عواملی است که در تأثیرگذاری روی مخاطبان و همین‌طور واضح بودن صحبت‌های ما می‌تواند مؤثر باشد. اگر سرعت صحبت شما ثابت باشد مخاطبان شما خسته می‌شوند و گویندگی شما کسالت‌بار خواهد شد؛ مگر آن‌که محتوای خیلی ارزشمندی داشته باشید. اگر سرعت گویندگی شما تند و شدت آن بالا باشد مخاطبان ممکن است فکر کنند که شما نگران و مضطرب هستید و نیاز است هر از گاهی سرعت خود را کم کنید و تأکیدها را انجام دهید.

اگر سرعت گویندگی شما کم باشد برنامه‌ی شما فاقد انرژی و هیجان خواهد بود. از این رو بهترین گزینه برای سرعت گویندگی داشتن تنوع سرعت در گویندگی است و در حالت عادی بهتر است که سرعت گویندگی ما حدود ۲۵ درصد بیشتر از میانگین سرعت صحبت مخاطبان باشد تا پُرانرژی شود این را به یاد داشته باشید که فقط جمله‌های که بیان می‌کنیم نمی‌تواند بر مخاطب ما مؤثر باشد.

نحوه‌ی بیان ما، سرعت صحبت کردن، مکث‌هایی که در بین صحبت‌مان انجام می‌دهیم، تأکیدهایی که در یک تعداد واژه‌های خودمان به‌کار می‌بریم و آهنگی که طرز بیان ما دارد می‌تواند جمله‌ها و صحبت‌های ما را بسیار زیبا و تأثیرگذارتر کند. از شما می‌خواهم که سرعت صحبت کردن خودتان را با دیگران مقایسه کنید، برای این کار صدای خود را به‌وسیله‌ی موبایل یا هر وسیله‌ی دیگر ضبط کنید و بشنوید و یا تکرار برنامه‌ی خودتان را بشنوید، سپس سرعت صحبت کردن صدای خود را با دیگران مقایسه کنید. آیا سرعت

صحبت شما پایین است یا بالا؟ شاید هم سرعت صحبت کردن تان در حد وسط باشد. سرعت صحبت کردن ما می‌تواند به سه عامل بستگی داشته باشد:

۱. شُغلم
۲. شنونده‌ام
۳. موقعیتم

این سه عامل می‌تواند تعیین‌کننده سرعت ما باشند. امکان دارد که سرعت صحبت کردن در یک تعداد از شهرها و کشورها باهم متفاوت باشد.

۱. **شُغلم**: اگر به صحبت کردن دیگران دقت کنید و روی سرعت صحبت شان دقیق شوید احتمالاً به این نتیجه برسید که هر شخصیتی و یا هر شخصی که شغل خاصی دارد، سرعت صحبت کردنش متفاوت است. برای مثال مشاوران روان‌شناسی سرعت صحبت کردنشان پایین است، آرام و متین‌تر صحبت می‌کنند. مشاوران املاک و سخنگویان سرعت صحبت کردنشان بیش‌تر است و تن صدایشان بالاتر است. یا مربی‌های آموزشگاه‌ها لطیف‌تر و آرام‌تر صحبت می‌کنند. در خیلی از مواقع شغل هر شخص و روحیاتی که دارد مشخص می‌کند که چه سرعت صحبت کردنی برایش مناسب است.

۲. **شنونده‌ام**: این‌که مخاطب ما چه کسی است هم یکی از عواملی است که سرعت صحبت کردن ما را مشخص می‌کند. برای مثال: فرض کنید یک استاد دانشگاه که سرعت صحبت کردنش از افراد معمولی کمی بالاتر است بخواهد با افراد سالمند یا کودکان صحبت کند. اگر سرعت صحبت کردنش زیاد باشد به احتمال خیلی زیاد افراد سالمند یا کودکان متوجه صحبت کردنش نخواهند شد، یا اگر شخصی که سرعت صحبت کردنش پایین است بخواهد برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد صحبت کند، به احتمال زیاد صحبت‌هایش برای دانشجویان جذاب نخواهد بود؛ بنابراین با توجه به سرعت صحبت کردن مخاطب ما باید سرعت صحبت کردن مان را تغییر دهیم. پس در اینجا مشاهده کردید که سرعت صحبت مخاطب می‌تواند تعیین‌کننده این باشد که ما از چه سرعتی پیروی کنیم. اگر لازم بود

جایی سرعت صحبتِ مان را بالا می‌بریم و یا اگر هم لازم بود سرعت را پایین می‌آوریم.

۳. **موقعیتم؛** و سومین عامل تعیین‌کننده برای سرعت صحبت کردن این است که ما در چه موقعیتی قرار داریم. یا فرض کنید ما در حال اجرای برنامه‌ای هستیم که مخاطب برنامه از تمام سنین و قشرهای مختلف جامعه‌اند. حالا باید چه‌کاری انجام دهیم؟ در این حالت‌های سرعت صحبت کردن ما باید طوری باشد که نه برای یک تعداد اقشار خسته‌کننده باشد و نه طوری باشد که مخاطبان متوجه صحبت ما نشوند.

۴. بهتر است که سرعت صحبت کردن ما در این موقعیت کمی بیش‌تر از نُرم جامعه باشد؛ اما خوب این را هم فراموش نکنید که قرار نیست ما، مثلاً در یک برنامه نیم‌ساعته فقط با یک سرعت مشخص صحبت کنیم. خوب است که در جاهایی مختلف از جمله‌های ما سرعت صحبت کردن مان بالا یا پایین بیاید و صحبت کردن مان آهنگین باشد. اگر سرعت صحبت کردن مان یک‌نواخت باشد مثل این است که ما ربات هستیم.

مبحث دوم تغییر سرعت در گویندگی

تمرینی که برای تغییر سرعت صحبت کردن و آهنگین کردن صحبت می‌توانم به شما بگویم این است که: قسمتی از کتاب یا روزنامه‌ای را انتخاب کنید و سعی کنید که جمله‌های آن را با توجه به مفهومی که دارد سرعت صحبت کردن تان را بالا و پایین ببرید و به صحبت خود آهنگ دهید. مثل یک تعداد گوینده‌های رادیو متن‌هایی را بخوانید و از شما می‌خواهم که صدای خودتان را ضبط کنید و سپس به آن گوش دهید. اگر این تمرین را مدتی انجام دهید و در انجامش مداومت داشته باشید کم‌کم سرعت صحبت شما در جمع‌هایی که هستید کنترل‌شده‌تر خواهد بود و می‌توانید با توجه به خودتان، مخاطب تان و موقعیتی که در آن حضور دارید سرعت و آهنگ صحبت خودتان را مدیریت کنید. شنیدن صدای خودتان را دست‌کم نگیرید، وقتی صدای خودتان را می‌شنوید کاملاً متوجه می‌شوید که آیا سرعت صحبت کردن و آهنگی که دارد مناسب است یا خیر.

۱. انرژی صدای، صدایی که هیچ آهنگ و فرازوفرود و انرژی ندارد، بسیار کسل‌کننده است. اگر پای سخنان گوینده که یک‌نواخت و مونوتن

صحبت می‌کنند، نشسته باشید. احتمالاً بعد از ده‌پانزده دقیقه خواب‌تان می‌برد. فرض کنید که شما مجبور باشید به چنین صدایی برای یک ساعت گوش دهید، چه خواهد شد؟ به شما قول می‌دهم که بعد از گذشت چند دقیقه خواب‌تان ببرد و یا این‌که حواس‌تان پرت موبایل یا مشکلاتی که دارید شود.

۲. **زیروبمی صدا**؛ وقتی از صدای بم‌تر از حالت طبیعی استفاده می‌کنیم نشان‌دهنده‌ی آن است که آنچه می‌گوییم جدی است و می‌تواند به جدیت و متانت و سنگینی گوینده بیافزاید؛ و در کل صدای بم و کلفت تداعی‌گر اقتدار و قدرت است و وقتی از صدای زیر استفاده می‌کنیم؛ انرژی و هیجان ما را نشان می‌دهد. با زیرتر یا بم‌تر کردن صدای طبیعی‌مان با توجه به موقعیت می‌توانیم برنامه را جالب‌تر، جذاب‌تر و گیراتر کنیم.

مبحث سوم مکث در صدا و گویندگی

یکی از قوی‌ترین فن‌های گویندگی استفاده قدرت‌مند از مکث (سکوت) است و وقتی، به مدت یک، دو یا گاهی سه ثانیه مکث می‌کنیم این مکث، اثربخشی صحبت‌هایمان را چند برابر می‌کند؛ چون:

اول، این فرصت را در اختیار ما قرار می‌دهد که به ادامه‌ی آنچه می‌خواهیم بگوییم، فکر کنیم.

دوم، این فرصت را به شنوندگان می‌دهد که نظراتِ مان را تجزیه و تحلیل و جذب نمایند.

سوم، نشان می‌دهد که ما بر اوضاع مسلط هستیم و اعتماد به نفس زیادی در هنگام صحبت کردن داریم.

در جاهای مختلفی مکث کاربرد دارد؛ اما در اینجا هشت تا از مهم‌ترین‌های آن‌ها را بیان می‌کنیم.

اول، **مکث ادراکی**، وقتی ما دو یا سه جمله را بیان می‌کنیم بعد از آن مکث می‌کنیم تا ذهن شنونده آنچه را گفتیم تجزیه و تحلیل کند و به خوبی درک نماید که به آن مکث ادراکی می‌گوییم.

دوم، **مکث نمایشی**، وقتی می‌خواهیم به نکته‌ی مهمی اشاره کنیم که لازم است شنوندگان به صورت ویژه‌ای به آن توجه کنند که به آن مکث، نمایش گفته می‌شود البته می‌توان هم قبل از بیان نکته و هم بعد از بیان نکته از این مکث استفاده کرد.

سوم، **مکث تشخیصی**، سه جمله در میان مکث در یک یا دو ثانیه‌ای تا ذهن شنونده تشخیص دهد، چه می‌گویید.

چهارم، **مکث ناگهانی**، این نوع مکث نیز بسیار مؤثر است و موجب تمرکز مخاطب می‌شود.

پنجم، **مکث تأکید کننده**، در این روش مطلب مهم را بیان کرده، دو ثانیه مکث و سپس دوباره آن را تکرار می‌کنیم.

ششم، مکث اهمیتی، همان‌طور که از نام آن مشخص است، این نوع از مکث، برای نشان دادن نکته‌های دارای اهمیت، در گویندگی به کار می‌رود. مکث اهمیتی دو بخش دارد. درست زمانی که قصد دارید جمله‌ای مهم را بیان کنید، ابتدا به‌اندازه‌ی ادای ۸ الی ۱۰ کلمه مکث کنید (بخش اول)، سپس جمله را بیان کنید و مجدداً به‌اندازه‌ی ادای ۸ الی ۱۰ کلمه مکث کنید (بخش دوم). با این روش، جمله‌ی مهم را با مکث، اهمیتی پیچ می‌کنیم. می‌توانید تنها یک بخش از مکث اهمیتی را انجام دهید؛ اما مسلماً استفاده از هر دو بخش، بسیار مؤثرتر است.

هفتم، مکث تکمیل‌کننده، در این روش شما مطلبی را بیان می‌کنید که یقین دارید مخاطب باقی آن را می‌داند، قسمتی از مطلب را بیان می‌کنید و باقی آن را اجازه می‌دهید، خود مخاطب تکمیل کند. این نوع مکث معمولاً برای همراه کردن حضار با گوینده استفاده می‌شود. به این صورت که شما بخشی از یک جمله را به‌صورت نیمه سوالی بیان می‌کنید و شرکت‌کنندگان، بخش دوم آن را بیان می‌کنند.

هشتم، مکث پاسخی، زمانی که شما پرسشی از مهمان برنامه می‌پرسید و قصد دارید مهمان، به پرسش شما پاسخ دهند از مکث پاسخی استفاده کنید. بلافاصله بعد از پرسیدن پرسش، مکث کرده و به مهمان نگاه کنید و منتظر پاسخ باشید.

یادداشت، مکث نشانه‌ی اعتماد به نفس و حرفه‌ای بودن گوینده است و بهترین تمرین برای دستیابی به مکث‌های قدرت‌مند، این است که برنامه خود را به‌صورت فایل صوتی ضبط کنیم و سپس به آن گوش کنیم ببینیم که در چه زمان‌هایی مکث را انجام می‌دهیم و در چه زمان‌هایی انجام آن را فراموش کرده‌ایم سپس مجدداً صحبت خود را انجام می‌دهیم و این بار سعی کنیم مکث‌های خود را به‌درستی اجرا کنیم. شما می‌توانید این تمرین را چندین مرتبه برای هر برنامه انجام دهید. مطمئن هستیم که با انجام این تمرین نتایج بسیار خوبی در صحبت خود خواهید دید و بدون شک اعتمادبه‌نفس زیادی در هنگام صحبت کردن به دست خواهید آورد.

مکث، اثربخشی صحبت‌هایمان را چند برابر می‌کند. یکی از محاسن مکث این است که کلمه‌ها و صداهای زایدی مثل «ا»، «ام»، «در واقع»، «خوب»، «بنابراین» و امثالهم را که به آن‌ها «جا پُرکن» می‌گوییم را حذف می‌کند این‌ها کلمه‌های هستند که در گفت‌وگوهای روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم تا دیگری را آگاه کنیم که صحبت ما هنوز تمام نشده است؛ اما در یک برنامه رادیویی این‌ها اضافه و زاید هستند و در آخر خوب است بدانیم همان‌طوری که در موسیقی، تمام زیبایی در سکوت بین نت‌ها نهفته است در گویندگی، زیبایی در مکث یا سکوتی نهفته است که هنگام اشاره از نکته‌ای به نکته دیگر به وجود می‌آید.

فصل نهم

لهجه، لحن و بهبود در گویندگی

این فصل شامل مباحثهای

زیر است:

مبحث اول، لهجه در گویندگی

مبحث دوم، لحن در گویندگی

مبحث سوم، بهبود در گویندگی

مبحث اول لهجه در گویندگی

در یک تعریف ساده، عبارت است از گویش متفاوتی با معیارهای استاندارد یک زبان. در این حالت معانی کلمه‌ها فرق نمی‌کند؛ بلکه نوع گفتن آن تغییر می‌کند اگر معانی کلمه‌ها تغییر پیدا کند، باید آن را زبان مستقلی دانست. ملاک گویشی استاندارد، گویش مجریان اخبار رادیو-تلویزیون‌های ملی هر کشور و بیش‌تر برگرفته از گویش پایتخت است.

این‌که گفته شد بیش‌تر بر آن دلیل است که در نمونه‌ی آشکار، گویش معیار پارسی به لهجه‌های که در ولایت‌های مختلف کشور صحبت می‌شود از هم‌دیگر فرق می‌کند؛ اما لهجه‌ی کابلیان به‌عنوان گویشی استاندارد یاد می‌شود برخی گویش و لهجه را نیز از هم مجزا می‌دانند حتی مدل‌های خاص گفتاری نیز نوع لهجه محسوب می‌شوند.

ممکن است تلفظ شما هیچ تفاوت به گویش معیار نداشته باشد؛ اما لحن و کلام که به کلام می‌دهید متفاوت باشد و دیگران شما را به این لحن و آهنگ بشناسد در این حالت شما لحن خاص خود را دارید و اجازه دهید آن را هم زیر عنوان لهجه قرار دهیم چراکه مدل‌های تمرینی این دو یکی است؛ بنابراین مباحث این بخش صرف‌نظر از این‌که لهجه محلی دارید یا نه برای تصحیح هر نوع الگوی لحن در گفتار است.

عواملی که سبب لهجه (نه زبان) می‌شود عبارت‌اند از:

- تغییر در الگوی واکه
- تغییر در آهنگ واکه
- تغییر در کشش واکه

- تغییر در فرم‌های دهنی
- تغییر همخوان در یک الگوی مشخص زبان‌شناختی
- تفاوت در واچگاه همخوان

در عین حال یک لهجه می‌تواند محصول مکانیسم پیچیده‌ای از تمام تغییرات یادشده و حتی بیش‌تر از این‌ها باشد. با این‌همه تمام لهجه‌ها تابع الگویی از تغییرات، قابل مطالعه هستند که در حوزه‌ی زبان‌شناسی می‌گنجد. لهجه نیز مانند زبان اکتسابی از محیط به دست می‌آید و در طبیعت دوم افراد جا خوش می‌کند؛ بنابراین برای تغییر لهجه باید طبیعت دوم را هدف قرار دهید.

یکی از عامل‌های که مانع از اجرای ما در رادیو می‌شود ترس از این است که شنوندگان فکر کنند، ما لهجه داریم و بدانند که از کجا و از کدام ولایت هستیم. این یک تصور اشتباه و دیدگاه غلط است که در مورد داشتن لهجه داریم. زبان ما با داشتن لهجه‌ها، گویش‌ها و بیان‌های مختلف است که زیبا است و متأسفانه خیلی‌ها به دلیل داشتن لهجه و این‌که نمی‌توانند آن را به خوبی مدیریت کنند، فرصت‌های زیادی را از دست می‌دهند. قرار نیست که ما لهجه‌ی خود را به طور کامل از بین ببریم اما باید بتوانیم جایی که می‌دانیم لهجه داریم، شناسایی کرده و آن را مدیریت کنیم. مدیریت لهجه کار مهم و وقت‌گیر است و برای این‌که بتوانیم آن را مدیریت کنیم. باید زمان زیادی را صرف کنیم اما در این‌جا من دو راهکار را که اگر به آن‌ها عمل کنیم؛ نتیجه‌ی خوبی خواهیم گرفت، به شما معرفی می‌کنم.

۱. نخستین راهکار این است که باید صدای خود را زیاد ضبط کرده و به آن گوش کنید. یک موضوعی که بتوانید در مورد آن سه دقیقه صحبت کنید، انتخاب کرده و این کار را انجام دهید. هر بار که این کار را انجام می‌دهید، آن را گوش کنید و هر بار آن را تحلیل کرده، آن‌جا که لهجه دارید، مشخص سازید و برای رفع آن اقدام کنید. ممکن است زمانی که صدای خودتان را گوش می‌کنید، از آن خوش‌تان نیاید و این امر کاملاً طبیعی است؛ زیرا ما صدای خود ما را به تعداد روزهای عمرمان طور دیگری نسبت به بقیه شنیده‌ایم. به این دلیل توقعی که از صدای خود

ما داریم، متفاوت است. باید دقت داشته باشید که این اتفاق نباید دلیلی شود، برای این که شما این کار را انجام ندهید. حتی اگر از صدای خود تان خوش تان نمی آید، باید این کار را انجام دهید و مطمئن باشید که بعد از گذشت مدتی که این کار را انجام دادید. این مشکل رفع شده، راحت به صدای خود تان گوش می کنید.

۲. دومین راهکار در بحث کنترل لهجه این است که گوش های خود را تقویت کنیم. کاری کنیم که گوش های ما از این به بعد قوی تر شوند و به جزئیات بیشتر توجه کنند. زمانی که گوش های ما قوی باشند هر جایی که باشیم و بخواهیم صحبت کنیم، بیان مان قوی تر می شود و می توانیم از صداهای مختلف الگو بگیریم و در نتیجه می توانیم هر لهجه ای را بهتر یاد بگیریم و لهجه ای خود را مدیریت کنیم. همین فعلاً که در حال مطالعه این کتاب هستید، یک لحظه گویندگانی را که هنگام صحبت کردن لهجه دارند، در ذهن خود تصور کنید؛ بیشتر گویندگانی که با لهجه صحبت می کنند، آقایان هستند.

تمرین بعدی که می توانیم، برای تقویت گوش های ما به کار بگیریم؛ گوش دادن به گوینده های رادیوهای محلی و تفکیک کردن صداهای است که در آن به کار گرفته شده است. انجام دادن این کار باعث می شود، گوش های ما تقویت شود و صداها را بهتر از هم دیگر تفکیک کنیم و این اقدام برای مدیریت لهجه خیلی مهم است. بحث مدیریت لهجه خیلی گسترده است و در این کتاب فقط به دو راهکار اشاره کردیم که با به کارگیری همین دو راهکار می توانید، تقریباً لهجه ای خود را مدیریت کنید.

مبحث دوم لحن در گویندگی

احساسات هر کس در آهنگ و لحن ادای او منعکس است، وقتی می‌خواهید خبر مسرت بخشی بدهید یا خبر بدی را انتقال دهید، یا به کسی تسلیت بگویید و یا اگر با عصبانیت و پرخاش سخن بگویید و یا این‌که با مهربانی و ملاحظت و نظایر آن سخن برانید، لحن و آهنگ صدای شما تغییر می‌کند. اگر به گفتار خود اطمینان داشته باشید، از لحن صدای شما پیداست و اگر هیجان و اضطراب بر شما مستولی باشد، آهنگ صدای شما از حالت طبیعی خارج می‌شود استادان ژورنالیزم معتقدند کسانی که با دیگران روابط خوب داشته باشند و باهم کنار آیند، لحن صدای آن‌ها معمولاً گیرنده و مؤثر است.

لحن خوب لحنی است که بتواند روی شنونده اثر بگذارد این تأثیر را نباید با بلندی و رسایی صدا اشتباه گرفت. منظور لحنی است که دارای طنین مخصوص به خود باشد و بتواند با زیربوم گفتن، بالا و پایین بردن کلمه‌ها و تکیه‌کلام‌های مناسب، مطلب‌ها را به شنونده برساند.

لحن صحبت کردن می‌تواند منظور ما دقیقاً در مورد جمله‌ای که گفتیم چه است. آیا لحن ما مهربانانه بوده؟ عصبی هستیم؟ طلبکارانه صحبت کردیم؟ و یا هر چیز دیگر این لحن صحبت کردن ما است که حس را به طرف مقابل ما منتقل می‌کند. احتمالاً برای شما هم اتفاق افتاده باشد که از خواب بیدار می‌شوید و نمی‌توانید خوب صحبت کنید و لحن مناسبی هم نمی‌توانید برای صحبت کردن خودتان داشته باشید. به احتمال زیاد گوینده‌های زیادی را دیده‌اید که اول صبح هیچ برنامه‌ای برگزار نمی‌کنند.

دلیلش همین است که صدای‌شان در اول صبح نمی‌برآید. اگر ما در ابتدای صبح نتوانیم تارهای صوتی خود مان را گرم‌کنیم پس نمی‌توانیم لحن خوب و آهنگینی داشته باشیم، در خیلی موارد هم اصلاً صدای ما نمی‌برآید تا بخواهیم به آن رنگ و آهنگ دهیم. جالب است بدانید که تارهای صوتی ما حدوداً نیم ساعت بعد از بیدار شدن ما از خواب بیدار می‌شوند. همان‌طور که ما اول صبح نرمش می‌کنیم تا بدنمان انعطاف داشته باشد و احساس بهتری داشته باشیم، صدا و حنجره ما هم نیاز به یک نرمش صبح‌گاهی دارد تا بعد از هشت نه ساعت خوابیدن از خواب بیدار شود. پس این موضوع را در نظر داشته باشید که اگر ساعت ۸ صبح برنامه‌ای دارید باید حداقل ۱ ساعت زودتر از خواب بیدار شوید. در ادامه تمرین‌های را بیان می‌کنم که می‌توانید برای گرم کردن صدای خودتان در ابتدای صبح انجام دهید تا بتوانید راحت‌تر و با لحن و صدایی آهنگین‌تر صحبت کنید.

گرم کردن صدا

برای شروع از شما می‌خواهم که این تمرین را برای نرمش عضله‌های زبان و گلو خود انجام دهید تا تمرین‌های بعدی را شروع کنیم. این تمرین‌ها و نرمش‌ها باعث می‌شود که زبان و گلو ما آمادگی شروع کارش را داشته باشد. احتمالاً متوجه شده‌اید که در ابتدای صبح بدن ما نمی‌تواند انعطاف کافی را برای انجام یک تعداد کارها داشته باشد و باید به بدن خود مان کمی زمان بدهیم تا خودش را پیدا کند. خیلی از افراد اول صبح که از خواب بیدار می‌شوند بدن‌شان را کمی کش می‌دهند تا بدن‌شان را آماده‌ی کارهای روزانه کنند. این تمرین‌ها برای نرمش عضله‌های زبان و گلو دقیقاً برای آماده‌سازی خودمان برای صحبت کردن و گرم کردن صدایمان در اول صبح است.

تمرین اول: صاف بایستید؛ سعی کنید زبان خود را به دندان‌های پیشروی خودتان بچسبانید؛ سرتان را آرام بالا و پایین بیاورید. این نرمش باعث می‌شود بعد از هشت نه ساعت کار نکردن عضله‌های زبان مجدد ریکوری شوند و عضله‌های و ماهیچه‌های زبان و گلو ما کمی کش بیاید، دقیقاً همان کاری است که در زمان انجام دادن تمرین‌ها

کششی بر روی بدن خود انجام می‌دهیم. این نرمش را به مدت یک دقیقه انجام دهید.

تمرین دوم: در این تمرین زبان خودتان را تا آنجا که ممکن است بیرون بیاورید و به داخل ببرید. این نرمش دقیقاً مثل همان زبان‌درازی که در بچگی انجام می‌دادیم است که باعث می‌شود بافت‌ها و عضله‌های زبان ما کش بیایند و از خواب بیدار شوند و خود را آماده کنند. این کار را هم به مدت ۳۰ ثانیه انجام بدهید کافی است.

تمرین سوم: در تمرین‌های صداسازی ما سعی می‌کنیم که یک تعداد از صداهایی را که می‌شنویم تقلید کنیم تا بتوانیم صدای خودمان را رشد دهیم. تمرین‌های صداسازی برای گرم کردن صدا هم می‌تواند بسیار مؤثر باشد. البته تنها کاری که باید انجام دهید این است که از آن آهنگ یا صدا تقلید کنید. در ابتدای صبح اگر در موتر شخصی خودتان نشستهاید می‌توانید موسیقی را گوش دهید و با آن شروع به انجام تمرین‌های صداسازی کنید.

تمرین چهارم: اگر در خیابان راه می‌رویم و یا آهنگی را در موتر خود گوش می‌دهید می‌توانید این تمرین را به این صورت انجام دهید. با ریتم آهنگی که در ذهن دارید و یا گوش می‌کنید با دهنی بسته شروع به خواندن آن موسیقی کنید. این کار باعث می‌شود که تارهای صوتی و حنجره‌ی ما گرم شود و بعد از حدود ۵ دقیقه انجام دادن این تمرین بتوانیم به راحتی صحبت کنیم.

مبحث سوم بهبود در گویندگی

به طور معمول، همه‌ی ما، خطاهایی در گفتارمان داریم که لازم است برای گویندگی، آن‌ها را شناسایی و حذف کنیم. اگر در کلام و نحوه‌ی بیان ما کوچک‌ترین مورد غیرعادی وجود داشته باشد، بلافاصله توسط شنوندگان، دیده و کشف خواهد شد. آنگاه شنوندگان، در بهترین شرایط، به‌جای توجه به سخنان ما، تنها به شمردن موارد غیرعادی و خطاهای گفتاری ما، مشغول خواهند بود و در شرایط بدتر، به شدت دچار خستگی شنوایی می‌شوند. در ادامه متداول‌ترین خطاهای گفتاری را بررسی می‌کنیم.

۱. استفاده از جمله پُرکُن‌ها؛ بخشی از کلام یک گویندگی، به‌صورت متن در زیر آمده است. لطفاً توجه کنید: «یکی از! مهم‌ترین اصولی که یک گوینده باید رعایت کند! داشتن شناخت کافی از شنوندگان است.!» این موضوع آ به قدری مهم و! حیاتی است که عدم رعایت آن! به

احتمال زیاد شکست در گویندگی را به همراه خواهد داشت؛ بنابراین آ شناخت کافی از شنوندگان، برای گوینده، اهمیت بسیار بالایی دارد.»

۲. حتماً متوجه منظور من از جمله پُرکن‌ها شده‌اید. حرف اضافی‌ا، حتی در متن بالا هم، از تأثیر آن می‌گاهد. اکنون تصور کنید شخصی، در گویندگی خود، این چنین سخن بگوید. استفاده از حرف‌های اضافه و کلمه‌های دیگر نیز به‌عنوان جمله پُرکن، در گفتار روزمره ما متداول است. حرف‌های اضافه مثل: اوم، آآ، آمم و کلمه‌های همچون: در واقع، درحقیقت، بنابراین و وَوَوَو...

۳. استفاده از تکیه کلام، هم‌همی ما، از تکیه کلام‌هایی در گفتار و مکالمه‌ها استفاده می‌کنیم. برخی می‌دانیم و برخی هم خبر نداریم؛ اما معمولاً در کلاممان، تکیه کلام‌ها یافت می‌شوند. کافی است کمی در واژه‌هایی که به‌طور روزمره استفاده می‌کنید، دقت کنید. اگر پس از بررسی، به این نتیجه رسیدید که شما هیچ‌گونه تکیه کلامی ندارید به شما تبریک می‌گویم، شما جزء معدود افرادی هستید که از تکیه کلام استفاده نمی‌کنید. برخی از تکیه کلام‌ها بسیار کوتاه و برخی نیز بسیار دراز هستند. کوتاه مثل: در واقع، اصولاً، امروزه. اگر قصد دارید صحبت و گویندگی شما، پُر قدرت و تأثیرگذار باشد، تکیه کلام خود را شناسایی و حذف کنید.

۴. ادای ناقص واژه‌ها، برخی از گویندگان نیز واژه‌ها را کامل ادا نمی‌کنند؛ به‌طور مثال: واژه‌ی پنجشنبه معمولاً ناقص ادا می‌شود؛ و یا بسیاری از واژه‌هایی که می‌باشد؛ مانند بشنوید، بگوئید، بجنید، کامل « د » حرف آخر آن‌ها ادا نمی‌شوند. برنامه رادیویی نباید با تلفظ عامیانه و یا لهجه ولایات ارایه گردد. پسندیده نیست و تأثیر نخواهد گذاشت؛ مگر برای یک گروه خاص (رادیوهای محلی) و در منطقه‌ای که فقط آن گروه حضور دارند.

۵. سرعت گفتار بسیار بالا یا بسیار پایین، حتماً گویندگانی را می‌شناسید که سرعت گفتارشان متناسب و معمولی نیست. یا به قدری تند صحبت می‌کنند که دیگران، به سختی متوجه می‌شوند و یا به قدری

کُند صحبت می‌کنند که شنوندگان، خسته می‌شوند. تند صحبت کردن، در بسیاری از مواقع باعث ادای نادرست کلمه‌ها می‌شود. اگر می‌خواهید گویندگی کنید، سرعت گفتارتان را متناسب کنید. این‌کار فقط با تمرین، ممکن خواهد شد.

۶. **داشتن لهجه**؛ قسمی که در بالا ذکر نمودم، تمامی لهجه‌های اقوام افغانستانی، برای من شیرین و دوست داشتنی هستند. لهجه‌ی شما، برای گویندگی در ولایت خودتان بسیار عالی است، اما بهتر است در شهرهای دیگر بدون لهجه سخن بگویید تا حواس شنوندگان، معطوف به لهجه نشود. تمام هدف ما در بهبود گفتار، این است که توجه شنوندگان، به کلام ما باشد نه به نحوه‌ی بیان؛ بنابراین اگر دارای لهجه هستید، لازم است با تمرین، لهجه را در گویندگی حذف کنید.

فصل دهم

درمان گرفتگی صدا و نقش تغذیه در صدا

این فصل شامل مباحثهای

زیر است:

مبحث اول: درمان گرفتگی صدا

مبحث دوم: تغذیه مناسب برای داشتن صدایی عالی

گویندگان

مبحث سوم: مواد غذایی ممنوعه برای صدا

مبحث اول درمان گرفتگی صدا

صدای یکی از قدرت‌مندترین و پُراستفاده‌ترین ابزارها برای گویندگان است و مشخص است که اگر به خاطر مسایلی ما دچار گرفتگی صدا شویم، به احتمال زیاد مشکلات زیادی برای ما به وجود می‌آید. گرفتگی صدا می‌تواند عوامل زیادی داشته باشد که باهم مهم‌ترین آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

- سرماخوردگی
- فشار آوردن بیش‌ازحد به تارهای صوتی
- سرفه کردن‌های شدید
- اسید معده (برگشت اسید معده)
- عفونت گلو و سینوزیت
- کشیدن سگرت و قیلون
- حساسیت به برخی مواد غذایی یا دارویی
- استرس و اضطراب

راه‌های درمان گرفتگی صدا برای گویندگان در ادامه به کارآمدترین راه‌های درمان گرفتگی صدا می‌پردازیم که به اثبات علم پزشکی نوین و سنتی رسیده است:

۱. سکوت کردن بهترین درمان برای گرفتگی صدا، یکی از بهترین و کارآمدترین روش‌ها برای بهبود و ترمیم تارهای صوتی سکوت کردن

است. زمانی که تارهای صوتی به دلایلی مثل فشار آوردن بیش از حد به آن، سرفه‌های شدید (البته بعد از درمان و قطع سرفه) و یا مواردی از این قبیل آسیب‌دیده باشد، سکوت کردن بهترین روش برای درمان گرفتگی صدا محسوب می‌شود.

۲. **مرطوب نگه داشتن تارهای صوتی**؛ مورد بعدی برای درمان گرفتگی صدای ما گویندگان این است که تارهای صوتی خودمان را مرطوب نگه داریم و مراقب باشیم که خشک نشوند. متأسفانه تارهای صوتی ما مثل پوست نیستند که به آن کریم مرطوب‌کننده بزنیم تا رطوبت خودشان را حفظ کنند، ما برای این که بتوانیم رطوبت تارهای صوتی خودمان را حفظ کنیم خوب است که روزانه بین ۸ تا ۱۲ کیلاس آب با دمای ولرم (نه سرد نه داغ) بنوشیم و نحوه نوشیدن آب هم دقیقاً مثل سیستم آبیاری قطره‌ای در مزارع کشاورزی باید باشد، یعنی کیلاس آب را یک‌باره ننوشیم، برای مثال یک کیلاس آب را در حدود نیم ساعت بنوشیم.

۳. **خوردن سوپ‌های رقیق**، خوردن سوپ‌های رقیق در زمانی که ما دچار سرماخوردگی شده‌ایم می‌تواند روی بهبود صدای ما بسیار مؤثر باشد و رطوبت موردنیاز تارهای صوتی ما را تأمین کند و همین‌طور گرمای سوپ هم باعث التیام درد گلو می‌شود. پس خوردن سوپ را در زمان سرماخوردگی فراموش نکنید.

۴. **از تابلیت آسپرین استفاده نکنید**؛ به گفته دکتران زمانی که دچار سرماخوردگی شده‌ایم و صدایمان نیز گرفته است، بهتر است که از آسپرین استفاده نکنیم، چراکه استفاده از آسپرین باعث تشدید شدن التهاب تارهای صوتی ما می‌شوند. خیلی خوب است که ما، سرخود دارو مصرف نکنیم و زمانی که دچار بیماری شدیم به جای خوددرمانی و استفاده از داروها، به پزشک مراجعه کنیم.

۵. **به دانه (تخم میوه به) در درمان گرفتگی صدا**؛ داخل میوه «به» دانه‌هایی به رنگ قهوه‌ای یا قهوه‌ای تیره وجود دارد. این دانه‌ها منبع بسیار خوبی از موسیلاژ (لعاب) هستند و حدود ۲۰ تا ۴۲ درصد وزن

دانه را لعاب روی آن تشکیل می‌دهد. دانه‌های «به» به دلیل وجود لعاب، در رفع التهابات مخاط، سرفه و گرفتگی صدا نقش بسزایی دارند. لعاب موجود در به دانه به رفع گلودرد و سرفه‌های خشک کمک می‌کند.

یادداشت: طرز استفاده از «به دانه»؛ برای مصرف «به دانه» می‌توانید یک قاشق چای‌خوری از دانه‌های آن را در یک گیل‌اس آب‌تر کنید و بعد از چند دقیقه آب را بنوشید و «دانه‌های به» را بمکید. هم‌چنین می‌توانید چند «دانه به» روی زبان خود قرار دهید و لعاب آن را در چند دقیقه بمکید و نحوه‌ی استفاده‌ی بعدی آن‌هم به این صورت است که حدود ۳۰ گرام «به دانه» را در یک لیتر آب جوش ریخته و آن را به مدت ۱۵ دقیقه بجوشانید تا به‌صورت ژله درآید و سرپوش آن ظرف را بگذارید و اجازه دهید که آب ولرم شود، سپس آن آب و لعاب را کم‌کم بنوشید. به توصیه پزشکان، «به دانه» را به‌هیچ‌عنوان نجوید، چراکه بعد از جویدن و خوردن آن در معده اسیدی به نام «سیانیوریک» تولید می‌شود که بسیار خطرناک است.

مبحث دوم تغذیه مناسب برای داشتن صدایی عالی گویندگان

تغذیه صحیح، ورزش مناسب، عدم خستگی و آمادگی روحی و جسمی در روند تکامل صدا و رشد و تقویت حنجره مؤثرند. کلیه مواد غذایی که برای ریه مفید می‌باشند، صدا را نیز تقویت می‌کنند. خوردنی‌هایی همانند سیر، پیاز، شلغم، کدو پخته، انار، مرکبات، انجیر جوشانده و عناب و غیره و نیز خوردنی‌های ضد عفونی‌کننده و مشابه آن، برای صدا بسیار مفیدند. به توصیه‌های زیر توجه نمایید:

الف، فواصل زمانی مابین وعده‌های غذایی حداقل چهار ساعت و شب تا خوابیدن سه ساعت باشد تا غذا در فرصت کافی هضم شود. بهتر است مابین وعده‌ها چیزی نخوریم.

ب، فقط به اندازه‌ی نیاز بدن‌تان غذا بخورید و پرخوری نکنید. قبل از سیر شدن کامل سفره را ترک کنید. تنوع غذایی بسیار مطلوب است، ولی نه در یک وعده؛ بهتر است در دفعات مجزا این تنوع رعایت شود. بسیاری از مواد مهم و ضروری که بدن به آن‌ها نیاز دارد و غالب مردم کمتر استفاده می‌کنند، جزء اقلام گران‌قیمت نیستند؛ مانند شلغم، لبلبو، زردک و انواع دیگر سبزی‌ها، آب و غیره.

ج، غذا خوردن با سرعت کم، خوب جویدن و لقمه‌های کوچک، باعث می‌شود تا بدون پرخوری سیر شوید و کاملاً احساس سبکی نمایید.

مبحث سوم
مواد غذایی ممنوعه برای صدا

ما برای این که صدای خوبی داشته باشیم باید از خوردن یک تعداد از مواد غذایی پرهیز کنیم. گویندگان حرفه‌ای به صورت خیلی سخت رژیم‌های غذایی خاصی را در برنامه‌ی روزانه‌ی خودشان دارند و از آن پیروی می‌کنند. اگر شما هم به صدای خود اهمیت می‌دهید دانستن این مواد غذایی و اطلاع از آن‌ها می‌تواند برای شما مفید باشد. با هم این مواد غذایی را بررسی می‌کنیم.

۱. **قهوه، چای و نوشابه‌های کافئین دار؛ قهوه، چای و نوشابه‌های کافئین دار** به دلیل داشتن کافئین جزو مواد غذایی ممنوعه می‌باشند. دلیلش این است که این نوشیدنی‌ها دارای کافئین هستند. کافئین باعث می‌شود که آب بدن از طریق ادرار دفع شود و به این معنی است که بدن آب برای حنجره کم می‌آورد. همان‌طور که در قسمت‌های قبلی خدمت شما بیان کردم، آب یک عنصر حیاتی برای حنجره‌ی ما محسوب می‌شود و ما با خوردن نوشیدنی‌های کافئین دار باعث دفع آب می‌شویم. بدن ما زمانی که آب از دست می‌دهد و یا آب کم به آن می‌رسد به صورت خودکار آب موجود در بدن را به اندام‌های حیاتی مثل، قلب، کبد و مغز می‌رساند. حنجره در بدن ما به‌عنوان یک اندام حیاتی تعریف نشده است و آب موردنیازش را در زمان کم‌آبی نمی‌تواند تأمین کند. ما زمانی که آب بدن‌مان را از دست می‌دهیم، مایع مخاطی در حنجره‌ی ما غلیظ شده، کم‌کم خشک می‌شود و این موضوع باعث می‌شود که حنجره و تارهای صوتی ما آسیب جدی ببینند. به‌رحال اگر شما در روز چای یا قهوه زیاد می‌نوشید به شما پیشنهاد می‌کنم که آن را به حداقل برسانید، برای مثال روزی یک یا دو پیاله و نه بیشتر.

۲. **شکر و مواد قندی؛ شکر و مواد قندی** مثل انواع کیک و شیرینی، نقل و نبات و یا هر چیز شیرین دیگر باعث می‌شود که مایع مخاطی موجود در حنجره ما غلیظ شود. زمانی هم که این مایع غلیظ شود نمی‌تواند به صورت طبیعی حنجره ما را بملایل‌کاری کند و در کارش خلل وارد می‌شود. از شما می‌خواهم که همین حالا کمی شیرینی میل کنید و بعد از مدتی نتیجه آن را ببینید که چطور می‌شود.

به احتمال خیلی زیاد مایع مخاطی حنجره شما غلیظ شده و شما همیشه مجبور هستید که صدای خود را صاف کنید.

۳. مرکبات و اسیدهای طبیعی، مرکبات مثل لیموترش، نارنج و یا هر نوع میوه و ماده‌ی غذایی که دارای اسید است برای تارهای صوتی ما بسیار مضر است. در اصل این اسیدها، مایع مخاطی حنجره ما را بسیار رقیق می‌کند و باعث می‌شود که حنجره ما به صورت طبیعی روغن‌کاری نشود. معمولاً توصیه می‌شود که اگر در زمان گویندگی دهن‌تان خشک می‌شود می‌توانید کمی آب لیمو تازه بچکانیم در دهن تا بزاق ترشح شود و دیگر دهن‌تان خشک نشود. این راه‌حل خوبی برای از خشکی درآوردن دهن است؛ اما این کار باعث آسیب دیدن حنجره و تارهای صوتی ما می‌شود. پیشنهاد من این است که از آب خالص برای رفع خشکی دهن استفاده کنید و همان‌طور که از قبل بیان کردم بهتر است که در روز بین ۸ تا ۱۲ گیلداس آب بنوشیم تا با چنین مسئله‌ای روبه‌رو نشویم.

۴. الکل و مشروبات الکولی، در کشورهای غربی و غیر اسلامی، گویندگان، مجری‌های صحنه و سخنرانان قبل از این‌که به روی صحنه بروند کمی شراب، آبجو و یا از دیگر مشروبات الکولی می‌نوشند. دلیلش این است که می‌گویند به آن‌ها انرژی بیشتری می‌دهد و استرس را از آن‌ها دور می‌کند. اگر نوشیدن الکل ادامه‌دار باشد، باعث می‌شود تا یک تعداد از عضله‌های بدن ما که در هنگام گویندگی، صحبت کردن به کار می‌آیند تضعیف و شُل شوند و به‌مرور زمان موجب می‌شود که بر روی خوانش و صحبت کردن تأثیرات منفی بگذارد و دیگر صدای پُرقدرت و پُرتنین نداشته باشند. از طرفی هم الکل باعث دفع آب بدن می‌شود و حنجره‌ی ما نمی‌تواند رطوبت و مایع مخاطی را برای خودش تأمین کند.

۵. لبنیات، اگر رژیم غذایی شما هم مثل دیگر افراد معمولی جامعه باشد به احتمال زیاد حداقل یکی از محصولات لبنی در برنامه غذایی شما وجود دارد. لبنیات مثل، شیر، پنیر، قیماق، ماست و ... به احتمال زیاد برای‌تان پیش‌آمده باشد زمانی که لبنیات می‌خورید

همیشه مجبور هستید که گلوی خود را صاف کنید. این دقیقاً همان دلیلی است که خوردن لبنیات جزو مواد غذایی ممنوعه آمده است و توصیه می‌شود که از لبنیات استفاده نکنیم. خوردن محصولات لبنی باعث می‌شود که مخاط ما زیاد و غلیظ شود و همین مورد موجب می‌شود که حنجره ما کارکرد طبیعی‌اش را انجام ندهد.

۶. **نوشیدنی‌های خیلی سرد و خیلی داغ؛** متخصصان می‌گویند که نوشیدن چای داغ یا هر نوع نوشیدنی داغ دیگر باعث بروز سرطان می‌شود و علاوه بر این نوشیدنی‌های داغ و یا خیلی سرد هم برای تارهای صوتی ما بسیار ضرر دارد. نوشیدن آب سرد یا هر نوع ماده سرد دیگر مثل آیس‌کریم به‌صورت موقتی باعث منقبض شدن عضله‌های حنجره‌ی ما می‌شود و یک تکان را به تارهای صوتی و حنجره ما وارد می‌کند که اصلاً خوب نیست.

می‌توانم بگویم که افراد استثنایی در هر جایی وجود دارند. اگر شخصی سال‌ها آب یخ می‌نوشد و می‌تواند به‌راحتی آواز بخواند دلیل نمی‌شود که ما هم بتوانیم این کار را انجام دهیم. بنده توصیه می‌کنم حتی اگر هم می‌توانید این کار را انجام دهید، (اگر می‌توانید آب یخ بنوشید و بعد به‌راحتی متن بخوانید) این کار را انجام ندهید، چراکه احتمال دارد به‌مرور زمان این موضوع تأثیر منفی خودش را بر روی بدن و حنجره ما نشان دهد. از شما به‌عنوان یک دوست می‌خواهم که اگر عادت نوشیدن چای داغ یا آب یخ را دارید، لطفاً تلاش کنید این عادت بد را از بین ببرید.

۷. **غذاهای گوشتی و سنگین؛** خوردن غذاهای گوشتی مخصوصاً گوشت سرخ و غذاهای سنگین ممنوع است. دلیلش این است که معده ما در زمان هضم این نوع غذاها به انرژی زیادی نیاز دارد و بدن برای هضم غذا خون زیادی را به سمت معده و روده پمپاژ می‌کند و این‌جاست که مشکل‌ساز می‌شود. وقتی خون زیاد به سمت معده و روده می‌رود دیگر اندام‌های بدن ما با کمبود خون مواجه می‌شوند، برای مثال احتمالاً برای‌تان پیش‌آمده است که بعد از خوردن غذای سنگین دراز کشیده باشید و پاهای‌تان به خاطر این‌که خون کافی به آن نرسیده است یخ

شده‌اند. این خون که به سمت معده و روده برای هضم غذا می‌رود باعث می‌شود که خون کافی به عضله‌های که برای صحبت کردن به کار می‌رود نرسد. من پیشنهاد می‌کنم که در روزهایی که با صدای خودتان زیاد کار دارید از خوردن غذای گوشتی و سنگین پرهیز کنید تا این مورد برای شما پیش نیاید.

خلاصه فصل

این توصیه‌ها از طرف متخصصان علم تغذیه و صدا است؛ اما من پیشنهاد می‌کنم که از تمام این مواد غذایی در رژیم روزانه خودتان استفاده کنید؛ اما به تعادل در مصرف آن دقت کنید. خیلی از چیزها هستند که وقتی کم یا بیش از اندازه مصرف می‌شوند باعث آسیب رسیدن به ما می‌شود. تعادل داشتن در تمام جنبه‌های زندگی می‌تواند به ما کمک کند تا زندگی سالم‌تری داشته باشیم و این موضوع در اینجا هم استثنایی ندارد. شاید شما جزء افرادی باشید که هر چیزی می‌خورید هیچ تأثیری بر روی صدای‌تان ندارد. این‌ها را باید در آزمون و خطا مشخص کنید. اگر چیزی می‌خورید که روی مایع مخاطی حنجره شما تأثیر می‌گذارد بهتر است آن را حداقل برای مدت محدودی که با صدای‌تان زیاد کار دارید محدود کنید.

غذاهای حساسیت‌زای خودتان را پیدا کنید و اما از شما می‌خواهم که یک تعداد از غذاهای حساسیت‌زایی که ممکن است برای شما و صدای‌تان ایجاد دردسر کند را پیدا کنید و دیگر آن را مصرف نکنید. برای مثال زمانی که من خودم چهارمغز را خالی می‌خورم گلویم شروع به خارش می‌کند و صدایم می‌گیرد. یا حتی زمانی که پسته هم می‌خورم به همین صورت است. مواد غذایی دیگری که خودم به آن حساسیت دارم خربوزه است. من در طی زمان متوجه شده‌ام که به این مواد غذایی حساسیت دارم و اگر آن‌ها را بخورم صدایم برای مدتی آسیب می‌بیند. پس از شما می‌خواهم مواد غذایی حساسیت‌زایی که ممکن است برای شما ایجاد دردسر کند را پیدا کنید و دیگر آن را مصرف نکنید، حداقلش این است که از آن‌ها در زمان‌هایی که با صدای‌تان زیاد کار دارید استفاده نکنید.

فهرست رادیوهای افغانستان

منبع: وزارت اطلاعات و فرهنگ معینیت امور نشرات ریاست نظارت بر نشرات رسانهها مدیریت عمومی دیتابیس رسانهها.

شماره	نام مؤسسه	نوع مؤسسه	صاحب امتیاز	مدیر مسؤول	موقعیت	آدرس دقیق
۱	حنظله	رادیو	عبدالرحیم رحمانی	عبدالرحیم رحمانی	بادغیس	مرکز بادغیس، مقابل شاروالی ولایت.
۲	هوا	رادیو	عبدالمتین	عبدالمتین	خوست	شهر خوست، ظاهرشاه خان شارجه مارکیت منزل ۵.
۳	ناز	رادیو	انور صادق	انور صادق	خوست	مرکز خوست، تپه خواجه متون.
۴	آزمون	رادیو	نصرت الله وفا	بریالی بریال	خوست	مرکز خوست، ولایت غزنی.
۵	شجاع	رادیو	قاری سید عبدالمصبور	قاری سید عبدالمصبور	جوزجان	قریه زرگر خانه، شبرغان.
۶	شمع	رادیو	شریف الله	شریف الله شرافت	ارزگان	مرکز ترینکوت.
۷	صدای قریه	رادیو	سید محمد انور شهاب	غلام اصغر عزیز	دایکندی	نیلی مرکز دایکندی، شهرک جدید غرب جاده قوای مسلحه.
۸	استقلال	رادیو	نصر الله	محب الله	لوگر	بی بی مهر،

عقب ۴۰۰ بستر ناحیه ۱۰.			ستانکزی			
شهر ایبک، کوچه حمام کهنه.	سمنگان	وجیهه	احمد جاوید افغان	رادیو	شهروند	۹
اندرخوی	جوزجان	نیلا صادق اوغلو	نیلا صادق	رادیو	غزل	۱۰
سرک باغ ملت	هرات	سهیلا عرفانی	داکتر سکینه یعقوبی	رادیو	معراج	۱۱
پل سرخ کارته ۳ جوار حقوق بشر.	کابل	سید معروف سادات	دلشاد سلما	رادیو	نوا	۱۲
سرک دارالامان نا رسیده به وزارت تجارت.	کابل	محمد اسماعیل	احسان الله بیات	رادیو	آریانا خیر	۱۳
ولسوالی ناری، قریه بریکوت.	کنر	شکب سانین	شکب	رادیو	حلال	۱۴
سرک ۱۲ وزیر محمد اکبر خان.	کابل	همایون دانشیار	احمد جاهد محسنی	رادیو	اراکوزیا	۱۵
شهر کابل	کابل	ذبیح الله احساس	عبدالمجید فنا	رادیو	شبیبه	۱۶
سرک تایمنی کوچه ۴ دست راست ۴ راهی.	بغلان	احمد ضیا رحیمزی	جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان	رادیو	صدای اصلاح	۱۷
مرکز شهر	بغلان	عبدالکریم	عبدالمتین مبارز	رادیو	بغلان	۱۸
شهر پلخمری	بلخ	شیر محمد جهش	شیر محمد جهش	رادیو	آرزو	۱۹
مزار شریف، ناحیه دوم گذر قرغان.	بلخ	عبدالروف توانا	عبدالروف توانا	رادیو	فجر	۲۰
مجتمع هاشم برات، منزل ۳- ۳۰۸	زابل	ذبیح الله	عبدالقاهر	رادیو	مسلم	۲۱

۲۲	زابل شکلا	رادیو	عبدالمقیم حلیمی	عبدالمقیم	خوست	امیری مارکیت، ولایت زابل.
۲۳	غرغشت	رادیو	سخن سرور میاخلیل	سخن سرور میاخلیل	بدخشان	فامیلی نمبر خانه ۱ ۱۲۰۰
۲۴	حریم زن	رادیو	احمد جواد فروغ	استور	بدخشان	فیض آباد ناحیه اول، شهر کنر، گذر دیوان بیگی.
۲۵	درخشان	رادیو	کامله سحر	مژده شهرناز	بدخشان	شهر فیض آباد، مقابل تانگ تیل بدخشان پطرولیم.
۲۶	یگانه	رادیو	کامله سحر	شاپور فروتن	کنډز	سر دوره کوچه رییس آباد
۲۷	پکتیا غز	رادیو	ایوا عمری	زحل احمدزی	پکتیا	شهر گردیز
۲۸	صدای بانو	رادیو	عبدالشفیغ	عبدالشفیغ	سرپل	مزار شریف، فاریاب، جوزجان.
۲۹	صدای بارک	رادیو	احمد فرید بارکزی	یوسف عبیدی	نیمروز	زرنج روبری کلنیک حیوانی
۳۰	فرهنگ	رادیو	محمد جواد محسنی	سید امین حسینی	کابل	شهر نو، جوار وزارت امور زنان.
۳۱	برشنا	رادیو	نجیب الله	عبدالمحمد	هلمند	ولسوالی موسس قلعه، هلمند.
۳۲	نسیم	رادیو	محمد رضا واحدی	سلطان علی جوادی	دایکنډی	جوار مستوفیت ولایت دایکنډی
۳۳	آرمان	رادیو	احمد سعد محسنی	سید نجیب	کابل	شهر کابل
۳۴	الکسز	رادیو	میرویس سوسیال	اباسین	کابل	خانه ۸۱ سرک ۲ کارته ۳ کابل.
۳۵	میرمن	رادیو	انجمن فرهنگی اجتماعی	محمد ابراهیم	کندهار	ناحیه اول کابلی شاه خانه نمبر ۸
۳۶	کاوون غز	رادیو	علمی او فرهنگی تولنه	انقلابی	لغمان	شهر لغمان

۳۷	بدلون	رادیو	احمد الله ارچیوال	احمد الله ارچیوال	کنړ	کنړها
۳۸	سپوژمی	رادیو	حمید الله ناصری	حمید الله ناصری	کابل	ناحیه عقب لیسه رحمان بابا خانه شماره ۲۰
۳۹	سرایش	رادیو	فریده رحیم	فواد	جوزجان	شهر جوزجان
۴۰	نرګس	رادیو	شهلا شایق	شهلا شایق	ننګرهار	شهر جلال آباد
۴۱	شهر به شهر	رادیو	نصر الله	محمد داود	پړوان	چاریکار
۴۲	صدا	رادیو	عبید الله قاضی زاده	محمد غفران ارمان	ګنډز	جوار چمن اسپینزر
۴۳	زما	رادیو	نور الله نوری	شیر احمد	ګنډهار	عینو مینه، ګنډهار خانه نمبر ۸۱۰
۴۴	فرحت	رادیو	شکریه اصیل	عنایت الله امید	بغلان	شهر پلخمری
۴۵	سرحد	رادیو	پرویز یعقوبی	سید معروف	غور	نزدیک هوتیل پامیر ناحیه دوم
۴۶	تعلیم الاسلام	رادیو	مولوی محمد عمر خطابی	مولوی محمد عمر خطابی	ګنډهار	جنوب غرب ســتوديوم ورزشی ګنډهار
۴۷	آزاد	رادیو	احمد صمیم	احمد زریب	بلخ	مزار شریف
۴۸	صدای دولت	رادیو	سید عبدالله رحمانی	سید عبدالله رحمانی	نیمروز	شهر زرنج، مقابل مســتوفیت نیمروز.
۴۹	آمو	رادیو	روزیه بهروز	عبدالبصیر	بدخشان	شهر فیض آباد
۵۰	شرق	رادیو	انجنیر شفیق الله شایق	انجنیر شفیق الله شایق	ننګرهار	چوک مخابرات شهر جلال آباد
۵۱	حکمنی	رادیو	میرویس آهنګر	میرویس آهنګر	پکتیا	بازار شهر نو ولسوالی خکمنی
۵۲	جوانان	رادیو	حمیده امان	حمیده امان	کابل	چهارراهی شیر

پور خانه ۲۰						
ارگون لویه لار، دپلویس و اطفالیی ترحنګ.	پکتیکا	محمد نعیم	محمد نعیم	رادیو	تلوسه	۵۳
شهر کندهار	کندهار	محمد ابراهیم	حاجی عبدالسلام پاچا	رادیو	ورانګه	۵۴
شهر ترینکوت	ارزګان	شیر محمد عایل	فرید الله	رادیو	پیوستون	۵۵
ګنډک توپچی دهن کاسی حوزه نمبر ۱ ولایت غور	غور	عرض حسین مهدوی	خلیل الله نور	رادیو	فیروز کوه	۵۶
جاده سینما شهر غزنی	غزنی	عبدالمجید	عبدالقیوم عمری	رادیو	غزنویان	۵۷
ناحیه ۱۶ ولایت کابل	کابل	ممتازخان	الحاج فضل کریم فضل	رادیو	شمشاد	۵۸
سرک ۶ بند، سرای سنگ	تخار	محراب الدین	محراب الدین	رادیو	ردا	۵۹
مرکز بغلان	بغلان	تانیا جهش	شیر محمد جهش	رادیو	پیمان	۶۰
مزاره شریف، ناحیه اول جاده احمد شاه مسعود.	بلخ	شکبیا	ناحیه حنیفی	رادیو	رابعه بلخی	۶۱
ولسوالی پغمان کابل	کابل	ولی مرجان	سباوون ستوری	رادیو	چنار	۶۲
ولایات بغلان، بدخشان، تخار، ګنډز	کابل	اسرائیل ناصری	حاجی علی اکبر ژوندی	رادیو	میوند	۶۳
ولسوالی قره باغ، قریه قلعه دانا.	کابل	زاهد شاه انګار	زاهد شاه انګار	رادیو	دسولی پیغام	۶۴
ولسوالی	لوګر	حمید الله	نور الله	رادیو	زینت	۶۵

محمدآغه، قریه کتب خیل.						
حصه سوم خیرخانه	کابل	عطا الحق	عبدالسلام جواد	رادیو	صدای رسالت	۶۶
مهمتلام، شهرک سلطان غازی بابا چوک یونس.	لغمان	وحید الله اسپین غر	حمید الله خبیر	رادیو	خبیر نوخت	۶۷
کوچه ۱۵ اکبر خان	کابل	لینا سلطانی	محمد صدیق احمد خیل	رادیو	خاور	۶۸
جلال آباد	ننګرهار	فیض الدین خالق	ننګیالی ننګ	رادیو	مزل	۶۹
ناحیه ۶	کنډز	عبدالهادی ایماق	عبدالهادی ایماق	رادیو	کهنډز	۷۰
ناحیه ۱۲	کندهار	صالح محمد	عبدالهادی	رادیو	تعلیم القرآن	۷۱
شهر نو کابل	کابل	احمد ذکی قیس	جلال الدین محمودی	رادیو	خاور	۷۲
ولسوالی نورگل	کنر	زیرک ذهن	اسد الله سادات	رادیو	توحید	۷۳
شهر نو ولایت سرپل، مقابل تانگ تیل داود صدیقی.	سرپل	حبیب الله قیومی	حبیب الله قیومی	رادیو	انبیر	۷۴
باد مرغان جاده دوم حضرت بلال	هرات	محمود رضایی	محمود رضایی	رادیو	آموزش	۷۵
ناحیه ۳ احمد شاه فطرت از تیم کاری احمد شاه میبانشد.	فراه	احمد شاه فطرت	احمد شاه فطرت	رادیو	دنیای نو	۷۶
فامیل های ۱۲۰۰	خوست	ولی مرجان	سباوون ستوری	رادیو	چنار	۷۷
مرکز شهر نیمروز	نیمروز	غلام سخی	غلام سخی	رادیو	صدای سپستان	۷۸

شهر کردیز، لین غزنی مارکیت.	پکتیا	جمال الدین	جمال الدین	رادیو	صدای کردیز	۷۹
عقب لیسه غازی جمال مینه	کابل	محمد نبی	محمد نعیم سلیمی	رادیو	کوربت	۸۰
ولسوالی کشم، برخشان.	تخار	ثریا	سیمین حسینی	رادیو	همصدا	۸۱
قریه دهنه ولسوالی ارکو ولایت پکتیکا	پکتیکا	منور مبارز	یعقوب خان	رادیو	میلمه	۸۲
مزار شریف شهرزاده مارکیت	بلخ	فریدون معصومی	محمد ابراهیم غضنفر	رادیو	لحظه	۸۳
مزار شریف	بلخ	عبدالشفیع عزیزی	عبدالشفیع عزیزی	رادیو	ستاره سحر	۸۴
ناحیه دوم شهر کنز	کنز	رونا حسن	زرغونه حسن	رادیو	شایسته	۸۵
عقب بندرکامل جدید	تخار	آغا شیرین	کامله سحر	رادیو	ریحان	۸۶
ولسوالی نجراب	پروان	عبدالمطلب	عبدالمطلب	رادیو	صدای نجبرا	۸۷
کوچه گل فروشی شهر نو	کابل	عبدالشفیع	عبدالشفیع عزیزی	رادیو	زمزمه	۸۸
چهارراهی آمریت هرات	هرات	عبدالرشید عظیمی	سید عبدالوحید قتالی	رادیو	عصر	۸۹
شهر کابل	کابل	محمد بشیر هاتف	محمد اسمعیل یون	رادیو	ژوندون	۹۰
سری ۶، میمنه، کندهار	کندهار	عبدالناصر هوتمکی	عبدالقیوم کزی	رادیو	هیواد	۹۱
ولسوالی سید آباد	میدان وردی	حضرت الدین	حضرت الدین	رادیو	یوالی غز	۹۲
شهر قلعه نو ناحیه دوم.	بادغیس	نبی الله بینیش	نبی الله بینیش	رادیو	نریمان	۹۳
کشم	برخشان	نور آغا	نور آغای نوری	رادیو	صدای کشم	۹۴

هرات باغچه جاده انصاری	هرات	فضل الرحمن	عبدالروف مخلص	رادیو	قرآنکریم	۹۵
شهر نو، چهارراهی انصاری کوچه اول دست چپ (رادیو سلام وطندار).	کابل	احمد ناصر میمنگی	موسسه سلام افغانستان	رادیو	سلام افغانستان	۹۶
شهر ننگرهار	ننگرهار	تاج محمد رحیمی	نجیبه مرام	رادیو	مرام	۹۷
شهر پلخمری	بغلان	نجیب الله	محمد رفیع	رادیو	چونغر	۹۸
شهر بامیان	بامیان	علی عرفانی	علی عرفانی	رادیو	بامیان	۹۹
شهر گردیز ساحه بلند منزل ناحیه دوم	پکتیا	نیاز الله	نیاز الله اصیل	رادیو	ژوند	۱۰۰
سړک ۲ خانه ۸۱ کارته ۳	کابل	میرویس سوسیال	میرویس سوسیال	رادیو	وطندار	۱۰۱
مرکز شهر ایبک	سمنگان	سید اسماعیل سادات	الحاج محمد حنیف	رادیو	سیما صلح	۱۰۲
جوار سمت روغنتون	هلمند	میرویس پاحون	میرویس پاحون	رادیو	سباوون	۱۰۳
چاریکار، سړک هوفیان شریف پارچه یازدهم نزدیک سړک ولایت.	پروان	عماد الدین	عبدالعلیم	رادیو	کهکشان	۱۰۴
سړک شورا	کابل	محمد اسماعیل	احسان الله بیات	رادیو	آریانا	۱۰۵
ناحیه ۳ عقب لیسه رحمان بابا منزل ۲۰	کابل	محمد حامد	محمد حامد همدر	رادیو	خار اف ام	۱۰۶
کابل بړکی مرکز	کابل	محفوظ خان	سید آقا سادات	رادیو	آموزگار	۱۰۷

تجارتی.						
شهر جلال آباد ناحیه ۴ سگرت ع	ننگرهار	محمد گلاب	جمعیت اصلاح و انگشاف اجتماعی افغانستان	رادیو	اصلاح	۱۰۸
لشکرگاه	هلمند	سباوون	محمد حسن همکار	رادیو	سمون	۱۰۹
شهر گردیز، مارکیت حاجی کفتان.	پکتیا	ابوا عمری احمدزی	ایوا عمری احمدزی	رادیو	صدای زن پکتیا	۱۱۰
شهر میمنه	فاریاب	عبدالستار	عبدالغفار ریعان شمال	رادیو	تمنا	۱۱۱
جاده محبس شهر ولایت	هرات	حمیرا حبیب	حمیرا حبیب	رادیو	سحر	۱۱۲
ایستگاه اول کلوه پشته خانه ۴۴۳.	کابل	نجیبه ایوبی	مؤسسه خدمات انگشافی و بشری برای افغانستان	رادیو	کلید	۱۱۳
برخشان	برخشان	صباح الدین	احمد جواد فروغ	رادیو	پامیر	۱۱۴
پل خمزی	بغلان	اسد الله	امین رامین	رادیو	رویان	۱۱۵
ناحیه ۵	کابل	عبدالجبار بهر	افغان بنست	رادیو	افغان غز	۱۱۶
ناحیه ۲ سرک ۸ شهر فراه	فراه	سباوون	محمد ابراهیم پرهار	رادیو	عروج	۱۱۷
ناحیه ۶	کندهار	محمد	عبدالسلام قندهاری	رادیو	قرآن غز	۱۱۸
مرکز قلات داخل قوماندانی	زابل	نثار احمد	نثار احمد	رادیو	شیخ منی	۱۱۹
قلعه نو جاده حاجی دین محمد خان	بادغیس	محمد نعیم نازم	محمد نعیم نازم	رادیو	عبور	۱۲۰

نارنج باغ راهی زئبق فرشارد کاگر	کابل	انجنیر محمد	حامد ثمر	رادیو	زن	۱۲۱
میدان شهر ۲۰۰ متری چهار راهی اختر محمد طاهری	میدان وردک	امان الله نصرت	امان الله نصرت	رادیو	غز اف ام	۱۲۲
ناحیه ۴ شهر فراه	فراه	حمید الله	حمید الله	رادیو	نشاط	۱۲۳
شهر خوست	خوست	حکمت الله کمال	روح الله امین	رادیو	ژمن	۱۲۴
فیض آباد	برخشان	عبدالمنان شینواری	ناجیه سروش	رادیو	صدای بانوان	۱۲۵
جاده معارف ناحیه اول شهر قلعه نو	بادغیس	خلیل رحمان فائز	عبدالواحد حمیدی	رادیو	صمیم	۱۲۶
کمپ سردار محمد جوار شهر ارگون	پکتیکا	سلیم	خان زاده کاروان	رادیو	دوستان	۱۲۷
مرکز ترینکوت	ارزگان	احمد شاه جواد	احمد شاه جواد	رادیو	تروغ غز	۱۲۸
ناحیه دوم شهر کندهار	کندهار	صدیق الله	نور الله	رادیو	تبسم	۱۲۹
میدان شهر کوچه بخته	میدان وردک	سلیمه	زاهد الله حسین خیل	رادیو	تجدد	۱۳۰
شهر لوگر	لوگر	احمد ضیا	ریاست کوچها	رادیو	مهال	۱۳۱
شهر کابل	کابل	عرفان الله احمدزی	نور آغای، عطا الله، محمد حسین	رادیو	کوچی غز	۱۳۲
ناحیه ۶ کوچه چمچه خانه ۲۸۹	کابل	نور آغا نوری	نازیرو روشنا خالد	رادیو	آسیای میانه	۱۳۳
شهرک احمد	پروان	عبدالواسع	حمید الله ذکی	رادیو	برین	۱۳۴

شاه مسعود - پروان		قادی				
شهر غزنی پلان سوم پهلوی حوزه دوم امنیتی	کندهار	حمید الله ذکی	احمد فرید عمری	رادیو	روبنا	۱۳۵
ولسوالی عنابه سرک فرعی مسجد چهاریار	غزنی	محمد عارف روان	هارون عنابی	رادیو	رعنا	۱۳۶
شهر کندهار	پنجشیر	محمد منصور عنابی	سرو آغا	رادیو	کچکن	۱۳۷
شهر نور ۴ راهی انصاری	کندهار	سید کمال شاه	بسم الله	رادیو	نوی نری	۱۳۸
کوچه اول زیر دوره شهر کندز	غور	بسم الله عادل ایماق	شهباز صابری	رادیو	صدای غور	۱۳۹
چوک مخابرات روبهروی بانک ملی افغانستان	کندز	شهباز صابری	یحی حق مل	رادیو	شبیم	۱۴۰
جوزجان مارکیت منزل ۴	ننګرهار	حیات خان	صدیقه	رادیو	منار	۱۴۱
هرات، بازار مارکیت قاضی زاده منزل دوم دوکان اول.	بلخ	سردار ثمرالدین نوری	بسم الله	رادیو	ضجه شهروند	۱۴۲
ناحیه اول چوک مخابرات	کندهار	بسم الله	شیر خان	رادیو	ملت ټڅ	۱۴۳
گلپهار مال شهر خوست	ننګرهار	مختار	محمد الله	رادیو	دوست	۱۴۴
قریه اما خورد	خوست	دکتر زاهد الله مشال	آتیلا نوری	رادیو	رنا غږ	۱۴۵
شهر برغان، پروژگا پهلوی	سرپل	آتیلا نوری	محبوب الله	رادیو	ارغوان	۱۴۶

شفاخانه البيروني						
مرکز لغمان، جوار شفاخانه صحت عامه ولایت لغمان.	جوزجان	محبوب الله	كاوش	رادیو	دلها	۱۴۷
مرکز شهر ولسوالی‌های همجوار	لغمان	روح الامین نیازی	فواد سرایش احمدی	رادیو	رغون	۱۴۸
سپین بولدک، قلعه کهنه	سرپل	فواد سرایش احمدی	عبدالولی راشد	رادیو	صدای سرپل	۱۴۹
عقب میدان هوایی بامیان کوچه شهرنو کوچه جماعت خانــه اسماعیلیه‌ها	کندهار	عبدالولی راشد	حسن محمودی	رادیو	تدریس القرآن	۱۵۰
تعمیر اطلاعات و فرهنگ مرکز شهر	بامیان	ابراهیم محمودی	بشیر یاران	رادیو	ازما	۱۵۱
پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل	پکتیکا	نبی کوثر	پوهنځی ژورنالیزم/کابل	رادیو	یاران غږ	۱۵۲
چوک تلاش اسپین غر تاور	کابل	محمد وحید غروال	عبدالخالص	رادیو	صدای پوهنتون	۱۵۳
شهر زرنج جوار قوماندانی امنیت ولایت نیمروز	ننګرهار	عبدالخالص	الحاج سناتور محمد نادر بلوچ	رادیو	ارزشت	۱۵۴
بندر آقچه مقابل فیصل مارکیت	نیمروز	مرزا مراد	حشمت الله	رادیو	۱۱	۱۵۵
سړک ۱۲ قلعه فتح الله خان - پایکوب نصار	جوزجان	ذولیا صمیمی	محمد اکرم فاضل	رادیو	پیام بانو	۱۵۶

مقابل تانگ تیل						
شهر شبرغان بندر اندخوی امینی مارکیت	کابل	مسعود واله	نبیلا مهران	رادیو	بوستان سبز	۱۵۷
ولسوالی پتان مقابل کمرک	جوزجان	محبوب الله مهران	رحمت الله هیواد مل	رادیو	مهران	۱۵۸
سرک کابل کندهار مقابل دروازه بلخ تعمیر شاروالی	پکتیا	بخت زایل حکمنی	پوهنتون مسلم	رادیو	پتان غز	۱۵۹
علینگار لوکال	غزنی	ذبیح الله	عابد الله	رادیو	شمله غز	۱۶۰
مرکز بادغیس ناحیه اول محل عیدگاه	لغمان	عابد الرحمن	عبدالرزاق صدیقی	رادیو	سوله آرمان	۱۶۱
سرک شرکت مقابل لیسه بی بی مریم جوار اسیاب ملاغفور	بادغیس	عبدالرزاق صدیقی	محراب الدین	رادیو	صدای بادغیس	۱۶۲
سرک شرکت مقابل لیسه بی بی مریم جوار اسیاب ملاغفور	تخار	محراب الدین شریفی	انستیتیوت مطالعات استراتژیک افغانستان	رادیو	آیلا	۱۶۳
قلعه نوی برج کارته پروان	کابل	احمد سعید حقیقی		رادیو	آوای نوروز	۱۶۴

سخن اخیر

از این‌که این کتاب را برای تقویت مهارت‌های گویندگی خود برگزیدید، سپاس‌گزارم و به شما تبریک می‌گویم که به فکر تغییر هستید، چراکه تغییر کار سختی است و هرکسی حاضر نیست که تن به تغییر دهد و بعضی از افراد نیز جرئت آن را ندارند، اما شما با خریدن این کتاب نشان دادید که فردی شجاع و تغییرپذیر هستید. به شما قول می‌دهم که اگر مطلب‌های ذکرشده در کتاب را بخوانید و با عمل همراه سازید، موفقیت‌های روزبه‌روز را در گویندگی خود شاهد خواهید بود. دوستان عزیز، در هر جای این کتاب پرسشی یا ابهامی داشتید می‌توانید با شماره تماس دفتر بنده به نشانی زیر در ارتباط باشید.

بازهم بنده در اخیر بر خود لازم می‌دانم که از همکاری و کوشش استادان عزیزم و همکاران گرامی و مستعد که با حوصله و محبت تمام با ما در تدوین کتاب همکاری کردند، سپاس‌گزاری نمایم؛ و از خداوند بزرگ برای‌شان سعادت دنیا و آخرت می‌خواهم. از همه شما دوستان عزیز و صاحب‌نظران گرامی می‌خواهم که برای تکمیل این کتاب، هرگونه انتقاد، نظر و پیشنهادهای خود را به نشانی بالا ارایه فرمایید تا در چاپ‌های بعدی در نظر بگیریم و کتاب تکمیل شود. به امید این‌که سبز و خرم بمانید و در آینده گویندگان حرفه‌ای شوید؛ ان‌شا‌الله.

با احترام

رسول‌خان امین

حوت سال ۱۳۹۹ دانشگاه کابل - افغانستان

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. البخاری: ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزیه البخاری المتوفی (۶۵۶): مختصر صحیح البخاری ابوالعباس زین الدین، مترجم عبدالقادر ترشابی چاپ بهار (۱۳۸۴).
۳. آبسالان، آرش، جادوی گفتار، تهران: انتشارات سپید، چاپ اول ۱۳۹۶.
۴. اقدس، مهناز، سخنرانی‌های علمی، تهران: انتشارات گلستان، (۱۳۹۳).
۵. اکبری، عزت الله، مفاهیم خبرنگاری، کابل: انتشارات ازهر، چاپ اول ۱۳۹۶.
۶. امین، رسول خان، اعتمادبهنفس در سخنرانی، کابل: انتشارات نویسا، (۱۳۹۸).
۷. امین، رسول خان، پرورش صدا و بیان در سخنرانی، کابل: انتشارات نویسا، (۱۳۹۸).
۸. امین، رسول خان، جادوی صدا در سخنرانی، کابل: انتشارات یوسفزاد، چاپ اول ۱۳۹۶.
۹. امین، رسول خان، جذابیت در سخنوری، کابل: انتشارات پایپروس، چاپ اول ۱۳۹۷.
۱۰. ایوبی، عبدالله، ژورنالیسم چیست؟ ژورنالیست کیست؟، کابل: انتشارات رسالت، ۱۳۹۱.
۱۱. بیگانه، رحمت الله، رادیو-تلویزیون آموزشی در افغانستان، کابل: انتشارات عازم، چاپ اول ۱۳۸۵.
۱۲. پیشداد، حسین، چطور گوینده شویم؟ تهران: انتشارات سخنوران، (۱۳۹۶).
۱۳. پیکری، علی، شمیم سخن، تهران: انتشارات دانش، (۱۳۹۶).
۱۴. تیرل، رابرت، ژورنالیسم تلویزیون، مترجم: مهدی رحیمیان، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۱.
۱۵. حلت، احمد، فن بیان، تهران: انتشارات گلپا، (۱۳۹۵).
۱۶. دنی، ریچارد، گوینده خوبی باشید!، تهران: انتشارات فراوان، (۱۳۹۴).
۱۷. دهقانی، بهمن، سخنرانی به زبان ساده، تهران: انتشارات سخنوران، چاپ اول ۱۳۹۵.
۱۸. رسولی، احمدرضا، آموزش فن بیان، تهران: انتشارات هورمزد، (۱۳۹۶).

۱۹. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، گویندگی و اجرای بازی‌گری، کابل: ۱۳۹۶.
۲۰. عباسی، حجت‌الله، اصول کاربردی خبرنگاری، تهران: انتشارات صداوسیما، چاپ چهارم ۱۳۸۹.
۲۱. غیاثی، عبدالمحمد، نیم‌قرن ارتباط و پیوند از طریق صدا، کابل: مجله آواز، چاپ اول ۱۳۷۰.
۲۲. فرحتیار، مرتضی، نگاهی به رهنمودهای رادیو ژورنالیزم، کابل: انتشارات ازهر، چاپ اول ۱۳۹۱.
۲۳. قاسمی، سید محمدامین، حرفهای سخن‌بگویند، تهران: انتشارات تعالی، (۱۳۹۶).
۲۴. لاهو، راجر، مترجم سیروس نویدان، صدای خود را آزاد کنید، تهران: چاپ اول ۱۳۹۵.
۲۵. مشعل، محمد اسماعیل، فن گویندگی در رادیو و تلویزیون، کابل: انتشارات خاور، چاپ اول ۱۳۸۹.
۲۶. معینی، علی‌رضا، تربیت صدا و گویندگی، تهران: چاپ اول ۱۳۹۱.
۲۷. نعمتی، نعمت، فن بیان و آیین سخنوری، تهران: انتشارات بوتیمار، (۱۳۹۲).
۲۸. نوربخش، عبدالعظیم، هنر گویندگی، کابل: انتشارات عازم، چاپ دوم ۱۳۹۴.
۲۹. نوری، امیر، گویندگی و فن بیان، تهران: ۱۳۹۴.